مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــــــ

نموده و بحمدالله در تنقیح مسائل شرعیه و مبانی نظریه صاحب‌نظر و متخلق به اخلاق و فضائل حسنه می‌باشند ...».
و دیگری نوشته است:
بعد السلام و التحیة لا یخفی ان سماحة العالم المحترم آیت‌الله الحاج الشیخ محمّدعلی الگرامی القمی دامت برکاته من المجتهدین البارعین المتضلّعین فی اصول الفقه و الفلسفة فینبغی ان یغتنم وجوده و یستفاد من دروسه و محاضراته العلمیة فی الحوزة العلمیة حفظه‌الله تعالی و کثّر امثاله والسلام علیکم و رحمةالله و برکاته.
و اینك به تدریس فقه و اصول، و اقامه جماعت در دفتر معظم‌له و پاسخ به مسائل به استفتائات و مراجعات اشتغال دارند.
نمایندگی‌های دفتر معظم له در تهران و اراك و مشهد و ... موفق به خدمات می‌باشند.

---

(۱)- صحیفه امام، ج ۱ و ۲.

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۷

عقاید

سؤال ۱: ضمانت به کدام صفات خدا برمی‌گردد؟ (مثل ضمانت بهشت یا ضمانت رزق رساندن).
(جواب): بسمه تعالی صفت فعلی است، فرع عهد، و آن هم در خداوند فرع وهابیّت و معطی می‌باشد.
سؤال ۲: آیا این ضمانت خداوند نظیر این معناست: «ضمانت ما اهل بیت به منزله دین است».
(جواب): بسمه تعالی اخلاقی است چیزی بر خدا واجب نیست؛ لیکن از خدا حتماً انجام می‌شود (بر خدا نه، از خدا آری). در اهل بیت علیهم السلام به معنای دین و ذمه می‌باشد.
سؤال ۳: آیا منظور از (جنّات) بهشت آن دنیا است یا هر چیز مطلوب را شامل می‌شود؟
(جواب): بسمه تعالی ظاهر حدیث، بهشت آخرت است.
سؤال ٤: آیا ذات خداوند متعال و مخلوقاتش در اصل حقیقت وجود اشتراك و سنخیتی دارند، مثل نور آفتاب و مراتب آن؟ توضیح این که نور شدید خورشید و نور ضعیف آن با هم متفاوتند و فرق دارند، ولی در اصل حقیقت نور بودن به معنای حقیقی با هم اشتراك دارند، یا مانند نور خورشید و نور لامپ و نور شمع که با هم فرق دارند ولی در اصل ذات و حقیقت یك سنخند یا مانند نور سفید، نور سبز و قرمز و ... که در اصل نور بودن مشترکند.
همین‌طور وجود، هم که حقیقت خارجی است و مثل نور مراتبی دارد که اعلی درجه آن ذات باری تعالی است و مخلوقات در مراتب بعدی و اضعف آن،

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۸

سلسله وار قرار دارند. اما همه در ذاتی که از آن تعبیر به وجود می‌شود مشترکند و یك جنس هستند و ماده اصلی تشکیل دهنده آنها (خالق و مخلوق) یکی است.
(جواب): بسمه تعالی چند نظریه معروف است ۱- وجودات کلاً حقائق متباینه هستند. ۲- همه از یك حقیقت می‌باشند و تفاوت در درجات وجود است. ۳- وجود فقط خداست و دیگران نسبتی با وجود دارند، خودشان

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــــــ

موفقیت طی کند چه کارهایی باید انجام دهد؟ ج) برای رهایی از شهوت، چه کار کنیم تا در این دام گرفتار نشویم؟ د) چه کاری انجام دهیم که در نماز توجه به معبود داشته باشیم؟

(جواب): بسمه تعالی الف) کسی که سوء ظن دارد اگر ترتیب اثر بر خیال خود بدهد، حرام است. ب) طبق نظر رساله مرجع، و طبق دستورات علمای اخلاق عمل کند و به‌خصوص مواظبت بر آداب و زیارات شرعیه نماید. ج) روزه، ورزش، عبادات، درس، عقد موقت، اگر امکانش باشد و یا دائم اگر ممکن شود با دقت بسیاردرانتخاب.

د) اول تکبیر خیلی مواظب باشید و از خداوند توفیق توجه تا آخر نماز بخواهید و در ضمن نماز اذکاری که بی توجه بودید تکرار کنید.

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۱۰

سؤال ۱۰: در سیر الی الله مراحل ذیل بیان شده است. یقظه (بیداری از خواب غفلت)- توبه (بازگشت به طرف خدای متعال)- استقامت (طلب مقاومت و دارا شدن قاطعیت، تکیه بر خدا، اعتماد به نفس، صبر در مقابل گناه و مصیبت و عبادت)- صراط مستقیم (دوری از هر گونه افراط و تفریط در اعمال و عقاید و افکار و داشتن مراقبه و محاسبه)- محبت به خدای متعال و تنظیم آن به متعلقات الهی بر اساس مقدار قرب به خدا- جهاد با نفس- عبودیت و بندگی خدای متعال. آیا مراتب فوق اعتقاد انحرافی محسوب می‌شود؟

(جواب): بسمه تعالی صرف بیان مراحل مزبور و عمل به آن هیچ اشکالی ندارد.

لیکن مراقب باشید یك گروه ممتاز، مقابل فقهاء و تابع یك مرشد جدای از فقهاء در اعمال فردی و اجتماعی خود نباشید، دستور امام زمان علیه السلام پیروی از فقهاست، لیکن این مطالب را فقهاء دارند و اشکالی هم ندارد.

سؤال ۱۱: اعتراف به گناه در محضر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت ایشان علیهم السلام با توجه به آیه «ولو إنّهم إذ ظلموا أنفسهم جائوك فاستغفروا الله واستغفر لهم الرسول لوجدوا الله توّابا رحیما»، و روایات مانند «بهلول نبّاش»، و در مواردی در محضر اولیای خدا و مراجع تقلید (مثل بیان مال مخلوط به حرام یا گفتن روزه نگرفتن) چگونه است؟

(جواب): بسمه تعالی اقرار به گناه در محضر اولیاء خدا به طور اجمال و برای اصلاح نفس و پیدا کردن راه به نظر اینجانب اشکال ندارد. لیکن به طور اجمال و به قصد اصلاح و راهیابی برای عمل. آیه کریمه ذکر خاص گناه را ندارد، اجمالا شخصی گناه کرده و برای توبه نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد. بهلول نبّاش بر فرض صحت سند حدیث، معلوم نیست کار درستی بوده است. البته ممکن است در جمع بین ادلّه بگوییم قدر مسلم حرمت بیان انجام گناه به طوری که موجب تمایل به گناه و اشاعه فحشا شود، نه با ذکر پشیمانی و اظهار توبه. لیکن به هر حال تفصیل ذکر گناه خوب نیست.

سؤال ۱۲: بعضی اعتقاد دارند که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله که علم ما کان و ما یکون را خدای تعالی به ایشان داده، درس نخوانده ولی دارای سواد خواندن و نوشتن بوده و امّیّ منسوب به امّ القری است، آیا این اعتقاد ضاله و یا انحرافی است؟

(جواب): بسمه تعالی اینجانب هم همین‌طور فکر می‌کنم، لیکن یقین ندارم؛ چون در صلح حدیبیه پیامبر صلی الله علیه و آله از علی علیه السلام جای کلمة الله را پرسید و به هر حال این مسأله

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــــــ

سؤال ۱۷: ۱- آیا همان‌طور که اسما الله تعالی توقیفی هستند اسماء مقدسه‌ی حضرات معصومین علیهم السلام هم توقیفی می‌باشند؟ ۲- آیا مسأله‌ی شهادت مظلومانه حضرت فاطمه‌ی زهرا علیها السلام جزء ضروریات مذهب حقّه‌ی شیعه است یا نه؟ ۳- امامت خنثی برای خنثی در نماز چه حکمی دارد؟ ٤- نظر حضرتعالی راجع به صحت سند دعای صنمی قریش چیست؟

(جواب): بسمه تعالی دلیلی بر توقیفی بودن نیست، لیکن از آن‌جا که عظمت ائمه اطهار علیهم السلام طوری است که هر کس نمی‌تواند درك کند، نباید سلیقه‌ای عمل شده هر کس لقبی و اسمی به خیال خود اختراع کند.

۲- از ضروریات تاریخی شیعه است، نه ضروریات اصل مذهب که اگر کسی معتقد به آن نباشد، سنّی حساب شود یا کافر. ۳- جایز نیست. ٤- محتوای دعای مزبور صحیح است، گرچه سند معتبری ندارد.

سؤال ۱۸: وقتی از منزل جهت کار خارج می‌شوم می‌گویم خدایا برای رضایت شما قدم برمی‌دارم و در طول روز برای رضایت شما کار می‌کنم، و در طول روز یادم می‌رود که بگویم خدایا برای رضایت تو؛ چون بسیار حجم کارم بالا می‌باشد، از کجا بفهمم که در طول روز ریا نکرده‌ام و به خاطر خدا بوده است؟

(جواب): بسمه تعالی شما گویا وسواس دارید. همین که اول وقت با خداوند

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۱۳

رابطه برقرار می‌کنید الهی هستید، مگر این که بعداً نفی کنید، با صرف فراموشی تکرار کردن نیت، ریا کار نمی‌شوید.

سؤال ۱۹: حکم شرعی شخصی که هیچ‌گونه مسئولیت شرعی و عرفی ندارد و مسلمانی را که هیچ‌گاه درصدد انکار دین برنیامده، با دشنام و ناسزا در یکی از نشریات محلی، صفت ملحد دهد چیست؟

(جواب): بسمه تعالی نسبت الحاد به دیگران دادن، مستوجب حدّ و گناه بزرگی است. مگر این که دلیل روشنی بیاورد که دادگاه بپذیرد، ملاك الحاد نفی الوهیت خداوند و یا نفی رسالت حضرت خاتم الانبیاء می‌باشد. اگر کسی شهادتین را قبول دارد مسلمان است و نسبت کفر به او گناه بزرگی است.

سؤال ۲۰: یکی از روحانیون در جمعی فرموده است: قبلا می‌گفتم جوانان حضرت مهدی (عج) را می‌بینند، ولی امروز می‌گویم حتی پیرمردها هم آماده باشند که آقا را خواهند دید (یعنی ظهور بسیار نزدیك است) آیا این جمله صحیح است؟

(جواب): بسمه تعالی اگر به طور احتمال گفته، اشکال ندارد؛ ولی اگر به طور قطع گفته، طبق دستور روایات باید بگوییم دروغ است! اساساً برخی از علائم ظهور هنوز نشده و کسی نمی‌داند کی و چگونه؟ این‌گونه تعیین وقت مسلماً به ضرر دین است.

سؤال ۲۱: اگر اسلام دینی است که با شناخت باید در او وارد شد، چگونه دختر نه ساله و یا پسر پانزده ساله می‌تواند این شناخت کامل را پیدا بکند؛ لذا اگر به بیست یا سی یا چهل سالگی برسد، و به این نتیجه برسد که اسلام دین کامل و به حق نیست، چرا مرتد می‌شود؟ او که از اول با شناخت قبول نکرده بود در این رابطه چه فرمایشی دارید.

(جواب): بسمه تعالی شناخت غیر از ایمان است، ایمان بایقین است و بدون معرفت کامل هم ممکن است شخص به چیزی یقین کند و بعدها معرفت کامل‌تری پیدا کند. با یقین مسلمان حساب می‌شود هرچند با برهان عقلی نباشد.

سؤال ۲۲: آیا بهترین راه برای کسب معارف اسلامی و دین شناسی عمیق وارد شدن به حوزه‌های علمیه است، یا با روش‌های دیگر نیز می توان به این نتایج رسید؟

(جواب): بسمه تعالی بدون راهنمایی علما نمی‌شود، لیکن لازم نیست مستقیماً طلبه شود.

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۱۴

سؤال ۲۳: آیا عوام اهل سنت نیز به هلاکت می‌رسند یا فقط علمای آنها؟ با توجه به این که ابوبکر و عمر از اولین ایمان آورنده‌ها بودند، آیا بعدها منحرف شدند یا از ابتدا عقیده نداشتند؟

(جواب): بسمه تعالی عوام که قدرت تحقیق نداشته‌اند، جهنمی نیستند؛ لیکن فعلاً که نام شیعه را شنیده‌اند باید تحقیق کنند. ما از نیّت اولیه آن دو نفر اطلاع نداریم، لیکن در برخی روایات آمده که آنها به امید رسیدن به حکومت، اظهار ایمان کرده‌اند، خدا می‌داند. به هر حال فاطمه زهرا علیها السلام را آزرده‌اند و کسی که آن حضرت را بیازارد خدا را آزار داده است.

سؤال ۲٤: کسانی که در کشورهای غیر اسلامی زندگی می‌کنند، ممکن است فرزندان خود را به معارف اسلامی آشنا نموده و جلوی انحراف‌شان را بگیرند و اما نسل‌های بعدی به احتمال زیاد تحت تاثیر جوامع غیراسلامی قرار خواهد گرفت. آیا انسان مسؤول نسل‌های بعد از خود هست؟ آیا زندگی نمودن در کشورهای غیراسلامی با احتمال فوق حرام است؟

(جواب): بسمه تعالی اگر می‌داند که فرزندانش، انحراف عقیدتی پیدا می‌کنند و در کشورهای اسلامی محفوظ هستند، باید هجرت کنند لیکن اگر به این مطلب مطمئن نیست، اشکال ندارد، همان‌جا مراقب باشد و در عوض افراد دیگر همان جاها را تبلیغ دین کند، بسیاری از کشورهای دیگر به وسیله مسلمان‌هایی که آن‌جا بوده‌اند یا رفت و آمد کرده‌اند، مسلمان شده‌اند. البته هجرت تنها برای حفظ خود و نسل خود نیست، برای تقویت حکومت مرکزی اسلام هم می باشد.

سؤال ۲۵: در کتاب تورات چنین آمده است: همنوعت را چون نفس خود دوست بدار، بر همسایه‌ی خود شهادت دروغ مده، به خانه‌ی همسایه‌ی خود طمع مورز و به زن همسایه‌ات و غلامش و کنیزش و گاوش و الاغش و به هیچ چیزی که از آن همسایه‌ی تو می باشد، طمع مکن. تورات، سفر خروج پاسوق ١٦ و ١٧. در کتاب انجیل نیز چنین می‌خوانیم: همسایه‌ی خود را چون نفس خود محبت نما. انجیل متا، باب ۳۹ آیه ۲۲ و هم‌چنین در انجیل لوقا باب ۱۱ از آیه‌ی ۲۵ به بعد ضمن بیان همین مطلب از جانب حضرت عیسی علیه السلام با ذکر مثلی بیان می‌دارد که منظور از همسایه، همنوعتان است نه هم

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۱۵

دین یا هم کیشتان. در ضمن در انجیل لوقا باب ٦ آیه ۲۷ تا ۳۲ چنین می‌خوانیم:

دشمنان خود را دوست بدارید و با کسانی که از شما نفرت کنند، احسان کنید و هر که شما را لعن کند برای او برکت بطلبید و برای هر که با شما کینه دارد دعای خیر نمایید ...

زیرا اگر محبان خود را محبت نمایید شما را چه فضل است؟ زیرا گناهکاران هم محبّان خود را محبت می‌نمایند.

«اما بر خلاف این دو کتاب، که کتاب دو دین یهود و مسیحیت می‌باشد و به صراحت هم نوع دوستی را تأکید داده است؛ اسلام نه تنها به نوع دوستی و انسانیت توجهی نکرده، بلکه به صراحت دستور داده است که با همکیشان و هم فکران خود مهربان باشید و با کسانی که هم اندیش شما نیستند با شدت و غلظت رفتار نمایید. چنان‌که در قرآن آمده است: «محمّد رسول الله والذین معه اشداء علی الکفار رحماء بینهم» سوره فتح آیه ۲۹. ضمن این که به همین مقدار نیز اکتفا نکرده، قتل و به ذلت و خاری کشاندن کسانی که به افکار مسلمانان معتقد نیستند را جایز دانسته است. «قاتلوا الذین لا یؤمنون بالله ولابالیوم الاخر ولایحرمون ما حرم الله ورسوله ولایدینون دین الحق من الذین اتوا الکتاب حتّی یعطوا الجزیه عن ید وهم صاغرون» سوره توبه آیه ۱ و ۲۹. حال با توجه به این مطالب، و با توجه به اعمال غیر انسانی که در چند سال اخیر توسط عده‌ای مسلمان، مانند اعمال انتحاری، که عده‌ای از مراجع آن را استشهادی نام برده‌اند؛ ۱- آیا می توان گفت که بنیان دین اسلام بر انسان دوستی و انسان سازی و استقرار صلح و امنیت است؟ آیا اساساً در قرآن آیه‌ای وجود دارد که صراحتاً دلالت بر احترام به عقاید و افکار دیگر انسان‌ها باشد؟ آیا آیات فوق نیز دفاعی است؟! فقهای اسلامی که کتاب‌های تورات و انجیل را جزو کتاب‌های ضاله و تحریف شده می‌دانند؛ چگونه است که در آن کتاب‌های ضاله! برای حیات انسانی ارزش قائل شده است، ولی در کتاب قرآن که وحی و کلام خداوند است و هیچ تحریفی در آن روی نداده تنها برای معتقدین خود ارزش حیاتی قائل است؟

۲- در اعتقاد به منجی آخر الزمان دو نوع اندیشه موجود است؛ یکی مسیحی و دیگری شیعی. مسیحیان معتقدند که عیسی مسیح به آسمان عروج کرده و در موعد مقرر از آسمان برخواهد گشت. اما در تفکر شیعی عقیده بر آن است که امام دوازدهم در

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۱۶

سردابی که در سامرا می‌باشد ناپدید شده و چون در آن محل چاهی وجود داشته است، معتقدند که امام به داخل چاه رفته است. که هم اینك آن محل را با همان روزنه آراسته‌اند. به ظاهر فلسفه‌ی چاه جمکران نیز بر گرفته از همین عقیده باشد. چنان‌چه مشاهده می‌کنیم که افراد برای عرض ارادت یا درخواست از امام نامه‌های خود را به داخل چاه می‌اندازند. حال به عقیده‌ی شما کدام یك از این دو عقیده زیباتر است؟.

منجی که به آسمان رفته؟ یا منجی که به چاه فرو رفته؟ آیا این عقیده‌ی شیعی خود برگرفته از تاریك‌اندیشی نظریه پردازان دینی‌اش نیست؟ در اندیشه‌های دینی، آسمان مکان ملائکه و فرشتگان و زیر زمین مکان جنیان و شیاطین است. چگونه است که منجی دینی ضاله! به مکان ملائکه رفته اما منجی فرقه‌ی حقه در مکان جنیان و شیاطین سکنا گزیده است؟ اگر منجی شیعیان در خارج از چاه ساکن است، پس چرا علماء شیعه دستور نمی‌دهند تا چاه‌های جمکران را پر کرده و جلوی انداختن عریضه به آن را بگیرند؟ مستدعی هستیم تا به این سؤالات عقیدتی که به عرض رسید پاسخی قانع کننده بدهید؛ چنان‌چه به خاطر پرسش این سؤالات ما را مستحق گردن زدن نمی‌دانید.

ما به دنبال کشف واقعیت هستیم ضمن این که این مطالب تنها گوشه‌ای از پرسش‌هایی است که در ذهن بسیاری از جوانان کشور است. با تشکرات فراوان. جمعی از دانشجویان دانشگاه‌های ایران.

(جواب): بسمه تعالی ۱- آیات و روایات محبت و لطف در قرآن و روایات بسیار است. رحمة للعالمین، ارحم الراحمین، لا تقنطوا، لطیف بعباده، ... کافی است قرآن را از اول به دقت مطالعه کنید. شروع قرآن با بسم الله الرحمن

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــــــ

وکیف کان نحن نتکلم حول هذه الکتب التی بایدینا و مؤلفها.

۲- صرف العلم بآرائه لا إشکال فیه للمتخصص.

ج) تکلّمنا فی المعاد فی أیام عطلة الحوزه العلمیه فی الجمعات قبل عشرین سنة تقریبا وقد سجّل البحث فی‌المسجلات وسی دی. وکیف کان نحن معتقدون بانه رحمه الله تعالی اشتبة فی رأیه و ان الحقّ ان المعاد جسمانی کجسمانیة عالم الماده لا الجسم المجرد. کما انه رحمه الله اشتبه فی بحث علم الرب تعالی و فی الوحی و فی مسئلة الخاتمیّة للنبیّ و الوصیّ. و لکن ذلك کله لا یوجب هتکه و إهانته فإن له خدمات علمیة کثیرة کما ان صاحب الجواهر مع کمال علمه وقداسته و خدماته اشتبه فی بحث الکر اشتباها عظیماً جداً و تحسبونه هیّناً وهو عند الله عظیم. عصمنا الله وایّاکم.

سؤال ۲۹: ۱- منظور از تولی و تبری چیست؟ با چه اعمالی می توانیم تبری کنیم؟

۲- عده‌ای با استناد به تبری به خلفای اهل تسنن و بعضی از صحابه فحاشی نموده و لعن می‌کنند و وقتی علت را جویا می‌شویم می‌گویند این کار تبری هست و انجام آن واجب می‌باشد. آیا استدلال این عده صحیح است یا خیر؟ و وظیفه ما در قبال تبری چیست؟

۳- برخی آقایان در جواب استفتای حقیر؛ حکم سب و لعن خلفای اهل سنت را به دلیل بروز فتنه و سوء استفاده دشمنان، حرام اکید فرموده‌اند. نظر حضرتعالی چیست؟ آیا در خفا و در صورت نبودن اهل سنت می توان این عده را لعن کرد یا خیر؟ ٤- نظر حضرتعالی در مورد ابولؤلؤ و تمسك به وی چیست؟ با توجه به این که در روایات متعدد ذکر شده قاتل ثانی، غیر مسلمان بوده و تنها یك روایت مسلمان بودن وی را اثبات می‌کند که آن هم از لحاظ رجال ضعیف می‌باشد.

(جواب): بسمه تعالی بدیهی است که باید از ستمگران بیزاری جست و شك نیست که دستگاه خلافت پس از پیامبر صلی الله علیه و آله به اهل بیت آن حضرت و به خصوص علی علیه السلام و زهرا علیها السلام ستم کرده است و خداوند در جایجای قرآن ستمگران را لعنت کرده است؛ لیکن نباید اتحاد مسلمین را بر هم زد، بلکه باید با زبان علمی و تحقیق دیگران را روشن نمود. هر چیزی که منشأ سلطه دشمن بر هر دو فرقه است و اساس اسلام را به خطر می‌اندازد، جایز نیست. روایات مربوط به ابولؤلؤ روشن و ثابت نیست، چنان که سنددرستی‌هم ندارد. می‌گویند مظلوم شده بوده و بدین جهت عمر را ترور کرده است.

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۱۹

سؤال ۳۰: مؤمن آیا همان مسلمان است یا خیر؟

(جواب): بسمه تعالی در اصطلاح فقهی مؤمن به معنای شیعه است و در اصطلاح قرآنی کسی است که به هر چه پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده ایمان و اعتقاد داشته باشد و چون غیر شیعه، فرموده پیامبر صلی الله علیه و آله را درباره‌ی وصیّ قبول نکرده است، بنابراین شیعه فقط، مؤمن است.

سؤال ۳۱: آیا مقام و منزلت حضرت عباس علیه السلام از پیامبران که اولوالعزم نیستند بیش تر است؟

(جواب): بسمه تعالی البته پیامبران مقام عصمت حتمیّه- با ضمانت الهی- را دارند، در روایات ما هم وارد شده که همه‌ی شهدا به مقام حضرت عباس علیه السلام غبطه می‌خورند، نه همه‌ی پیامبران. لیکن مقام شهادت و اخلاص

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــــــ

اعاده، به فتوای اعلم تمسك نماید.

سؤال ۳۶: منظور از «اهل علم» در رساله توضیح المسائل که می‌فرمائید: «مثل آن‌که از اهل علم باشد و بتواند مجتهد و اعلم را بشناسد»، چه کسانی هستند؟ (روحانی، طلبه، استاد دانشگاه و ...).

(جواب): بسمه تعالی منظور متخصّص در فقه و اجتهاد می‌باشد.

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۲۱

سؤال ۳۷: مرجع تقلید اینجانب مرحوم آیت الله فاضل لنکرانی بودند که پس از فوت ایشان فرد خاصی را انتخاب ننموده‌ام و بر ایشان باقی بودم، در حال حاضر می‌خواهم از یك مرجع تقلید جدید که از همه لحاظ عالی باشد، تقلید کنم. لطفاً مرا راهنمایی فرمایید چون هیچ شناخت و معرفتی نسبت به علمای دیگر ندارم.

(جواب): بسمه تعالی اگر متحیر مانده‌اید و راهی برای معرفت دیگران ندارید، مخیّر هستید؛ یعنی میان آقایان فقهای صاحب رساله که اشتغال تدریس و خدمات علمی دارند و شما متحیرید که کدام را انتخاب کنید، مخیر هستید.

سؤال ۳۸: آیا زن می‌تواند مرجع تقلید شود؟

(جواب): بسمه تعالی به نظر اینجانب رجولیت شرط است.

سؤال ۳۹: تقلید از مجتهدی که اکثر یا غالب فتاوایش خلاف مشهور و یا حتی خلاف اجماع فقهاء است، چه صورت دارد؟ و آیا این جهت می‌تواند به تنهایی و بدون لحاظ کردن شرایط دیگر مرجعیت، دلیل بر عدم جواز تقلید از چنین فقیهی باشد؟

(جواب): بسمه تعالی بی‌اعتنایی به مشهور فقهاء در همه یا بیش‌تر مسائل، حاکی از غرور و استبداد فکری است که آن هم منشأ خطاهای بسیار می‌شود.

سؤال ۴۰: آیا می‌شود به صرف این که مجتهدی در محافل علمی شهرت دارد بگوییم تقلید از او صحیح است و اگر در محافل علمی شهرت کافی ندارد و شناخته شده نیست بگوییم تقلید از او صحیح نیست؟

(جواب): بسمه تعالی اگر شهرت بین خواص باشد و معارضی هم نداشته باشد، می‌توان اعتماد کرد، به عنوان یکی از راه‌های ثبوت واقع، لیکن مطلق وثوق به اجتهاد و اعلمیت کافی است، هر چند از راه‌های دیگر. مثل این که می‌داند او استعداد خوبی دارد و همواره هم مشغول بوده است و به اعتراف دیگران تألیفات خوبی هم در فقه دارد.

سؤال ۴۱: الف) شخصی از مجتهدی (مثلاً به نام زید)، تقلید می‌کند و او را اعلم می‌داند. آیا جایز است از شخصیت و علمیتش برای دیگران صحبت کند و نظرات فقهی او را برای مردم بیان کند، تا مردم را نسبت به او و نظراتش آشنا گرداند؟ از باب این که در شناساندن او به مردم احساس مسؤولیت می‌کند. و ناگفته نماند که کسی را اجبار نمی‌کند که از او تقلید نماید بلکه اگر هم نظرات فقهی او را بیان می‌کند، تذکر می‌دهد که

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۲۲

این نظر، نظر زید است و اگر شما به این نتیجه نرسیدید که او اعلم است باید از مجتهدی تقلید کنید که او را اعلم می‌دانید. ب) با توجه به مطالبی که بیان شد آیا دیگران می‌توانند مانع شوند و جلوی او را بگیرند؟

(جواب): بسمه تعالی الف) مسلماً جایز است و ثواب دارد. بلکه می‌توان گفت لازم است. اگر وظیفه‌ی دیگران

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــــــ

امت، در صورت ثبوت هر کدام برای شخص مجتهد جامع الشرایط برای جمع مجتهدین، در شورا نیز شامل می‌شود یا نه؟ و اگر هست در مقام ترجیح، از باب جلوگیری از اشتباه و خطای بیش‌تر، بهتر نیست به افتاء و قضاء شورایی اقدام نمود؟ ۷- در تصرف در سهم امام علیه السلام استدلال می‌کنند که علت این که باید به واسطه فقیه و مرجع تقلید باشد، این است که فقیه به مصرف مورد نظر امام علیه السلام آگاه‌تر است. آیا به همین دلیل نمی‌شود گفت شورایی از فقهاء نظرشان به نظر مبارك امام زمان (عج) نزدیك‌تر است؟

(جواب): بسمه تعالی ۱- اگر بحث اجتهاد و تقلید فقط بر اساس طریقیت محضه بود از نظر صناعی و فنی نه تنها رجوع به شورا جایز، بلکه لازم بود، البته اگر اعلم در خارج از شورا نباشد. لیکن فقط بر اساس کشف و طریقیت محضه نیست، بلکه بر

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۲۴

خلاف نظر برخی بزرگان، به نظر می‌رسد همان‌طور که در ارتکاز متشرعه از قدیم بوده است، مرجعیت تقلید یك منصب هم می‌باشد، و متشرعه هرگز برای تحصیل احکام شرعیه به افراد فاسق و کافر و مخالف رجوع نمی‌کرده‌اند، هر چند اهل تحقیق و خبره باشند. امام صادق علیه السلام هم به کسی مثل «ابان» می‌فرماید: «اجلس في المسجد و أفت الناس»! نه به هر کس. هیچ یك از امامان هم به مردم هشدار نداده‌اند که میزان در رجوع به فقیه، کشف حکم فقط می‌باشد. بلکه مخاطبان تجویز افتاء کسانی خاصّ چون ابان، زکریا و ... می‌باشند و در برخی نقل‌ها قید شده که: «... حافظا لدینه صائنا لنفسه مخالفا لهواه ...» باشد. بنابراین جهات دیگر نفسانی نیز دخالت داشته و فقط کاشفیّت از حکم واقعی منظور نیست.

۲- تا ظهور امام زمان علیه السلام و دخالت مستقیم معصوم علیه السلام در حکومت، هر گونه شورا تحت سیطره قدرت‌ها قرار می‌گیرد، و دخالت‌های ایذایی انجام می‌شود، که افراد لایق و چه بسا اعلم گوشه‌گیری را انتخاب و از گردونه خارج، و در نتیجه مردم از حقیقت محروم می‌شوند، و در نتیجه اساس کاشفیت هم از بین می‌رود. و این است که برخی بزرگان گفته‌اند: «نظم ما در بی‌نظمی است»! منظور آن نیست که واقعاً هرج و مرج مطلوب است؛ بلکه یعنی استقلال روحانیت از همه چیز مهم‌تر است.

۳- تبعیض در تقلید اشکال ندارد، خصوصاً اگر یکی در یك باب اعلم و دیگری در باب دیگر اعلم باشد. لیکن باید توجه داشت که مرجع تقلید باید معظم مسائل فقه را اجتهاداً بداند. تعبیر: «احکامنا، حلالنا، حرامنا و ...» را در مقبوله عمر بن حنظله و ...

ملاحظه کنید، این تعبیر اگر کل فقه را منظور نداشته باشد لااقل جلّ فقه را منظور دارد.

٤- مناصب دیگر چون دخالت در امور حسبیّه و اخذ وجوه نیز به شخص مربوط است و مسأله فقط کاشفیت از واقعیت نیست، بلکه یك منصب الهی است و به هر کس نمی‌رسد. سرّ عدم بیان احکام به تفصیل در قرآن و روایات هم یکی این است که با مراجعه مردم به افراد- نه به عنوان شورا- تربیت روحی پیدا کنند. دلیلی هم بر اعطاء منصب مزبور به عنوان شورا نداریم.

۵- اجتهاد چون حاصل از سالیان دراز تحقیق و زحمت می‌باشد و مبانی خاصی را می‌طلبد و هر مجتهدی نظری خاص در مبانی دارد، اصرار بر شورایی شدن فتوی

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــــــ

سؤال ۵۰: از شیوه‌هایی که حضرت آیت الله العظمی بروجردی طاب ثراه بر آن اصرار ورزیده‌اند، توجّه به آرا و نظریات فقیهان اهل سنت در مقام فهم مقصود از روایات امامان اهل البیت علیهم السلام بوده است. پیدا است که دیگر دانشمندان بزرگ فقه و اصول هم، اصل این رویکرد را- به طور کلی- پذیرفته‌اند. این که قرائن محفوف به کلام اعم از حالیه و مقالیه می تواند به فهم درست کلام کمك کند، در قلمرو اصول فقه امری مقبول است؛ شاید اوج توجه به این مسأله در این بحث اصولی تجلی یافته است که: هل تخص خطابات الشرع بالمشافهین او یعمهم و غیرهم؟ هر چند تأکید خاص حضرت آیت الله العظمی بروجردی طاب ثراه بر توجه به آرای فقهای اهل سنت بویژه آن‌ها که در زمان هر یك از ائمه علیهم السلام آرا و نظریا تشان رایج تر بوده یا مفتی رسمی بوده‌اند، مورد خاصی از توجه به قرائن است که افق‌های نوینی را برای فهم درست کلام امامان معصوم علیهم السلام گشوده است.

پرسشی که درباره‌ی این رویکرد مطرح می‌شود این است که آیا ضرورت دارد تا در مقام استنباط احکام به همان ملاك، به فرهنگ رایج زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و اخلاق، آداب و رسوم مردمانی که مخاطبان اولیه‌ی خطابات الهی و فرامین نبوی صلی الله علیه و آله بوده‌اند نیز به نحو شایسته توجه کنیم؟ بویژه این که به گواهی قرآن مجید و تاریخ مسلّم، مخاطبان اولیه‌ی فرامین اسلام در سطح والایی از فرهنگ و مدنیّت نبوده‌اند و خلق‌ها، آداب و سیره‌های ناپسند فراوانی در میان آنان رایج بوده است. تنها به عنوان یك نمونه، آنان در برابر حقوق اعطا شده به زنان توسط اسلام در جامعه‌ی آن روز مقاومت می‌کرده‌اند؛ حتی گاه

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۲۷

برخی از یاران نزدیك پیامبر صلی الله علیه و آله نیز اعتراضاتی- گرچه محترمانه- داشته‌اند. مردی از این‌که پیامبر صلی الله علیه و آله به پیروی از فرمان خداوند، نصف کل ترکه‌ی میت را به تنها دختر وی بدهد سخت دچار شگفتی شده و گفته است: «چگونه ممکن است دختری که نه سوار اسب می‌شود و از قبیله دفاع می‌کند، و نه به عنوان عاقله، دیه می‌پردازد، نصف ترکه‌ی میت را مالك می‌شود؟» شاید حتی ذیل بعضی از آیات ارث خود قرینه‌ای است که ارث دادن به زنان چه اندازه برای مردم آن روز دشوار بوده است؟ حال پرسش این است که آیا حاکمیت چنین فضای فرهنگی و فکری هیچ گونه محدودیتی فراروی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مقام بیان پاره‌ای از احکام شرعیه ایجاد نکرده است؛ به گونه‌ای که آن حضرت نتوانسته باشند پاره‌ای از احکام واقعیه را بیان نمایند؟

شارع مقدس اسلام برخی از بناهای رایج آن روز را امضا کرده است. درباره‌ی این بناها این پرسش مطرح می‌شود که آیا امضای برخی از آن‌ها صرفاً برای حفظ نظم اجتماعی یا از سر ضرورت نبوده است؟ برای نمونه آیا این احتمال وجود ندارد که امضا و تقریر برده داری- به لحاظ احکامی که در مورد آزادی بردگان وجود دارد و این که پیامبر صلی الله علیه و آله بنابر خبری، خود بشارت آزادی همه بردگان را در آینده داده است- به لحاظ ساختارمند شدن آن و ریشه دوانیدن آن در همه‌ی تار و پود جامعه‌ی آن‌روزبوده است؟

درباره‌ی بناهای عقلایی همچنین این پرسش مطرح است که در امضا و تأیید آن‌ها هر چند با عدم ردع و سکوت، آیا رواج و شیوع، حیثیت «تقییدی» است یا «تعلیلی»؟

آیا چون آن‌ها صرفاً در زمانی رایج بوده‌اند، شارع مقدس اسلام آن‌ها را برای همیشه و با قطع نظر از داوری عقلای آینده درباره‌ی آن‌ها امضا نموده است؛ یا این‌که آن‌ها را به قید رواج و شیوع در میان عقلا امضا کرده است؛ به ویژه با

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــ

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۲۸

عمل به دستور پیامبر و شرع هستیم و دستور شرع را از خطاب می‌فهمیم، یعنی ظهورات خطابیة. احتمالات مانع ظهورات نیست.

۲. اگر بخواهیم احتمالات را دخالت تأثیری بدهیم، لازمه‌اش این است که همه‌ی دستورهای شرع زیر سؤال برود و آنگاه مردمی که حتی در دستورهای صریح هم نافرمانی و معصیت می‌کنند، دیگر هرگز به دستورهای احتمالی عمل نمی‌کنند. توجه کنید که این احتمالات در همه دستورها جاری است حتی نماز، بگوییم احتمال دارد برای جهت گیری مقابل بت پرستی آن زمان بوده است.

۳. اگر دستور شرع مربوط به آن زمان خاص بود، جایز نبوده پیامبر آن را بصورت حکم دائمی مطرح کند و حتی گفتن کاری که ظاهر در دوام است، بر پیامبر حرام است، چرا که موجب اغوای جامعه می‌باشد.

٤. با توجه به آیه‌ی کریمه: «.. ان هو الاّ وحی یوحی» سخنان پیامبر جز در آنچه که جنبه‌ی فرمانی و دستوری خاص دارد، وحی است و از طرف خداوند است. «و ما آتاکم الرسول فخذوه».

۵. دلیل‌های امضائی و تأسیسی فرقی ندارند، اگر عبارت شرع بطور عام و مطلق باشد باید رعایت عموم و اطلاق بشود، چه اشکال دارد که چیزی بطور خاص در مردم اعتبار دارد و شارع همان را به‌طور عام بپذیرد و با تعبیر عام برای ما بازگو کند، ما هم باید اطاعت کنیم و همین‌طور عکس این.

٦. اسیران جنگی را چه باید بکنیم؟ بکشیم؟ آزاد کنیم؟ زندان کنیم؟ به دست خانواده‌ها بسپریم و به اصطلاح تربیت ملی دهیم؟ لطفاً به کتابچه نگاهی به بردگی به قلم اینجانب رجوع فرمائید.

۷. این‌که فقه ما بمنزله‌ی حاشیه فقه عامه باشد که از آن بزرگوار نقل است به طور مطلق نمی‌توانیم بپذیریم! برخی عبارات اشاره به حرف آن‌ها دارد لیکن همه جا این‌طور نیست. آن‌جا هم که متعرض حرف آن‌هاست حقیقت مذهب شیعه را هم گفته‌اند. مثلاً «لا جبر و لا تفویض»، ردّ آن‌هاست لیکن دنبال آن «بل امر بین امرین» هم گفته شده است. امید است موفق باشید، از این‌که علی العجاله مختصر عرض شد پوزش می‌خواهم.

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۲۹

تشخیص اعلم

سؤال ۵۱: شخصی در حدّ توان خودش چه به صورت ملاقات و مراوده‌ی حضوری و چه با مطالعه‌ی کتب مجتهدین حیّ، اعم از رساله‌ی عملیه، استفتائات، کتب تفسیری، دینی، اعتقادی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و ... که

نوشته‌اند به این نتیجه می‌رسد که در مجموع آقای زید از دیگران اعلم است. آیا می تواند به این علم اجمالی خود عمل کند و از او تقلید نماید؟

(جواب): بسمه تعالی میزان، اعلم در مسائل عملی، یعنی فقه می‌باشد. مسائل غیر عملی مثل تفسیر (غیر آیات الاحکام) و ... در این جهت دخالتی ندارند، مگر این که از آن راه پی به دقت در مسائل عملی او برده باشد، در عین حال باید مسائل عملی، یعنی فقه مورد توجه باشد.

بحث اصولی- مقدمه‌ی واجب و ..

سؤال ۵۲: این که گفته می‌شود «مقدمه واجب، واجب است و مقدمه‌ی حرام، حرام» می‌باشد، آیا کلیت دارد؟ مقدمه مستحب و مکروه چه‌طور؟ لطفاً توضیح دهید.

(جواب): بسمه تعالی حکم ذی المقدمه بر مقدمه جریان دارد، لیکن این حکم در ذی المقدمه شرعی است و در مقدمه، عقلی.

مفهوم حکمت در قرآن

سؤال ۵۳: مقصود از حکمت که در قرآن کریم آمده است، آیا همان علم فلسفه مُصطلح است یا خیر؟

(جواب): بسمه تعالی حکمت، علمی است که به‌طور برهانی درباره هستی به طور عام و شامل، بحث می‌کند. و تنها علمی که از این مسائل بحث می‌کند فلسفه است.

ممکن است برخی مطالب کتاب‌های فلسفی اشکال هم داشته باشد مثل همه علوم دیگر، لیکن احتمال یا قطعیت اشتباه از ارزش علم نمی‌کاهد.

شریعت، طریقت، حقیقت

سؤال ٥٤: نظر مبارك حضرتعالی راجع به شریعت، طریقت و حقیقت چیست؟ آیااز ناحیه‌ی خداوند تبارك و تعالی در قرآن کریم و از طرف حضرات اهل بیت علیهم السلام چنین

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۳۰

تعابیری آمده و نیز آیا چنین تقسیم‌بندی مورد تائید و امضا آن ذوات مقدسه بوده است؟

(جواب): بسمه تعالی در کتاب مستدرك الوسائل در باب ٤ جهاد نفس از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که: «الشريعة اقوالي والطريقة أفعالي والحقيقة احوالي»، لیکن سند درستی ندارد. همه چیز باید از طریق شرع و از مسیر اهل بیت علیهم السلام رسیده باشد.

مرحوم امام خمینی قدس سره، هم در فصّ ایوبی شرح فصوص همین مطلب را دارند.

احکام وضعی و تکلیفی

سؤال ۵۵: چه فرقی بین احکام وضعی و تکلیفی وجود دارد؟

(جواب): بسمه تعالی این یك بحث علمی است نه استفتایی و عملی. به کتب اصول رجوع شود. اجمالاً تکلیف امر و نهی و وضع، وجود و عدم دارد. اولی مربوط به باید و نباید است و دومی مربوط به بود و نبود.

حکم حکومتی

سؤال ٥٦: در زمان حاضر که رهبریت جامعه‌ی اسلامی در امور سیاسی، اجتماعی و مملکتی بر عهده‌ی یك نفر

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــــــ

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۳۲

انحصار خداست. ولی در زیارت جامعه کبیره آمده است: «ایاب الخلق إلیکم وحسابهم علیکم» که به نظر می‌رسد این جمله از زیارت با نصّ قرآن منافات دارد. لطفاً توضیح بفرمایید.

(جواب): بسمه تعالی منظور از «إلینا» در قرآن کریم، دستگاه ربوبی است که اهل بیت علیهم السلام هم در همان جایگاه جای دارند. ضمیر متکلم مع الغیر به همین تناسب آمده است.

سؤال ٦٤: خداوند متعال در سوره‌ی مبارکه‌ی مؤمنون می‌فرماید:

وَلَقَدْ خَلَقْنَا الإِنسَانَ مِن سُلاَلَةٍ مِن طِينٍ ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَّكِينٍ ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَاماً فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْماً ثُمَّ أَنشَأْنَاهُ خَلْقاً آخَرَ فَتَبَارَكَ اللهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ.

الف) مقصود از «الانسان» در «ولقد خلقنا الإنسان من سلالة من طین» چیست؟

ب) وجه این که در این آیات شریفه در سه موضع از «ثم» و در سه موضع دیگر از «فاء» عاطفه استفاده شده است چیست؟ مخصوصاً در «ثمّ خلقنا النطفة علقة»، که ظاهر این است که این عبارت هم مانند عبارت‌های بعدش می‌باشد و بنابراین باید از «فاء» استفاده می‌شد.

ج) خداوند متعال در آیه ۵ سوره‌ی مبارکه حج می‌فرماید: **يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِن كُنتُمْ فِي رَيْبٍ مِنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُم مِن تُرَابٍ ثُمَّ مِن نُّطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ مِن مُّضْغَةٍ مُّخَلَّقَةٍ وَغَيْرِ مُخَلَّقَةٍ**، اکنون این پرسش مطرح می‌شود که چرا در سوره مؤمنون با استفاده از «فاء» عاطفه فرموده است **فخلقنا العلقة مضغة** لکن در سوره حج از «ثمّ» استفاده نموده است؟

د) خداوند متعال در سوره‌ی دهر می‌فرماید **إِنَّا خَلَقْنَا الإِنسَانَ مِن نُّطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَّبْتَلِيهِ** و می‌دانیم که «فجعلناه سمیعا بصیرا»، از نظر تکامل در خلقت انسان و از نظر معنا در حکم «ثمّ انشأناه خلقا آخر» و تفصیل فی الجمله، نسبت به آن می‌باشد. لکن سؤال این است که چرا در سوره دهر از «فاء» عاطفه استفاده نموده، لکن در سوره مؤمنون «ثمّ» تعبیر نموده و فرموده است «ثمّ انشأناه خلقا آخر»؟

ه) چرا خداوند متعال در آیه شریفه «ثمّ جعلناه نطفة في قرار مکین» از کلمه «جعلنا»

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۳۳

استفاده فرموده و نفرموده «خلقنا»، در حالی که در آیه قبلش و هم‌چنین در عبارات آیه بعدش از کلمه‌ی «خلقنا» استفاده شده است، و هم‌چنین در آیه‌ی ۵ سوره حج از «خلقنا» استفاده فرموده است و آیا بین «جعل» با «خلق» تفاوت وجود دارد؟

و) خداوند متعال در سوره‌ی مرسلات فرموده است: **أَلَمْ نَخْلُقكُّم مِن مَاءٍ مَهِينٍ فَجَعَلْنَاهُ فِي قَرَارٍ مَكِينٍ إِلَىٰ قَدَرٍ مَعْلُومٍ**، اکنون سؤال این است که چرا در سوره‌ی مرسلات به وسیله «فاء» عطف نموده و «فجعلناه في قرار مکین» فرموده، لکن در سوره‌ی مؤمنون به وسیله «ثمّ» عطف نموده و «ثمّ جعلناه نطفه في قرار مکین» فرموده است و مقصود از «قرار مکین» در این دو سوره چیست؟

ز) می‌دانیم که فعل «خلق» یك فعل معمولی می‌باشد. لکن ملاحظه می‌کنیم که در این آیات شریفه سوره مؤمنون به

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــــــ

الرازقین، خیرالحافظین و ....

سؤال ٦٥: در بین تفاسیر قرآن کریم که مفسرین شیعه، نگاشته‌اند، کدام تفسیر به نظر حضرتعالی از جمیع جهات بهتر است؟

(جواب): بسمه تعالی هر یك از تفاسیر، در یك جهت امتیاز دارند، مثلاً در ادبیت، کشاف و مجمع و تبیان. در تطبیق بر علوم روز تفسیر طنطاوی. در عرفان،

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۳۵

محی الدین. در اجتماعیات، المنار و فی ظلال و نمونه. لکن بر سر هم از نظر جامعیت، المیزان بهتر است. المیزان تألیف علامه طباطبایی هم جهات عقلانی را مورد نظر دارد و هم اجتماعی و هم ادبی و هم عرفانی.

سؤال ٦٦: با توجه به آیه ۸۲ سوره نمل، بهترین تفسیری که برای «دابة الارض» ذکر شده چیست؟ آیا منظور حضرت علی علیه السلام و به نقلی حضرت مهدی (عج) است؟

(جواب): بسمه تعالی مسلم است که منظور از «دابّه» فردی الهی است که هشدار دهنده نتایج اعمال مردم می‌باشد و چون جمله‌ی «من الارض» دارد، معلوم می‌شود رجعت است، چنان که آیة پس از این آیة نیز مربوط به رجعت است. و بنابراین با حضرت امیر علیه السلام سازگارتر می‌باشد.

شروح نهج البلاغه و صحیفه سجادیه

سؤال ٦٧: در بین شروح نهج البلاغه، کدام شرح را بهتر می‌دانید؟

(جواب): بسمه تعالی شاید شرح مرحوم خوئی رحمه الله (منهاج) از نظر جامعیت، بهتر باشد؛ در خصوص وقایع سیاسی و شأن نزول کلمات آن حضرت، شرح ابن ابی الحدید بهتر است.

سؤال ٦٨: در میان شروح صحیفه‌ی سجادیّه به نظر جنابعالی کدامین شرح موفق‌تر، بهتر و کامل‌تر است؟

(جواب): بسمه تعالی شرح سید علیخان کبیر شاید بهتر باشد.

سؤال ٦٩: از میان ترجمه‌های قرآن کریم کدامین ترجمه را می‌پسندید؟

(جواب): بسمه تعالی زیر نظر خودم ترجمه‌ای انجام شده، اگر چاپ شود شاید بهتر باشد. ولی ترجمه‌های خوب دیگری هم در بازارهای کتاب موجود است. سری به انتشارات بزنید ضمناً بدانید ترجمه هرگز صددرصد طبق حقیقت قرآن نمی‌شود.

ظنی الدلاله بودن قرآن

سؤال ۷۰: آیاحضرتعالی «ظنی الدلالة» بودن‌قرآن‌را قبول دارید؟ لطفاً توضیح دهید.

(جواب): بسمه تعالی آیات فرق می‌کنند برخی ظنی الدلالة به معنای ظاهر الدلالة و گاهی ظن مطلق. لیکن دلالت قطعی هم در اکثر آیات هست، یعنی اگر در مطلبی ظاهر است یا ظن مطلق، در مطلبی هم قطعی است. این است که معتقدم که محکم و متشابه در همه یا بیش‌تر آیات، هر دو با هم هستند، هر یك در جهتی.

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۳۶

اختلاف نظر در مسائل نماز جماعت

سؤال ۷۱: در صورتی که مرجع تقلید زوجین متفاوت باشد، وظیفه‌ی هر یك از آن‌ها چیست؟

(جواب): بسمه تعالی هر کدام باید طبق نظر مرجع خود عمل کنند و اگر به دعوی و نزاع منجر شود قاضی حکم می‌کند.

سؤال ۷۲: بفرمایید دلیل اختلاف نظر مراجع بزرگوار تقلید مخصوصاً در مسائل جدید چیست؟

(جواب): بسمه تعالی اختلاف نظر مربوط به نوع برداشت از ادله فقهی است، استعدادها مختلف و افهام نیز مختلف می‌باشد و اختصاص به فقه هم ندارد، حتی در پزشکی که از امور حسّی و تجربی است نیز اختلاف نظر هست، مقلد مشکلی ندارد و باید پس از تحقیق، از اعلم تقلید کند و اگر عده‌ای مساوی هستند و یا تشخیص اعلم مشکل است، مخیر است از هرکدام تقلید نماید.

سؤال ۷۳: به عرض شما می‌رسانیم در این زمان بعضی از افراد از راه‌های مختلف قصد بدبین کردن مردم نسبت به مراجع بزرگوار تقلید را دارند و یکی از راه‌هایشان این است که از اختلاف نظر در بین مراجع تقلید سوء استفاده می‌کنند. مثلاً عده‌ای نظرات یك مرجع را به صورت ناقص و مقداری را به صورت کامل جمع آوری می‌کنند و نظر چند تن از مراجع دیگر که نظرشان با این مرجع مخالف است را در یك نشریه به چاپ می‌رسانند، و با این کار قصد بدبین کردن مردم نسبت به یك مرجع تقلید و اختلاف بین مسلمین را دارند. بفرمایید این‌گونه کارها شرعاً صحیح است؟ وظیفه شرعی ما نسبت به این‌گونه افراد چیست؟

(جواب): بسمه تعالی اهانت به هر مؤمنی حرام است، تا چه رسد به علماء و خادمان دین مبین. عصمنا الله و ایّاکم. اختلاف نظر در همه‌ی رشته‌های علمی وجود دارد و علامت آزاداندیشی و موجب تکامل است. اگر نظرات یك نفر را اساساً با مبانی اجتهاد منافی می‌دانند و او را اساساً مجتهد نمی‌دانند اشکالی ندارد که دیگران را آگاه کنند.

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۳۷

علوم حوزوی

سؤال ۷٤: میزان اهتمام و اشتغال به فقه و اصول برای یك طلبه که علاقه به شاخه‌های دیگر علوم حوزوی، مانند: تاریخ، فلسفه، کلام و یا تبلیغ را دارد، چه مقدار می‌باشد.

(جواب): بسمه تعالی به نظر اینجانب حتماً یك دوره اصول با دقت، و هر قدر که فقه می‌تواند و لااقل به همان اندازه‌ی اصول.

سؤال ۷۵: به طور کلی به نظر حضرتعالی برای یك طلبه در زمان فعلی یادگیری چه علومی ضروری است، که به واسطه اهتمام به آن پاسخ گوی نیاز زمان خود باشد؟

(جواب): بسمه تعالی فقه، اصول، فلسفه و قدری اطلاعات عمومی. اگر در این سه علم اصلی درست کار کند، بسیاری مسائل دیگر برایش در حدّ مطالعه کافی است.

سؤال ۷٦: از منظر حضرتعالی روش جبران نواقص گذشته درسی اعم از ادبیات، منطق، فقه و اصول برای طلابی که در مرحله سطح عالی هستند و در گذشته خود احساس ضعف می‌کنند و امکان بازگشت کلی به قبل را ندارند، چگونه می‌باشد؟ (لطفاً در صورت تمایل به مصادیقی خاص اشاره نمائید).

(جواب): بسمه تعالی یك هم مباحثه خوب پیدا کنید و در تعطیلات و یا ایام تحصیل اگر فشار نباشد دروس

گذشته را دوره کنید.

سؤال ۷۷: لطفاً به اینجانب توصیه‌ای فرمایید تا راه گشایم باشد.

(جواب): بسمه تعالی تعبد (که بهترین راهش نماز اول وقت، و نماز شب می‌باشد) و توسل را همیشه رعایت کنید. عالم طبیعت سراسر غفلت و جایگاه لغزش است با تعبد و توسل جبران کنید.

سؤال ۷۸: اینجانب طلبه‌ای هستم که در حال حاضر در سال چهارم طلبگی مشغول تحصیل می‌باشم. با توجه به این که دوستان و اطرافیان می‌دانند بنده طلبه هستم، بعضاً برای مشورت در مورد این که طلبه شوند یا خیر به اینجانب مراجعه می‌کنند و بنده هم تا آن جا که در توانم باشد به آن‌ها کمك و آن‌ها را برای طلبه شدن تشویق می‌کنم. اما با توجه به این که اینجانب تازه در ابتدای راه هستم و تجربه‌ای ندارم، می‌خواستم نظر حضرتعالی، که عمر شریف خود را در این راه مقدس صرف نموده‌اید در مورد طلبگی و

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۳۸

طلبه شدن (با همه مشکلاتی که دارد) و هم‌چنین برتری دروس حوزه نسبت به دیگر علوم و دروس بدانم تا ان شاء الله بتوانم از بیانات حضرتعالی برای پیشرفت خود و راهنمایی دیگران استفاده و آن‌ها را به سربازی امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) دعوت نمایم. در ضمن برخی از افراد هستند که علاقه‌مند به دروس حوزوی هستند، ولی نمی‌دانند که آیا بعد از گذراندن سال‌های دبیرستان (یا بعضاً دانشگاه) به حوزه بیایند یا زودتر از آن و بعد از اخذ مدرك سیکل. لطفاً در این مورد نیز راهنمایی فرمایید. در پایان دوست دارم به اینجانب (به عنوان یك طلبه جوان و طلبه‌های هم سن و سال که تازه در ابتدای راه هستیم) نصیحتی فرمایید تا انشاء الله بتوانیم در ظل توجهات حضرت ولی عصر (روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء) و با پیروی از نصایح حضرتعالی به آن جایی که مرضی خاطر حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است برسیم.

(جواب): بسمه تعالی اگر عاشق طلبگی باشد، بهتر است پس از دوره‌ی راهنمایی وارد شود و سریع و خوب درس بخواند که در سن حدود ۱۸ و ۱۹، به درس خارج برسد. و بدانید که البته غنای روحی فقط با دروس حوزوی حاصل می‌شود. برای جبران نواقص، تعبد و توسل را همیشه مدّ نظر داشته باشید.

سؤال ۷۹: مقدار زمان مطالعات غیر درسی و کارهای غیر علمی برای یك طلبه چه مقدار می‌باشد؟ و آیا تبلیغ در ایام تبلیغی برای طلبه مضر است یا خیر؟

(جواب): بسمه تعالی با تنظیم وقت، به همه آن چه بالا گفته شد، می توان رسید، تبلیغ هم مضر نیست؛ بلکه لازم است.

اقتدا به اخباری، شیخی و صوفی

سؤال ۸۰: اقامه‌ی نماز پشت سر امام اخباری، شیخی و صوفی (یعنی قطب یا مُرشد) چه حکمی دارد؟

(جواب): بسمه تعالی ترویج هر گونه مکتبی که خلاف دستور امام زمان علیه السلام است که فرمود: «در حوادث به فقهاء- روات احادیث- رجوع کنید»، خلاف شرع است. و نماز پشت سر آن‌ها نوعی ترویج آن‌هاست.

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۳۹

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــــــ

است. ظاهراً نسخه شستن صحیح است، از اهل بیت علیهم السلام هم که روایات بسیار است.

سؤال ۸۷: لطفاً کتابی را که بتوان در مورد مسأله نجاست سگ در آن احادیثی را پیدا کرد، معرفی نمایید.

(جواب): بسمه تعالی همه‌ی کتاب‌های فقهی و حدیثی در شیعه و سنی. از جمله وسائل الشیعه و مستدرك الوسائل و کتب فقهی چون جواهر و مدارك و مختلف و ....

سؤال ۸۸: در باب بواطن بدن که فرموده‌اند با زوال عین پاك می‌شود و نیاز به آب‌کشی ندارد، آیا منظور این است که باطن مثل دهان، اساساً تنجس نمی‌پذیرد و در واقع ما عین را به دلیل نجاست ذاتی آن یا متنجس مثل آب را به دلیل خاصیت تنجیس آن، ازاله می‌کنیم، یا این که واقعاً باطن متنجس شده و با ازاله، تطهیر- به معنای مصطلح- حاصل می‌شود. ۲- ازاله عین مایع مثل بول یا متنجس مایع مثل آب در باطن‌های مرطوب مثل دهان به چه معنی است؟ آیا همین مقدار که بلعیده شد یا بیرون ریخته شد بلا فاصله بزاق باقی مانده در دهان پاك است هرچند ذرات کمی از همان نجاسات مایع به طور طبیعی هنوز باقی است؟

(جواب): بسمه تعالی بصرف زوال عین نجس پاك می‌شود، این تعبیر فقهی با هر دو معنی سازگار است، لیکن بیش‌تر مناسب با نجس شدن و سپس پاك شدن با ازاله‌ی عین، می‌باشد.

سؤال ۸۹: تقیّد به طهارتی که آیا بدن انسان پاك است یا نه، و آیا لباس انسان پاك است یا نه، و آیا انسان غسل به گردن دارد یا نه، باعث وسواس فرد گردد، چه حکمی

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۴۱

دارد؟ آیا عمل به این نوع طهارت با این حساسیت برای مرد لازم است؟

(جواب): بسمه تعالی این شخص وسواسی است و نباید اعتنا کند، اعتناء زیاد به این‌ها موجب کم اعتنایی به احکام دیگر، چون غیبت و دروغ و مانند آن می‌شود.

سؤال ۹۰: با عنایت به این که آرایشات جدید برای خانم‌ها مرسوم گردیده و یکی از آن‌ها (تاتو) می‌باشد، نظر مبارکتان را در این باره مرقوم فرموده و بفرمایید وضوی این افراد چه صورت دارد؟

(جواب): بسمه تعالی ۱- نفس عمل اشکال ندارد، لیکن در برابر نامحرمان اگر آرایش باشد نباید نشان داده شود. ۲- اگر زیر پوست باشد، برای وضو و غسل اشکال ندارد. اگر روی پوست باشد، برای وضو و غسل مشکل است. اگر برداشتن آن ممکن نباشد یا مشقت داشته باشد حکم جبیره را دارد و احتیاطاً تیمم هم بکند.

سؤال ۹۱: آیا راه رفتن در وضو هنگام شستن دست و مسح اشکال دارد؟ و هم‌چنین میان مسح سر و پاها؟

(جواب): بسمه تعالی اشکالی ندارد.

سؤال ۹۲: آیا می‌شود در ایامی که خون حیض بسیار کم است، با تیمم یا غسل نماز خواند. در مورد روزه هم مقداری توضیح می‌دهید.

(جواب): بسمه تعالی حیض در اول و آخر فرق می‌کند، در آخر تا زردی هست، نمازصحیح نیست حتماً به رساله ما که در سایت هم وجود دارد به تفصیل رجوع کنید.

سؤال ۹۳: اختلاف در وضو بین شیعه و سنی دقیقاً از چه زمانی، و چگونه بوجود آمد؟

(جواب): بسمه تعالی به نظر ما از زمانی که اهل بیت خانه نشین شدند و دست مردم از آن‌ها کوتاه شد، معلوم

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــــــ

نمی‌برند. اگر در طبقه بعدی مسلمان وجود دارد. مثلاً ارث به عموزاده مسلمان می‌رسد و به فرزند کافر شخص متوفی نمی‌رسد، و ازدواج با این‌ها هم باطل است.

ثانیاً: قضات محترم دادگاه‌ها باید توجه کنند که افراد این فرقه در اقوال و گفتار خویش دروغ را برای رسیدن به خواسته خود و هم‌فکرانشان جایز و لازم می‌دانند، چنان‌که قسم به قرآن برای آن‌ها هیچ مانعی ندارد، کما این که قرآن نزد آن‌ها ارزشی ندارد. و به اصطلاح خودشان قرآن ارزش یك حبّه قند را هم ندارد.

ثالثاً: از برخی جوان‌های تحصیل کرده این فرقه که از ترس پدران و نزدیکان خود هنوز در این فرقه باقی مانده‌اند بسیار متعجب و متاسفم، امید است که به خود آیند، و بدانند که عمر دنیا کوتاه است، به فکر عاقبت خود باشند و بر این عقاید خرافی فرقه مزبور بتازند و رسالت الهی خویش را در تنویر افکار جاهلان انجام دهند.

سؤال ۹۹: همان‌گونه که مستحضر هستید مدتی است پیروان فرقه‌ی اختراعی و ضالّه‌ی بهائیت از فضای رأفت و عطوفت حاکم بر جامعه‌ی اسلامی سوء استفاده نموده و علاوه بر گسترش فعالیت و عضوگیری، به طور علنی به برپایی مجالس خود اقدام نموده و جهت تخدیر نسل جوان و انحراف آنان به شبهه افکنی پرداخته و به ترویج اباطیل خود مبادرت می‌ورزند و از علنی کردن کیش خود ابایی ندارند و چنان با مسلمانان درآمیخته‌اند که برخی از مؤمنین را به شك و شبهه انداخته و نگران ساخته‌اند. بنابراین خواهشمند است مرقوم فرمایید از نظر شرعی حکم مراوده و معامله‌ی مسلمین با این اشخاص چگونه است؟

(جواب): بسمه تعالی تقویت فرقه مزبور که نتیجه‌ی استیلاء استعمار انگلستان می‌باشند حرام بزرگی است، هرگونه معامله و مراوده که موجب تقویت جایگاه آن‌ها شود جایز نمی‌باشد، نجس هستند و ملاقات با آن‌ها با رطوبت موجب تطهیر است.

ملاقات برای ارشاد آن‌ها اشکال ندارد. اگر حاضر به صحبت و بحث و تحقیق باشند.

و حتماً باید بحث و تحقیق به وسیله‌ی افرادی آگاه از فرقه حقه اثنی عشری باشد که حقیقت دعاوی آن‌ها را به خوبی آگاه می‌باشند.

سؤال ۱۰۰: مستحضر هستید که اخیراً فرقه ضاله و استعماری بهائیت، فعالیت خویش را در جهت تبلیغ مسلك پوشالی خود و شبهه افکنی در اذهان بر ضد اسلام

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۴۴

عزیز گسترش داده و ضمناً به طور موذیانه در پی نفوذ در اقتصاد و فرهنگ جامعه اسلامی است، و در این راه از حمایت آشکار و نهان قدرت‌های استکباری بهره می‌گیرد. مستدعی است نظر شریف را راجع به ماهیت این فرقه، و وظیفه مسلمین در شرایط حساس کنونی نسبت به آن، بیان فرمایید.

(جواب): بسمه تعالی فرقه مزبور، فرقه‌ای گمراه و متولد از استعمار انگلیس و سپس مورد حمایت اسرائیل و آمریکا می‌باشند. لازم است در هر برخورد، با افراد گول‌خورده، آن‌ها را روشن نمایید. رهبر این فرقه سید باب است که ادعاهای متناقضی دارد از دعوی بابیت امام زمان (عج)، و ادعاء خود امام زمان بودن، و ادعاء پیامبری و ادعاء الوهیت و خدائی، و سپس ادعاء خدا سازی و تربیت خدایان و سپس هم از همه‌ی دعاوی توبه نموده، که متن توبه نامه به خط خودش هنوز هم محفوظ است.

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــــــ

سؤال ۱۰۶: گاهی اتفاق می‌افتد که انسان مشغول کارهای روزمره و یا در اتوبوس یا در سخنرانی به اندازه چند دقیقه یا ثانیه خوابش می‌برد، یعنی در حالت خواب و بیداری. اگر در این حالت احساس کند چیزی یعنی آبی از بدن او خارج می‌شود که

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۴۶

نداند چیست، به گونه‌ای که امکان بررسی هم ندارد و این حالت آیا جنب شده یا نه، اگر شك كند چه حكمی دارد؟

(جواب): بسمه تعالی اولاً احساس رطوبت، بدون یقین، هیچ اثری ندارد، ثانیاً جنابت باید با خروج منی یا دخول باشد، خروج منی با شهوت و پرش و سپس سستی و بی‌حالی پس از خروج می‌باشد. این که شما می‌گویید جنابت نیست.

سؤال ۱۰۷: اگر انسان در موقع طهارت خود در توالت استبراء کرده و با آب شلنگ يك بار روی آلت خود آب بریزد و بعد از توالت بیرون آمده و شك كند كه آیا خود را شسته یا نه؛ آیا تطهیر درست انجام شده یا نه؟ چه حکمی دارد؟ یعنی چیزی که وقتش گذشته باید به آن اعتنا کرد در این مسأله؟

(جواب): بسمه تعالی به نظر من در این گونه امور هم که می‌گویند ترتیب عادی است نه شرعی، نیز قاعده‌ی تجاوز جاری است و اعتناء به شك نكنید، ضمناً با اتصال با آب شهر به محض باز کردن شیر و ریختن آب، محل بول پاك می‌شود.

سؤال ۱۰۸: آیا اگر خانم‌ها هم خواب همراه با شهوت را ببینند، غسل بر آن‌ها واجب است؟ و اگر این‌طور است، این غسل به چه صورت انجام می‌شود؟

(جواب): بسمه تعالی اگر همان حالت شهوت که موجب سستی و بی‌حالی پس از آن می‌شود، و رطوبت هم بیرون بیاید، همان جنابت است، این غسل هم مثل سایر غسل‌های جنابت است. سر و گردن سپس طرف راست و سپس طرف چپ شسته می‌شود با نیّت غسل جنابت.

اذان و اقامه

سؤال ۱۰۹: شخصی می‌گوید طبق تماس تلفنی که با حضرتعالی داشته است شما فرموده‌اید: گفتن اذان و اقامه به عنوان امری مستحب و مشروع پیش از نمازهای مستحبی بدعت و حرام است. آیا این فتوی مورد تأیید حضرتعالی‌است؟

(جواب): بسمه تعالی آری درست گفته است. اذان و اقامه فقط مربوط به نمازهای واجب یومیه است، و حتی در نافله‌های یومیه هم شرعیت ندارد و گفتن اذان و اقامه در غیر واجب یومیه به قصد ورود حرام می‌باشد.

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۴۷

سؤال ۱۱۰: ۱- آیا شهادت دادن به عصمت و عظمت حضرت زهرا علیها السلام به هر عبارتی در اذان و اقامه بعد از شهادت به ولایت مولانا امیر المؤمنین علیه السلام، جایز و مشروع می‌باشد یا خیر؟

۲- حضور در خانقاه‌ها و خرابات‌ها و مجالس صوفیه و پیروی از دستورات قطب، پیر طریقت، مرشد و ... و انجام اعمال آنان به خصوص سماع و گفتن اوراد و اذکارشان چه حکمی دارد؟

(جواب): بسمه تعالی ۱- جایز است. به این معنی که هیچ گونه ضرری به اذان و اقامه ندارد، لیکن اگر بخواهد به قصد ورود بگوید دلیل می‌خواهد و نداریم. ۲- چون ترویج آن‌ها است، جایز نمی‌باشد.

شهادت ثالثه

سؤال ۱۱۱: کسی معتقد به وجوب شهادت ثالثه در اذان و اقامه است و لذا به قصد وجوب می‌گوید نه به قصد رجاء و همچنین در تشهد پس از شهادتین قائل به جواز گفتن این ذکر است: «و أشهد أنّ امیرالمؤمنین علیّا و أولاده المعصومین حجج الله صلوات الله علیهم أجمعین» و لذا به قصد استحباب این ذکر را می‌گوید، چه صورت دارد؟

(جواب): بسمه تعالی سؤال عجیبی است، مثل این‌که بپرسید: اگر کسی معتقد به ولایت ائمه بود آیا عادل است؟ ما شهادت ثالثه را در اذان و اقامه واجب می‌دانیم (باحتیاط واجب) و در نماز هم اشکال نمی‌کنیم لیکن احتیاطاً در نماز بصورت دعا بگویند بهتر است. اختلاف در فتوی هم که ضرری به صلاحیت شخص نمی‌زند.

احکام موتی و شهدا

سؤال ۱۱۲: اینجانب جانباز ۲۵ درصد بوده و سال‌ها در جبهه‌های حق علیه باطل و هم چنین بعد از جنگ در خصوص مبارزه با فسادگران جامعه مسئولیت‌هایی داشتم. در سال ۱۳۸٤ در شهرستان بندر عباس فرزند ۱۱ ساله‌ام در ماه محرم توسط شخصی از ارازل و اوباش مهران خادم که با خوردن مواد تحریک کننده و بدون دلیل فرزند

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۴۸

بی‌گناهم را به طور فجیعی (سر بریده) به شهادت رساندند. آیا فرزندم جزء شهداء محسوب می‌شود؟

(جواب): بسمه تعالی مورد مزبور از نظر ثواب اخروی مسلماً شهید می‌باشند. و بنیاد هم باید به شما رسیدگی نماید.

سؤال ۱۱۳: کفن کردن میت بعد از غسل با پارچه‌ای که جوشن کبیر، یا آیات قرآن یا اذکار دیگر بر آن حک شده، یا نوشته شده است، چه حکمی دارد؟

(جواب): بسمه تعالی اگر در قسمت بالای بدن قرار گیرد که هتک قرآن و ادعیه نباشد، اشکال ندارد و خوب است.

سؤال ۱۱٤: شخصی از دنیا رفته، که اشتباها او را به جای فرد دیگری در زمینی دفن می‌کنند. بعد از مدتی مالک آن زمین، زمینش را می‌فروشد. در حال حاضر مالک جدید می‌گوید من راضی نیستم جنازه در ملک من باشد. لذا خانواده متوفی می‌خواهند جنازه را به قبرستان زادگاهش منتقل کنند. لطفاً دستور شرعی را بفرمایید.

(جواب): بسمه تعالی وقتی مالک اولی راضی بوده، دومی حق ندارد که جنازه را بیرون کند. و در عین حال، اگر هر دو طرف راضی هستند که جنازه منتقل شود، در صورتی که هتک میت نباشد، جایز است ولی مقدار بیش‌تری از خاک اطراف جنازه همراه باقی مانده بدن، برداشته شود که حتی المقدور بدن کشف نشود.

سؤال ۱۱۵: دو سید جوان از یک خانواده در سال‌های مختلف در تصادف فوت کرده‌اند و آن دو نفر را در قبرستان روستایی در محل خودشان دفن کردند و بعد از سال‌ها بدون این که وصیتی کنند، پدر و مادرشان می‌خواهند اتاقی بسازند و قبرها در داخل اتاقی باشد و روی آن گنبد و مقبره‌ای درست کنند، و محل زیارتگاه قرار دهند؛ در حالی که قبرستان وقف عموم است و آیا ساختن گنبد و اتاق روی قبر این دو سید جهت زیارتگاه جایز است؟

(جواب): بسمه تعالی اگر بیش از اندازه‌ی متعارف زمین یک قبر می‌خواهند تصرف کنند جایز نیست، مگر با

رضایت عموم. چنان‌چه اگر آن دو سیّد افراد صالحی نبوده‌اند و بدین وسیله بستگانشان می‌خواهند کسب آبرو کنند نیز جایز نیست.

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۴۹

آداب خوابیدن

سؤال ۱۱۶: استحباب رو به قبله خوابیدن به چه نحو است؟ (کالمیت یا کالمحتضر؟)

(جواب): بسمه تعالی کالمحتضر الا فی بعض الموارد لدلیل خاص.

خواب تجهیز نکردن میّت

سؤال ۱۱۷: حدود یك سال است که پدرمان فوت کرده و جدیداً چندین مرتبه خواب می‌بینیم که پدرمان فوت کرده و ما هنوز او را غسل و کفن نکرده‌ایم، یا مشغول غسل و کفن او هستیم، و بار آخر که به خوابمان آمد از ما شکایت کرد که من چندین مرتبه به خواب شما آمدم ولی شما به من اهمیتی ندادید. لازم به ذکر است که این مرحوم نماز قضاء نداشته و همیشه نماز را اول وقت می‌خواندند.

(جواب): بسمه تعالی به هر حال برای او صدقه بدهید (اگر دین شرعی مانند خمس به عهده ندارد) و بهترین صدقه، نماز و روزه استیجاری می‌باشد.

مومیائی مردگان

سؤال ۱۱۸: مومیایی کردن مردگان از نظر شرعی چه حکمی دارد؟

(جواب): بسمه تعالی اگر طبق دستور شرع احکام غسل و کفن و دفن انجام شود، صرف مومیایی کردن اشکال ندارد.

استحاضه

سؤال ۱۱۹: حکم غسل استحاضه در مورد زنان شیرده به چه صورت است؟

(جواب): بسمه تعالی همانند غیر زنان شیرده. اگر غسل مکرر بر ایشان ضرر دارد یا مشکل است، می‌توانند به تیمم قناعت کنند، البته خود را هم تمیز کنند.

احکام نماز

سؤال ۱۲۰: آیا واجب است که در نماز، حمد و سوره را بر حسب قرائت متداول قرآن بخوانیم و یا سایر قرائت‌ها نیز صحیح است؟

(جواب): بسمه تعالی طبق قرآن متداول خوانده شود حتی در کلمه کفواً.

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۵۰

سؤال ۱۲۱: با توجه به این که قیام متصل به رکوع رکن است، آیا بعد از تمام شدن حمد و سوره باید کمی مکث کنیم و بعد به رکوع برویم؟ و یا این که نه، لازم نیست و می‌شود بلافاصله به رکوع رفت؟

(جواب): بسمه تعالی فاصله لازم نیست.

سؤال ۱۲۲: آیا خواندن در تشهد نماز الشهادة الثالثة المقدسه یعنی اشهد ان علیّاً امیرالمؤمنین علیه السلام ولی الله و

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــــــ

اعراض شوهر، و لزوم تبعیت زن از شوهر، فقط در صورتی است که لازم نباشد، زن همراهی شوهر کند.

سؤال ۱۲۸: من متولد سال ۱۳۷۱ هستم، و الآن می‌خواهم که شروع به نماز خواندن کنم، و سؤالی که از شما داشتم این بود که من باید چکار کنم، و از کجا شروع کنم (منظور نمازها و روزهای قضای من هست). لطفاً کامل توضیح دهید.

(جواب): بسمه تعالی همراه نمازهای کنونی، نماز قضا هم بخوانید تا تمام شود. اگر در زحمت هستید لازم نیست به خود فشار بیاورید همان‌طور تدریجاً همراه نمازهای ادائی، قضا را هم بخوانید.

سؤال ۱۲۹: در موارد اختلاف فتوی بین امام و مأموم وظیفه چیست؟

(جواب): بسمه تعالی اینجانب اختلاف امام و مأموم را مضرّ به جماعت نمی‌دانم.

سؤال ۱۳۰: ۱- نظر شما درباره این که مأموم، در سلام نماز بر امام پیشی بگیرد و زودتر از امام نماز را تمام کند چیست؟ ۲- با توجه به سؤال اول، اگر نماز صحیح

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۵۲

می‌باشد، آیا مأموم ثواب نماز جماعت را هم می‌برد یا خیر؟

(جواب): بسمه تعالی اشکالی ندارد و ثواب جماعت را هم می‌برد.

سؤال ۱۳۱: چند برادر و خواهر قرار می‌گذارند نمازها و روزه‌های پدر متوفیشان را با توافق یك‌دیگر بجا آورند؛

الف) آیا می توان همزمان همه‌ی خواهر و برادرها به طور روزانه نمازها و روزه‌های پدر را از لحاظ زمانی به جا آورند؟ (به طور مثال هم زمان یکی نمازهای صبح، یکی دیگر نمازهای ظهر و دیگری نمازهای عصر و ...)

ب) اگر میزان نمازها و روزه‌های به جا نیاورده‌ی پدر را ندانند، به چه میزان لازم است به جا آورده شود؟

ج) جهت ادای نمازهای میت، به وقت خاصی در شبانه روز نیاز می‌باشد یا خیر؟

(جواب): بسمه تعالی الف) در ظهرین و عشائین از یك روز ترتیب لازم است، در دیگر نمازهای قضا ترتیب لازم نیست.

ب) به قدر یقینی انجام شود، مازاد آن لازم نیست.

ج) وقت خاصی ندارد.

سؤال ۱۳۲: تکبیرات ثلاثه همراه با بالا بردن دست، بعد از سلام نماز آیا اختصاص به نمازهای یومیه دارد یا مطلق نمازها (اعم از واجب و مستحب) را شامل می‌شود؟

(جواب): بسمه تعالی از جمع روایات می توان استفاده نمود که همه را شامل می‌شود، لیکن در فرائض آکد است.

سؤال ۱۳۳: آیا گفتن ذکر یا علی و یا حسین در نماز و یا گریه کردن در نماز برای اهل بیت علیهم السلام اشکال دارد؟

(جواب): بسمه تعالی گریه برای اهل بیت مخصوصاً حضرت سیدالشهداء علیه السلام اشکالی ندارد. بسیاری از فقها خطاب به غیر خدا را در نماز اشکال می‌کنند لیکن در روایت معتبری آمده که ذکر اهل بیت علیهم السلام ذکر خداست و می‌دانیم که ذکر خدا در نماز جایز است لیکن به هر حال احتیاط خوب است به صورت دعا باشد.

سؤال ۱۳٤: در صورت بدعت بودن اذان و اقامه در نمازهای مستحبی، اگر کسی این مسأله را از شخص آگاه به

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــــــ

(جواب): بسمه تعالی مقتضای روایات معتبره (از جمله ۱ و ٤ باب ۱۰ نافله رمضان و روایت ٦/ ۷) آن است که مشروع نمی‌باشد. از برخی روایات هم ممکن است استفاده‌ی جواز شود، لیکن عند التعارض، شهرت فتوائی مرجح روایات اول می‌باشد و نیز مخالفت عامه. بنابر این اصحّ، عدم مشروعیت است لیکن قاعدةً بدون قصد ورود، و بقصد رجاء، بصرف احتمال مشروعیت مانعی نداشته باشد. گرچه خلاف ظواهر ادله می‌باشد.

نماز استیجاری

سؤال ۱۳۷: کسی که جهت یك ماه نماز استیجاری اجیر می‌شود، چند روز نماز بخواند؟ (با توجه به این که شش ماه اول سال شمسی سی و یك روز، و پنج ماه دوم سی روز، و ماه اسفند بیست و نُه روز است.)

(جواب): بسمه تعالی منظور سی روز است و همان کافی است، مگر این که تصریح به خلاف شود.

نماز پدر به عهده‌ی پسر بزرگ‌تر

سؤال ۱۳۸: شخصی در تصادف فوت نموده، آیا بر فرزند بزرگ تکلیف است که نماز و روزه‌اش را بگیرد یا خیر، در صورتی که مشخص باشد نماز نخوانده است.

(جواب): بسمه تعالی وظیفه پسر بزرگ است.

سؤال ۱۳۹: میت وصیت نکرده تکلیف نماز و روزه چگونه است؟

(جواب): بسمه تعالی نماز و روزه پدر به عهده‌ی پسر بزرگ‌تر است که یا خودش بخواند یا اجیر بگیرد؛ ولی دیگران هم اگر بخوانند صحیح است و از میت ساقط می‌شود.

احکام نماز جماعت

سؤال ۱٤۰: اگر اساس اجتهاد یا تقلید امام جماعت از نظر ماموم باطل باشد، آیا این ماموم می‌تواند به چنین امام جماعتی اقتدا نماید. مثلاً اگر امام جماعت خواندن سوره را واجب ندانند و در نماز نیز آن را نخواند، ولی ماموم خواندن سوره را واجب بداند اقتدا در هریك از حالات زیر چه حکمی دارد؟

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۵۵

الف) اگر ماموم پس از اتمام قرائت امام اقتدا کند. ب) اگر ماموم از ابتدای نماز اقتدا کند ولی خودش سوره را بخواند. ج) اگر ماموم از ابتدای نماز اقتدا کند و سوره را نیز نخواند.

(جواب): بسمه تعالی اقتداء اشکالی ندارد، و لازم نیست سوره را بخواند. اگر بخواهد احتیاط کند اشکال ندارد، که پس از تمام شدن قرائت امام، خودش یك سوره را فوراً بخواند که فوراً به رکوع برسد؛ لیکن به نظر ما لازم نیست احتیاط کند.

سؤال ۱٤۱: نماز امام جماعت از نظر مجتهد خودش صحیح نیست، ولی از نظر مجتهد ماموم صحیح است. آیا ماموم می‌تواند اقتدا کند؟ آیا فرقی بین التفات و عدم التفات امام به نظر مرجع تقلید خودش هست؟

(جواب): بسمه تعالی اگر قصد قربت امام متمشی شود صحیح است.

سؤال ۱٤۲: نماز امام جماعت (اجتهاداً یا تقلیداً) صحیح است ولی از نظر مأموم (اجتهاداً یا تقلیداً)، نماز امام صحیح نیست. آیا مأموم می‌تواند به چنین امامی اقتداء کند؟

(جواب): بسمه تعالی میزان، صحیح نزد خود امام است.

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــــــ

سؤال ۱٤۹: به تازگی برای منازل امام جماعت از مسجد به منزل امام جماعت لوله کشی شده و قرار است که مقدار مصرف آب مسجد و منزل امام جماعت را مسجد

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۵۷

پرداخت نماید. این عمل چه حکمی دارد؟

(جواب): بسمه تعالی بستگی به دهندگان پول آب و لوله و مخارج اتصال دارد، اگر قصد کمك به منزل امام جماعت را دارند که اشکالی نیست.

سؤال ۱۵۰: آیا می‌شود از گاز، برق، آب و تلفن برای منزل امام جماعت از مسجد استفاده نمود؟

(جواب): بسمه تعالی همان جواب بالا.

گریه در نماز

سؤال ۱۵۱: آیا گریه‌ی با صدا در نماز برای مظلومیت آل محمّد علیه السلام خاصه حضرت سید الشهداء علیه السلام مُبطل نماز می‌باشد؟

(جواب): بسمه تعالی به نظر اینجانب اشکالی ندارد.

تسبیح با غیر تربت کربلا

سؤال ۱۵۲: الف) چنان‌چه جنس تسبیح از غیر تربت امام حسین علیه السلام باشد (مثلاً از سنگ، چوب، هسته‌ی خرما و ... ساخته شده باشد)، شمردن اذکار با آن بهتر است یا با انگشتان دست؟ ب) از بعضی روایات مستفاد است که برای زنان با انگشتان دست شمردن افضل است. نظر شریف را مرقوم فرمایید.

(جواب): بسمه تعالی آنچه فعلاً در نظر هست این‌که فرقی بین زن و مرد نیست، و انگشت بهتر از تسبیح با غیر تربت است، لیکن به هر حال هیچ‌کدام اشکال ندارد.

نماز و روزه مسافر

سؤال ۱۵۳: حکم نماز و روزه دانشجویانی که برای تحصیل از شهر خود به دیگر شهرها رفت و آمد می‌کنند به طوری که چند روز در دانشگاه و چند روز در محل خود هستند، یا بعضاً در طی هفته یك یا دو روز به مدت دو سال یا چهار سال به همین منوال به سر می‌برند؛ لطفاً حکم مسأله را عنایت فرمایید.

(جواب): بسمه تعالی ۱- محل دانشگاه هم در فرض مزبوربه‌حکم‌وطن می‌باشد.

۲- اگر در هفته یك بار سفر به شهر دانشگاهی دارد که حدود دو روز در راه است

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۵۸

مثل سفر از تهران به مشهد، و یا راه نزدیك مثل قم و تهران هفته‌ای سه بار بین راه هم نمازش تمام می‌باشد. و همین‌طور روزه، هرچند هنگام ظهر، بیرون محل باشد.

نماز مسافر

سؤال ۱۵٤: من در کاشان مشغول کار هستم و در تهران تحصیل می‌کنم هفته‌ای ۲ روز برای تحصیل به تهران می‌روم آیا نماز در این ۲ روز تهران شکسته است یا خیر؟

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــــــ

اعمال مستحبی را نمی توان به نیت افرادی که در قید حیات هستند بجا آورد؟

(جواب): بسمه تعالی الف: آری جایز و مستحب است. ب: نیابت در هر عملی که قید مباشرت ندارد جایز و مستحب است. تقریباً همه عبادات مستحبی این‌طور هستند که جایز است.

احکام روزه

سؤال ۱۵۹: اینجانب به مرض قند مبتلا هستم. در روزه‌ی ماه مبارك رمضان، طبق دستور پزشك داروها را می‌شود قبل از سحر و بعد از افطار استفاده کرد، لکن سفارش می‌کنند که تا قبل از ظهر یا در طول روز دو لیوان آب مصرف شود، آیا می توان در چنین صورتی روزه‌دار بود یا خیر؟

(جواب): بسمه تعالی اگر آب برایش ضرورت دارد، واجب است آب بخورد. و

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۶۰

روزه‌اش باطل می‌شود- به احتیاط لازم- و اگر می تواند در وقت دیگری چون ایام زمستان قضا لازم است.

سؤال ۱۶۰: آیا مراد از اتحاد افق، اشتراك در شب است اگرچه اول شب یك محل و آخر شب دیگری باشد، و یا این که اتحاد در طلوع و غروب خورشید است؟

(جواب): بسمه تعالی منظور اتحاد و یا نزدیك بودن طلوع و غروب خورشید است، نزدیکی به مقدار بقاء ماه در افق که معمولاً حدود بیست دقیقه تا نیم ساعت‌می‌باشد.

سؤال ۱۶۱: زمانی که به سن تکلیف رسیدم مادرم اجازه گرفتن روزه را به من ندادند در صورتی که خودم بسیار دوست داشتم که روزه بگیرم، در زمانی که در کلاس پنجم ابتدایی تحصیل می‌کردم، تعدادی روزه به زور گرفتم و بقیه را اجازه ندادند. تابستان همان سال دچار بیماری بسیار سختی (تب روده) شدم، به طوری که از خوب شدنم همه ناامید شده بودند، خلاصه بهبودی حاصل شد و سال‌های بعد از آن مادرم تحت هیچ شرایطی اجازه گرفتن روزه را به من ندادند. در حال حاضر وقتی که حساب می‌کنم حدود ۳۰۰ روزه قضا باید بگیرم و توانایی گرفتن این همه روزه را ندارم باید چه کار کنم؟

(جواب): بسمه تعالی اگر روزه باعث بیماری شده و روزه برایتان ضرر داشته و در زمستان هم قدرت قضای آن‌ها را نداشته‌اید، چیزی بر شما نیست، فقط برای هر روز یك کیلو نان به فقرا بدهید. تشخیص ضرر را با دکتر مشورت کنید. لیکن اگر در زمستان می‌شد قضا کنید باید تدریجاً طی سال‌ها قضا کنید.

سؤال ۱۶۲: آیا به گفته پزشك برای بیمار، در ماه مبارك رمضان می توان عمل کرد و روزه نگرفت؟

(جواب): بسمه تعالی اگر مورد وثوق می‌باشد، اشکال ندارد.

سؤال ۱۶۳: با توجّه به این‌که در اماکن مشرّفه‌ی چهارگانه مسافر نسبت به قصر و اتمام نماز مخیّر است آیا می تواند روزه‌ی قضا بگیرد؟

(جواب): بسمه تعالی تخییر فقط در نماز است.

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۶۱

سؤال ۱۶۴: چنان‌چه برای مرجع تقلید ثابت شود که رؤیت هلال شده و عید فطر است و همین که از او سؤال شد

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــ
بفرمایید: اول ماه برای من ثابت شده ولی حکم نکند، مقلد او به محض سؤال و اطلاع آیا می تواند افطار کند.

(جواب): بسمه تعالی در صورت اطمینان، می تواند.

سؤال ١٦٥: اختلاف ساعت ایران با سایر کشورهای جهان حداقل نیم ساعت و حداکثر تا (١٣/٣٠) سیزده و نیم ساعت است. تا چند ساعت بین کشورها اختلاف ساعت باشد، می‌گوییم قریب الافق و متحد الافق هستند؟

(جواب): بسمه تعالی میزان، مقداری است که ماه در افق شب اول، رؤیت می‌شود که ظاهراً بیش از نیم ساعت نمی‌باشد.

احکام اعتکاف

سؤال ١٦٦: الف) به چه مسجدی، مسجد جامع می‌گویند؟ و آیا مساجد محلات، بازارها و دانشگاه‌ها، مسجد جامع است؟ ب) برپایی اعتکاف در آن‌ها وجه شرعی دارد؟

و آیا احکام خاص اعتکاف بر آن بار می‌شود؟

(جواب): بسمه تعالی الف) مسجد جامع، مسجدی است که اختصاص به یك منطقه و محل ندارد، و همه‌ی اهالی شهر در آن جا برای نماز حاضر می‌شوند. بنابراین مسجد محله، بازار و دانشگاه مسجد جامع نیست.

ب) به نظر اینجانب در اعتکاف لازم نیست مسجد جامع باشد؛ چنان‌که منحصر به چهار مسجد (مکه، مدینه، کوفه و بصره) هم نمی‌باشد، بلکه در هر مسجدی که نماز جماعت صحیح در آن برپا می‌شود صحیح است.

احکام خمس

سؤال ١٦٧: اگر پولی که انسان خمس آن را نپرداخته پس از یك سال کاری بسیار ضروری پیش آید؛ آیا می تواند از آن پول استفاده کند و بعداً در سال بعد خمس آن را بپردازد؟

(جواب): بسمه تعالی بدون اجازه مرجع جایز نیست.

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج٣، ص ٦٢

سؤال ١٦٨: آیا کتاب هم خمس دارد؟

(جواب): بسمه تعالی اگر مورد نیاز است خمس ندارد.

سؤال ١٦٩: اینجانب مبلغ یك میلیون و پانصد هزار تومان را که از فروش طلاهای همسرم به‌دست آمده را برای خرید خانه پس‌انداز نموده‌ام. آیا به این مبلغ پس از گذشت سال خمسی، خمس تعلق می‌گیرد؟

(جواب): بسمه تعالی اگر طلاها، هدیه بوده است خمس ندارد.

سؤال ١٧٠: مبلغی به عنوان قرض الحسنه و کارگشایی از نیازمندان در نظر گرفته شده است، آیا مشمول خمس و سهم می‌شود؟

(جواب): بسمه تعالی اگر سال به پول گذشته و یا از اموال کسب و درآمد مربوط به متوفی باشد، باید خمس آن داده شود قبل از صدقه و قرض.

سؤال ١٧١: نمی‌دانم که پدرم خمس مالش را می‌دهد یا نه؟ مواد غذایی و مال و پوشاکی که ما مصرف می‌کنیم و پدرم به ما می‌دهد چه حکمی دارد؟

(جواب): بسمه تعالی شما وظیفه‌ای ندارید، اگر خواستید احتیاط کنید به اندازه‌ی خمس مال مورد مصرف خودتان

بیاورید دستگردان کرده به شما برمی‌گردانیم- اگر برای دین و متدینین خدمتی انجام می‌دهید-.

سؤال ۱۷۲: ۱- پدری اهل وجوهات و خمس نیست. استفاده خانواده و فرزندان او از عین مالی که خمس به آن تعلق گرفته، چه صورت دارد؟ با توجه به این که درآمد دیگری برای گذراندن زندگی ندارند.

(جواب): بسمه تعالی اگر یقین ندارند که متعلق خمس است، اشکالی ندارد و در صورت یقین اگر چاره‌ای ندارند با اجازه ما به قدر متعارف استفاده کنند و خمس آن را به عهده بگیرند که هنگام امکانات، بدهند.

۲- آیا برای مصرف سهم امام در امور خیر و تقدیم سهم سادات به سادات مستحق، اذن مجتهد لازم است؟

(جواب): بسمه تعالی اختیار سهم سادات هم مانند سهم امام با مجتهد است و اجازه می‌خواهد، و بهتر است با نظر و اجازه مرجع تقلید خود باشد.

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۶۳

۳- خانه یا ماشینی که انسان می‌فروشد تا دوباره با پول آن وسیله یا خانه بخرد آیا به محض فروختن، خمس آن واجب است یا اگر سال بر آن گذشت و خرج نشد باید خمس آن را پرداخت کرد؟

(جواب): بسمه تعالی به نظر اینجانب اگر پیش از پایان سال خمسی و به خصوص اگر فوراً بخرد، خمس ندارد.

٤- طبقه دوم یا سوم منزل مسکونی که فعلاً مورد نیاز فرد نیست، ولی فرزندانش از آن استفاده کرده یا به پول آن نیازمند می‌باشند، خمس دارد؟

(جواب): بسمه تعالی فرزندانی که همراه والدین هستند و از شؤون آن‌ها حساب می‌شوند، نیاز آن‌ها نیاز پدر است و ساختمان مورد نیاز آن‌ها، مورد نیاز پدر حساب می‌شود. اما اگر به ساختمان نیاز نیست و به پول ساختمان نیاز است اگر پس از گذشت سال فروخته شده باید ابتدا خمس آن داده شود.

٥- اخیرا با پول حج یا عمره معاملاتی صورت می‌گیرد و در موقع اعزام به حج یا عمره به این پول سود تعلّق گرفته و از هزینه حج و عمره کم می‌شود. آیا به پول پس‌انداز شده جهت حج یا عمره در صورت گذشت سال خمس تعلق می‌گیرد؟

(جواب): بسمه تعالی اصل پول و سود آن که سال بر آن گذشته خمس دارد (این کار سازمان حج چندان به نفع مردم نیست).

٦- وسایل و لوازمی که در خانه تعویض و تبدیل به احسن می‌شوند و دیگر فعلاً مورد نیاز نیست، آیا خمس دارد؟

(جواب): بسمه تعالی این‌گونه امور مخصوصاً جزئی باشد قابل مصالحه می‌باشد لیکن علی القاعدة خمس دارد.

۷- آیا به پاداشی که پس از بازنشستگی به افراد می‌دهند، خمس تعلق می‌گیرد؟

(جواب): بسمه تعالی خمس دارد.

۸- آیا به حقوقی که به بازماندگان متوفّی به صورت مستمری پرداخت می‌شود، خمس تعلّق می‌گیرد؟

(جواب): بسمه تعالی این هم خمس دارد، مگر این که هدیه باشد و ظاهراً هدیه نیست، بلکه نوعی کارمزد عمل متوفی می‌باشد.

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۶۴

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــــــ

(جواب): بسمه تعالی به جهاتی بهتر است به مرجع خودتان بدهید.

سؤال ۱۷۷: الف) خانمی مدت دو سال است که مبلغی را برای درمان خود (عمل جراحی قلب) پس انداز نموده است، نظر به این که تهیه یکجای مبلغ مزبور برای خانواده ایشان مقدور نبوده است و یا تهیه یکجای مبلغ مزبور بدون مشقت زیاد میسر نبوده؛ بفرمایید آیا مبلغ پس‌انداز شده خمس دارد؟

ب) سرپرست خانواده‌ای از طریق کارگری و گاهی از طریق اجاره زمین کشاورزی روزگار می‌گذراند و پس از برداشت محصول برنج، مقداری از آن را فروخته و هزینه زندگی می‌نماید و مقدار دیگری را نیز برای مصرف سالیانه خود نگه می‌دارد. آیا به مقدار برنجی که برای مصرف سال از تابستان نگهداری شده است، خمس تعلق می‌گیرد؟ (لازم به ذکر است که گاهی در طول سال برای اداره منزل و مخارج ضروری زندگی، نیاز به قرض گرفتن پیدا می‌کند.)

ج) شخص کشاورزی که اکنون از کار بازمانده است، یا کارگری که بازخرید شده است، زمین کشاورزی خود را فروخته و پول آن یا پول بازخرید را در بانك قرار داده و طبق عقودی که در بانك‌ها وجود دارد، هر ماه با گرفتن مبلغ پولی که بانك تحت عنوان سود علی الحساب یا هر اسم دیگر به وی پرداخت می‌کند گذران روزی می‌کند. آیا

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۶۶

دریافت چنین سودی جایز است، و آیا به اصل پول که اکنون منبع درآمد شخص محسوب می‌شود، خمس تعلق می‌گیرد؟

(جواب): بسمه تعالی الف) خمس دارد. لیکن مجتهد می‌تواند به خاطر نیاز او، به او ببخشد، تمام یا مقداری. و یا دستگردان نموده، هر وقت متمکن شد به اقساط تدریجی بپردازد.

ب) اگر سال بگذرد خمس داردمگردر مورد نیاز که می‌تواند مورد بخشش قرار گیرد.

ج) دریافت سود با توجه به حمل بر صحت عمل بانك جایز است و اصل پول که سال بر آن گذشته خمس دارد. سود هم اگر سال بر آن بگذرد خمس دارد.

سؤال ۱۷۸: طلبه‌ای مدت ده سال است که مستأجر بوده و مقداری پول پس‌انداز نموده است تا منزل مسکونی تهیه نماید. مستدعی است بفرمایید آیا خمس اموال خویش را باید بپردازد یا با توجه به وضعیت ایشان مبالغ پس انداز شده مشمول خمس نیست؟ در صورتی که مشمول خمس باشد، آیا مشمول بخشش یا دست گردان می‌باشد یا خیر و اگر مشمول این تخفیف نیز نباشد، مبلغ خمس را مرقوم فرمایید. وضعیت اموال ایشان به شرح ذیل اعلام می‌شود:

الف) مبلغ پنج میلیون تومان طی سه قسط و در طول چهار سال به حساب تعاونی مسکن خدمات حوزه علمیه برای خانه‌های پردیسان قم پرداخت شده و ظاهراً از مؤونه همان سال بوده و بر مبالغ مزبور در حین پرداخت سال نگذشته بوده است.

ب) مبلغ چهار میلیون تومان به عنوان قرض الحسنه به صاحب خانه منزل استیجاری پرداخت شده است.

ج) با توجه به این که هنگام تحویل خانه‌ها (پول بیش‌تری) باید پرداخت شود، مبلغ شش میلیون در بانك پس‌انداز نموده است تا در زمان تحویل منزل به تعاونی مسکن پرداخت نماید.

د) قبلاً زمینی در اطراف جمکران به نیت این که آن را فروخته و کسری پول مسکن را پرداخت نماید و در صورت

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــــــ

مرجع تقلید، در زمان غیبت امام معصوم علیه السلام هم حاکم شرع، نافذ در قلوب مقلدین خود می‌باشد و مردم احکام حکومتی را هم از او سؤال می‌کنند. هر مرجعی در میان مقلدین خود بسط ید دارد. مصرف زکوة مصارف هشت‌گانه می‌باشد. انفال نیز در اختیار ولیّ فقیه عام می‌باشد و فتوای جواز و عدم جواز تصرف را مرجع اعلم، برای عموم می‌دهد.

سؤال ۱۸۰: بنده مبلغی پول از پدرم دریافت نمودم. مقداری از آن را خرج کرده و مقداری را به صورت سپرده بلند مدت در بانك گذاشتم. از آن جا که بنده شاغل نیستم و خرج ماهیانه خود را از سودی که بانك می‌پردازد تامین می‌کنم، آیا به اصل سپرده و سود آن خمس تعلق می‌گیرد؟

(جواب): بسمه تعالی اصل پول و سود آن اگر سال بر آن بگذرد و خرج نشود، حتماً خمس دارد و اگر قدرت پرداخت ندارید، دستگردان کرده و مهلت بگیرید و تدریجاً به صورت قسطی بپردازید.

سؤال ۱۸۱: در استفتاء که از حضرتعالی شده فرموده‌اید که دیه خمس ندارد، بفرمایید که یکسال بر آن دیه گذشته، آیا خمس دارد یا خیر؟

(جواب): بسمه تعالی کلاً دیه خمس ندارد هر چند سال بر آن بگذرد.

سؤال ۱۸۲: ۱. ریشه‌ی سادات از کجاست؟

(جواب): بسمه تعالی سیادت مربوط به نسل و ذریه‌ی هاشم، جدّ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است، البته به احترام پیامبر صلی الله علیه و آله مربوط است، چند پدر ازبالا، ونسل‌آن‌حضرت تاآخر.

۲. چرا در عید غدیر خم به دیدار سادات می‌روند آیا این دال بر این است که حضرت علی علیه السلام منشأ سادات هستند. در بین سنی‌ها هم سادات وجود دارد در حالی که آن‌ها به امامت حضرت علی علیه السلام و امامان از ایشان اعتقادی ندارند.

(جواب): بسمه تعالی ملاك سیادت احترام به شخص پیامبر است که همه‌ی فرزندان او و تا چند پشت از پدران او احترام دارند. البته خود هاشم شخصیتی محترم

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۶۹

بوده لیکن این احترام به خاطر پیامبر است مثل این‌که پدر کسی را به خاطر فرزندش احترام کنند.

۳. آیا ریشه سادات از حضرت فاطمه علیها السلام می‌باشد؟ گفته می‌شود وقتی پیامبر به معراج رفتند نطفه‌ی حضرت فاطمه علیها السلام از جانب حضرت احدیّت به ایشان داده شد و به پیامبر ورود پیدا کرد و سادات که از اولاد فاطمه علیها السلام هستند آیا چنین است؟

(جواب): بسمه تعالی عید غدیر اختصاص به سادات ندارد باید بیش‌تر به دیدن علماء بروند که وارثان امامان هستند. روایت نطفه که شما ذکر کردید به این صورت صحیح نیست، بلکه جبرئیل غذای بهشتی آورده حضرت تناول نموده و از آن غذا خون و نطفه درست شده است.

٤. آیا ریشه سادات از قریش است یا هاشم یعنی یزید و ابی لهب ساداتند؟

(جواب): بسمه تعالی سید می‌تواند سنی هم باشد، چون سیادت نسبی است و ربطی به مکتب ندارد. حتی ممکن است کافر باشد و قبلاً هم گفتیم که عید غدیر مربوط به سید به عنوان سید، نیست بلکه عید همه خصوصاً علماء که

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــــــ

(جواب): بسمه تعالی اشکالی ندارد، ولی در طواف باید کفش پاك باشد.

سؤال ۱۸۷: با توجه این‌که در حج تمتع واجب اذن شوهر شرط نیست، بفرمایید اگر عدم رضایت منجر به اختلاف زن و شوهر یا باعث جدایی شود، تکلیف چیست؟

(جواب): بسمه تعالی اگر موجب جدایی یا حرج شدید در زندگی می‌شود، حج لازم نیست.

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۷۱

سؤال ۱۸۸: بعضی از مدیران کاروان‌ها زائرین را شب دوازدهم ذی حجه به مکه می‌آورند، سپس روز دوازدهم مجدداً جهت رمی به منی عودت می‌دهند تا ظهر بمانند.

آیا این کار از نظر حضرتعالی صحیح است یا خیر، تکلیف چیست؟

(جواب): بسمه تعالی طواف و رمی آن‌ها صحیح است و اشکالی ندارد، لیکن بیتوته‌درمنی‌هم لازم است نیمه اول یا دوم شب. به مناسك ما رجوع کنید مسأله ٦٣٥.

سؤال ۱۸۹: با توجه به این که بنده استطاعت مالی کافی جهت انجام حج برای خود و همسر و فرزندم را دارم و قصد داریم به حج مشرف شویم؛ الف) آیا در صورت حصول استطاعت مالی، رفتن به مکه از هر راه ممکن ولو با صرف هزینه بیش‌تر مثل خرید فیش آزاد حج تمتع، در صورت داشتن استطاعت، صحیح است؟ ب) آیا ما می‌توانیم فیش حج اولویت دار (مربوط به افرادی که قبلا ثبت نام کرده اند ولی نمی‌خواهند امسال مشرف شوند به دلیل بیماری یا عسر و حرج مالی) را خریداری نموده و به حج مشرف شویم؟

(جواب): بسمه تعالی الف) در صورت امکانِ رفتن، به طور آزاد، با قیمت بیش‌تر، اگر در مشقت و حرج قرار نمی‌گیرید، واجب است و صحیح می‌باشد.

ب) فروشنده هم اگر فعلاً استطاعت رفتن ندارد، به هر جهت، بیماری یا عسر و حرج، می‌تواند فیش خود را به شما بفروشد اگر سازمان حج مانع نشود.

سؤال ۱۹۰: في حج التمتع هل يجوز تقديم الطوافين و السعى على الوقوفين اختيارا؟

(جواب): بسمه تعالی ذكرنا في المناسك لزوم الاحتياط فى عدم التقديم اختيارا.

سؤال ۱۹۱: هل يجوز للنساء والمعذورين ومرافقيهم بعد رمى الجمرة ليلة العاشر، التقصير والذهاب الى مكه لاداء اعمالهم من طوافين وسعى؟

(جواب): بسمه تعالی بهذا النحو غير جايز ويجوز تقديم الطوافين والسعى قبل عرفات اضطراراً.

سؤال ۱۹۲: هل يجوز تقديم طواف الحج والنساء والسعى على الوقوفين اختيارا في حج التمتع؟ وهل الازدحام الشديد مسوغ لتقديم الأعمال؟

(جواب): بسمه تعالی لا يجوز ذلك في الاختيار. لكن يجوز في كل مورد يصدق الحرج والاضطرار عرفا كالمرئة الخائفة من طروّ الحيض أو الشيخ أو الشيخة التي

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۷۲

تخاف المزاحم أو شيئا آخر عند ذاك أو المريض الخائف من ذلك. هذا كله فى طواف الحج وسعيه. وامّا طواف النساء

فلا یجوز ما لم یضطرّ حقیقة.

سؤال ۱۹۳: آیا در شب دوازدهم ذی الحجه بعد از گذشت نصف شب می توان پیران و مریض‌ها را از منی خارج کرد و به مکه آورد با علم به این‌که این افراد قادر به رمی در روز دوازدهم نیستند و برای رمی و نفر روز دوازدهم به منی بر نمی‌گردند؟ به عبارت دیگر آیا نفر بعد از ظهر روز دوازدهم وجوب نفسی دارد؟

(جواب): بسمه تعالی در مسأله ٦٤٨ مناسك احتیاط واجب کرده‌ایم که اگر رمی جمرات را در شب دوازدهم انجام داده باحتیاط واجب پیش از ظهر آنروز از منی بیرون نرود مگر این‌که عذری داشته باشد. یعنی احتمال وجوب نفسی دارد.

زیارات و ادعیه و تاریخ اهل بیت علیهم السلام

سؤال ۱۹٤: آیا زیارت عاشورا سندی دارد و مورد تایید فقهای امامیه کثر الله امثالهم و دامت برکاتهم می‌باشد؟

(جواب): بسمه تعالی ۱- زیارت عاشورا به همین‌طور که در کتاب مفاتیح الجنان آمده است در مصباح المتهجد صفحه ۷۷۳ و بحار جلد ۹۸ صفحه ۲۹۳ از مصباح و همان جلد ۹۸ صفحه ۲۹۰ از کامل الزیارات، و در کامل الزیارات صفحه ۱۷٦، و کفعمی در بلد الامین صفحه ۲٦۹ و ٤۸۲ نقل شده است.

۲- گرچه به نظر برخی از علماء رجال سند حدیث مشتمل بر حکیم بن داوود است که مهمل است و محمّد بن موسی الهمدانی که تضعیف شده است و محمّد بن خالد طیالسی که توثیق نشده است. از طیالسی به بعد، سیف بن عمره موثق است، صالح بن عقبه تضعیف شده است و علقمه بن محمّد حضرمی هم توثیق نشده است. لیکن محتوای زیارت شهادت می‌دهد که از امام معصوم رسیده است و سیره‌ی عملی بزرگان علماء شیعه نیز همواره بر خواندن این زیارت بوده است. همه جا سند لازم نیست، گاهی از صحت متن حدیث، وثوق راوی را هم کشف می‌کنیم.

۳- محتوای زیارت عاشورا دقیقاً طبق قواعد کلیه مذهب شیعه می‌باشد. آیا جبت و طاغوت و نفر اول تا پنجم، مخالف اسلام حقیقی نبوده‌اند؟ آیا ظالم نبوده‌اند؟ آیا لعن ظالم اشکال دارد؟ آیا تبری از اعداء اهل بیت علیهم السلام ثواب ندارد؟ و آیا توسل به اهل بیت علیهم السلام برای قضاء حوائج مفید نیست؟

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۷۳

٤- مداومت بر زیارت عاشورا، آثار بسیار خوبی دارد که مجال تفصیل نیست. این قدر زیاد هستند کسانی که از مداومت بر این زیارت به آثار مادی و معنوی رسیده، مشکلاتشان حلّ شده است!

سؤال ۱۹۵: احتراماً در باب فضیلت و ثواب زیارت حرم‌های امامزادگان صحیح النسب معلوم الحال و جلیل القدر که در همه جا ملجاء و پناهگاه شیعه هستند ارائه طریق و راهنمایی فرمایید.

(جواب): بسمه تعالی ادله‌ی مطلقه که در باب زیارات هست شامل همه ی این موارد می‌شود و ثواب دارد.

سؤال ۱۹٦: الف) آیا حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام دختری به نام رقیه داشته است یا خیر؟ ب) اگر نداشته است این نسبت به امام حسین علیه السلام چه حکمی دارد؟ ج) انجام و استماع مداحی‌ها و عزاداری‌ها به اسم این خانم چه حکمی دارد؟ د) از سوی بعضی مداحان نقل می‌شود که آن خانم نبش قبر شده و بدنش کاملاً سالم بود است. بیان این مسائل چه حکمی دارد؟

(جواب): بسمه تعالی الف: به احتمال قوی رقیه لقب است. چنان‌که سکنیه نیز لقب است. حضرت از شدت علاقه به پدر و مادر خویش، که مراد او بودند پسران را همگی علی (علی اکبر، علی اوسط و علی اصغر) و دختران را همگی فاطمه نامیده است. فاطمه هم متعدد بوده است. ظاهراً رقیه همان فاطمه‌ی صغری می‌باشد که در هنگام ورود به کوفه از کربلا در کجاوه‌ی حضرت زینب علیهم السلام بوده است. در کتاب‌های متعددی از قدما و متأخرین این خانم ذکر شده است.

ب: اگر اطمینان ندارید بهتر است به عنوان نقل از کتاب باشد، نه جزم.

ج: اشکالی ندارد، منظور مداحان و وعاظ هم نقل است نه جزم.

د: ظاهراً این قضیه واقعیت داشته است. بلکه با دقت در سند نقل این داستان و قرائن دیگر اطمینان داریم.

هـ: افراد زیادی هم از توسل به آن حضرت به حوائج خود رسیده‌اند.

سؤال ۱۹۷: مقاتل معتبر در نزد حضرتعالی کدام‌اند؟

(جواب): بسمه تعالی مانند سایر کتاب‌های تاریخی نمی‌توان صددرصد هر کتابی را قبول نمود. لیکن به نظر می‌رسد مقتل ابی مخنف، لوط بن یحیی که اخیراً هم

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۷۴

تحقیق و چاپ شده، و نیز کتاب لهوف سید بن طاووس و نیز نفس المهموم محدث قمی صاحب مفاتیح از جمله کتاب‌های خوب هستند. برخی معتقدند که کتاب اسرار الشهادة مرحوم در بندی که مبالغه‌ها دارد احتمالاً مشهودات مکاشفه‌ای او از حادثه‌ی کربلاست، یعنی با سلطه‌ی روحی بر زمان، گذشته را حضوراً دیده است!!

سؤال ۱۹۸: در میان کتب تاریخی، سیره و ... نسبت به زندگانی حضرات معصومین علیهم السلام کدام یك معتبرتر و متقن‌تر می‌باشند؟

(جواب): بسمه تعالی ارشاد مرحوم مفید و مروج الذهب مسعودی و کشف الغمه اربلی، و از نظر جامعیت کتاب بحارالانوار.

سؤال ۱۹۹: نظر مبارك حضرتعالی راجع به علمیت، اتقان و اعتبار کتاب مرآت العقول مرحوم علامه‌ی مجلسی چیست؟

(جواب): بسمه تعالی مرآة العقول کتاب ارزشمندی است که توسط مرحوم مجلسی در شرح «کافی» نوشته شده است. چنان که «ملاذ الاخیار» را هم در شرح «تهذیب» نوشته است و والد مکرّم ایشان هم کتاب «روضة المتقین» را در شرح «من لایحضر» نوشته است.

سؤال ۲۰۰: ما هو رأيكم الشريف حول جلال الدين محمّد البلخي الرومي المشتهر بالمولوي صاحب كتاب ديوان شمس ومثنوي معنوي؟ الف) هل هو من أهل السنة والجبريين والنواصب لآل محمّد عليهم السلام أم لا؟ ب) هل يوجد اشكال أو انحراف أو اغلاط في آثاره وافكاره أم لا؟

(جواب): بسمه تعالی الف: الظاهر انه سنی، محب لاهل البیت علیهم السلام.

ب: لیس جبریاً کما یشهد به بعض اشعاره.

سؤال ۲۰۱: نظر حضرتعالی راجع به انکار مصائب و مظلومیت‌های فراوان پیامبر اسلام و اهل بیت او علیهم السلام

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــــــ

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۷۶

وقد تقدم فی هذا ابو حسن — الی الحسین ووصیّ قبله الحسنا
یا رُبّ جوهر علم لو ابوح به — لقیل لی انت ممّن یعبد الوثنا
ولاستحل رجال مسلمون دمی — یرون اقبح ما یاتونه حسنا

منابعی که ابیات فوق از آن نقل شده عبارتند از: ینابیع الموده، جلد ۳، صفحه ۱۳۵ و ۲۰۳. تحفة السنیّه سید عبدالله جزائری، صفحه ۸. أربعین ماحوزی، صفحه ۲٤٥.
الأصول الاصیلة فیض کاشانی، صفحه ۱٦۷.

عروسی در کربلا

سؤال ۲۰٦: آیا داستان عقد و عروسی حضرت قاسم بن‌الحسن علیه السلام در کربلا صحت دارد؟ خواندن و بیان کردن این داستان چه حکمی دارد؟

(جواب): بسمه تعالی کتاب‌های متعددی نقل کرده‌اند، به کتاب موسوعة الامام الحسین علیه السلام رجوع کنید، از برخی کتب قبلی مقاتل نقل کرده است. البته عقد فقط؛ عروسی نقل صحیحی ندارد.

عزاداری سید الشهداء و اهل بیت علیهم السلام

سؤال ۲۰۷: احتراماً نظر جنابعالی در مورد قمه زدن در مصیبت سالار شهیدان چیست؟ نظر شما در مورد برهنگی به هنگام سینه زنی‌چیست؟ نظر شما در مورد این که در مداحی بگویند من سگ حسین هستم چیست؟

(جواب): بسمه تعالی نفس قمه زدن به قصد اظهار جزع و فزع از حادثه کربلا را اشکال نمی‌کنم لیکن طوری نباشد، که بهانه به دست دشمنان بدهد؛ البته هیچ یك از امامان ما قمه نزده‌اند. برهنگی سینه در برابر نامحرم نباشد اشکال ندارد.

اهل بیت علیهم السلام فرمودند: زینت ما باشید و در هیچ حدیثی نفرمودند سگ ما باشید.

سؤال ۲۰۸: الف) نظرتان در مورد روضه‌هایی که به نام ازدواج حضرت قاسم فرزند امام حسن علیهما السلام در کربلا خوانده می‌شود، چیست؟ ب) آیا پول دادن به مرثیه سرایانی که گاهی در بین اشعار خود بعضی از مطالب بی‌مدرك یا ضعیف السند را مطرح می‌کنند، صحیح است و آیا اصل عزاداری، در اثر این کار، خلاف می‌شود؟ ج) آیا تعزیه و شبیه خوانی در مراسم عزاداری بدعت است و جایز نیست؟ د) برهنه شدن مردان در حال سینه زدن و زنجیر زدن در منظر زنان چگونه است؟ ه) آیا سینه زدن و زنجیر زدن برای

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۷۷

ریا، جایز است؟ و) آیا پوشیدن لباس مشکی در عزای امام حسین علیه السلام رجحان شرعی دارد؟ ز) آیا طواف قبر جایز است؟ ح) آیا وقت مصافحه گفتن السلام علیکم، یا علی مدد جایز است؟ ط) آیا حدیث مشهور و شریف «لولاك لما خلقت الافلاك» در کتب احادیث وجود دارد؟ ی) آیااهمیت دادن به نیمه شعبان و عریضه نویسی شرعیت ندارد؟

حسینی باشد.

ه) دشمنان تشیع حتی گریه کردن را هم خرافه می‌دانند تا چه رسد به سینه زدن و زنجیر زدن و مانند آن. به هر حال قمه و هر وسیله‌ی آوردن خون، واجب که نیست، امامان ما هم هیچ‌گاه قمه نزده‌اند، لیکن اگر بتوانند جهت اعجاز آن را نشان دهند که هتك مذهب جلوه نکند اشکال ندارد.

سؤال ۲۱۲: افرادی که بر اثر جراحات وارده از زنجیرهای کاردی و قمه‌زنی در عزاداری‌ها جان می‌بازند و می‌میرند، حکمشان چیست؟

(جواب): بسمه تعالی اگر موجب هتك مذهب یا موجب ابتلاء به بیماری‌های مزبور باشد، جایز نیست.

اعیاد و وفیات مذهبی

سؤال ۲۱۳: آیا شرکت در مراسم عزاداری و اعیاد ائمه معصومین علیهم السلام بهتر است یا تحقیق و مطالعه در امور اعتقادی؟ با توجه به این که معمولا سعی دارم در ایام عزاداری یك جلسه یا یك منبر را استماع نمایم؟

(جواب): بسمه تعالی علم بهتر است. لیکن باید بین هر دو جمع نمود.

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۷۹

سؤال ۲۱٤: شرکت در جلسه برخی از مداحان که بدون تحقیق و صرفا تقلیدی و گاهاً غلوآمیز مداحی می‌کنند چه حکمی دارد؟

(جواب): بسمه تعالی نباید در جلسات این‌گونه افراد شرکت کرد اگر غلو باشد یعنی اعتقاد به خدایی اهل بیت علیهم السلام. توجه داشته باشید که هر تعریف و تمجیدی غلو نیست، فقط اعتقاد خدائی آن‌ها غلو می‌باشد.

ردّ شمس

سؤال ۲۱۵: نظر حضرتعالی درباره‌ی صحّت روایات «ردّ شمس برای امیر المومنین علیه السلام» از نظر سند و دلالت و جنبه‌های دیگر چیست؟

(جواب): بسمه تعالی به کتاب بحار الانوار جلد ٤١ صفحه ١٦٧ رجوع فرمایید.

روایات زیادی در این‌باره وجود دارد. و نیز در کافی جلد ٤ صفحه ٥٦٢، و من لا یحضر جلد ١ صفحه ٢٠٤.

زیارت عاشورا

سؤال ۲۱٦: لطفاً بفرمایید مراد از علی بن الحسین در «السلام علی الحسین و علی علی بن الحسین» کیست؟

(جواب): بسمه تعالی منظور حضرت علی اکبر است به قرینه مقام که صحبت از شهیدان است. و امام سجاد علیه السلام هر چند در مشکلات کربلا بوده، لیکن از شهدای‌کربلا نیست و در زمره اولاد الحسین ذکر شده است. ضمناً مسأله مهمی هم نیست، چه علی اکبر منظور باشد یا علی اوسط، به هر حال هر دو محترم هستند. از شما تقاضا دارم وقت خود را در معارفی صرف کنید که برایتان تفاوتی در عمل و وظیفه ایجاد می‌کند.

سؤال ۲۱۷: لطفاً نظرتان را پیرامون سؤالاتی که در رابطه با زیارت عاشورا برای اینجانب ایجاد شده بیان فرمایید. الف) معنای «السلام علیك یا ثار الله وابن ثاره والوتر الموتور» چیست؟ ب) ضمناً بفرمایید که آیا خون خواهی عملی از روی کینه نیست؟ ج) و مگر مؤمن از عقده و کینه خالی نیست؟

(جواب): بسمه تعالی الف) «خداوند انتقام خون حضرت سیدالشهدا و حضرت امیر علیهما السلام را می‌گیرد و امام

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــــــ

(جواب): بسمه تعالی اگر بنا باشد ستمگران هم مانند مظلومان، مورد رحمت باشند، این خود عذابی برای مظلومان، خواهد بود. و اساساً چه مصلحتی در اصل معاد خواهد بود؟ مگر معاد برای مجازات و پاداش نیست؟ و مگر این همه آیات قرآن در عذاب مخالفین نیست؟ اگر اعمال آنها بد است خودشان که علت اعمال بد هستند بدترند. علت بدی همیشه قبیح تر از معلول بد است.

سؤال ۲۲۳: مگر ابن مرجانه همان عبید الله بن زیاد نیست؟ پس چرا در زیارت عاشورا آمده است که: «ولعن الله عبید الله بن زیاد وابن مرجانة»؟ پس چرا بینشان «واو» آمده است؟

(جواب): بسمه تعالی عطف تفسیری است.

سؤال ۲۲٤: ۱- بیزاری به سوی خدا و به سوی معصومین در «برئت الی الله و الیکم منهم» به چه معناست؟ مگر برائت به سوی شخص خاصی است؟

(جواب): بسمه تعالی یعنی از آنها بیزار، و به خدا و شما نزدیك می‌شوم.

۲- چرا در این زیارت اول صد لعن و بعد صد سلام آمده است؟

(جواب): بسمه تعالی اول باید خبیث طرد شود. دیو چو بیرون رود فرشته درآید.

تاریخ معصومین

سؤال ۲۲۵: ما رایکم فی من یقول ان الزهراء لم یکسر ضلعها؟

(جواب): بسمه تعالی ماذا نقول سوی دعوته بقرائة کتب التاریخ و الزیارات، والدقة فی علّة شهادتها وعلّة غضبها علی الشیخین.

دعاء صنمی قریش

سؤال ۲۲٦: دعای صنمی قریش در لعن بر جبت و طاغوت از جهت سند در نظر حضرتعالی چگونه است؟

(جواب): بسمه تعالی مرحوم فیض در مهجه البیضاء جلد ٦ صفحه ۲۲۲ نقل

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۸۲

می‌کند که حضرت امیر علیه السلام این دعا را در برخی نوافل می‌خوانده‌اند. در بحار جلد ۳۰ صفحه ۳۹٤ می‌گوید: این دعا بین شیعیان مشهور است. و کفعمی در جنت الامان این دعا را نقل می‌کند. می توانید به کتاب مستدرك الوسائل باب ٦ قنوت و بحار جلد ۸۲ صفحه ۲٦۰ رجوع کنید.

زیارت ناحیه مقدسه

سؤال ۲۲۷: نظرتان راجع به سند زیارت ناحیه‌ی مقدسه از جهت اعتبار و اتقان چیست؟ آیا آن را مستند به معصوم علیه السلام می‌دانید؟

(جواب): بسمه تعالی ظاهراً منظور از ناحیه مقدسه، امام حسن عسکری علیه السلام است، چون در سند حدیث سال ۲۵۲ ذکر شده است. ضمناً ابن عیاش، که درسندآمده مجهول است. مجلسی درباره‌ی زیارت دیگری می‌فرماید، ظاهراً این زیارت از تألیفات سید مرتضی و شیخ مفید است. ولی به هر حال مضمون زیارت خوب و متین است.

احکام مکاسب

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــــــ

غافل از این که هم اکنون سرمایه گذارانی هم‌چون من سرمایه و اعتبار و آبروی خود را بر

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۸۴

روی کاری گذاشته‌اند که با اهمال و کم کاری مدیران این سازمان به نتیجه نرسیده است.
در چنین شرایطی آیا از نظر شرعی درست است که باز هم عده دیگری را دعوت به کاری کنند که قدرت حمایت از آن را ندارند؟ آیا به لحاظ شرعی بازی با آبرو و سرمایه اشخاص درست است یا خیر؟
(جواب): بسمه تعالی مسلماً بازی با آبروی مردم جایز نیست چه بگویم جز این که بسیار متأسفیم. ظاهراً در بدنه‌ی ادارات حکومتی کسانی مشاغل کلیدی را در دست گرفته‌اند که جز کسب موقعیت و سود خود را مدّ نظر ندارند.

شرکت در بیع

سؤال ۲۳۵: شرکت گوشتی گلبرگ سبزوار مقدار ۱۵۰ تن گوشت گوساله وارداتی کارتنی از شرکت پشتیبانی امور دام خوزستان خریداری نموده، و بابت وجه کل آن یك فقره چك به مدت دو ماهه صادر و تحویل فروشنده نموده است و به همان میزان سفته بابت ضمانت نزد شرکت پشتیبانی امور دام خوزستان سپرده است. مقدار حدود ۵۶/۵ تن از گوشت‌ها تحویل شرکت گلبرگ سبزوار گردیده و باقی گوشت‌ها که حدود ۹۲/۵ تن است به علت عدم موجودی، به تهران حواله صادر شده است که پشتیبانی امور دام تهران به دلائلی احتمالاً افزایش قیمت گوشت، از تحویل باقی مانده گوشت خودداری نموده‌اند و این در حالی است که شرکت گلبرگ سبزوار مقدار ۱۰۰ تن از گوشت فوق را به شرکت‌های مواد غذایی دیگر فروخته که به علت عدم تحویل گوشت، شرکت گلبرگ سبزوار نیز نتوانسته به تعهد خود نسبت به تحویل گوشت به شرکت‌های خریدار عمل نماید. الف) آیا شرکت پشتیبانی امور دام خوزستان موظف به تحویل باقی مانده گوشت به شرکت گلبرگ سبزوار می‌باشد؟ ب) پرداخت چك فوق، مشروط به دریافت کل گوشت خریداری شده خواهد بود یا خیر؟
(جواب): بسمه تعالی ۱- هر یك از طرفین معامله موظف به تحویل مورد تعهد خویش می‌باشند.
۲- اگر یکی از دو طرف، اعتمادی به عمل طرف مقابل ندارد، می تواند از تحویل مورد تعهد خویش هم خودداری ورزد و حل این مشکل به این است که نزد فرد امین یا مؤسسه‌ی بانکی و غیره امین گذارده شود. ۳- چك مزبور ثمن کل گوشت بوده و شرکت خوزستانی مسؤول می‌باشد.

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۸۵

دروغ گفتن در قیمت خرید کالا

سؤال ۲۳۶: فقهای امامیه «کثرا ... امثالهم» فرموده‌اند: اگر بایع در إخبار از رأس المال دروغ بگوید مشتری حق فسخ معامله را دارد، بیان فرمایید؛ ۱. آیا این خیار اختصاص به بیع دارد یا در عقود دیگر نیز جاری است، مثل این‌که شخصی خانه‌ای را اجاره کرده و بخواهد آن را به دیگری اجاره دهد و به مستأجر دوم بگوید خانه را ماهی ۱۰۰ هزار تومان اجاره کرده‌ام و به همین مبلغ به تو اجاره می‌دهم و بعد مشخص شود در إخبار از مال الاجاره مرتکب کذب شده است؟ ۲. آیا خیار مزبور اختصاص به مرابحه دارد یا در مواضعه و تولیه و ... نیز جاری است؟ ۳. آیا خیار مزبور اختصاص به إخبار کذب از رأس المال دارد یا در موارد دیگر نیز جاری است مثل این‌که درباره‌ی

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــ

جنس یا وصف مبیع إخبار کذب بدهد یا به مشتری بگوید: جنس الان موجود است و به تو می‌دهم و مشخص شود فعلاً در دسترس نیست؟ (محقق کرکی در این باره مقرر داشته: «سواء کان الکذب فی قدر الثمن او جنسه او وصفه او حلوله»). ٤. آیا خیار مزبور، خیار مستقلی محسوب می‌شود یا برگشت آن به خیار تخلف شرط (شرط ضمنی یا بنایی) یا تدلیس و امثال آن است؟ ۵. آیا خیار مزبور اختصاص به إخبار بایع دارد یا در صورتی که مشتری در مورد جنس یا قیمت و مشخصات ثمن به بایع دروغ بگوید نیز جاری بوده و بایع خیار خواهد داشت؟

(جواب): بسمه تعالی اگر شرط ضمنی یا بنائی باشد حق فسخ دارد و فرقی بین مرابحه و مواضعه و تولیه نیست و در غیر بیع هم جاری است و در ثمن هم جریان دارد. و اگر شرط نباشد خیار ندارد.

بیع اعضاء بدن

سؤال ۲۳۷: الف) هرگاه شخصی به قصاص نفس محکوم شده باشد، آیا می تواند اعضای بدن خود (مانند کلیه و ...) را بفروشد؟ البته به گونه‌ای که به حیات او صدمه نزند.

ب) چنان‌چه مقتول نیز فاقد کلیه و ... بوده چه‌طور؟ ج) چنان‌چه شخصی محکوم به رجم یا قتل حدی گردد، آیا می تواند اعضای بدن خود را اهدا نموده یا بفروشد؟

(جواب): بسمه تعالی الف) اشکال ندارد. ب) اشکال ندارد. ج) اشکال ندارد.

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۸۶

فروش مال غیر

سؤال ۲۳۸: اینجانب مالك ملکی در شهرستان محلات بوده‌ام که در سال ١٣٦٥ این ملك طی سند رسمی، فی سبیل الله، جهت تعریض خیابان به شهرداری واگذار نمودم که شهرداری نیز تعریض را انجام داده است، لیکن مابقی آن چون استفاده نشده و با توجه به این‌که شهرداری اخیراً اعلام نموده مازاد آن مورد معامله نبوده و باید به مالك برگردد. ولی اخیراً متوجه شدم همسرم در سال ١٣٦٠ همان ملك را به شخص ثالثی به صورت فضولی فروخته در حالی که بنده اصلا مطلع نبودم و چنین اجازه‌ای را نیز نداده بودم چون خودم در سال ١٣٦٥ این ملك را به شهرداری فروخته بودم حالیه از محضر عالیقدر استدعا دارم حکم شرعی مورد سؤال را مرقوم بفرمایید. ١. آیا چنین معامله‌ای که شوهرم با شخص ثالث انجام داده صحیح بوده یا خیر؟

(جواب): بسمه تعالی معامله مزبور فضولی است و تا شما اجازه ندهید صحیح نمی‌شود.

٢. آیا سکوت و عدم اطلاع بنده به منزله تنفیذ محسوب می‌گردد یا خیر؟

(جواب): بسمه تعالی صرف سکوت، تنفیذ نیست.

برکت کسب

سؤال ۲۳۹: حقیر بعد از چند سال کاسبی در پایان سال می‌بینم فقط بدهی برایم مانده در حالی که خرید و فروش بد نبوده، در ضمن سعی می‌کنم که مسائل شرعی را هم رعایت کنم. عیب کار من کجاست که روزیم بی‌برکت شده؟

(جواب): بسمه تعالی از نماز اول وقت و نماز شب غفلت نکنید، آن هم به طور دائم. البته رعایت بدهی شرعی خمس و مانند آن از آن دو هم مهم‌تر است.

برخی از محرمات

سؤال ۲٤۰: حسد و عواقب آن را توضیح دهید و در برابر فرد حسود چه باید کرد؟

(جواب): بسمه تعالی اظهار حسد حرام است، باید نهی از منکر نمود. و اگر اثری ندارد، شما وظیفه‌ای ندارید.

سؤال ۲٤۱: در محیط کار خود مرتب از افراد مختلفی غیبت می‌شود، به طوری که غالباً کاری که دیگران انجام داده‌اند، برای هم دیگر توضیح داده می‌شود، و نمی توانم

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۸۷

جلوی افراد را بگیرم، یا از محیط خارج شوم، آیا گناهکارم یا نه؟ چه کار کنم؟

(جواب): بسمه تعالی صرف گفتن به آن‌ها باعث نمی‌شود که غیبت حساب نشود، غیبت است، باید استغفار کنید و از غیبت شونده‌ها حلالیت بگیرید مگر این که گفتن به آن‌ها موجب اختلافات و ناراحتی شود، آن وقت برای آن‌ها هم استغفار کنید.

بازی با وسایل قمار

سؤال ۲٤۲: وسیله‌ی بازی که در گذشته جزء آلات قمار محسوب می‌شده ولی در حال حاضر در بعضی شهرها، دیگر آن را عرفاً آلت قمار نمی‌دانند ولی در شهر دیگر آن را هنوز از آلات قمار می‌دانند. بازی با آن چه صورت دارد؟

(جواب): بسمه تعالی به نظر اینجانب مطلقاً اگر بقصد برد و باخت نباشد جایز است هر چند احتیاط خوبست.

سؤال ۲٤۳: بازی کردن با بازی‌هایی که در آن‌ها تاس به کار می‌رود (مانند منچ) چه حکمی دارد؟

(جواب): بسمه تعالی هر نوع بازی بدون برد و باخت از نظر اینجانب جایز است؛ البته احتیاط مستحب است که از آلات قمار پرهیز شود.

فروش سهمیه بنزین

سؤال ۲٤٤: الف) اخیراً که مصرف بنزین به طور سهمیه‌بندی و با استفاده از کارت هوشمند سوخت انجام می‌گیرد، برای هر خودروی شخصی ماهانه ... لیتر بنزین اختصاص داده شده است. با عنایت به این که سقف مشخص شده برای برخی از مردم کافی نمی‌باشد، اقدام به خرید بنزین از رانندگان تاکسی و وانت‌بارها که بنزین‌هایشان برای ارائه خدمات به عموم مردم می‌باشد، می‌نمایند. این خرید و فروش چه حکمی دارد و آیا فردی می تواند بنزین سهمیه‌ای خودروی شخصی خودش را بفروشد؟

ب) چنان‌چه مستحضرید، بنزین قبلاً توسط افراد معدودی به طور قاچاق به بیرون مرزها صادر می‌گردید. اما هم اینك به علت کم بودن سقف سهمیه، اکثر افراد نیازمند به بنزین، چنین معامله‌هایی را انجام می‌دهند. حتی تاکسی‌ها به جای ارائه خدمات به مردم اقدام به فروش سهمیه تاکسی خود نموده و از ارائه خدمات خودداری می‌نمایند. یعنی اگر این فعل معصیت باشد، در سطح عموم شایع شده است. نظر حضرتعالی در

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۸۸

مورد وظیفه دولت و حکومت برای جلوگیری از چنین اقداماتی چیست؟

(جواب): بسمه تعالی الف) فروش بنزین خودروهای شخصی جایز است و فروش بنزین خودروهای عمومی چون

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــــــ

سؤال ۲۵۲: دست زدن (کف زدن) در عروسی‌ها و جشن‌ها چه حکمی دارد؟

(جواب): بسمه تعالی اشکال ندارد، مگر این که تشویق کار حرامی، چون رقص و مانند آن باشد.

لباس شهرت

سؤال ۲۵۳: معیار لباس شهرت چیست؟

(جواب): بسمه تعالی لباسی که موجب ذلت و تحقیر شود، جایز نیست و در غیر آن را اشکال نمی‌کنم.

احکام ورزش

سؤال ۲۵٤: آیا زن می تواند با لباس‌های گشاد و با روسری و شلوار در حضور مرد نامحرم ورزش کند؟

(جواب): بسمه تعالی اگر محرك شهوانی نباشد اشکال ندارد. لیکن واقع خارجی این مطلب معمولاً محرك است و فساد دارد.

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۹۰

ورزش طلاب

سؤال ۲۵۵: فدراسیون ورزش طلاب، در نظر دارد جهت ورزش طلاب اقداماتی را انجام دهد. لذا اعلان نظر آن مقام انشاء الله فصل الخطاب خواهد بود. ضمناً بفرمایید ایجاد این‌گونه مسائل از نظر شرعی چه حکمی دارد.

(جواب): بسمه تعالی ۱- اصل ورزش برای طلاب بسیار خوب و گاهی لازم است.

موجب نشاط و آمادگی بیش تر برای کار می باشد.

۲- باید رعایت شؤون روحانیت بشود، فکر می‌کنم تشکیل تیم‌هایی هم‌چون سایر تیم‌ها و پوشیدن لباسی هم‌چون لباس ورزشکاران کُشتی و والیبال (نیمه عریان) و نیز رقابت و احیاناً اختلاف تیمی و درگیری لفظی و غیره برای امتیاز یك تیم بر دیگری به صلاح روحانیت نیست.

۳- تنها حجت ظاهره میان خلق و خالق فعلا روحانیت است و باید دقیقاً مراعات شؤون روحانیت بشود. امام معصوم علیه السلام که غائب است، هر گونه بی‌احترامی به لباس روحانیت و شؤون روحانی، به ضرر اسلام و تشیع و کشور است.

لباس روحانیت

سؤال ۲۵٦: نظر به برخورد ویژه‌ای که یکی از مراکز آموزشی در رابطه با تلبس به لباس مقدس روحانیت در پیش گرفته است، سؤالی در ذهن بعضی از دوستان ایجاد شده که چکیده آن را به استحضار می‌رسانند: یکی از مراکز آموزشی بدون در نظر گرفتن شرایط تلبس به لباس مقدس روحانیت و این که آیا فردی که بناست این لباس را در بر کند صلاحیت، آمادگی و شرایط لازم برای این کار را دارد یا خیر، اقدام به الزام و اجبار افراد به تلبس به این لباس مقدس می‌نماید. سؤال ما از جنابعالی این است که الزام و اجبار به پوشیدن این لباس (بدون در نظر گرفتن صلاحیت و آمادگی فردی که قرار است ملبس شود)، شرعاً چه حکمی دارد؟

(جواب): بسمه تعالی اجبار صحیح نیست؛ لیکن شهریه حوزه هم، بهتر است برای کسی باشد که در ظاهر هم خود را به عنوان سرباز امام زمان (عج) نشان بدهد، و این بدون لباس رسمی (همچون افسر نیروی انتظامی بدون لباس رسمی) موفقیتی ندارید.

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــــــ

(جواب): بسمه تعالی خیر، مگر با اعلام رضایت دهنگان پول.

مدّاحی

سؤال ۲۶۰: مداحی نمودن به سبك ترانه چه حكمی دارد؟ اگر مداح در هنگام مداحی بگوید: (سگ حسینم) چه حكمی دارد؟ اگر مداح از روی احساس بگوید:

(حسین خداست) چه حكمی دارد؟

(جواب): بسمه تعالی ترانه و غنا و آوازهای مناسب با رقص حرام است.

اهل بیت علیهم السلام سگ نمی‌خواهند. اگر با توجه به معنی و لازمه حرف خود بگوید:

(حسین علیه السلام خداست) كافر است.

سؤال ۲۶۱: بنده افتخار مداحی اهل بیت علیهم السلام را دارم. چندی پیش به شعری برخوردم كه دو بیت آن در زیر آمده است:

ای شیعه ز نو محرم آمد — هنگام عزا و ماتم آمد

بر سر بزنید در این مصیبت — در ماریه شاه عالم آمد

سؤال بنده این است كه منظور از «ماریه» چیست؟ لطفاً قدری درباره آن توضیح دهید.

(جواب): بسمه تعالی شهرهای متوسط فرات را «ماری و ماریه» می‌گویند كه در دوران سومری‌ها، مركز حكومت بوده است. بنابراین یكی از نام‌های منطقه‌ی نینوا و كربلا می‌باشد.

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۹۳

تقلب در امتحان

سؤال ۲۶۲: اینجانب دو سال است كه در دانشگاه در رشته حقوق قبول شده‌ام و مشغول تحصیل هستم. قبل از قبول شدن در دانشگاه در دوران تحصیلم در درس‌هایی تقلب كرده بودم كه در دو درس مطمئن به تاثیر تقلبم هستم و در بقیه دروس كه تعدادشان را دقیق نمی‌دانم، در تاثیر تقلبم شك دارم و در بعضی مواقع مانند كنكور به چند نفر تقلب رساندم و در زمانی هم كه تقلب می‌كردم، متوجه خلاف شرع بودن و اثرات تقلب نبودم. حال با در نظر گرفتن این مطلب كه اگر تقلبم را می‌گرفتند، تمام نمره‌هایم صفر می‌شد. الف) چون من دیپلم و پیش دانشگاهی را با تقلب گرفته بودم، اجازه دادن كنكور را نداشتم و با قبول شدنم، حق یك نفر را ضایع كرده‌ام. ب) اگر من در مراحل بالاتر دوباره امتحان كنكور بدهم و قبول بشوم، حق دیگری هم ضایع می‌شود.

ج) اگر من در امتحان وكالت قبول بشوم، یك حقی ضایع می‌شود و اگر وارد بازار كار بشوم به دلیل اشكال داشتن مجوز وكالت حقوق یك سری از افراد را ضایع خواهم كرد.

خواهش می‌كنم با توجه به مطالب فوق اینجانب را راهنمایی فرمایید.

(جواب): بسمه تعالی چون برگرداندن این جریان ممكن نیست، فقط نزد خدا توبه كنید و بنا بگذارید كه خیلی خوب درس بخوانید تا وكالت حقیقی را- از نظر داشتن اطلاعات عمیق- پیدا كنید و به مردم متدین خدمت نمایید.

سؤال ۲۶۳: بعضی از دانش آموزان موقع امتحان، تقلب می‌كنند از دانش‌آموزان دیگر جواب را می‌پرسند یا به ورقه

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــ

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۹۴

سؤال ٢٦٥: بعضی از معلّمین یا اساتید دانشگاه‌ها روی ملاحظاتی به دانش‌آموز یا دانشجو نمره می‌دهند، خواهشمندم حکم مسأله را بیان فرمایید.

(جواب): بسمه تعالی جایز نیست.

حق فسخ

سؤال ٢٦٦: اینجانب ملکی را فروختم و قرار شد که خریدار، حدود نصف قیمت آن را در تاریخ بیست و پنجم بهمن پرداخت نماید و نصف دیگر را در محضر بپردازد. و در قرارداد تصریح شده که اگر خریدار مبلغ مذکور را تا بیست و پنجم بهمن هشتاد و پنج نپردازد، موجب منفسخ شدن و بی‌اعتباری معامله است. و خریدار اول اسفند هشتاد و پنج مبلغ مذکور را پرداخت. آیا معامله مذکور منفسخ شده است؟

(جواب): بسمه تعالی ۱- مسلماً حق فسخ دارید. ۲- بلکه به نظر اینجانب می توان گفت خود بخود معامله فسخ شده است. زیرا آن‌طور که از نوشته شما استفاده می‌شود انفساخ را به نحو شرطِ نتیجه، ذکر کرده‌اید و اینجانب شرط نتیجه را در مواردی که صیغه خاصی برای آن شرط نیست، صحیح و نافذ می‌دانم.

معاملات هرمی

سؤال ٢٦٧: شرکتی است متعلق به مسلمین که در زمینه فروش لوازم مختلف (اکثراً صنایع دستی) در ایران فعالیت می‌کند. نحوه فعالیت این شرکت بدین گونه است که شخص خریدار در صورت تمایل می تواند در زمینه فروش محصولات با این شرکت همکاری کند بدین طریق که به ازای فروش هر محصول، درصدی از قیمت آن محصول به صورت پورسانت به او تعلق خواهد گرفت. هم‌چنین در صورتی که افراد تحت مدیریت این شخص (با واسطه یا بی‌واسطه) کالایی را به فروش برسانند به این شخص هم درصدی از مبلغ فروش (طبق فرمول‌ها و محاسبات مشخص) تعلق خواهد گرفت.

درآمد حاصل از فعالیت در این شرکت چه حکمی دارد؟

(جواب): بسمه تعالی اگر واقعاً قصد خرید و فروش به طور جدّی باشد، اشکالی ندارد به شرط رعایت شرایط خرید و فروش، چون معلوم بودن خصوصیات جنس که مایه‌ی غرر نباشد و قدرت بر تسلیم مورد معامله، و مالکیت شرکت بر اجناس مزبوره.

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۹۵

سؤال ۲۶۸: فعالیت شرکت‌هایی از قبیل گلدکوئیست و معامله با آن‌ها با فرض وجود سران یهودی آن شرکت‌ها و عدم فرض وجود ربا، چگونه است؟

(جواب): بسمه تعالی فعالیت شرکت‌های مزبور و مشابه آن، هر چند از طرف مسلمین باشد، فی‌نفسه اشکال دارد، جلد اول استفتائات ما را ملاحظه فرمایید.

سؤال ۲۶۹: الف) اگر مسلمانی از یك زرگر یهودی، طلایی به ارزش هشتصد تومان را به هزار تومان خریداری کند و علم به اختلاف قیمت هم داشته باشد آیا معامله صحیح است؟ ب) اگر آن زرگر شرط کند که اگر برای من بازاریابی کنی، در قبال هر نفر مشتری، اجرتی خواهی داشت. آیا این شرط صحیح و اجرت هم حلال است؟ ج) اگر آن زرگر شرط کند، که اگر مرا با مشتری آشنا کنی، که آن مشتری هم مشتری دیگری را برای من پیدا کند، در قبال آن مشتری سوم به تو اجرتی خواهم داد. آیا شرط صحیح و اجرت حلال است؟ د) نظر شریف جنابعالی در مورد شرکت گلدکوئیست چیست؟ شرکتی که کاری شبیه به کار زرگر فوق را انجام می‌دهد. اگر دولت جمهوری اسلامی، فعالیت این شرکت را در کشور قانونی اعلام کند، کار در آن شرکت، در آن زمان چگونه خواهد بود؟

(جواب): بسمه تعالی اجمالاً کلیه معاملات به اصطلاح هرمی را جایز نمی‌دانم و بارها توضیح داده‌ام. می توانید نسخه استفتاء و پاسخ آن را از دفتر بگیرید. در جلد ۱ و ۲ استفتائات نیز چاپ شده است. اجمالاً اشکالات متعددی دارد که اینجانب جایز نمی‌دانم. در مثال زرگری که نوشته‌اید اشکالی نیست، ولی همه‌ی معاملات هرمی این‌طور نیستند.

سؤال ۲۷۰: شرکتی به نحوه زیر عمل می‌کند. افراد با پرداخت مبلغ معینی یك دفتر کار الکترونیکی به همراه یك کد (آسو کد) از سایت آسوشاپ خریداری می‌کنند که ورود و خروج به این دفتر، در کنترل خریدار و در تملك وی قرار گرفته و کلیه خرید و عملیات مالی- مربوط به تجارت الکترونیکی فرد، از طریق دفتر کار الکترونیکی وی به عمل می‌آید. طبق قرارداد منعقد اینترنتی بین شرکت و فرد خریدار، معادل بیست درصد از آن مبلغ به خود خریدار تعلق دارد و می تواند بلافاصله یا در زمان دیگر (به قدر بیست درصد) در فروشگاه و یا بازار اینترنتی شرکت آسو و یا فروشگاه‌های معتبر اینترنتی داخل کشور، کالای مورد نیاز خود را انتخاب و خرید نماید.

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۹۶

هشتاد درصد دیگر برای خرید کارت اعتباری دانش- آسو استفاده می‌شود که در اختیار خریدار برای استفاده‌های خدماتی می‌گیرد. علاوه بر این خریداران می توانند خود به یك فروشنده کالا نیز مبدل گردند. مثلاً یك کشاورز باغدار ضمن خرید از فروشگاه و بازار می تواند به طور مستقیم و با حداقل واسطه محصول خود را توسط فروشگاه یا بازار اینترنتی شرکت به سراسر کشور و یا کشورهایی که آسو در آن‌ها فعال است بفروشد که هم به نفع فروشنده است و هم به نفع خریدار و هم‌چنین مصادیق دیگر مثل: تولید کننده کالاهای صنعتی و یا تجار کالا و خدمات و ... می توانند چنین کاری را به عمل آورند و محصولات، خدمات و یا دانش و کالای خود را بفروشند.

پس تا این جا یك معامله پایاپای اینترنتی صورت گرفته و نوع کالای خریداری شده نیز معلوم گردیده است، و هیچ اجباری و یا شرطی ضمن عقد که خریدار را وادار به بازاریابی نماید وجود ندارد. اما طبیعی است که چنان‌چه

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــــــ

طریق اول: از طریق کلیك بر روی لینك‌هایی که آن‌ها معرفی می‌کنند و توقف معمولاً چند ثانیه‌ای بر مشاهده آن سایت‌ها، که در این روش به ازای هر کلیك مبلغی به حساب افزوده می‌شود. طریق دوم: از طریق عضویت در سایت‌هایی که آن‌ها معرفی

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۹۸

می‌کنند، در این روش (که معمولاً هم سایت‌هایی که با آن‌ها به نوعی همکار و آن‌ها هم در این مسیر حرکت می‌کنند معرفی می‌شوند) که در راستای تحقق روش بعدی است به ازای عضویت در هر سایت مبلغی تعلق می‌گیرد. طریق سوم: از طریق معرفی سایر افراد به این سایت‌ها و عضویت آن‌ها در آن سایت، که به ازای هر فرد در صدی از درآمدهای او در اختیار معرف قرار می‌گیرد.

دو نکته زمینه این سایت‌ها: نکته اول: درآمد در این سایت‌ها رتبه‌بندی شده و در هر رتبه درآمد خاصی به سه روش فوق تعلق می‌یابد و کسانی که رتبه‌های بالاتری داشته باشند، درآمد بیش‌تری را کسب می‌کنند. این افزایش رتبه یا با معرفی زیر مجموعه (مشتری) بیش‌تر به سایت است و یا با پرداخت مبلغی به آن سایت. نکته دوم: در بعضی از سایت‌هایی که برای کلیك (روش اول) معرفی می‌شوند تبلیغات کازینوهای آنلاین و گاهی غیر اخلاقی است. اکنون با توجه به توضیحات فوق، آیا کسب درآمد از این سایت‌ها صحیح است یا نه؟

(جواب): بسمه تعالی اجرت در برابر صرف معرفی اشکال ندارد، معاملات هرمی دیگر را که ما اشکال می‌کردیم به عنوان خرید و فروش بود و اشکال در شرایط بیع داشتیم. لیکن به هر حال باید مراقب خروج ارز از مملکت، به این وسیله بود که گاهی بی‌حساب و به ضرر مملکت تمام می‌شود.

سؤال ۲۷۳: احتراماً به استحضار می‌رساند، اینجانبان به لحاظ بازاریابی و فروش خودروهای داخلی که نهایتاً به حمایت از صنعت خودروسازی داخلی و یافتن بازار بیش‌تر فروش صنعت مزبور می‌گردد، اقدام به تاسیس شرکتی نموده که در اداره ثبت شرکت‌ها به ثبت رسیده است که اهم و عمده فعالیت شرکت به شرح آتی خواهد بود.

موضوع شرکت، بازاریابی خودروهای داخلی و تلفن همراه خواهد بود. بدین نحو که هر شخص که طرف قرارداد شرکت واقع می‌شود با پرداخت مبلغ یك میلیون ریال به حساب شرکت به عنوان شرکت در طرح که به صورت قرض الحسنه در حسابی مشخص نزد شرکت باقی خواهد بود، و پس از دریافت اتومبیل داخلی یا تلفن همراه همان مبلغ به وی مسترد می‌گردد. یك قطعه کارت شرکت در طرح و دو نسخه برگه قرارداد دریافت کرده و با ارائه مدارك لازم و تکمیل فرم های موجود در پله اول جدول

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۹۹

دوازده مرحله‌ای قرار می‌گیرد و از طرف شرکت جهت وی دو قطعه کارت و چهار نسخه قرارداد ارسال می‌گردد، که عضو پس از معرفی دو نفر بازاریاب جدید و انجام مراحل فوق الذکر از سوی بازاریابان جدید به پله دوم ارتقاء یافته، و با معرفی دو بازاریاب جدید از ناحیه هر کدام از بازاریابان (چهار نفر) به پله سوم ارتقاء یافته و بازاریابان قبلی نیز به پله دوم ارتقاء می‌یابند که بدین ترتیب هر بازاریابی که وارد طرح می‌گردد، پس از تکمیل نه پله می‌تواند یك عدد سیم کارت تلفن همراه با یك عدد گوشی دریافت نماید، و با تکمیل پله یازده یا دوازده می‌تواند

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــــــ

سود ماهیانه چهار درصد به ایشان پرداخت نمایم تا رضایت آنان را به‌دست آورم و روانه زندان نگردم. حکم وجه فوق چیست؟ آیا ربا می‌باشد یا خیر؟

(جواب): بسمه تعالی ۱- اگر شرط شده که ضرر به پای شما حساب شود، طبق شرط باید عمل شود، به این معنی که ضرر را شما باید جبران کنید، وگرنه ضرر به پای صاحب پول است. ولی اگر چنین شرطی نشده ضرر به عهده‌ی صاحب پول حساب می‌شود، مگر این که شما افراط و تفریط کرده باشید.

۲- اگر منفعتی نبود شما چیزی بدهکار نیستید مگر این که شرط شود که اگر در اثر کم اطلاعی یا کم کاری شما سود حاصل نشود شما مبلغی را به عنوان جبران خسارت حاصل از کم کاری بپردازید.

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۱۰۱

۳- اگر شما بدهکار سود نیستید گرفتن سود از شما جایز نیست، لیکن اگر مجبور شدید که به خاطر عدم اذیت آن‌ها چیزی بدهید، برای شما اشکالی ندارد.

سؤال ۲۷۷: در عبارات فقهاء منظور از حاکم شرع، مجتهد جامع الشرائط است یا قاضی تحکیم؟

(جواب): بسمه تعالی مجتهد جامع الشرائط در امور حسبیه، و ولیّ فقیه در مسائل مربوط به مجموعه‌ی جامعه و کشور.

سؤال ۲۷۸: فروشنده و خریدار قطعه زمینی در نهایت سلامت عقلی و فکری و جسمی با هم دیگر به توافق رسیده و تحت شرایطی که مورد قبول فروشنده و خریدار بوده با هم دیگر قولنامه عادی نوشته و هر دو امضاء کرده‌اند ولی پس از مدتی فروشنده فوت کرده است. در این صورت آیا قاضی دادگاه می‌تواند غیر از موارد توافق قید شده در قولنامه عادی به نفع خریدار حکم صادر کند؟

(جواب): بسمه تعالی غیر از مطالب مندرجه در توافق نامه، نمی‌تواند چیز دیگری را اثبات و حکم کند.

موسیقی

سؤال ۲۷۹: برای دانش آموزانِ دبستان و خانواده‌ی آن‌ها در مسجد جشنی برپا می‌کنند و در آن جا سرودهایی همراه با موسیقی و کف زدن اجرا می‌کنند (که البته ما از این که موسیقی لهو و لعب است یا نه اطلاعی نداریم)، حکم این مسأله چیست؟ و به طور کلی اجرای چنین مراسمی در مساجد و حسینیه‌ها جایز است؟ در صورت جایز نبودن مسؤولیت شرعیش به عهده‌ی کیست؟ (امنای مسجد، والدین دانش‌آموزان یا اولیای مدرسه)؟

(جواب): بسمه تعالی موسیقی و آواز حرام، از نظر اینجانب آواز و آهنگی است که مناسب با رقص و مجالس لهو و لعب باشد؛ لیکن از انواع موسیقی‌های دیگر و آوردن هرگونه وسائل موسیقی در مساجد پرهیز شود، خصوصاً اگر در نظر عرف مردم توهین به مسجد حساب شود.

سؤال ۲۸۰: آیا با این دلایل که ما نیّتمان خیر است و قصد بدی نداریم، یا مثلاً اگر موسیقی اشکال دارد؛ چرا صدا و سیما پخش می‌کند؟ و ... انسان باید با زمان پیش برود

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۱۰۲

و ... می‌توان احکامی را که در رساله آمده، نادیده گرفت و بر خلاف آن‌ها عمل نمود؟

(جواب): بسمه تعالی عمل صدا و سیما دلیل نیست. باید طبق رساله‌ی مرجع عمل کنید.

سؤال ۲۸۱: اخیراً در برخی مراکز درمانی، معلولین و بیماران روان درمان که دچار افسردگی هستند، از موسیقی برای درمان بهره می‌برند. آیا استعمال موسیقی چه از نوع غنائی و غیر آن جایز است؟ لطفاً توضیح بفرمایید. دوم این که در همین مراکز طرح دوستی بین دختر و پسر نیز انجام می‌شود، و می‌فرمایند: در درمان بیماری روحی تاثیر دارد. آیا این شیوه درمانی مجوز شرعی دارد یا خیر؟ مربیان که در این‌گونه مراکز فعالیت دارند، چگونه می توانند فعالیت نمایند؟ آیا می توانند ادامه کار بدهند یا خیر؟

(جواب): بسمه تعالی اگر مسلم شود که راه دیگری برای درمان از راه حلال نیست، جایز است، این در مورد غنا و موسیقی. و اما روابط دختر و پسر: می توانند عقد ازدواج موقت بخوانند تا محرم باشند، ضمنا اگر به مرحله اعمال قوای شهوانی برسد و نیرویشان تضعیف شود مسلماً به ضرر خواهد بود، قاعدتاً بهتر است از ورزش استفاده شود و برنامه‌های معنوی و تلقینات روانی خیلی مؤثرتر است.

سؤال ۲۸۲: آیا استفاده از ساز و ویالون و پیانو و یادگیری و نگهداری آن‌ها اشکال دارد؟

(جواب): بسمه تعالی از نظر اینجانب میزان آهنگ است نه آلت. اگر آهنگ مناسب با مجالس لهو و لعب (و قدر متیقن، آهنگ مناسب با رقص باشد) حرام، والا جایز است و اگر مشکوك باشد، احتیاط خوب است، ولی لازم نیست. البته معمولاً آهنگ رقص و لهو و لعب معلوم است.

سؤال ۲۸۳: پخش موسیقی غمناك به همراه شعر حزن آور در شب شهادت ائمه‌ی اطهار علیهم السلام از صدا و سیما چه صورت دارد؟

(جواب): بسمه تعالی به نظر اینجانب اشکال ندارد مگر این‌که عرفاً توهین حساب شود. به حسب عرف متشرعه.

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۱۰۳

احکام عقود

سؤال ۲۸٤: شخص «الف» یك واحد آپارتمان در سال ۱۳۷٤ از مالك آن به نام داوودی زاده ابتیاع نموده است، شخص دیگری به نام «ب» مدعی است که همین خانه را در سال ۱۳۷۳ از همان آقای داوودی زاده خریده است، و ادعا دارد چون قبل از «الف» خریداری نموده است، خانه متعلق به او می‌باشد. با توضیح به این که داوودی زاده در آن زمان یعنی در سال ۷۳ که خانه را به «ب» فروخته بود، مالك نبوده و بیع فضولی انجام داده است و هیچ زمانی هم مالك آن را تنفیذ ننموده است، تقاضا دارم بیان فرمایید با فرض فوق الاشعار خانه متعلق به «الف» است یا به «ب»؟

(جواب): بسمه تعالی در فرض سؤال بدیهی است که ملك مزبور متعلق به الف می‌باشد.

سؤال ۲۸۵: ۱- آیا تطابق ایجاب و قبول در همه‌ی مسائل شرط است، یا تطابق آن در ارکان و مسائل رئیسه کفایت می‌کند؟ ۲- آیا تطابق ایجاب و قبول در شروط مندرج در عقد (شروط ضمن عقد)، شرط است؟ ۳- آیا تطابق ایجاب و قبول از حیث شروط ضمن عقد از ارکان عقد محسوب می‌شود که در صورت عدم مطابقت موجب بطلان عقد شود یا از ارکان به حساب نمی‌آید و بطلان عقد را موجب نمی‌شود و تنها موجب خیار تخلف شرط می‌شود؟ ٤- اگر مشتری مدعی است که بیع با این شرط منعقد شده است که بایع پروانه تجاری را نیز برای مبیع اخذ کند و قبول وی منوط به وجود و تحقق آن شرط بوده ولی بایع منکر وجود چنین شرطی است و معتقد است

چنین شرطی وجود نداشته است، آیا با وجود چنین اختلافی بیع واقع می‌شود یا اختلاف مزبور موجب می‌شود تا بیع منعقد نشود؟

(جواب): بسمه تعالی ۱- در همه‌ی مسائل مربوط به عقد، شرط است.

۲- شرط است. ۳- فساد شرط موجب فساد مشروط نیست، مگر این که تصریح شود که قید انشاء می‌باشد. ٤- مسأله قضائی است و دادگاه باید حکم کند. البته قاضی طبق اصل عدم شرط، قول منکر را با قسم مقدم می‌دارد.

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۱۰۴

سؤال ۲۸٦: آیا عقود و ایقاعات مانند بیع، نکاح و طلاق به وسیله تلفن یا اینترنت یا نامه و امثال آن واقع می‌شود یا نه؟ و در صورت وقوع، محل وقوع آن در عقودی مانند بیع کجاست؟ بلد بایع یا مشتری؟ وضعیت خیار مجلس و افتراق آن‌ها چگونه خواهد بود؟

(جواب): بسمه تعالی ۱- با این وسایل هم عقود و ایقاعات انجام می‌شوند.

۲- افتراق به صرف قطع تلفن و ... می‌باشد. ۳- در جریان احکام باید تصریح و یا ظهور عبارت رعایت شود که طبق کدام بلد باشد و اگر در عبارت چیزی ذکر نشده باشد تعارف هر دو مکان رعایت شود.

سؤال ۲۸۷: ۱- چنانکه موکّل به وکیل به‌طور مطلق بگوید: مال مرا بفروش، یا چنین مالی برای من بخر، یا با مال من معامله کن. آیا وکیل می تواند از اطلاق بیان موکّل استفاده نموده و خود را طرف معامله قرار دهد؟

(جواب): بسمه تعالی اگر قرائن خاصی دالّ بر لزوم فروش به غیر نباشد، اشکال ندارد و می تواند خود را طرف معامله قرار دهد.

۲- حکم این مسأله در صورتی که بیان موکّل به صورت عموم باشد، مثلاً مال مرا به هر که می‌خواهی بفروش یا چنین مالی برای من از هر کسی می‌خواهی بخر، چگونه است؟

(جواب): بسمه تعالی به طریق اولی جایز است. مگر با شواهد و قرائن برخلاف.

۳- حکم فرض فوق نسبت به ولیّ، وصی و قیّم چگونه است؟

(جواب): بسمه تعالی باید رعایت مصلحت را کنند اگر مصلحت فروش به خود باشد یا فرقی نکند جایز است.

٤- اگر زنی مردی را وکیل در تزویج کند؛ آیا وکیل می تواند موکّله را به ازدواج خود درآورد و همچنین اگر مردی زنی را وکیل در تزویج کند، آیا وکیل می تواند خود را به عقد موکّل در آورد؟ حکم مسأله در فرض مطلق بودن وکالت یا عام بودن آن تفاوتی دارد؟

(جواب): بسمه تعالی همانند بالاجایز است. مگر با قرائنی که دالّ برخلاف باشد.

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۱۰۵

سؤال ۲۸۸: ۱. آیا قاعده‌ی «تلف المبیع فی زمن الخیار ممن لا خیار له» اختصاص به خیار شرط و حیوان دارد، یا علاوه بر این دو خیار، در خیار مجلس نیز جاری است؟ یا در همه‌ی خیارات جاری است؟

(جواب): بسمه تعالی نظر به این‌که قاعده‌ی مزبور بر خلاف قاعده‌ی کلیه «الغنم لمن علیه الغرم» و عکس آن، و خلاف تبعیّت منافع ومضار، از عین می‌باشد، بر مورد نصّ اقتصار می‌شود که همان خیار شرط و حیوان است.

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــ\n\n**استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۱۰۶**\n\nمعظم له استدعا دارم جایگاه فقهی حقوقی این قرارداد و شرط قراردادی را که سودهای دریافتی باید مسترد شود که تطابق قصد مردم در آن متصور نیست را بیان فرمایند.\n\n(جواب): بسمه تعالی برنامه این‌گونه شرکت‌ها قابل انطباق با قوانین اسلامی نمی‌باشد: ۱. نوعاً کالایی وجود ندارد و معامله، فرضی می‌باشد. اگر چند عدد کالا باشد هرگز به اندازه‌ی مراجعه کنندگان نیست و بیش‌تر معاملات فرضی است.\n\n۲. کالا اگر قیمی است باید حتماً مشاهده شود و اگر مثلی است باید نمونه‌ی آن مشاهده شود و یا توصیف کامل به عمل آید که معمولاً در این‌گونه برنامه‌ها چون هدف همان سود ماهیانه است شهود و توصیف نیست.\n\n۳. مراجعه کنندگان بدون توجه به مفاد مواد مذکوره امضا می‌کنند و فقط به سود ماهیانه توجه می‌کنند و مسلم است که هرگز حاضر نیستند پول مجانی در اختیار این شرکت قرار دهند که شرکت منافع پول را ببرد.\n\n٤. با توجه به سود بی‌حساب و بدون محاسبه و قرار معاوضه صحیح، که شرکت می‌برد، مصداق اکل مال به باطل می‌باشد.\n\n**سؤال ۲۹۰:** اینجانب در سال ١٣٥٦ یك قطعه زمین با قولنامه‌ی عادی در آن زمان خریداری کردم و ملك در تصرف اینجانب می‌باشد و دیوار کشی هم بوده و طبق اظهارات شهود اطراف این ملك، شهادت دادند که این ملك را شرعاً و قانوناً بنده خریداری کردم و تحت تصرف اینجانب می‌باشد، هم قولنامه موجود می‌باشد و هم اظهارات شهود و

هم حدود اربعه این ملك در این قولنامه مشخص و معین هست. آیا این قولنامه از لحاظ شرعی و قانونی اشکال دارد یا نه؟ در ضمن فروشنده به رحمت خدا رفتند، نه خودشان در زمان حیاتشان، و نه ورثه ایشان هیچ اعتراضی نسبت به این قولنامه و ملك نداشته و ندارند. فقط بعضی‌ها گفتند که این قولنامه از لحاظ قانونی مشکل دارد چون در بیع متراژ زمین ذکر نشده است ولی چون این ملك دورتادور آن دیوار کشی دارد فقط حدود اربعه را در بیع نامه ذکر کردند.

(جواب): بسمه تعالی ذکر متراژ زمین لازم نیست و در فرض فوق که حدود زمین مشخص است شما مالك شرعی و قانونی هستید.

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۱۰۷

عقد جایز در ضمن عقد لازم

سؤال ۲۹۱: همان‌طور که مستحضرید برای عقود جایزه دو اثر ذکر شده است؛ یکی امکان به هم زدن آن در هر زمان، دیگری انحلال آن به موت، جنون و سفه. حال، چنان‌چه عقد جایزی در ضمن عقد لازمی درج شود آیا هر دو اثر فوق، از عقود جایزه سلب می‌شود یا این که صرفاً امکان فسخ ارادی از طرفین گرفته می‌شود و کماکان عقود جایز، به موت، جنون و سفه منفسخ می‌شوند، هرچند در ضمن عقد لازمی درج شده باشند؟

(جواب): بسمه تعالی در این صورت عقد جایز شرط در عقد لازم می‌باشد و عمل به آن لازم است، لیکن اگر عمل نکرد گرچه معصیت کرده اما لازم نمی‌شود. مثل شرط وکالت. باید او را وکیل بداند لیکن عزل وکیل، جایز (وضعاً) است. هر چند بگوید:

بلا عزل، یعنی اگر عزل کرد عزل می‌شود هر چند معصیت کرده است.

تعلیق در عقود

سؤال ۲۹۲: آیا تنجیز از شرایط صحت عقد است و آیا تعلیق در انشاء یا تعلیق در منشأ موجب بطلان عقد است؟

(جواب): بسمه تعالی تعلیق در انشاء اگر عقلاً ممکن باشد، صحت عقلائی ندارد، و همین‌طور تعلیق در منشأ، اعتبار عقلائی ندارد.

سؤال ۲۹۳: بر فرض صحت تعلیق در منشأ آیا لازم است مدت تعلیق معین باشد، مثل این‌که بگوید «زمین را فروختم در صورتی که ظرف یکسال بتوانم پروانه ساخت اخذ کنم» یا تعلیق بر امر احتمالی به طور مطلق و بدون تعیین مدت نیز درست است؟

(جواب): بسمه تعالی به نظر اینجانب تعلیق در منشأ مطلقاً اعتبار عقلائی ندارد.

اخیراً فروش زمانی تا حدودی مرسوم شده و فی المثل یك ساختمان را ماهیانه می‌فروشند. مرداد ملك حسن، و شهریور ملك حسین و ... لیکن در فقه سابقه ندارد، این تعلیق منشأ بحسب زمانی است. و در حقیقت یك عین خارجی بحسب قطعات زمان وجودات متعدده حساب شده است. به نظر می‌رسد در حقیقت بحکم اجاره باشد. مبنای مسأله هم این است که آیا قطعات زمان موجب تعدد وجودی یك فرد و یك عین می‌شوند؟ در فلسفه این معنی صحیح است، ولی در عرف که مبنای معاملات است، صحیح نمی‌باشد.

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــــــ

(جواب): بسمه تعالی اگر موجب فساد باشد فساد اجاره است که مشروط به این شرط شده است.

ثالثاً: آیا تفاوتی بین تقارن و عدم تقارن دو عقد وجود دارد یا نه؟ مثلاً بیعی ده سال قبل واقع شده و حالا متبایعین عقد اجاره‌ای واقع شده و در ضمن عقد اجاره خیار شرطی نسبت به بیعی که ده سال قبل واقع شده قرار داده می‌شود ومدت‌خیارهم‌مشخص نمی‌شود، آیا چنین شرطی موجب فساد بیعی که ده سال قبل واقع شده می‌شود یا نه؟

(جواب): بسمه تعالی فرقی نیست (تقارن یا غیر آن).

سؤال ۳۰۰: آیا افرادی که در کشورهای خارج زندگی می‌کنند و مسلمانند، مجاز به تخطی از قوانین کشور متبوع هستند؟

(جواب): بسمه تعالی اگر دادن ویزا، به هر صورت، مشروط به مراعات باشد، تخطی جایز نیست. در حقیقت مراعات قوانین آن کشور شرط در اعطاء ویزا می‌باشد، شرط قراردادی یا شرط بنائی.

شرط ضمن عقد جایز

سؤال ۳۰۱: چنان‌چه در ضمن عقد جایزی برای بیع، یا عقد لازم دیگری خیار شرط قرار داده شود آیا چنین شرطی لازم الوفاء است یا نه؟

(جواب): بسمه تعالی مادام که عقد جایز باقی است باید به شرط عمل کند.

می تواند عقد جایز را بهم بزند آن وقت شرط هم از بین می‌رود.

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۱۱۰

احکام بیع

سؤال ۳۰۲: کتابی توسط ناشر چاپ می‌شود، که در آن غلط املائی و یا صفحاتی سفید و یا ناقصی در فرمها وجود دارد. آیا ناشر مجاز است آن کتاب‌ها را نشر دهد و بفروشد؟

(جواب): بسمه تعالی غلط املائی و غیر آن، در همه کتاب‌ها وجود دارد، اگر غیر متعارف باشد مشتری حق فسخ دارد. سفیدی و نقص فرم هم همین‌طور است حق فسخ دارد.

سؤال ۳۰۳: بعضی مواقع، کتاب چند سال در انبار می‌ماند تا به فروش رسد، آیا ناشر می تواند قیمت پشت جلد آن‌ها را تغییر دهد و به قیمت روز بفروشد؟ هم‌چنین آیا کتاب ناشر دیگری را می توان با تغییر قیمت پشت جلد آن فروخت؟

(جواب): بسمه تعالی اشکالی ندارد.

سؤال ۳۰٤: آیا می توان کاغذ تعاونی را که برای چاپ یک کتاب گرفته شده، در بازار فروخت و بعداً کاغذ آزاد خریداری شود و آن کتاب چاپ گردد؟ و هم چنین آیا با کاغذ تعاونی که به کتاب خاصی تعلق گرفته است، می توان کتاب دیگری چاپ نمود؟

(جواب): بسمه تعالی اگر کاغذ برای چاپ کتابی خاص داده شود باید صرف در همان شود، مگر با قرار با تعاونی.

سؤال ۳۰۵: هزینه‌هایی که ناشر برای بهبود کیفیت کتاب انجام می‌دهد؛ مثل:

ویراستاری و ... آیا می تواند از مؤلف دریافت کند؟

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــ

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۱۱۱

سؤال ۳۰۸: اگر موقع فروش کتاب، تاریخ چاپ آن را در شناسنامه‌ی کتاب تغییر دهیم، اشکال دارد؟

(جواب): بسمه تعالی اگر اثری در قیمت دارد، غشّ در معامله است.

سؤال ۳۰۹: کتاب‌هایی که در چاپ‌های جدید آن، مرتب اضافات دارد و تغییر می‌کند (مثل فرهنگ های زبان و ...) آیا می توان چاپ‌های قبلی آن را که هنوز در انبار مانده است، فروخت؟ و هم‌چنین فروش کتاب‌هایی که مطالب آن کلاً متروك شده است و قابل استفاده نیست، چه حکمی دارد؟

(جواب): بسمه تعالی اشکال ندارد ولی مشتری حق فسخ دارد، اگر این عیب حساب شود که به نظر ما این‌طور است.

سؤال ۳۱۰: الف) بعد از فوت پدرم برادر بزرگ ما قولنامه‌ای ارائه کرده که نشانگر این است که ایشان در زمانی که پدر در قید حیات بوده سه ساعت آب چاه از پدرم خریداری نموده است. در صورتی که هیچ شاهدی قولنامه را امضاء نکرده، و شاهد شفاهی هم ندارد. آیا این قولنامه اعتبار شرعی دارد؟

ب) قبل از روشن شدن حقیقت قولنامه ی فوق الذکر برادرم سه ساعت آب را معامله کرده است. آیا معامله ایشان صحیح است؟

(جواب): بسمه تعالی الف) اگر قولنامه و امضاء مورد شك می‌باشد و اهل خبره آن را تایید نمی‌کنند لازم نیست عمل شود.

ب) معامله‌ی چیزی که هنوز ملکیت آن معلوم نیست در حکم فضولی است. اگر مالك واقعی اجازه کند صحیح می‌شود.

سؤال ۳۱۱: ۱- بر اساس ماده ۸۲ قانون محاسبات عمومی کشور ناظر به ماده ۷۹ قانون مزبور، معاملات عمده دولتی (معیار عمده و غیر عمده بودن در قانون مشخص شده است)، تنها باید از طریق مزایده صورت پذیرد، پرسشی که در این باره مطرح است این است که: آیا مزایده شرط صحت معاملات مذکور است به گونه‌ای که اگر بدون رعایت تشریفات مزایده تحقق پذیرد معامله باطل خواهد بود و یا صرفاً یك امر تشریفاتی‌وجهت اثبات آن در محاکم ضرورت داشته و در صحت معامله تأثیری ندارد؟

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۱۱۲

۲- در مورد اموال ورشکسته و یا مدیونی که در بازداشت است و طبق نظر دادگاه باید اموالش فروخته شود، آیا رعایت تشریفات مزایده لازم است؟

یادآور می‌شود: بر اساس ماده ٤٠ قانون تصفیه‌ی امور ورشکستگی، اموال ورشکسته به استثنای دو مورد، لازم است از طریق مزایده به فروش برسد و آن دو مورد عبارتند از: الف) اگر هیأتی از بستانکاران که شامل نصف به علاوه یك ایشان است و سه چهارم مطالبات نیز مربوط به آنان است، به فروش اموال از طریق عادی به توافق برسند؛ ب) اگر مال در بازار یا بورس دارای قیمت معینی است تنها در صورتی می‌توان آن را به طریق غیر مزایده به فروش رساند که بستانکارانی که نسبت به آن حق وثیقه دارند به این امر رضایت دهند. و بر اساس ماده ١١٤ قانون اجرای احکام مدنی اموال توقیف شده محکوم‌علیه بدهکار باید بر اساس مزایده به فروش برسد.

(جواب): بسمه تعالی ١- دولت می‌تواند درباره‌ی اموال خویش قانون لزوم مزایده و اعتبار آن در تجویز تکلیفی و وضعی، را وضع نماید و در آن صورت مزایده شرط صحت هم خواهد بود. و ظاهر مفاد ماده ٨٢ قانون محاسبات عمومی هم همین است. و بنابراین بدون رعایت مزایده معامله فضولی می‌باشد.

٢- حتماً لازم است، مال، مال شخص مفلس است و باید رعایت مصلحت دائن و مدیون بشود و بدون مزایده نمی‌شود.

٣- دو مورد استثناء هم وجه شرعی ندارد، مال فقط مال بستانکار نیست که با توافق بخواهند بدون مزایده و رعایت مصلحت ورشکسته، اموال او را قیمت گذاری کنند.

سؤال ٣١٢: اینجانب حدود یك سال پیش اتومبیل شخص سومی را نزد آقایی در بنگاه ایشان بردم، حدود ساعت ٧ جهت فروش، معامله با ایشان انجام گردید و قول فردا صبح را دادند (البته قسمتی از ثمن معامله را)، روز بعد مبلغ چك را به حساب واریز نکردند و وقتی به ایشان مراجعه کردم، گفتند اتومبیل گران است. بنده عرض کردم چون آبروی من و شخص سوم از بابت این چك در میان است، شما معامله را فسخ نکنید و به قوت خود باقی باشد، چنان‌چه ضرر و زیانی داشت، دو سهم از شش سهم با شما شریك می‌شوم. ولی از بابت شراکت با شما الان پول ندارم، ایشان قبول نمودند و

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج٣، ص ١١٣

پس از مدت یك هفته که ایشان مشغول تعمیرات ماشین بودند و ماشین نزد ایشان بوده است، جهت فروش در نیمه شب، اتومبیل را از جلوی منزل ایشان به سرقت می‌برند و هنوز پیدا نشده است. ایشان مبلغ دو میلیون از پول بنده را که در جای دیگر پس از این معامله نزد ایشان رسیده است به من نمی‌دهد و می‌گوید که دو سهم از مبلغ کل اتومبیل را باید شما بدهید. آیا من نسبت به ایشان مدیون می‌باشم، یا ایشان بایستی مبغ پول بنده را مسترد نماید؟

(جواب): بسمه تعالی در فرض مزبور که معامله قطعی شده ماشین ملك صاحب بنگاه می‌باشد و سرقت آن پای شما حساب نمی‌شود. و قول شما در مورد ٢٦ مربوط به ضرر در قیمت و فروش می‌باشد. ربطی به سرقت ندارد. به هر حال نباید از شما بگیرد. شما همه‌ی قیمت معامله را طلب دارید.

سؤال ٣١٣: با گذشت حدود پنج سال بعد از واریز وجه به حساب شرکت تعاونی، باز هم با سرو صدا و جنجال خریدار و بد و بیراه و ناسزا مواجه شدم. ایشان فقط می‌گوید که مبلغ قرارداد ١٢٠٠٠٠٠ ریال بوده و همین زمان به شما واگذار می‌کنم. حال سؤال این است: آیا حق با خریدار است با توجه به این که مبلغی که از حساب من پرداخت شده، به شرکت تعاونی بیش‌تر از مبلغ پرداختی خریدار می‌باشد. در حال حاضر که مدت پانزده سال از

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــــــ

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۱۱۵

سؤال ۳۱۵: ۱- زید یکی از اموال خود را که در دست عمرو بوده به وی فروخته، در صورتی که مشتری حاضر به پرداخت ثمن نباشد، یا آن را به تأخیر اندازد، آیا بایع در صور ذیل حق استرداد و حبس مبیع را دارد؟ الف: مال مزبور عدواناً در دست عمرو بوده.

ب: مال مزبور به عنوان عاریه یا ودیعه و امثال آن در دست وی بوده. ج: مال مزبور را به عنوان این که برایش بفروشد در دست داشته، ولی موفق به فروش نشده و سپس آن را از زید خریده. د: مال مزبور را در وقت بیع برای مشاهده و بررسی کیفیت آن گرفته است.

۲- بین زید و عمرو بیعی واقع شده، ولی فعلاً مشتری نسبت به پرداخت یکباره ثمن قدرت ندارد، از این رو به دادگاه مراجعه و محکمه نیز حکم به پرداخت اقساطی ثمن می‌کند، آیا در این گونه موارد برای بایع حق حبس مبیع وجود دارد یا خیر؟

۳- آیا لازم است قراردادها تحت عنوان یکی از عقود معین مانند بیع، اجاره، صلح و ... قرار گیرد و یا این که قراردادهای دیگری هم که تحت هیچ یك از این عناوین مزبور قرار نمی‌گیرد و شرایط صحت معامله در آن‌ها رعایت شود، لازم الوفاء بوده و طرفین قرارداد، لازم است به آن عمل کنند؟

(جواب): بسمه تعالی ۱- شکایت نموده ثمن را می‌گیرد. در همه‌ی صور. اگر ثمن را نتواند بگیرد حق استرداد مبیع را هم دارد. ۲- با حکم قاضی، فیصله دعوا با اقساط شده اگر اقساط را هم نمی‌دهد شکایت کرده می‌گیرد. ۳- همه‌ی قراردادها محترم می‌باشند با حفظ شرایط.

سؤال ۳۱٦: در موردی که بایع حق حبس مبیع را به لحاظ عدم تأدیه ثمن از ناحیه مشتری دارد؛ آیا در این برهه مشتری می‌تواند از بایع بخواهد خود (مشتری) یا شخصی ثالث از مبیع محبوس انتفاع ببرد و به بیان دیگر آیا بر بایع لازم است به خواسته مشتری اجابت کند؟

(جواب): بسمه تعالی اگر از مدت خیار تأخیر گذشته که بایع حق فسخ دارد وگرنه (نگذشته یا نمی‌خواهد فسخ کند) مال مشتری است و می‌تواند خود یا دیگری با اجازه‌ی او استفاده کنند.

سؤال ۳۱۷: پرسشی چند پیرامون قاعده «تلف المبیع قبل قبضه ...» مطرح است متمنی است ما را از نظرات مبارك خویش محروم نفرمایید: ۱- آیا این قاعده در مورد تلف ثمن

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۱۱۶

قبل از قبض نیز جاری است؟ ۲- در صورتی که بایع، مبیع را تسلیم کند اما مشتری از گرفتن آن امتناع ورزد و دسترسی به حاکم نباشد و یا حاکم نیز از گرفتن آن امتناع نماید، وظیفه چیست؟ ۳- در صورتی که حاکم پذیرفت که مبیع را تحویل بگیرد و بایع برای آوردن مبیع به منزل مراجعه نمود تا مبیع را به نزد وی بیاورد، ولی مبیع در بین راه و یا در نزد حاکم اما قبل از قبض آن توسط حاکم تلف شد، وظیفه چیست؟ ٤- در صورتی که بایع به حاکم مراجعه کرد و حاکم به او گفت دو روز دیگر مبیع را بیاور و مبیع در اثناء این مدت تلف شود، از مال بایع تلف شده یا از مال مشتری؟ ٥- در صورتی که حاکم، بخشی از مبیع را تحویل بگیرد اما از پذیرفتن بخش دیگر امتناع

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــــــ

۲- اگر تعهد یکی از متعاملین مؤجل و دیگری حال باشد و قبل از اجرای تعهد حال معلوم می‌شود کسی که باید تعهد خود را مؤجلاً و در آینده انجام دهد، قادر به انجام آن در موعد مقرر نخواهد بود، آیا کسی که تعهدش حال است می تواند از انجام تعهد خود استنکاف کند و به عبارت دیگر، آیا حق حبس برای وی وجود دارد؟

۳- هر گاه کسی به بیع فاسد مالی را قبض کند و آن مال در دستش تلف یا نقص شود، آیا قیمة المسمی را ضامن است یا قیمة المثل را؟

٤- آیا عدم النفع موجب ضمان است یا نه؟

(جواب): بسمه تعالی ۱- اگر تعارفی که به منزله‌ی شرط بنایی است نباشد، تابع قرار در معامله است، ظاهراً فعلاً بناء عرف بر تنصیف است.

۲- اگر تعارف و یا قرار خاص نباشد، به عهده‌ی بایع است چون فقط خیاطت، شرط بوده است.

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۱۱۸

۳- اگر از اول معلوم است که عاجز است که تعهد باطلی است و اگر بعداً فقط این طرف بفهمد، یعنی بعداً کشف شود، چون بناء معامله بر داد و ستد است و تعامل یك طرفه نیست، بر این طرف هم لازم نیست عمل کند.

٤- ضامن قیمة المثل است لیکن اگر مسمیٰ کم تر از مثل است از باب اقدام، همان مسمی کافی است مگر این که اثبات شود که رضایت به مسمی، مقید به صحت بیع بوده است.

۵- موارد مختلف است، در بسیاری موارد صدق اضرار می‌کند مثل حبس کردن حرّ کسوب.

سؤال ۳۲۰: ۱- آیا بیع به شرط آزمایش صحیح است، به این معنا که مشتری در صورتی مبیع را خواهد پذیرفت که آن را آزمایش کند و آزمایش موفقیت‌آمیز باشد؟ و در صورت صحت آیا مالکیت از حین عقد است یا پس از انجام آزمایش؟

۲- آیا بیع به شرط موافقت و پسند مشتری صحیح است و در صورت صحت، ملکیت از ابتدا انتقال می‌یابد و موافقت مشتری به منزله‌ی اجازه‌ی کاشفه است یا این معامله صرفاً یك وعده‌ی یك طرفی بوده و پس از اعلام موافقت و رضایت از سوی مشتری مالکیت انتقال می‌یابد؟

۳- آیا شرط تأخیر در انتقال مالکیت مشروع است یا از شروط فاسد است و در صورتی که از شروط فاسد محسوب می‌شود، آیا مفسد عقد نیز می‌باشد یا نه؟

(جواب): بسمه تعالی ۱- اگر بیع فعلاً قطعی است و شرط آزمایش به عنوان شرط خیار در صورت عدم توفیق آزمایش باشد اشکالی ندارد و مالکیت هم اکنون است لیکن اگر شرط آزمایش شرط اصل بیع باشد که مالکیت موکول به بعد باشد، این تعلیق است و تعلیق، هرچند در منشأ اشکال دارد، گرچه در برخی موارد اعتبار عقلائی دارد. مثل فروش نفت دولتی مربوط به استخراج چند ماه بعد، ولی ممکن است این- نفت- فروش کلی باشد که هیچ اشکالی ندارد.

۲- حکمش مثل بالاست، در مورد تعلیق، اگر یك وعده باشد که اشکالی ندارد، لیکن معامله هم نشده است.

۳- اگر تعلیق باشد مفسد عقد هم می‌باشد. در تعلیق اشکال‌هایی شده شاید مهم‌ترین آن‌ها عدم اعتبار عقلائی باشد.

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــــــ

سلاح و مهمات یا مواد مخدر یا فروش سیگار به افراد زیر ۱۸ سال را ممنوع نموده؛ حال اگر علیرغم منع قانونی، معامله‌ای صورت پذیرد چه حکمی دارد؟ یا فروش اموال عمومی و دولتی تحت شرایطی و توسط دولت مجاز است اما افراد دیگر نمی توانند اقدام به خرید و فروش کنند، حال اگر شخصی بی‌اعتنا به این منع قانونی، مثلاً اقدام به فروش بخشی از یك پارك به شخص دیگر جهت احداث شهرك بازی نماید و دولت نیز پس از فروش بیع مزبور را اجازه دهد آیا اجازه دولت در این مورد مؤثر است و بیع را نافذ می‌کند یا تأثیری نداشته و بیع باطل است؟ و به طور کلی ملاك صحت و بطلان در این‌گونه موارد چیست؟

۲- با عنایت به این که مشهور فقهای امامیه «کثر الله امثالهم» یکی از شرایط عوضین را مالیت و داشتن منفعت عقلایی دانسته‌اند بیان فرمایید: اولاً آیا مالیت از شرایط عوضین می‌باشد یا نه؟ و ثانیاً: در منفعت عقلایی و مالیت، آیا اغراض نوعی ملاك است یا اغراض شخصی؟ مثلاً آیا خرید و فروش نامه‌های زن و شوهر در زمان نامزدی که برای آن‌ها اهمیت بسیار دارد و یا آلبوم عکس خانوادگی که برای آن خانواده از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، صحیح است یا چون منفعت عقلایی غالب ندارد باطل است؟

(جواب): بسمه تعالی ۱- ممنوع حکومتی تابع حکم ولائی است و به تعبیر دیگر مثل مطلق واجبات نظامیه است برای این‌که هرج و مرج نشود. باید دید قانون، آن را ابطال کرده یا فقط جریمه دارد. ۲- فروش مال دولت فضولی است و با اجازه درست

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۱۲۱

می‌شود. ۳- مالیت رکن بیع است و ملاك مالیت، از نظر شخص است به طوری که هر کسی در آن شرایط باشد آن را مال می‌داند.

سؤال ۳۲۳: ۱- با عنایت به این که برخی از فقهاء تصریح نموده‌اند؛ در بیع عین معین لازم است مبیع در حین عقد موجود باشد و به تعبیر برخی از فقها، اصل بر موجود بودن متعلق عقد است الا ما خرج بالدلیل، بفرمایید؛ اولاً: آیا به نظر حضرتعالی نیز لازم است مبیع در حین عقد موجود باشد و یا همین که بدانیم در حین تسلیم موجود خواهد بود کفایت می‌کند؟

ثانیاً: فروش آپارتمان و مکان‌های تجاری که با متراژ و ویژگی‌های معین پیش فروش می‌گردد، آیا از مصادیق عین معین است تا در نتیجه بیع آن باطل باشد یا از مصادیق کلی در ذمه است تا بیع صحیح باشد و یا از مصادیق عین معین است ولی استثنایی از قاعده کلی محسوب می‌شود و بیع آن صحیح است؟

۲- در بیع معلق (در صورتی که تعلیق در منشأ باشد نه در انشاء) آیا مالکیت مبیع و ثمن از حین بیع است یا از حین حصول معلق علیه؟

۳- اگر معامله‌ای در خارج از محل سکونت بایع و مشتری صورت گیرد و وضعیت به گونه‌ای است که نمی توان محل وقوع را ملحوظ نمود، مثل این که بیع در کشتی و در دریا یا در هواپیما و در هوا صورت گیرد، در صورت اختلاف بین متبایعین تکلیف چیست و مبیع و ثمن را از کجا و بر اساس عرف چه مکانی باید تسلیم نمود؟

(جواب): بسمه تعالی ۱- اگر مبیع در ملك شخص سومی است معامله جایز نمی‌باشد، یعنی فضولی است. و اگر اساساً وجود ندارد که بیع کلی است و اشکالی ندارد. در مورد آپارتمان‌های مذکور عقلاً معامله بر کلی است، لیکن

عرفاً معامله بر عین معین حساب می‌شود و چون ایجاد آن در اختیار بائع است، اشکال ندارد.

۲- تعلیق در منشأ هم اشکال دارد. ۳- اگر فرق می‌کند باید در حال بیع مشخص شود وگرنه غرر خواهد بود.

سؤال ۳۲٤: در صورتی که خریدار در روز محضر پولش حاضر نبوده، آیا از نظر شرعی حق فسخ برای فروشنده محفوظ است یا خیر؟

(جواب): بسمه تعالی طبق فتوای مشهور فقها، و ظاهر روایات، اگر مشتری ثمن معامله را در موعد مقرر نیاورد و بایع هم جنس را تحویل نداده باشد، پس از سه روز از

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۱۲۲

موعد مقرر حق فسخ معامله ثابت است. ولی اگر هر یك از آن دو، قبض داده باشند این خیار نیست، مگر این که شرط شده باشد که اگر در موعد مقرر ثمن را (مثلاً) نیاورد بایع فسخ کند که در صورت شرط مزبور، خیار شرط مسلماً ثابت است.

سؤال ۳۲۵: شخصی ملکی را به نحو صوری و به قصد واقعی امانی به نام فردی می‌کند. پس از چندی بین آنان اختلاف حادث می‌شود لیکن منتقل الیه به طور کتبی و شفاهی صراحتا به صوری بودن بیع اقرار می‌نماید.

آیا پس از چندین اقرار از سوی منتقل الیه، وی در تصرف مال و یا انتقال آن به غیر و یا استنکاف از واگذاری مال به صاحب واقعی و عدول از اقرار جایز است؟

(جواب): بسمه تعالی اگر صوری بوده معامله نبوده و باید ملك را به صاحبش تحویل دهد؛ لیکن باید این مطلب اثبات شود، با نوشته، یا ضبط صدای منتقل الیه، و مانند این‌ها، یا شهادت دو نفر.

سؤال ۳۲٦: شخصی سه واحد نیمه کاره آپارتمانی را فروخت و متعهد گردید که در تاریخ معینی سند واحدها را به نام خریدار تنظیم نماید. فروشنده با گرفتن بخشی از ثمن، با خریدار توافق نمود که چنان‌چه به تعهداتش عمل ننماید روزانه مبلغی را به عنوان خسارت به خریدار بپردازد. با امضای چهار شهود و طرفین قرارداد این توافق به امضاء رسید. چون تا کنون فروشنده به تعهداتش عمل ننموده و موجب ایراد خسارت به خریدار شده است.

سؤال اینجانب این است: با توجه به ایراد خسارت ناشی از عدم تنظیم سند به خریدار، آیا عدم پرداخت این خسارت از جانب فروشنده به خریدار وجه شرعی دارد؟

یعنی اجازه دارد که خسارت نپردازد؟ یا لازم الاجر می‌باشد و باید بپردازد؟

(جواب): بسمه تعالی لازم است طبق قرار عمل شود.

سؤال ۳۲۷: ۱- ملکی است وفق مقررات شهرداری، قانونی، بنا به ضرورت جهت طرح اصلاح خیابان و غیره، شهرداری یا بر مبنای توافق و یا پرداخت مبلغ قیمت، تملك نموده است. قانون تملك مصوب مجلس و تایید شورای نگهبان پس از گذشت چند سال منتفی شد. پس از منتفی شدن قانون تملك، مالك با مراجعه به شهرداری

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۱۲۳

اظهار می‌دارد با توجه به منتفی شدن طرح یا ملك مرا برگردانید و یا قیمت آن را به روز پرداخت کنید. در این صورت تکلیف شرعی چیست؟

(جواب): بسمه تعالی می تواند ملك را برگرداند و یا به قیمت روز بگیرد. و حق شکایت در این زمینه را دارد. از باب خیار شرط. (شرط مبنی علیه العقد). این در صورتی است که قبول قیمت گذشته بر اساس ناچاری باشد که می‌بیند اگر آن مقدار را هم نگیرد، همه‌ی مال از دستش رفته است ولی اگر واقعاً به قیمت مزبور گذشته راضی بوده است، معامله تمام و حق مراجعه ندارد.

۲- شهرداری جهت رفع مشکل ترافیك بر اساس طرح مصوب، در حال احداث اتوبان در داخل شهر می‌باشد، به هنگام اجراء مواجه با اراضی وقفی می‌گردد که باید اراضی وقفی را تملك نماید. به نظر حضرتعالی، نحوه تملك اراضی وقفی به لحاظ شرعی چگونه باید باشد؟

(جواب): بسمه تعالی باید احراز اهمیت بشود، در آن صورت جایز است. وقف را به قیمت روز می‌فروشند و با پول آن تبدیل به جای دیگر می‌شود.

۳- شخصی در ملك شخصی خود اقدام به احداث بنا نموده است، و دولت به دلیل اضرار به منافع ملی تقاضای قلع بنا نموده است. آیا صدور حکم قلع بنا به دلیل اضرار به مصالح ملی، وجهه شرعی دارد یا خیر؟

(جواب): بسمه تعالی باید حتما احراز اهمیت قطعی بشود وگرنه مالکیت محترم است، و کسی حق قلع و قمع ندارد. اگر احراز مصلحت قطعی شد، از باب ضرورت جایز است و قیمت آن را باید پرداخت کنند.

٤- ملکی به دلیل وقوع آن در طرح دولتی توسط شهرداری تملك قانونی شده و به دلیل عدم مراجعه مالك جهت اخذ قیمت، پول آن به صندوق دولت واریز گردیده. پس از چندی مالك طی دادخواستی از دادگاه تقاضای قیمت روز ملك خود را نموده است.

آیا مالك مستحق قیمت روزاست، یا باید همان مبلغ قبلی را اخذ نماید؟ تکلیف چیست؟

(جواب): بسمه تعالی مالك مستحق قیمت روز می‌باشد.

سؤال ۳۲۸: برابر عرف متداول و مرسوم؛ مالك زمینی طی قراردادی با فرد سازنده، مقرر می‌دارند؛ سازنده از محل پیش فروش برخی واحدها، تمام ساختمان را ساخته و

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۱۲۴

النهایه نیمی از واحدها به مالك زمین و نیم دیگر به سازنده تعلق گیرد، در همین جهت سازنده، واحدها را به عقد بیع به خریداران می‌فروشد و از محل درآمد آن، واحدهای کل ساختمان را می‌سازد. حال سؤال در این‌جا است که مالك زمین که دارای خیار فسخ است؛ اگر معامله اصلی و مبنا را فسخ کند، حقوق خریداران که به عقد دوم حاصل شده است چگونه خواهد بود؟ و نظر به این که اعظم فقهاء، شیخ انصاری در مکاسب فصل احکام خیارات؛ انتقال به عقد دوم را به منزله تلف تلقی کرده، در صورت فسخ مالك آیا غیر از رجوع به مثل و یا قیمت، حکم دیگر دارند یا خیر؟ و آیا فسخ قرارداد مبنا خللی به حقوق خریداران به عقد دوم وارد می‌کند؟ با نظر به این که فسخ اثر قهقرایی ندارد بخلاف بطلان؟

(جواب): بسمه تعالی ۱- ذکر نکردند که چه نوع خیاری بوده، و اساساً مطلق بوده یا مشروط؛ لیکن به هر حال اینجانب فسخ را متعلق به عقد می‌دانم و تلف عین حقیقتاً یا حکماً را مانعی برای فسخ نمی‌دانم. هرچند در این مسأله اختلاف نظر وجود دارد، مگر این که شرط خاصی باشد که مثلاً خیار، تا بقاء عین.

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــــــ

کفایت می‌کند؛ ولی اگر همه به قصد بردن عوض در این طرح شرکت کنند

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۱۲۶

باید همه اموال جمع آوری شده و صدقه داده شود البته این در صورتی‌است که صاحبان وجوه به هیچ وجه شناخته نشوند و یا دسترسی به آنها ممکن نباشد و گرنه باید به صاحبان وجوه برگردانده شود. والله عالم.

سؤال ۳۳۲: پدر اینجانب املاك خود را در اختیار فردی قرار داد و در قبال آن مبلغ سی و یك تومان گرفت و شرط شد که اگر پدر بنده تا پایان مدت دو سال مبلغ سی و یك تومان را پس بدهد ملك خود را به تصرف در آورد؛ ولی قبل از پایان دو سال پدرم فوت نمود. همسر آن مرحوم از این معامله با اطلاع بوده و به هر شکل ممکن مبلغ سی و یك تومان را تهیه کرده و به آن شخص می‌دهد و می‌گوید بدهی شوهرم را آورده‌ام که به شما پس بدهم، و املاك را تحویل بگیرم. آن شخص می‌گوید شما در شرایط خوبی نیستید و فرزند یتیم دارید، پول را خرج زندگیت کن و هرگاه فرزندت بالغ شد، املاك پدرش را از من تحویل بگیرد. بعد از چند سال مادر هم فوت می‌کند و فرزند بالغ می‌شود و به آن شخص مراجعه کرده و می‌گوید: طبق قولی که به مادرم داده بودی، ملك پدرم را تحویل بده ولی متاسفانه او به قولی که داده بود عمل نکرد و گفت: ملك پدرت را طبق سند خیار شرط خریداری نموده‌ام و تمام حقیقت را انکار کرد. بعد از مدتی این شخص هم فوت می‌کند و این املاك در تصرف ورثه قرار می‌گیرد. در ضمن بزرگان و معتمدان محل به صحت گفتار بنده شهادت می‌دهند. سند شرطی و شهادت بزرگان و معتمدان محل ضمیمه شده است. اکنون بفرمایید وظیفه ما چیست؟

(جواب): بسمه تعالی طبق شهادت شهود، ثمن بیع شرط، تسلیم خریدار شده است و او خود قبول نکرده و از باب عواطف انسانی حاضر شده ثمن را نگرفته و ملك را به صاحبانش برگرداند. بنابراین ملك، مربوط به ورثه فروشنده می‌باشد. البته مسأله قضایی است و قاضی باید شهادت شهود را بررسی کند.

سؤال ۳۳۳: شخصی یك دستگاه آپارتمان به مبلغ یکصد و سی میلیون تومان از دیگری خریداری نموده و کل ثمن آن را پرداخت کرده است. (مورد معامله بیش از مبلغ مذکور ارزش دارد، اما فروشنده به دلیل اضطرار مالی معامله را انجام داده است.) ضمناً وکالت هم به نام خریدار تنظیم گردیده و نیز ضمن معامله شرط شده که اگر فروشنده ظرف مدت یك ماه مبلغ یاد شده را مسترد داشت، معامله فسخ می‌باشد. بعد از انقضای

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۱۲۷

مدت یك ماه و عدم استرداد ثمن، خریدار با استفاده از وکالت، سند آپارتمان را به نام خود نموده است. این معامله چه حکمی دارد؟

(جواب): بسمه تعالی معامله مزبور صحیح است. لیکن مراعات انصاف و احسان خوب است. انصاف نیست که ملکی را که خیلی بیش‌تر ارزش دارد فقط به خاطر اضطرار طرف به قیمت اندکی تصرف نمود.

سؤال ۳۳٤: آیا منفعت می‌تواند مبیع واقع شود؟

(جواب): بسمه تعالی آری می‌تواند.

سؤال ۳۳۵: در صورتی که وسیله توزین یا اندازه‌گیری و امثال آن در کشور یا شهری متعارف بود و مقدار آن نیز بر

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــــــ

سؤال ۳٤۱: می‌خواستم بدانم سود حاصله از بازار فارکس مشکل شرعی دارد؟

(جواب): بسمه تعالی فروش خارج از سیستم بورس، مادام که از طرف حکومت شرعی منع نشود، اشکال ندارد.

سؤال ۳٤۲: شرکتی که سرمایه ندارد و برای جلب سرمایه آگهی فروش اقساطی خودرو را با مشخصات آن در روزنامه می‌دهد و از هر فرد متقاضی مبلغ ۱۲۰۰ تومان پول برای هزینه‌های خودشان می‌گیرند و تصمیم دارند از نصف این پول جمع شده تعدادی ماشین اقساطی بدهند و بقیه را سرمایه خود قرار دهند و از آن سود ببرند، و بعداً

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۱۲۹

پول این افراد را به خودشان برگردانند (آن‌هایی که ماشین ندادند)، لازم به ذکر است اگر این پول‌ها نباشد، شرکت قادر به این چنین کاری نیست. حال از لحاظ شرعی این چنین کاری چه حکمی دارد؟

(جواب): بسمه تعالی اگر مانند معاملات هرمی، قصد پول‌شوئی نباشد و به همه‌ی متقاضیان گفته شود که: ماشین فلان خصوصیات، با این مقدار هزینه‌ی کار مزد، و تا فلان مدت، آن هم با حق خیار فسخ که اگر ماشین فراهم نشد، قرار فسخ شود و طرفین با این خصوصیات راضی باشند، اشکال ندارد. به شرط آن که موقع گرفتن پول از مردم، قصد جدّی برای معامله داشته باشند و قادر بر تسلیم ماشین باشند.

هرچند در مهلت مقرر. به نظر می‌رسد که این‌گونه شرکت‌ها قصد جدی برای معامله ندارند و یك جریان پول‌شوئی فقط می‌باشد.

سؤال ۳٤۳: هیئت مدیره یك شرکت سهامی خاص، ملك متعلق به شرکت را به قیمت سیصد میلیون تومان می‌فروشند، در حالی که طبق نظر کارشناسان در زمان انعقاد مبایعه نامه هشتصد و سی میلیون تومان ارزیابی شده است، خریدار در جایی عنوان نموده که اگر از لحاظ شرعی این معامله دارای اشکال باشد من معامله را با رضایت فسخ می‌نمایم. عاجزانه خواهشمندیم نظر خود را در این خصوص اعلام بفرمایید، ضمناً اکثر سهامداران نیز به این معامله راضی نیستند.

(جواب): بسمه تعالی این معامله فضولی است و بدون رضایت سهامداران باطل است.

سؤال ۳٤٤: زمینی را در سال ۱۳۸۳ خریداری نموده‌ام که بعد از چند سال متوجه شده‌ام که کلاهبرداری می‌باشد. من در این مدت متحمل خسارت و ضرر زیادی شده‌ام.

حال سؤال این است که آیا من باید پول زمینم را به نرخ روز بگیرم یا همان پول چهار سال پیش را که داده‌ام دریافت نمایم؟

(جواب): بسمه تعالی اگر زمین مال غیر بوده و فروش فضولی بوده و صاحبش اجازه نداده معامله باطل و شما همان پول چهار سال پیش را به اضافه ضررهایی که از ناحیه کلاهبردار به شما رسیده طلب دارید.

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۱۳۰

سؤال ۳٤۵: حدود چهل و پنج سال قبل، چند قطعه زمین کشاورزی را برزگری اجاره کرده بود و سازمان اصلاحات اراضی برای زمین‌های مزبور به نام برزگر سند رسمی صادر کرد. و پس از چهل سال موجر و مستأجر (مالك اولی و برزگر) فوت کردند و وراث مالك اولی و برزگر با هم مصالحه نمودند به این صورت که همه‌ی این زمین‌ها را

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــــــ

تصرف هم معلوم باشد.

ج) اگر وقت تصرف معلوم نباشد، اساساً شرط مجهول می‌شود، از طرفی مسلم است که منظورشان جعل خیار فسخ برای ابد نمی‌باشد، بنابراین پس از تصرف مغیّر عین، اعتبار عقلائی ندارد، اگر غرر در شرط را موجب بطلان شرط بدانیم، مسأله روشن‌تر می‌باشد که شرط مزبور به جهت غرر باطل می‌باشد.

سؤال ۳۴۸: زید منزل خود را به مبلغ دویست و شصت و سه میلیون تومان به دیگری با اسقاط خیار فروخته است ولی از قیمت روز مطلع نبوده است و بعد از هفت روز متوجه می‌شود که حدود ۱۵۰ میلیون تومان حین فروش غبن و ضرر کرده است که این ضرر افحش است؛ لطفاً نظرتان را مرقوم فرمایید.

(جواب): بسمه تعالی با فرض اسقاط خیار، خیار ندارید؛ مگر این که خیار غبن متعارف را اسقاط کرده باشید، و این فاحش یا افحش باشد.

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۱۳۲

سؤال ۳۴۹: اگر از شرکتی محصولی را ببینیم و بخریم و اگر خوشمان آمد آن را به دوستمان سفارش دهیم و او هم بخرد و به دوستانش پیشنهاد دهد و از این طریق شرکت به خاطر فروش آن محصول و تشکر از ما به ما پورسانت یا حق الزحمه پرداخت نماید، آیا این از نظر جنابعالی اشکالی دارد؟

(جواب): بسمه تعالی در فرض که قصد واقعی خرید جنس هست و جنس هم وجود داشته و تحویل گرفته است و سپس می‌فروشد یا معرفی می‌کند که از شرکت اصلی بخرد، با رعایت شرایط بیع، اشکالی ندارد.

سؤال ۳۵۰: با توجه به این که شرکت‌های خودرو سازی تا سقف مشخص استفاده از خودرو بر اساس کیلومترشمار به طور رایگان ارائه خدمت نموده و سرویس دهی می‌نمایند؛ برخی از رانندگان به نصب کلید مخفی که موجب از کار افتادن ساعت کیلومتر شمار می‌گردد اقدام نموده و مقدار استفاده‌ی خود از خودرو را مخفی می‌نمایند تا از خدمات رایگان شرکت‌های خودروسازی بهره‌مند گردند؛ حکم نصب کلید مخفی چیست؟ هم‌چنین اجرت افراد فروشنده‌ی کلید مخفی و نصاب آن چه حکمی دارد؟

(جواب): بسمه تعالی این کار جایز نمی‌باشد؛ لیکن برای فروشنده کلید اشکال ندارد، اگر کلید مزبور فواید حلالی هم دارد که حتماً این‌طور می‌باشد چون فقط برای این کار ساخته نشده است.

سؤال ۳۵۱: ۱- در صورتی که ثمن معامله بسیار ناچیز باشد مثل فروختن خانه‌ای به هزار تومان، آیا این معامله صحیح است یا نه؟ و اگر صحیح است آیا بیع محسوب می‌شود یا صلح یا هبه یا ...؟

۲- در معاملاتی که به وسیله تلفن، فکس، اینترنت و امثال آن واقع می‌شود، به ترتیب: الف) معامله از چه زمانی واقع می‌شود؟ از زمان نوشتن یا گفتن ایجاب، از زمان نوشتن یا گفتن قبول، از زمان ارسال قبولی توسط مشتری، از زمان وصول جواب قبولی به بایع، یا ...؟ ب) مکان وقوع معامله کجاست؟ محل سکونت بایع یا محل سکونت مشتری. ج) محل تسلیم مبیع و ثمن کجاست؟ محل سکونت بایع، محل سکونت مشتری، محل وجود کالا، محلی که نیاز است کالا در آن‌جا مصرف شود، یا ...؟

(جواب): بسمه تعالی ۱- معامله صحیح است و بیع می‌باشد. ۲- از زمان تمامیت

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــــــ

متعارف و غیر متسامح فیه، می‌باشد. و در آن صورت، در هر نوع غبنی اسقاط خیار شده است.

سؤال ۳۵٤: الف) هرگاه مبیع یا ثمن، عین معین بوده و به عنوان مقدار معین مورد معامله قرار گیرد، و مبیع یا ثمن نیز از چیزهایی است که تجزیه و تقسیم آن موجب ضرر بایع یا مشتری می‌شود، مثل این که فرشی را به اعتماد إخبار بایع به عنوان این که ۱۲ متر است می‌خرد و موقع تسلیم مشخص می‌شود که ۱۳ متر است، در صورتی که بگوییم مقدار زاید مال بایع خواهد بود، آیا این امر موجب شراکت بایع و مشتری نمی‌شود، تا در نتیجه بتوانیم بگوییم مشتری خیار شرکت دارد؟

ب) در فرضی که مبیع به عنوان مقدار معین فروخته می‌شود، لکن زیادتر از مقدار معین درآید، ولی بایع از مقدار زاید صرف نظر کند، در صورتی که زیادتی مبیع موجب زیان مشتری باشد، آیا مشتری حق فسخ دارد؟ مثلاً فرشی را به عنوان ۱۲ متری برای اتاقی ۱۲ متری خریده، بعد معلوم شد ۱٤ متری است و با مساحت اتاق سازگار نیستو

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۱۳۵

بایع نیز پولی را بابت مقدار زاید مطالبه نمی‌کند، آیا مشتری در این صورت حق فسخ دارد؟

ج) در زمانی که مشتری یا بایع حق حبس ثمن یا مبیع را دارند، هزینه نگهداری آن بر عهده کیست؟ آیا قاعده «من له الغنم فعلیه الغرم» در این جا جاری می‌شود؟

(جواب): بسمه تعالی ۱- خیار عیب دارد. ۲- خیار عیب دارد. ۳- به عهده‌ی نگهدارنده است (که برای منافع خود حفظ می‌کند).

سؤال ۳۵۵: آیا پس از تنظیم قرارداد و امضاء طرفین دست‌کاری و تغییر یکی از شرایط قرارداد و تحویل ندادن قرارداد به طرف دیگر جایز است، یا خیر؟ و چه حکمی دارد و آیا این عمل شرعی است یا خیر؟ با وجود این که بنده مغبون شده‌ام این معامله چه حکمی دارد. آیا این معامله شرعی است؟

(جواب): بسمه تعالی ۱- دستکاری یك طرفه در قراردادها مسلماً حرام است و تأثیر قانونی هم ندارد. ۲- اگر کلیه خیارات از جمله غبن به طور عام و همه درجات غبن اسقاط شده، دیگر خیار غبن ندارید، لیکن اگر قرینه هست که منظور از غبن ساقط شده، غبن اندك است نه زیاد و فاحش، آن وقت در غبن فاحش خیار ساقط نیست.

خیار شرط

سؤال ۳۵٦: بر اساس ماده ٤۰۱ قانون مدنی چنان‌چه در عقد بیع اگر خیار شرط مدت نداشته باشد هم خیار باطل است و هم عقد بیع باطل است. نظر فقهی حضرتعالی در این‌باره چیست؟

(جواب): بسمه تعالی به نظر اینجانب شرط باطل است، اما عقد باطل نیست، لیکن حق فسخ دارد.

سؤال ۳۵۷: فروشنده‌ای زمینی را مورد بیع قرار داده است (به مشتری فروخته) و ۱٦ را دریافت، و مابقی از ثمن را مقداری سه ماه بعد و الباقی از ثمن معامله مذکور را در زمان تنظیم سند رسمی توسط مبایعین تحویل و پرداخت شود. هیچ‌کدام از دیون فوق الذکر در موعد مقرر اصلا پرداخت نشد و مطابق با اندارج در بیع نامه مبنی بر این که در صورت عدم پرداخت کل ثمن خیار فسخ برای فروشنده محقق و لازم الاجرا است (قابل الاجرا)، حال سؤال این است که: در فرض فوری بودن اعمال خیار شرط، آیا

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــــــ

لیکن اگر تحت فشار خودشان تسلیم شده و جدا می‌شوند خیار ساقط است.

ب) اگر طرفین معامله قصد خروج از مجلس عقد را داشته باشند اما مکرهی آنها را مجبور به بقاء کند آیا خیار مجلس باقی است؟

(جواب): بسمه تعالی خیار باقی است.

سؤال ۳٦۳: آیا تفرّق از روی اضطرار، مثل تفرق جهت انقاذ غریق یا قضاء حاجت و مانند آن خیار مجلس را ساقط می‌کند یا نه؟

(جواب): بسمه تعالی مقتضای حدیث رفع، رفع آثار تفرق اضطراریست و نباید خیار ساقط شود. لیکن صراحت سقوط خیار پس از تفرق مانع حکومت حدیث رفع در این مورد است، مبنای تقدم یك دلیل بر دلیل دیگر اظهریت و اصرحیّت است، حتی در باب حکومت اصطلاحی.

سؤال ۳٦٤: در تفرق از روی اضطرار آیا تمکن از فسخ در هنگام خروج از مجلس عقد مدخلیتی در سقوط خیار دارد یا نه؟

(جواب): بسمه تعالی اگر تمکن از فسخ داشته و فسخ نکرده به طوری که به منزلهی اعلام رضایت بوده است، دیگر جای فسخ به وسیله توسل به اضطرار نیست؛

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۱۳۸

ولی در غیر این صورت اثر تفرق اضطراری برداشته شده و حق فسخ دارد. اگر بنا باشد دلیل اضطرار را جاری کنیم، لیکن گفتیم که دلیل سقوط خیار اصرح می‌باشد.

سؤال ۳٦٥: در تفرق از روی اضطرار آیا ترك تخایر به جهت نسیان و غفلت و مانند آن در سقوط خیار دخالت دارد یا نه؟

(جواب): بسمه تعالی به نظر اینجانب همان‌طور که گفتیم گرچه حدیث رفع حاکم بر ادلهی اولیه است لیکن ظهور بلکه صراحت روایات سقوط خیار پس از افتراق مقدم است.

سؤال ۳٦٦: اگر یکی از متبایعین یا هر دو مجنون یا مغمی علیه شوند آیا خیار مجلس ساقط می‌شود یا ولی آنها حق خیار خواهد داشت؟ و آیا بین حضور و عدم حضور ولی در مجلس عقد تفاوتی وجود دارد یا نه؟

(جواب): بسمه تعالی به نظر اینجانب ساقط می‌شود، چنانکه در موت ساقط می‌شود که اظهر مصادیق افتراق است.

سؤال ۳٦۷: آیا خیار مجلس در بیع خیاری جاری است یا نه؟ (توضیح: مرحوم شیخ در کتاب خلاف روایتی نبوی با این مضمون نقل کرده است: «المتبایعان بالخیار ما لم یتفرقا الا بیع الخیار» «۱»)

(جواب): بسمه تعالی آری جریان دارد، مانند موارد دیگر تعدد خیار. و روایت مزبور ثابت نیست.

خیار غبن

سؤال ۳٦۸: وضعیت خیار غبن در بیع‌های زیر چگونه است: الف- بیعی که به صورت مزایده واقع می‌شود. ب- بیع محاباتی. ج- بیع عتیقه جات و آثار باستانی.

(جواب): بسمه تعالی مزایده و محاباة (بیع به کمتر از ثمن المثل) و عتیقه جات هم محدوده‌ای دارند و بی‌حساب نیست، خارج از آن محدوده غبن می‌باشد.

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــــــ

(جواب): بسمه تعالی در مشاع، عیب یك جزء هم خیار می‌آورد.

سؤال ۳۷٤: در خیار عیب، آیا هر گونه تغییر یا تصرفی موجب سقوط حق رد است یا تصرف و تغییری که موجب نقص مالیت یا کاهش رغبت شود؟

(جواب): بسمه تعالی هرگونه تصرف مغیّر، هر چند موجب نقص مالیت نباشد.

سؤال ۳۷۵: در صورت علم به وجود عیب آیا می توان شرط خیار عیب کرد و در صورت عدم جواز، آیا شرط مزبور تنها فاسد است یا مفسد عقد نیز می باشد؟

(جواب): بسمه تعالی در این صورت خیار عیب نیست تا شرط آن شود. شرط خلاف شرع می باشد. شرط فاسد است ولی مفسد نیست.

سؤال ۳۷٦: در فرض فوق آیا می توان خیاری غیر از خیار عیب را در معامله جعل کرد؟

(جواب): بسمه تعالی آری ممکن است.

سؤال ۳۷۷: آیا خیار، حقی واحد و بسیط و غیر قابل تجزیه است یا قابل تجزیه است؟ توضیح آن‌که: اگر مثلاً دو نفر مال مشاعی را از شخصی بخرند و یکی از آن‌ها بخواهد از حق خیار (مثل مجلس یا حیوان یا شرط یا عیب) استفاده کند ولی دیگری نمی‌خواهد، آیا خیار مزبور بسیط است تا توافق هر دو شریك لازم باشد یا قابل تجزیه است تا در نتیجه هر یك از شرکاء به تنهایی بتوانند إعمال خیار کنند؟ یا حق خیاری که به ارث رسیده آیا هر یك از وراث به تنهایی می توانند نسبت به حق خویش اعمال خیار کنند یا همه وراث باید تصمیم واحدی اتخاذ کنند؟

(جواب): بسمه تعالی قابل تجزیه می باشد.

سؤال ۳۷۸: در صورتی که معامله‌ای صورت گیرد و پس از تلف شدن بخشی از معامله معلوم شود مورد معامله معیوب بوده، آیا حق ردّ وجود دارد؟

(جواب): بسمه تعالی حق ردّ ثابت نیست و فقط حق ارش دارد.

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۱۴۱

سؤال ۳۷۹: اگر خریدار، مبیع را به شرط سلامت بخرد و سپس معلوم شود معیوب بوده، آیا شرط مزبور تأکید است و تنها خیار عیب وجود دارد یا جنبه‌ی تأسیسی دارد و علاوه بر خیار عیب خیار تخلف شرط هم وجود دارد؟ و در صورتی که جنبه‌ی تأسیسی داشته باشد چنان‌چه در مورد معامله تصرف کند و بعد معلوم شود معیوب است آیا به واسطه‌ی خیار تخلف شرط حق ردّ مبیع را دارد؟

(جواب): بسمه تعالی اگر دلیل خیار عیب را شرط سلامت بنائی بدانیم شرط سلامت همان خیار عیب است لیکن اگر مبنای آن را تعبد شرعی بدانیم، خیار عیب غیر از شرط است.

خیار عیب در غیر بیع

سؤال ۳۸۰: آیا پرداخت ارش ناشی از اعمال خیار عیب، اختصاص به بیع دارد یا در معاملات دیگر نیز جاری است؟

(جواب): بسمه تعالی اگر مبنای خیار عیب را تخلف از شرط ضمنی سلامت بدانیم در معاملات دیگر هم جریان دارد و اگر تعبد بدانیم نه، به نظر اینجانب علاوه بر ادله‌ی خیار عیب مبنای اولی هم صحیح است و بنابراین اگر اطلاق دلیل شرعی خاص شامل نشود، شرط ضمنی شامل غیر بیع هم است.

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــــــ

(جواب): بسمه تعالی موارد فرق می‌کند و تابع قرائن خاصّه و یا عرف عام می‌باشد. ابتدا قرائن خاصه در نظر گرفته شود.

سؤال ۳۸۹: در فرض فوق اگر مدت در اثناء ماه یا سال قرار داده شود، آیا بر اساس ماه شمسی یا قمری محاسبه می‌شود یا تعداد روزهای لحاظ خواهد شد؟ مثلاً ۳۰ روز یا ۳٦۰ یا ۳٦۵ روز؟

(جواب): بسمه تعالی باید در قرار توضیح داده شود.

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۱۴۳

قصد فسخ معامله

سؤال ۳۹۰: اینجانب زمینی را به مبلغ یکصد و هفت میلیون تومان طی سه فقره چك فروختم که دو فقره از چك‌ها وصول شد و موعد چك سوم هنوز نرسیده است اما اینجانب در معامله مغبون شده‌ام و در قراردادهم ذکر شده است که هر کدام از طرفین به هر علت از انجام معامله امتناع ورزید باید مبلغ ده میلیون تومان به عنوان ضرر به طرف مقابل بپردازد که اینجانب حاضرم ده میلیون را بپردازم و معامله را فسخ نمایم. به نظر حضرتعالی آیا می توانم معامله را فسخ نمایم؟

(جواب): بسمه تعالی گرچه صریحاً جعل حق خیار فسخ برای طرفین نشده است، لیکن ذکر تعهد پرداخت ده میلیون تومان در صورت امتناع از معامله (چه منظور فسخ باشد یا اشاره به عدم انجام معامله فعلاً) معنایش ذکر حق عدم یا بهم زدن معامله است. بنابراین می توانید معامله را نادیده گرفته یا فسخ کنید و طبق تعهد عمل نمایید.

خیار تأخیر

سؤال ۳۹۱: آیا خیار تأخیر اختصاص به تأخیر ثمن داشته و تنها بایع خیار دارد یا در مورد تأخیر مبیع نیز جاری بوده و مشتری هم خیار تأخیر مبیع دارد؟

(جواب): بسمه تعالی اگر خیار تأخیر را روی قاعده بدانیم، در تأخیر ثمن هم جاری است، و اگر تعبد بدانیم آن وقت تابع الغاء خصوصیت است و به نظر می‌رسد مشکل است. ارجح در نظر این است که روی قاعده می‌باشد.

سؤال ۳۹۲: آیا خیار تأخیر اختصاص به مبیع معین و کلی در معین دارد یا در کلی در ذمّه نیز جاری است؟

(جواب): بسمه تعالی در ذمه جریان ندارد. بلکه در کلی در معیّن هم محل اشکال است.

سؤال ۳۹۳: در صورتی که متبایعین واحد باشد آیا خیار تأخیر و دیگر خیارات جاری است یا نه؟

(جواب): بسمه تعالی جعل خیار برای راحت کردن طرفی است که مظلوم شد، در این‌گونه موارد که دست خود شخص است جاری نیست.

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۱۴۴

سؤال ۳۹٤: اگر مشتری بابت پرداخت ثمن، ضامن بدهد، در این صورت خیار تأخیر بایع ساقط می‌شود بفرمایید اگر ضمان به نحو نقل ذمه به ذمه نباشد بلکه به نحو تضامن باشد به این معنا که به طور همزمان بایع حق دارد برای دریافت ثمن به هر یك از مشتری و ضامن مراجعه کند، آیا چنین ضمانی هم موجب سقوط خیار بایع می‌شود؟

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــــــ

سؤال ٤٠٠: آیا جهل به فوریت از اعذار مانع از اسقاط خیار محسوب می‌شود؟

(جواب): بسمه تعالی مانع نیست.

جعل خیار در صدقه و هبه و ...

سؤال ٤٠١: آیا خیار شرط در صدقه، وقف، ضمان و هبه لازم جاری می‌شود؟

(جواب): بسمه تعالی در صدقه جاری نیست، در وقف به‌طور منقطع الاخر جاری است، در هبه جاری است، در ضمان، خلاف وضع ضمان است یعنی جعل خیار به معنای بی‌اعتبار کردن عقد ضمان است.

سؤال ٤٠٢: در صورت جریان خیارات در معاملات فضولی، خیار از چه زمانی محقق است از زمان انعقاد عقد یا از زمان حصول اجازه؟

(جواب): بسمه تعالی اگر اجازه را کاشف بدانیم از زمان عقد و اگر ناقل بدانیم از زمان اجازه.

حق خیار ولی و وصی و ...

سؤال ٤٠٣: در صورتی که بیع توسط ولی، وصی یا وکیل یا قیم صورت گیرد آیا خیار تأخیر و دیگر خیارات تنها برای ولی، وصی و ... ثابت است یا تنها برای مولی

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۱۴۶

علیه، موکل و ... یا برای هر دو؟

(جواب): بسمه تعالی اگر هنوز صغیر است خیار بدست ولیّ اوست و اگر کبیر شد بدست مولی علیه است و همین‌طور در قیّم. در وکیل خیار برای موکل است، در وصی برای خود وصی است.

احکام سرقفلی

سؤال ٤٠٤: شخصی مالك سرقفلی است و مبنای مالکیت وی خرید سرقفلی از مالك است. در اجاره‌نامه رسمی اجازه انتقال به غیر نداشته است. پس از مدتی مالك عین، رضایت کتبی به انتقال سرقفلی می‌دهد و در رضایت نامه شرط می‌کند فروشنده ۲۰ درصد از مبلغ فروش سرقفلی را به وی پرداخت نماید. بلافاصله انتقال صورت می‌گیرد و سرقفلی به شخص ثالث واگذار می‌شود. لیکن تا به حال ۲۰ درصد به مالك پرداخت نشده است. آیا مالك می‌تواند از توافق صورت گرفته عدول کند و به لحاظ انتقال به غیر، حکم تخلیه بخواهد و یا مستحق ۲۰ درصد است و توافق صورت گرفته پابرجا و محترم می‌باشد؟

(جواب): بسمه تعالی در فرض فقط مستحق ۲۰ درصد می‌باشد. ولی اگر شرط این بوده که به محض انتقال، ۲۰ درصد را بدهد، مالك حق دارد قرار اجاره را فسخ و حکم تخلیه بخواهد.

سؤال ٤٠٥: آیا متراژ سرقفلی یك مغازه شامل پایه‌ها می‌باشد یا خیر؟ به استحضار می‌رساند؛ از نظر کارشناسی، تعیین حقوق سرقفلی و حقوق کسب و پیشه، سرقفلی اصطلاح عرفی و متداولی که از سال‌های دور در روابط حقوقی مردم رایج بوده است.

در اصل می‌توان گفت حق سرقفلی حقی است که به موجب آن مستأجر متصرف، در اجاره کردن محل کسب خود بر دیگران مقدم شناخته می‌شود و به عبارت دیگر، سرقفلی حق تقدم در اجاره اماکن تجاری بعد از اتمام مدت اجاره است که بر اثر پرداخت مبلغی به موجر در ابتدای عقد اجاره به وجود می‌آید و در عمل فعالیت کسبی و

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــــــ

شرعی صحیح است؟

(جواب): بسمه تعالی الف) منظور از سرقفلی در زمان حاضر، حق آب و گل و به تعبیر صحیح تر حق شارژ یك مکان، که مثلاً مستاجر یك مغازه توانسته مشتاقان و مشتریانی برای آن مغازه بهدست آورده است و این خود یك زحمتی است که برای هر کس که پس از او بیاید، به منزله یك سفرهی آماده می باشد. وجه دیگر مبنای سرقفلی همان پرداخت مبلغی به مالك برای بدستآوردن حق تقدم در استفاده از مکان است، که در قوانین عرفی به منزله یك شرط حین عقد اجاره و مانند آن می باشد. ب: مشهور فقهای متاخرین که مسأله را متعرض شدهاند آن را اکل مال به باطل میدانند و غیر شرعی. لیکن اگر به صورت یك شرط مبنی علیه العقد در آمده باشد اکل مال به باطل نبوده و صحیح است.

نشر کتاب

سؤال ٤٠٧: مؤلفی، کتابی مشابه کتاب قبلی خود تألیف میکند و به ناشر دیگر میدهد، ناشر کتاب اول آیا حق جلوگیری از نشر کتاب مشابه را دارد؟

(جواب): بسمه تعالی حق ندارد؛ مگر آن که قبلا شرط عدم نشر مشابه را کرده باشد.

سؤال ٤٠٨: پس از چاپ کتاب معلوم میشود در یکی از مراحل فنی چاپ کتاب، اشکالاتی در متن کتاب پدید آمده است، خسارت به عهدهی ناشر است یا عوامل فنی (مثل لیتوگرافی و یا چاپخانه و ...)؟

(جواب): بسمه تعالی به عهده مسئولین فنی یا ناشر، هر کدام که کوتاهی کرده باشند.

استفتائات(مجموعهای از استفتائات)، ج۳، ص ۱۴۹

سؤال ٤٠٩: ناشری کتابی را چند سال است چاپ نمیکند، آیا مؤلف مجاز است کتاب را به ناشر دیگری واگذار کند؟ و آیا اگر ناشری چاپ کتابی را معطل نماید، مؤلف می تواند از او خسارت بگیرد؟

(جواب): بسمه تعالی تابع قرارداد است. لیکن متعارف این است که مؤلف میخواهد کتاب همیشه در بازار وجود داشته باشد، بنابراین مثل سایر شروط مبنی علیها العقد معطل کردن ناشر، خلاف قرارداد است و مؤلف می تواند به دیگری بدهد.

سؤال ٤١٠: آیا مؤلفی که فقط برای یك چاپ کتابش را به ناشری واگذار کرده، برای واگذاری چاپ دوم کتاب به ناشر دیگر، باید فیلم و زینگ کتاب را از ناشر اول خریداری کند؟

(جواب): بسمه تعالی اگربخواهد از آن فیلم و ... استفاده کند، باید بخرد وگرنه نه.

سؤال ٤١١: کتابی به نظر ناشر مفید است، ولی ادارهی ارشاد اجازه نشر نمیدهد، آیا می توان بدون اجازهی ارشاد آن کتاب چاپ کرد؟

(جواب): بسمه تعالی اگر ضلالت آور نیست اشکال ندارد؛ مگر این که حکم ولائی خاصّی ثابت باشد.

سؤال ٤١٢: ناشری کتابی را با هزینه مؤلف و برای مؤلف چاپ میکند و بعدها مالیات و یا هزینهای بر آن کتاب تعلق میگیرد، آیا باید ناشر پرداخت کند و یا مؤلف؟

(جواب): بسمه تعالی به عهده مؤلف است.

سؤال ٤١٣: به طور کلی، حق (دائمی و موقت) تألیف، ترجمه، نوشته و یا چاپ کتاب در اسلام چگونه است؟ و آیا

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــــــ

(جواب): بسمه تعالی به صورتی که ذکر کرده‌اید، اصلا معامله نیست و شرعیت ندارد. و اما اگر دهندگان پول واقعا از پول خود می‌گذرند، پس بخشش می‌باشد، و بخشش اشکال ندارد. لیکن مسلم است که هرگز دهندگان این نیّت را ندارند.

سؤال ٤١٧: سؤالات اینجانب تحقیقی است، لذا خواهشمند است در صورت امکان جواب‌های مبسوطی ارائه نمایید. ١- از نظر حضرتعالی ماهیت پول امروزی چیست؟

٢- خرید و فروش پول چه حکمی دارد؟ ٣- از نظر حضرتعالی آیا جبران کاهش ارزش پول در قرض، جایز است، یا از مصادیق ربا می‌باشد؟ و حکم آن در خمس و مهریه و دیه و غیره چیست؟ ٤- از نظر شما تورم، شرعاً مقتضی جبران کاهش ارزش پول می‌باشد؟ ٥- آیا کاهش ارزش پول موجب ضمان است؟ و در صورت شرط ضمان؛ ضمان آوراست؟ ٦- به نظر جنابعالی عرف، در حکم شرعی جبران کاهش ارزش پول چه نقشی دارد؟

(جواب): بسمه تعالی به جزوه‌ی ربا- از بحث‌های اینجانب- رجوع کنید، مفصل توضیح داده‌ام، اجمالاً به نظر اینجانب پول با کالا فرقی ندارد، جز این که ارزش آن اعتباری است مادام که اعتبار عوض نشده با کالا فرق ندارد و امکان خرید و فروش آن به نقد یا نسیه، کم یا زیاد اشکال ندارد و با قرض فرق اساسی دارد، و ملاك ربا را هم به نظر اینجانب ندارد.

سؤال ٤١٨: حیله‌هایی که برای فرار از ربای قرض مرسوم است، از نظر اسلام چه حکمی دارد؟

(جواب): بسمه تعالی در رساله توضیح المسائل و استفتائات و خصوص رساله «ربا و حیل» گفته‌ایم که: اگر قصد جدّی باشد، اشکالی ندارد و مشکل ربا را حل می‌کند و بهتر از حیله‌های منظوره، خرید و فروش پول است که به نظر اینجانب جایز و ملاك ربا را هم ندارد.

سؤال ٤١٩: بنده دانشجوی رشته علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی هستم. چندی است درباره‌ی ربا شبهاتی در دانشکده مطرح شده است. از جنابعالی خواهشمندم که

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج٣، ص ١٥٢

تعریفی جامع و مانع و کامل و شرعی از ربا و این که آیا مثل گفته علامه طباطبایی پول، مال (کالا) هست یا نه، به بنده ارائه دهید. هم‌چنین تقاضا دارم با توجه به فضای دانشگاه‌ها به دلایل و عوامل صرفا عقلی (فارغ از علل نقلی) نیز اشاره فرمایید.

(جواب): بسمه تعالی به جزوه «ربا و حیل» از بحث‌های اینجانب رجوع کنید.

اجمالاً به نظر اینجانب پول با کالا فرقی ندارد.

سؤال ٤٢٠: اینجانب در راستای انجام وظایف قانونی، شرعی و اخلاقی خود و جهت اثبات وفاداری به نظام مقدس جمهوری اسلامی، علیرغم مشکلات متعدد اقدام به تأسیس شرکتی جهت ارائه خدمات به مردم سربلند ایران نموده‌ام و به همین منظور و در جهت ارائه‌ی آن خدمات اقدام به کارگیری نیروهای انسانی و استخدام افراد فاقد شغل گردیده که به دلیل بضاعت مالی مجبور به اخذ وام از منابع بانکی کشور شده‌ام و پس از دریافت وام، بخشی از اقساط آن در مواعد مقرر به بانك پرداخت شده است. متأسفانه به دلیل عدم صداقت همکاران و شرکاء شرکت و تقصیرات به عمل آمده از ناحیه‌ی مشار الیهم، فعالیتهای شرکت دچار وقفه گردیده و به همین دلیل توانایی پرداخت

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــــــ

(جواب): بسمه تعالی اگر طبق عقود شرعیه باشد (مضاربه، مزارعه، شرکت و ..)، اشکال ندارد. به نظر اینجانب می توانند خود پول را معامله کنند، مثلا یك میلیون به یك میلیون و دویست، یا کم تر وبیش تر، ولی مشخص شود، نقدیانسیه، هردوجایزاست.

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۱۵۴

احکام اجاره

سؤال ٤٢٤: هرگاه شخصی به مدت یك سال برای دیگری کار کند، آیا می تواند پس از یك سال به سبب کمردرد، درد مچ و ... از صاحب کار مطالبه ارش و خسارت نماید؟

(جواب): بسمه تعالی اگر هنگام قرار اجاره شرط ضمان خسارت کند می تواند وگرنه، نه.

سؤال ٤٢٥: ۱- هرگاه عین مستأجره به واسطه حادثه قهری مثل سیل خراب شود، آیا تعمیر آن بر مؤجر لازم است و مستأجر می تواند اجبار مؤجر را بر تعمیر آن مطالبه کند؟

۲- در رابطه با اجاره به نحو کلی بفرمایید؛ الف) در موارد تلف شدن فردی از افراد کلی که مؤجر به مستأجر تحویل داده، فقهاء فرموده‌اند، مستأجر خیار فسخ ندارد و تنها می تواند فرد دیگری از افراد کلی را مطالبه کند، حال بفرمایید؛ هرگاه مستأجر از فردی از افراد کلی که مؤجر به او داده و قسمتی از آن تلف شده انتفاع ببرد و اجرت المثل آن کم تر از اجرت المسمی باشد، مثلاً ماشین پیکانی به نحو کلی اجاره نموده و فردی که تحویل گرفته است صندلی‌های عقب آن خراب است و مستأجر بر اثر جهل به خرابی، از آن استفاده نموده است و اجرت المثل چنین ماشینی در هفته ده هزار تومان و اجرت المسمای آن، بیست هزار تومان باشد، آیا مستأجر می تواند عقد را فسخ کند و اجرت المثل را بپردازد یا با استفاده از خیار «تبعض صفقه» تقلیل نسبی اجاره بها را مطالبه کند؟ ب) چنان‌چه فردی که مؤجر تحویل داده معیوب باشد و مستأجر از فرد معیوب انتفاع برده باشد و اجاره بها برای فرد معیوب کم تر باشد، آیا مستأجر حق فسخ یا تقلیل نسبی اجاره بها را دارد؟ ج) در اجاره اشخاص، هرگاه اجیر بر عمل به نحو کلی اجیر شده باشد و عمل را معیوب انجام دهد و فرصت و امکان تصحیح و تبدیل آن نباشد، چنان‌چه مستأجر از این فرد معیوب منتفع شود و اجرت المثل آن از اجرت المسمی کم تر باشد، آیا مستأجر حق فسخ عقد و پرداخت اجرت المثل را دارد، یا حکم دیگری دارد؟

(جواب): بسمه تعالی ۱- اگر اساساً قابل استفاده نباشد اجاره در مقدار زمان غیر قابل استفاده باطل می‌شود، و اگر موجر آن را قابل استفاده کند، اجاره صحیح است لیکن اجبار موجر دلیل واضحی ندارد.

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۱۵۵

۲- مستأجر اجرة المثل خراب را بدهد، و موجر در صورت قدرت، تعویض فرد می‌کند، و اگر تعویض نشد مستأجر اجرة المسماة را پس می‌گیرد- به مقدار عیب و تلف- و همین‌طور فرع بعدی.

۳- موجر باید قیمت عمل صحیح را به مستأجر بدهد اگر عمل صحیح ممکن نباشد و اگر بتواند باید عمل صحیح را تحویل دهد و مستأجر اگر از معیوب استفاده می‌کند اجرة المثل می‌دهد.

سؤال ٤٢٦: ۱- در موارد تعدی و تفریط چنان‌چه عین مستأجره به واسطه حادثه‌ای قهری مثل سیل و زلزله در دست

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــــــ

غرر باشد (هرچند با احتساب ارزش احتمالی مورد معامه) به نظر اینجانب اجاره صحیح است انشاء الله و مسأله بیع هم طبق قاعده است نه تعبد. ۳- گرچه به مجرد عقد اجاره، هر یك از دو طرف، مالك منافع و اجرت می‌شوند، لیکن چون بر اساس معاوضه صورت می‌گیرد و حلول منافع معنی ندارد حلول اجرت هم معنا ندارد.

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۱۵۷

سؤال ٤٢٩: سی و چند سال قبل، در دو مرحله برای محلی تجاری، مالك بر مبنای نرخ روز مبالغی را به عنوان پذیره و سرقفلی از فردی دریافت نموده، و برای شغل فروش لوازم منزل به اجاره داده است و هر سه سال یك بار اجاره را اضافه و دریافت نموده است. چون به مرور زمان ارزش سرقفلی، تغییرات قابل توجهی پیدا کرده است، اخیراً مالك به عنوان این که مستأجر محل مورد اجاره را برای فروش لوازم منزل اجاره کرده و چون اقدام به فروش ظروف سرامیکی نموده، لذا مرتکب خلاف تغییر شغل شده و تصمیم دارد با اعمال قدرت حتی بدون پرداختن حقوق مستأجر پس از سی و چند سال محل کسب مذکور را تصاحب نماید. استدعا می‌شود نظر مبارك را در خصوص مسأله، که آیا با تغییر شغل، بر اساس قرآن کریم و قوانین شرع مقدس اسلام حق و حقوق مستأجر در مورد سرقفلی که سی و چند سال قبل با توجه به نرخ تورم پرداخت نموده، متعلق به مستأجر می‌باشد یا خیر؟

(جواب): بسمه تعالی اگر اجاره مقید به شغل فروش لوازم منزل باشد، و ظروف مزبور هم جزء لوازم منزل حساب نشود، حق فسخ دارد، به شرط این که به مجرد اطلاع از قضیه فوراً اعلام عدم رضایت کند.

سؤال ٤٣٠: فقهاء (رضوان الله علیهم) گفته‌اند مستأجر نمی‌تواند خانه و دکان را به قیمتی بیش‌تر از آنچه اجاره نموده است به دیگری اجاره دهد. حال بفرمایید آیا مستأجر می‌تواند منافع خانه و دکان را به قیمت بیش‌تری با عقد صلح و نظایر آن به دیگری واگذار کند یا نه؟

(جواب): بسمه تعالی ظاهراً مانعی ندارد.

سؤال ٤٣١: فردی اجیر شده بود برای تعمیر خانه‌ای در روز معین. در آن روز کارهای دیگر خود را تعطیل نموده و به در خانه‌ی مذکور حاضر شده، ولی اتفاقاً با درب بسته روبرو شده و در همانجا نشست تا صاحب‌خانه بیاید و درب را باز کند، ولی صاحب خانه نیامد. آیا این کارگر اجرت‌المسمی را استحقاق دارد یا اجرت‌المثل یا هیچ کدام را؟

(جواب): بسمه تعالی حق اجرةالمسمی را دارد.

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۱۵۸

سؤال ٤٣٢: خانه‌ای که در اجاره‌ی ما است نیاز به تعمیرات ضروری دارد. آیا موجر بر انجام تعمیرات اجبار می‌شود و چنان‌چه موجر تعمیرات مورد نیاز را انجام ندهد یا توانایی آن را نداشته باشد مستأجر حق فسخ اجاره را دارد یا نه؟

(جواب): بسمه تعالی اگر بدون تعمیرات قابل استفاده نیست اجبار بر تعمیر می‌شود و الاّ حق فسخ دارد، بلکه در صورت عدم امکان استفاده، انفساخ است. و اگر تعمیرات اضافی است مبنی بر شرط مذکور در ضمن عقد، یا شرط بنائی، در مواردی که حکم عقلائی عرفی بر رعایت آن تعمیرات باشد به حیث که مبنی علیه العقد باشد، تعمیر لازم

است.

سؤال ٤٣٣: در صورتی که هزینه تعمیر اساسی خانه بیش‌تر از اجاره بها باشد، آیا بر موجر لازم است تعمیرات را انجام دهد یا نه؟

(جواب): بسمه تعالی باز هم لازم است انجام دهد.

سؤال ٤٣٤: هرگاه برای بهتر انتفاع بردن، تعمیرات لازم باشد؛ مثلاً خرید چراغ روشنایی گازسوز برای خانه نیاز باشد، آیا تحصیل و نیز هزینه آن بر موجر است یا نه؟

(جواب): بسمه تعالی در حکم صورت دوم جواب بالا می‌باشد.

سؤال ٤٣٥: در صورتی که برای تعمیر ضروری خانه، تخلیه موقت آن نیاز باشد، آیا مستأجر حق امتناع از تخلیه را دارد و در صورتی که تخلیه نکند و به اساس (بنیان) خانه موجر ضرر وارد شود، آیا مستأجر ضامن است؟

(جواب): بسمه تعالی از باب جمع بین حقین، باید موجر موقتاً جای دیگری را برای مستأجر مهیا کند.

سؤال ٤٣٦: ماشینی را اجاره نموده‌ایم و راننده آن خود ما هستیم. بفرمایید؛ هزینه‌ی بنزین و سرویس متعارف آن به عهده‌ی موجر است یا مستأجر؟

(جواب): بسمه تعالی بسته به قرارداد می‌باشد، مگر این‌که شرط مبنی علیه العقد باشد به حسب تعارف عقد اجاره و ظاهراً فعلاً این‌طور نیست.

سؤال ٤٣٧: ماشینی را برای تعمیر به کارگاهی فرستاده‌ایم، بفرمایید: چنان‌چه ماشین در اثناء تعمیر به شخص ثالثی فروخته شود اجرت تعمیرکار بر عهده‌ی چه کسی است؟

(جواب): بسمه تعالی تابع قرارداد می‌باشد، قاعده‌ی کلی ندارد.

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۱۵۹

سؤال ٤٣٨: چنان‌چه ماشین را به صاحب همان کارگاه بفروشند، آیا اجرت تعمیر ساقط می‌شود یا بر عهده‌ی بایع است؟

(جواب): بسمه تعالی همانند بالا.

سؤال ٤٣٩: مستأجر به مالك خانه دسترسی نداشته است و برای ممانعت از خراب شدن خانه مورد اجاره، بدون اذن موجر اقدام به اصلاح پشت بام خانه نموده. آیا هزینه‌ی تعمیر مذکور بر عهده‌ی مالك است یا مستأجر؟

(جواب): بسمه تعالی به عهده‌ی مالك می‌باشد.

سؤال ٤٤٠: به نظر حضرتعالی اجاره اشخاص عقد تملیکی است یا تعهد به عمل است؟ توضیح این‌که حقوقدانان اجاره اشخاص را تعهد می‌دانند نه تملیكِ عمل و برخی از فقهای معاصر نیز در کتاب الاجاره خود چنین گفته‌اند که: اجاره اشخاص مانند اجاره اعیان نیست چون قبل از عمل چیزی نیست که مالکیت به آن تعلق گیرد و بعد از عمل نیز عمل معدوم می‌گردد و چیزی نیست که متعلق ملکیت باشد و خود عمل مطلوب نیست تا ملکیت به آن تعلق بگیرد و به نتیجه هم گاهی ملکیت نمی‌تواند تعلق بگیرد، مثلاً نتیجه‌ی اجاره در واجبات نیابی سقوط امر است و سقوط امر قابلیت برای تعلق ملکیت ندارد.

(جواب): بسمه تعالی به نظر اینجانب حقیقت اجاره همه جا یکسان است، تسلیط بر منفعت، و لازمه‌اش تملیك

است و عمل در آینده هم در اعتبار، فرض وجود دارد و در اعتباریات این‌گونه امور مشکلی نیست.

مالکیت با احیاء

سؤال ٤٤١: در خصوص وضع مالکیت ما که این ملك از طرف اجدادمان در کنار رودخانه احیاء و آباد شده است و نهایتاً از طریق ارث به ما منتقل شده است. و شهادت بزرگان و کهنسالان محل مویّد ادعای ماست و هم اکنون نیز سن درختان موجود دلیل واضح بر سابقه ۵۰ ساله آبادی دارد اما به دلیل بی‌سوادی و عدم آگاهی اقدام به اخذ سند ننمودیم آیا مطابق موازین شرع مقدس اسلام اشکالی به مالکیت ما وارد می‌باشد یا خیر؟

(جواب): بسمه تعالی اگر شهادت محل بر مالکیت شماست باید استشهاد محلی

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۱۶۰

انجام داده سند بگیرید تا حق شما پایمال نشود. البته در اختلاف موضوع خارجی باید دادگاه با احضار طرفین حکم کند.

شرط با چوپان

سؤال ٤٤٢: در برخی روستاها معامله‌ای به قرار زیر صورت می‌گیرد که شخصی چند گوسفند به عامل، مثلاً برای مدت ۵ سال می‌دهد و با او شرط می‌کند که پس از ۵ سال گوسفندانی با آن خصوصیات به او بدهد و هر چه ربح از شیر و ماست و کره و نتایج حاصل شد هر دو طرف با هم تقسیم کنند، آیا این معامله صحیح است یا نه؟ لازم به ذکر است که در وسائل الشیعه ج ۱۷، ص ۳۵۰ نیز روایتی در این موضوع آمده است «فی الرجل یکون له الغنم یعطیها بضریبة سنة شیئاً معلوماً او دراهم معلومة من کل شاة کذا او کذا قال لا بأس بالدراهم و لست احب ان یکون بالسمن».

(جواب): بسمه تعالی می توان این معامله را تحت عنوان اجاره قرار داد، چوپان را اجیر کرده لیکن بشرط ضمان. لیکن بهتر آن است که آن را یك معامله مستقل قرار دهیم و مشمول کریمه‌ی «اوفو» بشرط این‌که غرر نباشد و ظاهراً چون عقلائیت این سنخ معامله به همین صورت است غرری هم نیست.

شرکت و مصالحه

سؤال ٤٤٣: شرکتی است ایرانی، دارای اموال مشخص و حقیقی با منفعت خاص (صادرات و واردات کلیه کالاهای مجاز، ارائه خدمات از راه حل‌های جامع در زمینه گسترش اینترنت ()، خرید و فروش کالا از طریق بازار اینترنتی و هم‌چنین جذب سهام داران به طریق بازاریابی ()، فروش محصولات و کالاهای خود و شرکت طرف قرارداد، فروش تورهای مسافرتی، گردشگری و زیارتی اعم از داخلی و خارجی)، کسی که در ابتدا می‌خواهد وارد این شرکت گردد، باید مبلغ پنجاه و پنج هزار تومان به شرکت بپردازد، و این شرکت شروع به فروش سهام محصولات خود و دیگر شرکت‌های طرف قرارداد طبق عقود شرعی ذیل می‌نماید.

الف) شرکت: تمام اموال و دارایی (سود و ضرر) خود را در یك سبد کلی جمع می‌نماید و آن را طبق تعریف فوق (اموال حقیقی و منفعت خاص) به صورت سهام به هر فرد به مبلغ

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۱۶۱

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــــــ

برابر چگونه جنسی است، و سهم شرکت چقدر ارزش دارد (چون ارزش هر سهم مربوط به مقدار اجناس و مقدار سهام می‌باشد) اشکالی ندارد. در عین حال وظیفه تشکیلات حکومتی است که بر این گونه شرکت‌ها نظارت کند که‌درنهایت‌چقدر جمع مال می‌کنند و چقدر به مردم می‌دهند که اکل مال به باطل نشود. بدیهی است که شرکت منافع خود را در نظر دارد و می‌داند که در نهایت چقدر جمع مال می‌کند.

ب) اگر از جهت اخیر مشکلی نباشد، راه آسان تری هم دارید، کارت تخفیف را مثلاً به مبلغ پنج هزار تومان و باقی امتیازات را به عنوان شرط ضمن فروش ذکر کنید.

ج) در صورتی که بی‌اشکال باشد از پرداخت وجوه شرعی خود و رسیدگی به مستمندان غفلت نکنید، که موجب برکت مال می‌باشد.

سؤال ٤٤٤: فروشنده و خریدار قطعه زمینی در نهایت سلامت عقل و فکر و با علم به این که سهم فروشنده در سند رسمی زمین به صورت مشاع می‌باشد و هنوز این زمین بین سهامداران احراز و تفکیك نشده است با هم دیگر به توافق رسیده‌اند و خریدار قسمتی از سهم مشاعی فروشنده را به صورت مفروض با محل معین و مشخص با قولنامه عادی خریداری کرده است و پس از مدتی فروشنده فوت کرده است. در این صورت آیا قاضی دادگاه می تواند بنا به تقاضای خریدار برای این معامله حکم صدور سند رسمی به صورت مشاع صادر کند؟

(جواب): بسمه تعالی اگر معامله بر زمین مشاع صورت گرفته افراز و تعیین باید با رضایت همه‌ی شرکاء باشد.

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۱۶۳

سؤال ٤٤٥: شریك پدر اینجانب مغازه ایشان را بدون اطلاع و با جعل امضاء و مهر پدر اینجانب به شخصی فروخته، و پس از اطلاع شفاهی ایشان، پدر اینجانب هیچ‌گونه رضایتی نداشته و با ایشان و اینجانبان تدلیس نموده است. لطفاً حکم مسأله را بیان فرمایید.

(جواب): بسمه تعالی تدلیس حرام است و معامله با جعل امضاء باطل است و شریك پدر شما فقط سهم خود را می تواند بفروشد و در مقدار سهم پدر شما معامله باطل می‌باشد. یعنی فضولی است باید پدر شما اجازه کند.

سؤال ٤٤٦: اینجانب در سال ۱۳۷٦ با سرمایه‌ام به تهران رفتم، یکی از اقوام به من پیشنهاد داد تا در شهر لواسان زمینی بخریم، زمین را من بخرم و او زمین را بسازد. بنده زمینی به مساحت ۳۰۰ متر به قیمت ۱٦ میلیون تومان خریدم. و حتی نصف زمین را به نام خانم ایشان کردم، با این که هیچ پولی بابت زمین نداده بودند. و از آن جایی که به ایشان اعتماد کامل داشتم، حتی کاغذی هم امضا نکردیم و به قول و عهد زبانی ایشان دل بستم، اما ایشان خلف وعده کرد و به عهد خود وفا نکرد. زمین بنده نیز سه سال و نیم طول کشید تا به فروش رسید با همان قیمت ۱٦ میلیون تومان، در حالی که ارزش پول نصف شده بود، یعنی بنده در سال ۷٦ با ۱۵ میلیون تومان می توانستم در تهران یك واحد آپارتمان بخرم، اما در سال ۷۹ قیمت آن آپارتمان ۳۵ میلیون شده بود. حال از ایشان ادعای خسارت کردم. اما در مقدار خسارت با هم اختلاف داریم. لطفاً بیان فرمایید از نظر شرعی ایشان به من بدهکار هست و اگر بدهکار است مبنای تعیین خسارت چیست؟

(جواب): بسمه تعالی اگر قرار شرکت داشته‌اید (که او در آن تاریخ بسازد و شرکت مساوی داشته باشید)، شما قیمت نصف ساختمان فرضی آن زمان را به اضافه‌ی نصف قیمت زمین همان وقت را طلب دارید، و اگر قرار

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــــــ

دویست هزار تومان قرار دادیم. و در ابتدا مبلغ هفتصد هزار تومان به وکیل دادم اما قبل از موعد دادگاه مشکل ما حل شد. اکنون بنا به گفته وکیل، ایشان شش صفحه لایحه مرقوم نموده، و می‌گوید: باید بنده تمام مبلغ حق الزحمه مکتوب در قرارداد (یعنی یك میلیون و دویست هزار تومان) را به ایشان پرداخت نمایم. لذا درخواست دارم آن‌چه را که شرع می‌فرماید مرقوم فرمایید.

(جواب): بسمه تعالی عزل وکیل قبل از موعد عمل جایز است. و وکیل حق گرفتن همه‌ی پول را ندارد. مقداری از باب مصالحه بپردازید.

سؤال ٤٥٣: احتراماً به استحضار می‌رساند موضوع کار تحقیقی اینجانب این است که آیا سفیه می تواند در امور مالی دیگران وکیل شود؟ از آن جا که برخی از اعاظم فقها به سؤال فوق پاسخ مثبت داده‌اند، لهذا این سؤال برایم مطرح است کسی که نمی تواند در امور مالی خود دخالت کند، چگونه می تواند وکیل دیگران در امور مالی شود. استدعا دارد حضرتعالی برای تشخیص ذهن اینجانب نظر خود را مستدلا مرقوم فرمایید.

(جواب): بسمه تعالی وکیل در صرف اجراء صیغه‌ی معامله‌ای باشد اشکال ندارد، لیکن وکالت سفیه در امر مالی به معنای انجام استقلالی، صحیح نیست.

سؤال ٤٥٤: شخصی طی وکالتنامه رسمی، به همسر خود اجازه هرگونه تصرف نسبت به چهار دانگ مالکیت خود در باب یك منزل مسکونی را می‌دهد. وکیل (همسر) پس از دو ماه از اخذ وکالتنامه، طی سند رسمی دیگری، مالکیت این چهار دانگ را به خود منتقل می‌نماید. پس از دو سال از انتقال مالکیت، بر اساس نظریه پزشکی قانونی مشخص گردیده که موکل از ده سال قبل دچار جنون بوده و جنون وی ادواری می‌باشد.

از این رو دادگاه اقدام به نصب قیم برای موکل نموده است.

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۱۶۶

حال جهت ابطال وکالتنامه و به تبع آن سند رسمی انتقال ملك، اثبات دلیل به عهده چه کسی است؟ آیا موکل که طبق نظریه پزشکی قانونی جنون وی اثبات گردیده، باید ثابت کند که در زمان انتقال وکالت مجنون بوده و یا وکیل باید ثابت کند که موکل در زمان انتقال وکالت سالم بوده است؟ به عبارت دیگر با توجه به نظریه پزشکی قانونی اصل بر جنون است یا عدم آن؟

(جواب): بسمه تعالی ۱- اگر وکالت به طور مطلق بوده کار همسر در انتقال به خود صحیح بوده لیکن ظاهر عبارت مزبور وکالت برای فروش است نه انتقال مجانی به خودش.

۲- پس از انجام مورد وکالت، موکل باید جنون در وقت توکیل را اثبات نماید وگرنه محکوم به صحت می‌باشد.

سؤال ٤٥٥: ۱. مسئولیت وکیل در اجرای عقد و تعهدات ناشی از آن چیست؟ آیا طرف معامله باید به موکل مراجعه کند یا به وکیل یا می تواند به هر دو مراجعه نماید؟ آیا در این مسأله نوع وکالت، وکالت در انشای عقد، اجرای عقد و ... تفاوتی دارد؟

(جواب): بسمه تعالی اگر طرف معامله می‌داند که او وکیل است، باید به وکیل رجوع کند. البته در صورتی که وکیل وکالت در همه امور مربوطه باشد نه صرف انشاء صیغه‌ی عقد. اگر اختلاف در انشاء صیغه باشد، باید به وکیل رجوع کند هرچند در صرف انشاء وکیل باشد.

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــ
ثابت شود، مسئولیت وکیل چگونه است؟ آیا طرف معامله به وکیل مراجعه کند یا موکل یا هر دو؟

(جواب): بسمه تعالی همانند صورت فوق می‌باشد.

۳. در صورتی که در هنگام معامله تصریح به وکالت نشده ولی طرف معامله علم به وکالت داشته باشد، آیا در حکم تصریح است یا علم طرف معامله نقشی نداشته و باید تصریح شده باشد؟

(جواب): بسمه تعالی در این صورت هم در آنچه به وکیل واگذار شده وکیل طرف معامله است لیکن در تمام این صور، موکل هم می تواند دخالت کند و در صورت دخالت، در مورد وکالت، عزل می‌شود.

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۱۶۷

٤. در صورتی که بعد از اجراء عقد معلوم شود تعهد به نحو ناقص اجرا شده- مثلاً مبیع تسلیم شده معیوب بوده است- آیا طرف معامله به وکیل مراجعه کند یا موکل یا هر دو؟ در این فرض آیا علم یا جهل طرف معامله به وکالت در هنگام قرارداد یا تا هنگام قبض تأثیری دارد؟

(جواب): بسمه تعالی بسته به علم به وکالت و جهل به آن می‌باشد، یعنی اگر جهل به وکالت بوده به موکل رجوع می‌کند.

انتخاب نماینده مجلس

سؤال ٤٥٦: با توجه به این که در آستانه انتخابات مجلس شورای اسلامی قرار داریم و نامزدهای مختلفی در این انتخابات شرکت کرده‌اند؛ مستدعی است که نظر مبارکتان را در رابطه با بهترین ملاك برای انتخاب یك نماینده مجلس بفرمایید.

(جواب): بسمه تعالی الف) دخالت مردم در سرنوشت زندگیشان لازم است و لااقل از این جهت که مبادا افراد غیرصالح منافع ملی و مکتبی آن‌ها را به انحراف بکشانند.

ب) مجلس شورای اسلامی از مهم‌ترین مراکز تصمیم گیری در امور مملکتی می‌باشد.

ج) آراء هر یك از نمایندگان در سرنوشت مملکت دخالت دارد.

د) نماینده‌ای باید انتخاب شود که هم آگاه به مکتب اسلام و تشیع و هم مخلص و خالص باشد.

ه) بنابراین لازم است مردم دقت کافی در انتخاب نمایند که امری سرنوشت ساز می‌باشد.

و) اگر فرد صالح به تمام معنی پیدا نکردند، باید ارجح را انتخاب کنند. کسی که لااقل ضرری برای جامعه اسلامی نداشته باشد.

احکام ضمان و موجبات آن

سؤال ٤٥٧: کسی که وظیفه‌اش نجات جان اشخاص یا دفع خطر از جان و مال دیگران است (مانند مأمورین آتش نشانی) اگر در حین انجام وظیفه موجب خسارت جانی یا مالی به شخصی که در معرض خطر واقع شده، گردد و این صدمه از آسیبی که شخص در معرض آن بوده شدیدتر باشد، آیا این عمل موجب ضمان است؟ در صورت

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۱۶۸

مثبت بودن پاسخ، ضمان بر عهده چه کسی است، شخص مأمور یا بیت المال؟

(جواب): بسمه تعالی به عهده‌ی بیت المال است.

سؤال ٤٥٨: در فرض مزبور اگر عمل شخص (مأمور آتش نشانی) موجب آسیب به شخص دیگری گردد، آیا موجب ضمان است؟ در صورت مثبت بودن پاسخ، چه کسی ضامن است، شخص مأمور یا بیت المال؟

(جواب): بسمه تعالی به عهده‌ی بیت المال است.

سؤال ٤٥٩: از چاپ کتابی، توسط وزارت ارشاد اسلامی جلوگیری شده، خسارت و هزینه‌های کتاب به عهده مؤلف است یا ناشر، و یا وزارت ارشاد اسلامی؟

(جواب): بسمه تعالی اگر این جلوگیری طبق قانون اعلام شده از قبل باشد به عهده کسی است که چاپ می‌کند (ناشر یا مؤلف) والا به عهده ارشاد است.

سؤال ٤٦٠: اگر مسؤولیتی قانونی، ناشی از چاپ یك کتاب ایجاد شود، این مسؤولیت بر عهده ناشر است یا مؤلف؟

(جواب): بسمه تعالی اگر موجب ضلالت مردم شده به عهده ناشر و مؤلف، هر کدام که سبب اقوی هستند- موارد فرق می‌کند- و اگر صرف خلاف قانون عرفی است، مربوط به کسی است که می‌دانسته و در عین حال اقدام کرده است.

سؤال ٤٦١: تغییر قطع یك کتاب و یا مقدار تیراژ، تأثیری در فسخ قرارداد کتاب دارد یا نه؟ و آیا مؤلف می تواند ادعای خسارت نماید؟

(جواب): بسمه تعالی هر تغییر بر خلاف قرار موجب ضمان و حق فسخ می‌باشد.

سؤال ٤٦٢: با عنایت به این که در بحث اجتماع اسباب، فقها فرموده‌اند: هر گاه سببی عدوانی و سبب دیگر غیر عدوانی باشد، سبب عدوانی ضامن است، مستدعی است پاسخ دو سؤال ذیل را مقرر فرمایید؛ الف: هرگاه راننده اول در حین رانندگی بی‌هوش شده و یا دچار سکته شود و وسیله نقلیه او به سمت دیگر جاده که وسایل نقلیه از جهت مخالف در آن تردد دارند، منحرف شده و به وسیله نقلیه‌ای که با سرعت غیر مجاز در حال حرکت است، برخورد نماید، ضمان دیه متوجه چه شخصی است؟ (فرض آن است که راننده وسیله نقلیه‌ای که سرعت غیر مجاز داشته در شرایطی که به صورت ناگهانی و در اثر انحراف وسیله نقلیه اول به وجود آمده است، قادر به کنترل وسیله نقلیه خود و

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۱۶۹

اجتناب از تصادف نبوده است.) ب: هر گاه شخصی در ملك خود که کودکان همسایه بدون اذن مالك برای بازی به آن جا می‌روند، به قصد سقوط کودکان در چاه و صدمه زدن به آن‌ها چاهی حفر نماید، مستدعی است بفرمایید که آیا مالك ضامن است یا ضمان او به دلیل روایاتی که حفر کننده در ملك را ضامن نمی‌داند منتفی است؟

(جواب): بسمه تعالی ۱- دلیلی بر تقدیم سبب عدوانی نیست، ملاك در ضمان اسناد می‌باشد و اگر به هر دو اسناد دارد شرکت در ضمان است.

۲- موارد مختلف است، به هر کدام که اسناد بیش‌تری دارد ضامن است، صرف این که اگر سرعت مجاز داشت تصادف نمی‌کرد؟! مطلب را تمام نمی‌کند، موارد فرق می‌کند.

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــــــ

شخصی به گمان این که با کندن چاه در وسط کوچه، آب‌های کوچه در آن جمع شده و عابران در آسایش بیش‌تری خواهند بود، چاهی را در وسط کوچه حفر کند در حالی که مصلحت واقعی در حفر چاه در کنار کوچه بوده است، اگر عابری به درون چاه سقوط کند، آیا حفر کننده ضامن است؟

ب) هر گاه شخص «الف» به قصد جان شخص «ب» و جلوگیری از سقوط او از

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۱۷۱

بلندی به سرعت به طرف او حرکت کند و در حین حرکت موجب شکستگی بینی شخص «ج» شود، چه کسی ضامن شکستگی بینی است؟ (آیا احسان کننده ضامن است یا بیت المال یا شخصی که در معرض سقوط بود؟)

ج) هر گاه شخص «الف» برای حفظ مال اندك و غیر معتنابهی از شخص «ب» عملی انجام دهد که منجر به ایراد صدمه به شخص «ب» گردد، آیا شخص «الف» ضامن است؟

مثلاً اگر اسکناس صد تومانی از دست «ب» بیفتد و شخص «الف» برای احسان و ثواب، خم شود تا اسکناس را برداشته و به او بدهد و در حین خم شدن به بینی شخص «الف» خورده و بینی او را بشکند، آیا ضامن است؟

(جواب): بسمه تعالی الف: به نظر اینجانب اگر مباشرت یا تسبیب در قتل و هر جنایتی باشد، به‌طوری که اسناد جنایت به شخص باشد صرف احسان مانع دیه و ضمان نیست. لیکن مشهور آن است که احسان رفع ضمان می‌کند، بهتر است که چون احسان بوده مصالحه شود. اگر حفر چاه طبق متعارف، مصلحت بوده و استناد تلف به کم التفاتی عابر باشد نه حفّار، ضامن نیست.

ب و ج) میزان صدق استناد است که جنایت، اسناد به کدام یك دارد. ولی معمولاً امور احسانیه با اخلاق حلّ می‌شود. در مثال شکستن بینی ظاهراً استناد به احسان کننده دارد.

سؤال ٤٦٦: در برخی احکام صادره به دلیل آن که حکم مباشرتی بوده و فقط توسط خود متعهد قابل اجراست و انجام آن توسط دیگران به هزینه متعهد نیز مقدور نمی‌باشد، مانند کشیدن نقاشی به سبك خاصی که صرفاً متعهد به لحاظ مهارت خاص خود، قادر به اجرای آن است یا مثلاً در حکم الزام به تمکین که تمکین فقط از سوی متعهد یعنی زوجه امکان‌پذیر است و احکامی از این دست. آیا شرعاً متعهد له می‌تواند برای اجرای حکم توسط متعهد، ضمانتی چون وجه التزام، طلب نماید یا خیر؟

(جواب): بسمه تعالی ضمانت در برابر هر تعهدی جایز است.

سؤال ٤٦٧: اگر راننده قبل از حرکت به طرف مقصد از مسافر اخذ برائت کند، ولی در اثناء سفر تصادف کرده و مسافر صدمه دیده (دست و پای او شکسته است)، و یا کشته شود، در صورتی که تصادف در اثر تقصیر و بی‌احتیاطی راننده به وجود آمده باشد،

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۱۷۲

بفرمایید؛ الف) راننده از روی احسان و به قصد ثواب شخص را سوار کرده باشد؛ ب) راننده قصد احسان و ثواب نداشته، بلکه در مقابل اجرت او را سوار کرده باشد. در فرض مزبور چنان‌چه تصادف در اثر تقصیر و بی‌احتیاطی راننده به وجود نیامده باشد، بفرمایید؛ ج) راننده از روی احسان و به قصد ثواب شخص را سوار کرده باشد؛ د)

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــ

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۱۷۳

اثبات تقصیر به عهده خواهان و شاکی است یا آن که مدعی علیه باید ثابت کند که مقصر نبوده است؟ ج) از نظر فقهی صلاحیت رسیدگی به جرایم زیست محیطی در روابط بین‌المللی با کیست؟

(جواب): بسمه تعالی الف) تقصیر دخالت ندارد، ضمان اموال اعم از قصور و تقصیر است. ب) قصور و تقصیر در ضمانت دخالت ندارد. ج) ضمانت در قانون اسلام با قوانین فقهی معلوم می‌شود، و اجراء قوانین پس از اثبات در دادگاه‌های بین‌المللی با ضوابط بین المللی می‌باشد.

سؤال ٤٧١: الف) اگر تأسیس کارخانجات صنعتی (مثل پتروشیمی و ...) توسط دولت و یا بخش خصوصی، به دلیل عدم رعایت استانداردهای زیست محیطی، موجب بروز بیماری و عارضه گردد، چه کسی مسؤول است؟

ب) اگر فعالیت بخش خصوصی موجب ایجاد عارضه و آسیب زیست محیطی باشد و این فعالیت از طرفی نیز به دولت به دلیل کوتاهی در کنترل و نظارت قابل انتساب باشد؛ آیا از نظر شرعی مسؤولیت به صورت تضامنی و یا به صورت جداگانه قابل طرح و پی‌گیری است؟

(جواب): بسمه تعالی الف) تأسیس کننده ضامن ضررهای ایجاد شده است، و دولت که مسؤول رعایت قانون

رانندہ قصد احسان و ثواب نداشته، بلکه در مقابل اجرت او را سوار کرده باشد.

(جواب): بسمه تعالی الف) ضامن است. ب) ضامن است. ج) ضامن نیست.

د) ضامن نیست.

سؤال ٤٦٨: الف) کسی که وظیفه‌اش نجات جان اشخاص یا دفع خطر از جان و مال دیگران است (مانند مأمورین آتش نشانی)، اگر در حین انجام وظیفه موجب خسارت جانی یا مالی به شخصی که در معرض خطر واقع شده، گردد و این صدمه از آسیبی که شخص در معرض آن بوده شدیدتر باشد آیا این عمل موجب ضمان است؟ در صورت مثبت بودن پاسخ، ضمان بر عهده مأمور است یا بیت المال؟

ب) در فرض مزبور اگر عمل شخص (مأمور آتش نشانی) موجب آسیب به شخص دیگری گردد، آیا موجب ضمان است و در صورت مثبت بودن پاسخ، ضمان بر عهده مأمور است یا بیت المال؟

(جواب): بسمه تعالی الف) اگر بی‌احتیاطی نکرده به عهده‌ی بیت المال است.

ب) به عهده‌ی بیت المال است.

سؤال ٤٦٩: در صورتی که قطع عضو یا ایجاد جراحت بر اثر اشتباهی باشد که پزشك معالج مرتکب شده، وضعیت ضمان در صورت قصور و تقصیر پزشك چگونه خواهد بود؟ در دو صورت قصور و تقصیر آیا اخذ برائت، رافع ضمان خواهد بود؟

(جواب): بسمه تعالی در تقصیر ضامن است مطلقاً.

سؤال ٤٧٠: الف) اگر تولید خودرو فاقد استاندارد زیست محیطی باشد، و موجب آلودگی و خسارت در عوامل زیست محیطی گردد؛ آیا صرف رابطه سببیت میان فعل (تولید خودرو) و خسارت (بروز و شیوع بیماری) برای مسئولیت عامل کافی است یا علاوه بر رابطه سببیت تقصیر عامل نیز باید احراز گردد؟ ب) با توجه به مبنای مشهور فقیهان در مسئولیت ناشی از آلودگی و تخریب محیط زیست (مبنای تقصیر) آیا وظیفه

است، مسؤول پی‌گیری است و تسامح جایز نیست.

ب) ضمانت مربوط به سبب ایجاد عارضه است، و دولت که تسامح نموده، خلاف کار است.

سؤال ٤٧٢: الف) تخریب و آلوده نمودن محیط زیست دریایی چه حکمی دارد؟ و آیا حفظ و نگهداری و بهینه‌سازی و ممانعت از تخریب محیط زیست واجب است؟

ب) آیا کوتاهی، ضعف و سوء مدیریت دولت‌ها و مسؤولین مربوطه موجب ضمان می‌گردد یا نه؟ ملاك تشخیص ضمان و ضامن در این گونه موارد چیست؟

ج) آیا صید بی‌رویه و غیر مجاز ماهیان دریای خزر جایز است، و در آمد حاصله از این طریق چه حکمی دارد؟ ضامن خسارت‌های وارده کیست؟ و آیا فرقی بین افراط و تفریط در مسأله می‌باشد؟

د) با عنایت به ضررهای ناشی از دفن زباله‌ها آیا اقدام در جهت بازیافت زباله‌ها واجب است؟

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۱۷۴

ه) آیا قصور و تقصیر در مسائل یاد شده، در ایجاد ضمان برای ضامن تفاوت می‌کند و آیا صرف انتساب عرفی ضمانت به شخص یا اشخاص حقیقی یا حقوقی برای اثبات ضمان کفایت می‌نماید؟ و در مجموع چگونه می‌توان خسارت‌های وارده را جبران نمود؟

(جواب): بسمه تعالی الف) تخریب و آلوده کردن ضمان دارد. حفظ محیط زیست از وظایف ولایت جامعه، یعنی دولت می‌باشد؛ لیکن از باب نهی از منکر، با وجود شرایط بر همگان لازم است.

ب) هر گونه کوتاهی مسؤولین موجب ضمان است، هم ضمان مربوط به نقص محیط، و هم ضمان در رابطه با حقوق دولتی و دستمزدی که بدون انجام کار صحیح، گرفته است.

ج) منظور از صید بی رویّه آن است که به تولید ضرر می‌رساند، در آن صورت کسانی که چنین کنند ضامن هستند و مسؤولین باید مانع شوند. و قاعدتاً ضمان مربوط به ضرر است و افراط و عدم آن تأثیری ندارد. البته در مسؤولین که ید امانی دارند اگر کوتاهی نکرده باشند ضامن نیستند.

د) با توجه به ضرر دفن زباله‌ها، برای زمین، مصداق اضرار است و موجب ضمان می‌باشد چنان که خود زباله هم چون منافعی دارد باید از منافع آن استفاده شود، وگرنه ضرر صدق می‌کند.

ه) صرف انتساب ضرر، بطوری که عامل ضرر حساب شود، موجب ضمان است، مسؤولین که ید امانی دارند اگر کوتاهی نکرده باشند، ضامن نیستند.

سؤال ٤٧٣: کودکان برای بازی سنگی را در کوچه به عنوان دروازه فوتبال قرار داده و پس از بازی، آن را در همان حالت رها کرده و می‌روند. زید که ملکش در کنار کوچه بوده و دیوار و حصاری ندارد، چاهی را در کنار سنگ و در ملك خود حفر می‌کند به قصد این که نابینا یا عابر خاصی که معمولاً از آن‌جا می‌گذرد، به سنگ برخورد کرده و در چاهی که در ملك اوست سقوط کند، یا مالك با توجه به این که اگر در ملك خود چاه حفر کند، احتمال برخورد نابینا یا عابر مزبور با سنگ و سقوط او در چاه زیاد است، اقدام به حفر چاه می‌نماید. حال مستدعی است بفرمایید با توجه به این که عمل کودکان مصداق اضرار به طریق و عمل مالك، مصداق «الناس مسلطون علی اموالهم»

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــــــ

منتسب می‌باشد و اگر شبهه‌ای هم در کار باشد الحدود تدرء بالشبهة.

٤- در این مثال به هر سه نفر اسناد داده می‌شود. خلاصه میزان انتساب است.

سؤال ٤٧٥: الف) شخصی در ملك خود چاهی احداث می‌نماید، لیکن متوجه است که احتمال دارد کودکانی که برای بازی به ملك او می‌روند، در چاه سقوط کنند و علیرغم این احتمال عقلایی علامت هشدار دهنده در اطراف چاه قرار نمی‌دهد، آیا این شخص، ضامن صدماتی که به سبب سقوط در چاه بر کودکان وارد می‌شود، می‌باشد؟

ب) شخصی در ملك دیگری حفره‌ای را بدون اذن مالك ایجاد کرده است، و مالك پس از گذشت مدتی، علیرغم این که زمین او محل رفت و آمد کودکان است و از سویی قدرتِ پر کردن حفره را نیز دارد، کوتاهی می‌کند و کودکی در چاه سقوط کرده و آسیب می‌بیند، در فرض سؤال آیا کسی ضامن دیه کودك هست یا خیر؟ اگر ضمان ثابت است آیا مالك ضامن است یا حفر کننده چاه و یا هر دو؟

(جواب): بسمه تعالی الف) اگر می‌داند که در معرض رفت و آمد افراد می‌باشد و آن‌ها توجه ندارند، صرف مالکیت مانع ضمان نیست و باید علائم هشدار دهنده نصب کند.

ب) ظاهراً حفّار ضامن است، اگر عدواناً و بدون امر مالك حفر نموده، لیکن احتیاطاً لازم است مالك، آن حفره را پر کند و در صورت بروز صدمه و پیدا نشدن حفار، خسارت را مالك بپردازد و یا مصالحه شود. اگر مالك در عدم نصب علائم هشدار دهنده هم کوتاهی نموده است.

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۱۷۷

سؤال ٤٧٦: در چاپ کتاب آیا می‌توان در مطالب آن دخل و تصرف نمود و یا بعضی از مطالب آن راحذف نمود؟

(جواب): بسمه تعالی بدون اجازه نویسنده خیر.

سؤال ٤٧٧: اینجانب زمینی واقع در شهرك قدس به مساحت ۲۲۸/۳۹ متر مربع از سازمان مسکن و شهرسازی با ابعاد معلوم در سند خریداری نموده و تحویل گرفتم و با اخذ پروانه ساخت از شهرداری و زیر نظر مهندسین ناظر اقدام به ساخت، بر اساس متراژ مندرج در سند نمودم. پس از گذشت ۱۱ سال دو نفر زمینی را در جنب زمین اینجانب خریداری نموده که به میزان ۳۵ سانتی متر در ۲۲/۵ متر از متراژ خریداری شده کم‌تر می‌باشد و آنان بر طبق نظر کارشناسان که کسری موجود باید از آخرین زمین (یعنی زمین بنده) جبران گردد، اقدام به تصرف در بخشی از زمین اینجانب کردند. قابل ذکر است حقیر در محدوده زمین خویش رقمی بالغ بر ۸۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال سرمایه گذاری نموده‌ام. بیان فرمایید آیا بر اساس شرع مقدس اسلام کسری زمین خریداری شده باید از زمین دیگری کسر گردد؟ آیا جز این است که زمین اینجانب که قبل از خریداران جدید نیز خریده‌ام، تنها متعلق حق خودم بوده و دیگری حق تصرف در آن را ندارد؟ یا خریداران نام برده باید به بایع مراجعه نموده و کسری زمین را با وی مصالحه کنند؟ در صورتی که از طریق دادگاه یا از طریق دیگر بر بخشی از زمین اینجانب مسلط شوند حکم تصرفات ایشان در آن چگونه خواهد بود؟ یادآور می‌شود سند زمین به پیوست استفتاء تقدیم می‌گردد.

(جواب): بسمه تعالی در فرض مزبور تصرف آن‌ها در زمین شما جایز نیست، نظر کارشناسی در این مورد اثری ندارد مگر این که هنگام معامله شرط شده باشد.

سؤال ٤٧٨: در برخی متون فقهی این فرع مطرح شده است که اگر سیل، سنگ، چوب و مانند آن را در معبر قرار دهد

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــــــ

هم برخورد کنند و سرنشینان یکی از آن‌ها کشته شود. ب) وسیله نقلیه به شخصی برخورد کرده و او را هلاك نماید.
(جواب): بسمه تعالی الف) هر دو وسیله سبب بوده‌اند و راننده مباشر است و دیه تنصیف می‌شود. ب) مباشرت در قتل است. یعنی راننده قاتل است. عمداً یا شبه عمد یا خطا که موارد فرق می‌کند.
سؤال ٤٨٢: الف) آیا قاعده «كلّ ما كان في الإنسان إثنان ففيهما الدية وفي أحدهما نصف الدية وما كان فيه واحد ففيه الدية» که متخذ از روایات از جمله روایت هشام بن سالم و عبد الله بن سنان می‌باشد، را به صورت مطلق می‌پذیرید؟ و یا تنها در مواردی مانند دست، چشم، گوش و ... که منصوص است، آن را جاری می‌دانید؟ در صورتی که مطلقا قاعده را جاری می‌دانید، بفرمایید،
ب) آیا قاعده مزبور مختص به اعضاء است یا در منافع نیز (چشایی، لامسه، احساس عطش و ...) مطلقاً آن را جاری می‌دانید؟ ج) آیا قاعده مزبور مختص اعضای ظاهری است یا شامل اعضای داخلی بدن مانند کلیه و کبد نیز می‌شود؟ د) مقصود از عضو واحد چیست؟ و معیار تفکیك عضو واحد از غیر آن چه می‌باشد؟ به عنوان مثال آیا رگ‌ها، موی سر، موی ریش و رشته‌های اعصاب، عضو واحدی به حساب می‌آیند؟ ه) آیا بزرگی و کوچکی عضو تاثیری در شمول قاعده مزبور دارد؟ به عنوان مثال آیا قاعده مزبور نسبت به غده آپاندیس و مانند آن جاری است؟
(جواب): بسمه تعالی الف: قاعده‌ی مزبور کلیت دارد، ما لم یدلّ دلیل خاصّ فی مورد خاصّ ب: در منافع هم جریان دارد. ج: شامل اعضای باطنی هم می‌شود. د: مثلاً مجموع ریش یك واحد حساب می‌شود. ه: تاثیری ندارد، آپاندیس هم یك عضو است و مشمول قاعده می‌باشد.
سؤال ٤٨٣: ١- هرگاه شخصی به خنثای مشکل جنایتی که موجب دیه است وارد نماید حکم دیه آن به چه کیفیت است؟ آیا دیه مرد، یا زن یا تنصیف به این معنا که نصف

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۱۸۰

دیه مرد و نصف دیه زن، به وی تعلق می‌گیرد؟ ۲- در فرض فوق چنان که مجنی علیه ممسوح باشد، دیه آن چقدر است؟ ۳- هرگاه شخصی موی سر دختر خردسال مثلاً (ده روزه) را از بین ببرد و دیگر نروید، کیفیت تعیین مهر نساء را بیان فرمایید.
(جواب): بسمه تعالی ۱- تنصیف می‌شود که ۷۵ درصد می‌شود.
۲- در فقه، ممسوح حکم خنثای مشکل را دارد. و هر دو ابتدا تحقیق شود که آیا می‌توان او را مرد بدانیم یا زن. و اگر تحقیق با عمل جراحی می‌شود لازم نیست لیکن اگر با جراحی معلوم شود خودش و دیگران راحت‌تر هستند وگرنه دائماً در حرج می‌باشند. هرچند در مسأله ازدواج قائل به قرعه می‌شویم.
۳- دیه‌ی کامل دارد، و اگر مجدداً بروید، مهر امثال خود را دارد.
سؤال ٤٨٤: در موارد وارد کردن ضررهای روحی، مانند: افسردگی و ... آیا ضمان وجود دارد یا خیر؟
(جواب): بسمه تعالی از باب ایذاء حرام است، لیکن ادلّه‌ی دیات این موارد را شامل نمی‌شود، اما می‌توان گفت مخارجی را که شخص برای بهبود خود صرف می‌کند به عهده‌ی جانی باشد. از باب اضرار.

خسارت‌های زاید بر دیه

سؤال ٤٨٥: ١) آیا مجنی علیه می‌تواند علاوه بر دیه خسارت‌هایی را که از ناحیه فعل جانی به او وارد شده است اعم

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــــــ

احکام هبه

سؤال ٤٨٨: اینجانب طی یك برگ كاغذ غیر رسمی و بدون هیچ حقی و یا دیناری و یا بابت چیزی، چهار دانگ باغ و مزرعه، و یك ششم واحد مسكونی خود، و یك دامداری را به نام همسرم نوشتم. اینك همسر بنده مدعی مالكیت است. ضمناً تمام مستغلات در تملك خودم می‌باشد. حال عنایت نموده پاسخ بفرمایید كه: ۱- آیا اموال اینجانب كه در یك برگ كاغذ غیر رسمی و امانی به نام وی نمودم بدون آن كه از دستم خارج شود برای ایشان مباح است؟

۲- آیا حق شرعی و قانونی اینجانب است، تا اموال خود را پس بگیرم؟

(جواب): بسمه تعالی ۱- در بخشش، كاغذ و سند رسمی لازم نیست. لیكن باید تصرف (قبض) داده شود، اگر تصرف نداده‌اید هبه محقق نشده است. ۲- چون به قبض او نداده‌اید، بنابراین می توانید مال خود را پس بگیرید.

سؤال ٤٨٩: موكل اینجانب با همسر خود اختلافات خانوادگی داشته و با قهر و آشتی متوالی مواجه بوده، و برای این كه همسر خود را دلگرم به زندگی نماید، اقدام به هبه و بخشش دو دانگ منزل مسكونی خود به نام مشارالیه می‌نماید، منتهی پس از آن نیز اختلافات بیش تر شده و الان حدود یك سال است كه از موكل تمكین نمی‌نماید، و در حال حاضر اقدام به طرح دعوی فروش منزل مسكونی نموده است. حال سؤال این است: با توجه به این كه هبه و بخشش موكل به شرط بوده، و شرط محقق نشده آیا می تواند از هبه خود رجوع نماید یا خیر؟

(جواب): بسمه تعالی ۱- معمولاً هبه به داعی و قصد خوب شدن طرف، در این موارد انجام می‌شود، اگر صرفاً قصد و داعی باشد، بخشش تمام شده و حق برگشت از هبه نیست و زن می تواند بفروشد، البته اگر كار هبه تمام شده باشد؛ یعنی قبض داده شده و طرف مقابل، یعنی همسر، در مورد، تصرف كرده باشد. ۲- اگر واقعاً شرط باشد

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۱۸۳

حق برگشت هست، اگر پس از اطلاع از ناسازگاری فوراً اعلام فسخ شود. ولی به هر حال شرط صحت هبه قبض است.

سؤال ٤٩٠: آیا حكم فقهی و شرعی می تواند، مخالف یك حكم اخلاقی روشن باشد؟ اگر چنین نباشد آیا می توان در مشروعیت حكمی كه بر خلاف اخلاق است، تردید نمود؟ به عنوان مثال: شخصی در حال سلامت كامل جسمی و عقلی، تمامی اموال خود را به شخص دیگری كه هیچ نیاز مالی ندارد، می‌بخشد، در حالی كه خود دارای فرزندان خردسال و نیازمند است، آیا با توجه به قاعده «الناس مسلطون علی اموالهم»، كار او صحیح و از حیث فقهی بی‌اشكال است، آیا با توجه به خلاف اخلاق بودن فعلش، هبه او باطل و مخدوش است؟ (البته روشن است كه شرع مقدس چنین عملی را توصیه نمی‌كند كه فرزندان را به طور كلی از میراث محروم نماید، اما آیا می توان بیش از این مقدار پیش رفت و عمل او (هبه) را باطل دانست)؟

(جواب): بسمه تعالی هبه‌ی مزبور باطل نیست، ضمناً این‌گونه احكام با رعایت مصالح برتری وضع شده است. اگر اختیار افراد از اموال خویش سلب شود ضربه‌های مهم دیگری به جامعه به خصوص در وضع اقتصاد لازم می‌آید، هر قدر مالكیت محدود شود- مگر به قدر ضرورت- ضربه‌ای بر پیكر اقتصاد است.

سؤال ٤٩١: حدود چهل سال قبل، از طرف مسؤولین وقت، دو قبر در قبرستانی به دو نفر به صورت رایگان و به عنوان هدیه واگذار شده است.

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــــــ

سؤال ٤٩٧: در رجحان و برتری غیر مسلمان بر مسلمانان حکم اولیه، قضیه **ولن یجعل الله للکافرین علی المؤمنین المسلمین سبیلاً** «۱» بوده و هر نوع ترجیح آنان بر مسلمانان از مصادیق ترجیح مرجوح و بلامرجح خواهد بود مع الاسف و مع‌الاوصف در ما نحن فیه مسأله چنین است. یك تبعه آلمانی و غیر مسلمان بدون این که مدرکی داشته باشد خود را مالك زمینی در حومه تهران نموده و سال‌ها قبل و به صورت شفاهی و در قالب قراردادهای خاص، زمین در اختیار اینجانب قرار گرفت تا در احیاء و عمران آن تلاش نمایم و مالکیت آن به صورت اشاعه باشد تا این که اخیرا فرد مورد نظر به ایران مراجعت و تقاضای استرداد ملك را تماماً نموده است. سرانجام به دادگاه‌های نظام جمهوری اسلامی مراجعه و با طرح شکایت، تعقیب و مجازات اینجانب در خواست گردید. در مراحل بدوی و پژوهش حکم برائت اینجانب صادر گردید، اما ناگهان بر خلاف نظر دو مرجع و یك دادگاه عالی، بر خلاف موازین شرعی و آیه شریفه، شخص مذکور بلا مرجح، ترجیح داده و در راستای ادعای یك غیر مسلمان اینجانب را مجدداً گرفتار نمودند. لذا از آن‌جا که در مراحل نهایی در صورتی امکان نقض حکم صادره وجود دارد که خلاف بیّن شرع بودن قضیه از طرف مراجع عظام اعلام گردد. با توجه به مطالب فوق الذکر نظر مبارك را برای راهنمایی اینجانب مرقوم فرمایید.

(جواب): بسمه تعالی ۱- اگر قرارداد بر اشاعه‌ی ملکی در برابر عمل عمران و اصلاح بوده، و سهم الاشاعه هم معلوم بوده است، حق ندارند ملك را از شما به کلّی بگیرند. لیکن مهم اثبات قرار مزبور است، لازم است مدرك کتبی ارائه یا اثبات به وسیله شهود انجام شود.

۲- آیه‌ی نفی سبیل قراردادها را ابطال نمی‌کند چنان که اثبات هم نمی‌کند. مگر آن جا که در متن قرار چیزی به ضرر اسلام و مسلمین باشد.

۳- در مورد مزبور لازم است قضات محترم راه‌های اثبات حقیقت قرار را به دقت مورد بررسی قرار دهند.

---

(۱)- نساء/ ۱٤۱.

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۱۸۶

احکام غصب

سؤال ٤٩٨: احتراماً به عرض می‌رساند در گذشته موقوفه‌ای را از متولی گرفته‌اند و سند آن را تغییر داده‌اند، در حال حاضر تصرف در آن موقوفه از جهت شرعی چه حکمی دارد و نماز در آن موقوفه چه حکمی دارد و اگر کسی ندانسته نماز خوانده باشد، آیا باید قضا کند یا صحیح است؟

(جواب): بسمه تعالی ۱- اگر تأیید غصب باشد، جایز نمی‌باشد.

۲- نماز در محل غصبی در صورتی اشکال دارد که عالماً عامداً باشد. در جهل و نسیان و غفلت نماز صحیح است.

۳- از نظر اینجانب نماز در محل غصبی هرچند اگر با علم و عمد باشد، حرام است، لیکن نماز صحیح است.

سؤال ٤٩٩: اگرکسی زمینی را غصب کرده و در آن ساختمان بسازد چه حکمی دارد؟

(جواب): بسمه تعالی غصب زمین حرام، ساختمان هم حرامی مضاعف!

املاك

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــــــ

(جواب): بسمه تعالی اشکال ندارد.

سؤال ٥٠٤: آیا چاپ نهج البلاغه و صحیفه سجادیه و امثال آن از جهت حق تألیف، برای سادات، حقی ایجاد می‌کند؛ و ناشر باید مبلغی را به عنوان حق سادات به حاکم شرع پرداخت کند؟

(جواب): بسمه تعالی خیر.

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۱۸۸

احکام دیون

سؤال ٥٠٥: اینجانب به شخصی بدهکار می‌باشم که طلبکار به حقیر مهلت نمی‌دهد و به دلیل خشکسالی هیچ درآمدی ندارم. مقتضی است مرا راهنمایی فرمایید تا بتوانم طلبکار و دادگاه محترم را متقاعد سازم که به من مهلت دهند.

(جواب): بسمه تعالی قرآن مجید دستور می‌دهد که اگر بدهکار اعسار دارد مهلت دهید. امید است توجه شود. توسل به اهل بیت علیهم السلام کنید و با تکرار جمله‌ی: یا مقلّب القلوب از خداوند بخواهید قلب طلبکار نسبت به شما درست شود.

سؤال ٥٠٦: بدهکاری قصد پرداخت دین خود را- بدون این که دائن مطالبه نموده باشد- داشته و دین نیز حالّ بوده و عندالمطالبه است ولی مدیون معسر بوده و توانایی پرداخت آن را فقط به صورت غیر نقدی دارد و در پی پرداخت دین خود می‌باشد. آیا مدیون می تواند به حاکم مراجعه و حاکم نظر به وضعیت مدیون، مهلت عادله یا اقساط قرار دهد؟

(جواب): بسمه تعالی تا شاکی ندارد پرونده تشکیل نمی‌شود.

سؤال ٥٠٧: شخصی دارای یك واحد آپارتمان مسکونی است. با توجه به‌این‌که‌محل کار وی در شهر دیگری است، آپارتمان مسکونی خود را اجاره داده، و درمحل‌کارخود، مکانی را اجاره نموده است. آیا آپارتمان متعلق به وی مستثنیات دین است یا خیر؟

(جواب): بسمه تعالی اگر باید وجه اجاره همان منزل خود را صرف اجاره‌ی منزل اجاری کند، خانه مسکونی استثنا می‌باشد. چنان‌که اگر محتمل است در همین سال‌های نزدیك به شهر خود برگردید و ساختمان خود را لازم دارید استثنا می‌باشد.

در غیر این صورت‌ها باید به دین پرداخت شود.

سؤال ٥٠٨: شخصی در قبال خرید از مغازه‌ای به صاحب مغازه چك مدت دار می‌دهد که در تاریخ مقرره وصول نماید. صاحب مغازه چك را گم می‌کند، تقاضای طلبش را دارد. بفرمایید که صاحب چك مسؤول پرداخت هست یا خیر؟

(جواب): بسمه تعالی اگر ثابت شود که گم کرده و مبلغ را وصول ننموده، و دیگری هم آن را از بانك وصول نکرده، صاحب چك ضامن است و باید پرداخت نماید.

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۱۸۹

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــ

احکام نکاح

سؤال ۵۰۹: چنان‌چه در سند نکاح نامه در شرط ضمن عقد نکاح شرط شده باشد، زوج بدون اجازه زوجه حق ازدواج مجدد ندارد آیا در صورت تحقق این امر توسط زوج، در غالب عقد نکاح موقت این عمل از جمله شروط تحقق طلاق می باشد؟

(جواب): بسمه تعالی معمولاً عبارت ازدواج مجدد ظاهر در دائم است. حتی در دائم هم عقیده‌ی بسیاری از فقهاء و طبق برخی روایات، شرط مزبور نفوذ ندارد.

قاعدتاً اگر شرط کنند که حق ازدواج مجدد نداشته باشد، این شرط باطل است و اگر شرط کنند که از این حق استفاده نکند صحیح است. و دائم یا موقت بسته به قرار و شرط است.

سؤال ۵۱۰: دختری با علم و اطلاع کامل از زندگی مردی با وی ازدواج می‌کند و قبل از نزدیکی و زمانی که در خانه پدرش بوده، تمکین عام داشته است؛ ولی پس از مدتی با استفاده از حق حبس مهریه از نزدیکی خودداری می‌نماید و بدون اجازه شوهر در هر کجا که خودش و پدرش بخواهند رفت و آمد دارد و به عنوان همسر، هیچ کدام از وظایف همسری را بجا نمی‌آورد. آیا ۱- ایشان بجز مهریه، حق دریافت نفقه را دارد؟

۲- با توجه به این که ایشان از وضع اقتصادی زندگی همسرش مطلع بوده است، می تواند ادعای دریافت نفقه شبیه به زنانی که تمکین می‌کنند، داشته باشد حتی بیش تر از عرف حاکم در جامعه؟ ۳- با توجه به این که زن قبل از نزدیکی در خانه پدر می‌باشد و از حق حبس مهریه استفاده می‌کند و خودش عامل نشوز و عدم تشکیل خانواده می‌باشد، می تواند تقاضای طلاق بنماید و هم مهریه را بخواهد و هم ادعای نفقه نماید؟

٤- چنان‌چه زن قبل از ازدواج و در خانه پدرش از حق حبس مهریه استفاده کند، آیا دادگاه می تواند به استناد عسر و حرج در پرداخت قسطی نفقه (در حالی که زن در برابر الزام به تمکین دادگاه یا شرع خودداری می‌کند) که از طریق اقساط طبق قانون پرداخت می‌شود حکم طلاق بدهد؟

(جواب): بسمه تعالی ۱- اینجانب در شرایط عرف کنونی، دادن مهریه را قبل از عروسی لازم نمی‌دانم. مگر این که بخواهند جدا شوند و طلاق داده شود.

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۱۹۰

۲- دفع نفقه را هم همین‌طور؛ یعنی اساساً حق نفقه را هم ندارد.

۳- اگر فرض کنیم که حق مهر و نفقه را دارد و نتواند ادا کند، حتماً باید تقسیط شود و دادگاه بدون رضایت شوهر، حق طلاق ندارد.

سؤال ۵۱۱: دختر عاقل بالغ باکره رشیده که مصلحت خود را تشخیص می‌دهد اگر خواستگار برای ازدواج دائم نداشته باشد و یا امکان ازدواج دائم نداشته باشد، ولی امکان ازدواج موقت وجود دارد و در صورتی که ازدواج نکند به گناه می‌افتد، در این صورت اجازه پدر چه حکمی دارد؟ و اگر بدون اجازه پدر ازدواج کرد روابط زناشویی آن‌ها حکم زنا را دارد؟

(جواب): بسمه تعالی اینجانب اذن پدر را شرط نمی‌دانم؛ لیکن ایذاء پدر و همین‌طور مادر حرام است، اگر ایذاء نشوند، هر چند به جهت این که مطلع نمی‌شوند، اشکال ندارد. لیکن لازم است مراعات آبرو و حیثیت دختر، به

خصوص در حفظ بکارت بشود.

سؤال ۵۱۲: زوجی دادخواستی را مبنی بر تمکین زوجه به دادگاه تقدیم نموده و خواهان تمکین زوجه می‌شود اما زوجه با این استدلال که چون هنوز مراسم عروسی برگزار نشده، تمکین خویش را منوط به پرداخت کامل مهر از سوی زوج می‌نماید؛ لیکن زوج مدعی است عمل زناشویی و نزدیکی صورت گرفته است و زوجه مذکور باکره محسوب نمی‌شود، از این رو حق حبس ندارد، دادگاه نیز جهت اثبات ازاله یا عدم ازاله بکارت به زوجه اخطار می‌کند که به پزشکی قانونی مراجعه نماید ولی زوجه از این امر استنکاف می‌کند. بفرمایید حکم قضیه در صورت مزبور چیست؟ و آیا قول زوج مقدم است یا زوجه؟

(جواب): بسمه تعالی به نظر اینجانب در محیطهایی مثل ایران، پیش از عروسی حق گرفتن مهر ندارد، مگر این که اختلافی پیش آمده منجر به نزاع و طلاق شود که نصف مهر را می‌گیرد، عروسی در محیطهایی مثل ایران به منزله شرط بنایی گرفتن مهر می‌باشد. و همچنین اجرة المثل کار در منزل.

سؤال ۵۱۳: ۱- با توجه به این که هرگاه دو نفر به طور عریان زیر لحاف بخوابند تعزیر می‌شود؛ پرسش این است که آیا باید عن شهوة باشد یا نفس خوابیدن دو شخص عریان تحت لحاف واحد مکفی است برای تعزیر؟

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۱۹۱

۲- آیا در تفخیذ که حدّش صد ضربه شلاق است نفس قرار دادن آلت بین الْیتین کفایت می‌کند یا مالیدن آلت علاوه بر آن شرط است؟

(جواب): بسمه تعالی ۱- مطلق می‌باشد و فقط ضرورت، و رحم استثنا شده است. روایات هم مطلق است، لیکن از مجموع ادله‌ی مسأله به دست می‌آید که چون در مسیر تحریك شهوت است و بنابراین شامل مواردی که اصلا در معرض شهوت نیست نمی‌شود، چنان‌که دلیل بر استثناء رحم نداریم و وجه استثناء، آن بوده که معمولا رحم در معرض شهوت رحم نمی‌باشد، لیکن این معنی کلیت ندارد، رحم فرق می‌کند.

۲- نفس قرار بین الیتین کافی است.

سؤال ٥١٤: احتراماً در خصوص تمکین زوجه‌ای که در مقام عقد قرارداد و به موجب احکام صادره از دادگاه بدوی و تجدید نظر که رونوشت آنان پیوست است مطالبه مهریه نموده و به صورت اقساط در حال دریافت مهریه می‌باشد، خواهشمند است بفرمایید که آیا چنین زوجه‌ای با شرایط فوق حق استفاده از قاعده حبس و ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی را دارد؟

(جواب): بسمه تعالی به نظر اینجانب در محیطهایی مثل ایران که تعارف بر عدم پرداخت مهریه قبل از عروسی است، این تعارف به منزله شرط بنایی است و پیش از تمکین حق هیچ گونه مهریه ندارد مگر آن که در مقام جدائی و طلاق باشند و طلاق صادر شود آنگاه تنصیف می‌شود. و به نظر اینجانب کلیه احکام صادره در این‌گونه موارد به نفع زوجه، خلاف قواعد فقهیه و موجب سوء استفاده خانمها شده است.

سؤال ۵۱۵: ۱- آزمایش منی مرد جهت تشخیص قدرت باروری اسپرمها با مقدمه‌ی استمنا چه صورت دارد؟

۲- استفاده از اسپرم مرد بیگانه برای باروری همسر و یا استفاده از تخمك زن بیگانه و امتزاج آن با اسپرم شوهر چه‌طور است؟

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــــــ

۲- ظهور عرفی که مبنای شرط عرفی است، مقدم است

۳- نحله در جایی است که ذکر مهر در عقد نشده باشد و دخول هم شده باشد وگرنه نحله لازم نیست. بعضی هم نحله‌ی در سوره‌ی نساء قرآن کریم را به معنای همان مهریه گرفته‌اند.

سؤال ۵۱۸: نظر حضرتعالی در مورد شرط عدم ازدواج مجدد در ضمن عقد نکاح چیست. در صورتی که حضرتعالی شرط را صحیح بدانید، اگر زوج از شرط تخلف کند آیا ازدواج دوم صحیح است یا غیر نافذ یا باطل است؟ از حیث حکم تکلیفی و حکم وضعی ازدواج دوم چه حکمی دارد؟ و دلایل موافقت و مخالفت خود را راجع به شرط بفرمایید.

(جواب): بسمه تعالی اگر شرط کند که حق ازدواج مجدد نداشته باشد، این شرط خلاف شرع و باطل است؛ ولی اگر شرط کند که از حق خویش استفاده نکند، باید طبق شرط عمل کند، لیکن اگر عمل نکرد و ازدواج مجدد نمود، عقد مجدد صحیح است و مشکلی ندارد. چنان‌که عقد اول هم باقی و صحیح است.

سؤال ۵۱۹: آقا و خانمی که قبل از طلاق از همسرش با آن مرد رابطه جنسی داشته یك بار حالا آن خانم از آن آقا جدا شده و می‌خواهد با آن آقا ازدواج کند. الان می‌گویند نمی‌شود. و گفته می‌شود که هر دوی آن‌ها از موضوع هیچ اطلاعی نداشته‌اند؛ و لذا سؤال این است که آیا برای ازدواج خانم با آقایی که این رابطه نامشروع را داشته است، راهی وجود دارد؟

(جواب): بسمه تعالی اگر در حال زنا آقا نمی‌دانسته که آن زن، شوهر دارد و به نظرش زن مجرده بوده، زنای زن موجب حرمت ابدی نمی‌شود، ولی اگر می‌دانسته که شوهر دارد و زنا کرده، با احتیاط واجب نمی‌تواند با آن زن ازدواج کند.

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۱۹۴

توضیحاً علم و جهل مرد مستقل از زن است، اگر مرد می‌دانسته که زناست باحتیاط واجب حرمت ابدی می‌آورد، و اگر فکر می‌کرده زن شوهر ندارد، مخصوصاً اگر زن گفته شوهر ندارد، زنا در این صورت فقط از طرف زن بوده، و زن مزبور بر این مرد حرام نمی‌شود.

سؤال ۵۲۰: در پیش نویس ازدواج با همسرم چند مورد به عنوان مهریه نوشته شد که مورد پنجم آن عبارت از: (چهار دانگ منزل مسکونی معادل شانزده میلیون تومان) می‌باشد. در مبایعه نامه‌ای که نوشته شده، در قسمت ثمن معامله چیزی نوشته نشده، فقط اشاره شده به سند نکاح که در سند نکاح نیز در قلم ششم اقلام مهریه، شانزده میلیون تومان معادل چهار دانگ منزل مسکونی، ضمناً تعهد نامه‌ای هم نوشته‌ام که چهاردانگ منزل را به همسرم انتقال دهم. بنابراین؛ ۱- آیا بنده هر دو را (چهار دانگ منزل+/ شانزده میلیون تومان)، به عنوان بخشی از اقلام مهریه بدهکارم یا فقط شانزده میلیون تومان را که در سند رسمی ازدواج آمده است؟ ۲- آیا چنین مبایع نامه‌ای که ثمن را احاله داده به (سند نکاح) صحیح است؟ در حالی که شانزده میلیون تومان مذکور در سند رسمی، قیمت چهاردانگ است نه یکی از عوضین. ۳- آیا تعهد به انتقال ملك، متعهد را مالك می‌سازد؟

(جواب): بسمه تعالی به حسب ظاهر مبایعه نامه تنظیمی، ثمن و مثمن متحدند و این موجب بطلان معامله می‌باشد. و اگر منظور این است که مقدار از ساختمان را در برابر ثمنی که بعداً تعیین می‌شود- یعنی مهری که در

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــــــ

۳- خیار تخلف شرط در نکاح نیست، مگر در شرط وصف در یکی از دو طرف مثل شرط بکارت یا باسواد بودن و ....

سؤال ۵۲۳: ۱- شخصی در سال ۸۳ فوت نموده، همسر قبلی ایشان سال ٤٨ فوت کرده است. مهریه این زن به این شخص واجب است یا خیر و اگر واجب است مبلغ آن به چه نحوی باید پرداخت شود؟ (مبلغ مهریه در سال ۱۳۳۵، ۵۰۰ تومان است).

۲- فرزند شخصی به درخواست شخص دیگر به آن واگذار می‌شود و سن این فرزند در آن هنگام یك سال و نیم بوده است. اکنون بعد از فوت این شخص فرزند آن ادعای ۱۸ سال نفقه می‌کند. آیا به ایشان تعلق می‌گیرد یا خیر؟

(جواب): بسمه تعالی ۱- نظر به این که ارزش اسکناس بر اساس اعتبار است نه بالذات چون طلا، و گفته می‌شود که اعتبار تغییر کرده مصالحه شود؛ گرچه به نظر اینجانب در موارد تورم اعتبار عوض نشده است، بلکه ارزش و بازدهی عوض شده است، لیکن در مثال شما چون نزدیك حدّ تلف و عدیم المالیّة است، به احتیاط واجب مصالحه شود.

۲- اگر هنگام تحویل گرفتن فرزند شرط نفقه به عنوان یك بدهی لازم شده، باید داده شود. و اگر نه، همچون سایر فرزندان یك شخص است که انفاق بر پدر اصلی واجب است ولی نفقه به عهده نیست، اگر انفاق نکند فقط معصیت کرده و فرزند طلبی ندارد، برخلاف نفقه زن که به عنوان مالی در ذمّه است. ۳- در تمام این مدت از کجا امرار معاش کرده است؟! مگر پدر خوانده خرج او نمی‌کرده است؟ انفاق بر پدر اصلی هم در صورت نیاز و فقر فرزند لازم است، این فرزند که با انفاق پدرخوانده مشکلی نداشته است.

سؤال ٥٢٤: لطفاً بفرمایید که از نظر شرعی افزایش مهریه‌ای که در نکاح عقد دائم معین گردیده جایز است یا خیر؟ مثلاً بنده بیست سال پیش مهریه همسرم را چهارده سکه قرار دادم و بعد از گذشت بیست سال، چهارصد سکه به مهریه اولیه اضافه نمودم،

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۱۹۷

و در حین تنظیم سند اقرارنامه به صورت شفاهی بین خودمان شرط نمودیم که تعداد چهارصد سکه مازاد بر مهریه بعد از مرگ اینجانب دریافت گردد. آیا چنین عملی شرعا جایز است؟ و یا این که عمل نکاح مانند بیع است که وقتی پولی در مقابل کالا پرداخت شد دیگر معنی ندارد که بعد از بیست سال، انسان در مقابل آن کالایی که بیست سال پیش خریداری نموده مجددا بخواهد مبلغی اضافه پرداخت نماید.

(جواب): بسمه تعالی شما با میل خود اضافه کرده‌اید و اشکالی هم ندارد. بلکه چون احسان است ثواب هم دارد. لیکن اگر خودتان نخواهید کسی نمی‌تواند شما را مجبور کند، مگر این که در ضمن عقد لازمی تعهد کرده باشید. مسأله تورم هم در اسکناس مطرح است نه در سکه.

سؤال ۵۲۵: ازدواج مسلمان با غیرمسلمان، و ازدواج شیعه با اهل‌سنت چه حکمی دارد؟

(جواب): بسمه تعالی ازدواج دائم مسلمان با غیر مسلمان را جایز نمی‌دانم، ولی به طور موقت جایز است اگر اهل کتاب باشد، که مسلماً یهود و نصاری، بلکه مجوس هم، اهل کتاب هستند و اینجانب احتمال قوی می‌دهم که پیروان سایر ادیان باقیه از قدیم، مانند: پیروان کنفوسیوس و شیتو و بودا نیز اهل کتاب باشند؛ لیکن به احتیاط لازم

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــ

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۱۹۸

سؤال ۵۲۷: اگر جوانی از پدر و مادرش تقاضای ازدواج کرد، ولی پدر و مادرش با ازدواج او موافقت نکردند، گناهانی که احتمالا جوان مرتکب می‌شود، این گناهان بر گردن چه کسی می‌باشد؟

(جواب): بسمه تعالی بر گردن خود جوان که مسلماً هست. پدر و مادر هم اگر با وجود امکانات کاری نکرده‌اند مسؤول هستند چون این هم از حقوق فرزند بر آن‌هاست.

سؤال ۵۲۸: قبل از انقضاء مدّت نکاح منقطع، برای زوج‌هایی که قصد دارند ازدواج دائم نمایند، آیا نیازی به بذل و ابراء مدت می‌باشد یا نه؟

(جواب): بسمه تعالی باید تتمه مدت، بذل شود چون دو عقد در زمان واحد معنی ندارد. لیکن به نظر ما اگر مفهوم عرفی عقد دائم گذشت از مدت منقطع باشد به دلالت التزام، همان کافی است. لیکن چون صریحاً در روایات آمده که ابتدا بذل کند، و احتمالاً بذل صریح منظور است نه به التزام. احتیاط همان است که صریحاً بذل کند.

سؤال ۵۲۹: مردی پس از گذشت چند روز از جاری شدن عقد نکاح، برای ثبت ازدواج به محضر ازدواج مراجعه کرده و چون شروط مندرج در عقد نامه را قبلاً ضمن عقد نکاح نپذیرفته بوده است، برای مشروعیت بخشیدن به این شروط، باید آن‌ها را ضمن عقد خارج و لازم دیگری امضاء نماید. حال سئوال این است که آیا این عقد خارج لازم (مثلاً بیع) الزاماً باید بین زن و شوهر واقع شود؟ اگر محضر دار مستقلاً با مرد، بیع انجام دهد و شروط را ضمن آن مطرح کند، آیا صحیح و کافی‌است؟

(جواب): بسمه تعالی اگر یکی از دو طرف نکاح بخواهد پی‌گیری کند و ذوحق باشد، شروط باید در عقد نکاح یا عقد لازم دیگری، میان زوج و زوجه که طرفین عقد نکاح هستند ذکر شود. محضر دار طرف معامله نکاح نیست. مگر این که با وکالت از طرف زوجه مامور به این کار باشد و از طرف زوجه با زوج قرارداد ببندد. ضمناً به نظر ما در شروط مذکوره که به زوجه وکالت در طلاق داده می‌شود، اگر زوج بر خلاف قرار لازم، زوجه را از وکالت عزل کند، عزل می‌شود. شخص ثالث، محضر دار یا دیگری هم می‌تواند در هر عقد لازم دیگری غیر از نکاح هم، با یکی از دو طرف عقد نکاح، شرطی در ضمن عقد لازم انجام دهد لیکن در آن صورت ذوحق، همان فرد ثالث خواهد بود.

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۱۹۹

سؤال ۵۳۰: چنان‌چه زوج با این فرض که زوجه باکره بوده و به هیچ وجه به عقد موقت یا دائم فرد دیگری در نیامده است، به خواستگاری وی رفته، پس از طی تشریفات عقد موقت و ... خطبه عقد دائم جاری شده باشد، و پس از مدتی به طریقی مشخص شود که زوجه مدتی را در عقد موقت پسر دیگری بوده و آن را با لطایف الحیل از دید زوج خویش پنهان داشته است و حتی پس از ایراد خطبه عقد دائم با زوج جدید مسائل و مشکلات زوج قبلی خود را بدون اطلاع و اجازه زوج شرعی و قانونی خود در دادگستری پی گیری می‌نموده است. حال با توجه به مطالب فوق؛ الف) آیا عمل زوجه تدلیس در ازدواج محسوب می‌گردد؟ ب) آیا زوجه با توجه به کتمان حقیقت و عدم طرح موضوع ازدواج موقت قبلی خود مستحق دریافت نفقه و مهریه است؟ ج) آیا حق فسخ نکاح برای زوج متصور است؟ لازم به توضیح است که اگر زوج دوم از موضوع ازدواج موقت قبلی زوجه مطلع بود نه تنها عقد دائم جاری نمی‌شد، بلکه اصولاً خواستگاری نیز صورت نمی‌گرفت.

(جواب): بسمه تعالی در محیطهایی مانند ایران، ظاهراً تدلیس است و شوهر حق فسخ دارد و زن مهریه و نفقه ندارد اگر خودش تدلیس کرده است، و اگر شخص دیگری تدلیس نموده باشد، شوهر باید مهریه زن را بدهد و از مدلّس بگیرد. این‌ها در صورتی است که معلوم شده باکره نبوده و اما صرف عقد موقت بدون ارتباط عروسی که مشکلی نیست، عیب حساب نمی‌شود.

سؤال ۵۳۱: در مواردی پرده بکارت به دلیل ویژگی خاصی که دارد، مانع عمل مجامعت می‌شود و زوج قادر به ازاله بکارت نمی‌شود و یا ازاله طبیعی آن موجب تحمل درد شدید از ناحیه زن می‌باشد، آیا در چنین مواردی زن می‌تواند از طریق امکانات پزشکی، مانع مزبور را مرتفع سازد؟ در صورت جواز آیا رضایت شوهر لازم است؟ در صورت لزوم رضایت، اگر زن بدون رضایت شوهر از طریق پزشکی اقدام نماید و پزشك نیز از عدم رضایت شوهر مطلع باشد، چه مسؤولیتی متوجه پزشك و زن خوهد بود؟

(جواب): بسمه تعالی اشکال ندارد و رضایت شوهر لازم نیست.

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۲۰۰

سؤال ۵۳۲: برخی از والدین برای مقاصد خاص، اعم از ادای دین و قرض، تامین معاش و یا مواد مخدر، ارتقای شغلی و ... کودکان و دختران کم سن خود را مجبور به ازدواج می‌کنند و در حقیقت با این ازدواج اجباری، دختر خود را به فروش می‌رسانند، بدون این که به آینده اسفبار او توجهی داشته باشند. آیا از نظر شرعی والدین، مجاز به این کار هستند؟ نظر اسلام در این‌باره چیست؟

(جواب): بسمه تعالی هرگز جایز نیست و ازدواج مزبور باطل است و اگر دختر به خاطر مشکلات پدر، راضی به این ازدواج شود گرچه عقد صحیح است ولی عمل پدر حرام می‌باشد. رضایت دختر هم، در صورتی مؤثر است که هم بالغه و هم رشیده باشد و مصلحت خود را تشخیص دهد. ولایت چنین پدری هم ارزش ندارد.

سؤال ۵۳۳: اینجانب نُه ماه قبل بدون اذن پدر با شخصی عقد موقت خوانده و نزدیکی نیز نموده‌ام، مدت عقد موقت دو سال بوده و بعد از دو هفته مرد رفته است و تا کنون خبری از او نیست. اکنون چند ماه است که به عقد دائم مرد

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــــــ

فعالیت‌های مختلف نماید، وظیفه شوهر او چیست؟ در صورتی که زن بر این کار اصرار ورزد آیا جدایی پسندیده است؟

(جواب): بسمه تعالی خروج زن از منزل بدون اذن شوهر جایز نیست. شوهر می تواند جلوگیری کند و اگر احتمال روابط خلاف می‌دهد تحقیق کند و اگر خلافی

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۲۰۲

معلوم شود حق جدایی هم دارد. حتی‌المقدور به خاطر فرزند اگر دارید از طلاق بپرهیزید.

سؤال ۵۳۸: من زنی سی و دو ساله هستم که مدت دو سال و شش ماه پیش ازدواج کرده‌ام. و اکنون به خاطر بچه‌دار شدن با شوهرم مشکل دارم، چون او در مغازه پدرش کار می‌کند و می‌گوید: آینده مطمئنی ندارم. چندین بار می‌خواستم با شما تماس بگیرم تا برایم استخاره کنید، ولی شرایط مهیا نشد، لطفاً مرا راهنمایی کنید.

(جواب): بسمه تعالی در کاری که وظیفه شرعی یا عقلی روشن است جای استخاره نیست، در فرهنگ اسلام روزی با خداست. صریح آیات قرآن است که به خاطر فقر یا ترس از فقر، فرزند را نکشید. این مورد هم از همان باب است. با توکل بر خدا بچه‌دار شوید.

سؤال ۵۳۹: اینجانب در سال ۱۳۸۳ به عقد دائم آقای ... درآمدم. و حدود یکسال و نیم بعد با یك‌دیگر عروسی کردیم. در ایام عقد، زوج هیچ‌گونه نفقه‌ای به اینجانب نپرداخته است. (هرچند که بعد از عروسی نیز نامبرده هر روز صبح مرا به منزل پدرم می‌آورد و خود به سر کار می‌رفت و ساعت دوازده شب دوباره به دنبالم می‌آمد و مرا به منزلمان می‌برد و عملاً خورد و خوراکم بعد از عروسی نیز به عهده‌ی پدرم بوده است).

حال سؤال این است که شرعاً دین مذکور (نفقه‌ی دوران عقد) با مرور زمان همچنان به عهده‌ی زوج می‌باشد یا خیر؟

(جواب): بسمه تعالی نفقه پس از عروسی به عهده‌ی زوج است مگر این که زوجه ببخشد. و اما نفقه پیش از عروسی، در محیط ایران که رسم بر عدم نفقه است، چنان‌که زن هم حاضر به عروسی نیست، به نظر ما، به عهده‌ی مرد نیست.

سؤال ۵۴۰: آقایی مدتی بعد از ازدواج به همسر خود اذن می‌دهد تا مشغول کار شود،

الف) آیا زوج می تواند از اذن خود عدول نماید و به زوجه بگوید: «دیگر راضی نیستم به سر کار بروید»؟ ب) در صورتی که زوجه از اشتغال به کار در اداره مزبور دست نکشد و با توجه به این که به‌طور متوسط روزانه هشت ساعت در خارج از منزل می‌باشد آیا ناشزه محسوب می‌شود؟

(جواب): بسمه تعالی الف: اگر هنوز زوجه قرار کار و شغل را با شخص حقیقی یا

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۲۰۳

شخصیت حقوقی نبسته است، زوج می تواند عدول کند، ولی پس از قرار نمی تواند.

ب: در مواردی که زوج حق عدول از اذن قبلی خود را دارد، زن ناشزه است.

سؤال ۵۴۱: الف) آیا صیغه به صورت فارسی بین مرد و زن مطلقه صحیح است؟

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــــــ

معین شود.

سؤال ٥٤٦: ۱- آیا در متون فقهی رضایت زوجه شرط ازدواج مجدد مرد عنوان شده یا خیر؟ و شرعاً برای ازدواج مجدد نیازی به اذن همسر اول هست یا خیر؟ ۲- آیا در صورت توافق زوجین در هنگام عقد مبنی بر عندالاستطاعة قرار دادن مهر، زوجه از حق حبس برخوردار خواهد بود یا خیر؟ در فرضی که زوجه پس از نکاح و قبل از تمکین صراحتاً رضایت خود را مبنی برعندالاستطاعة شدن مهر اعلام نماید حکم قضیه چیست؟

(جواب): بسمه تعالی ۱- نخیر اجازه زن اول دخالتی ندارد ۲- اگر قدرت پرداخت ندارد، زوجه هم حق حبس ندارد و به نظر ما مطلقاً حق مهر ندارد تا عروسی شود یا طلاق البته در محیطهایی مثل ایران، که عدم پرداخت مهر قبل از عروسی به منزله شرط است.

سؤال ٥٤٧: در فاصله بین عقد و زفاف آیا زن مستحق نفقه هست یا خیر؟

(جواب): بسمه تعالی نفقه پیش از عروسی بر مرد نیست.

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۲۰۵

سؤال ٥٤٨: آیا پس از فوت زوج، زوجه می تواند از ماترك شوهر متوفی خود اجرت المثل ایام مشترك و یا نحله مطالبه نماید؟ و آیا در مجموع حقی دارد یا خیر؟

(جواب): بسمه تعالی متعارف در جاهایی مثل ایران این است که مرد برای کارهای بیرون، و زن برای کارهای خانه، و اساس زندگی و نکاح بر این پایه است و بنابراین حق اجرت ندارد، نحله هم مربوط به جائی است که مهر معین نکرده باشند.

سؤال ٥٤٩: ۱- آیا تعدد زوجات یعنی اختیار کردن بیش از یك زوجه مستحب است؟ ۲- ملاك در رعایت عدالت بین زوجات چیست؟ آیا عدالت به معنی تساوی است؟ ۳- آیا اگر حقوق شرعیه همه زوجات مانند نفقه و حق القسم رعایت شود، می توان به دلخواه به یکی از زوجات بیش تر از بقیه توجه و رسیدگی کرد؟ ٤- ملاك در خوف از عدم رعایت عدالت که مانع استحباب تعدد زوجات یا حرام کننده آن می‌شود (آیه ۳ سوره مبارکه نساء) چیست؟ ایدکم الله.

(جواب): بسمه تعالی ۱- آری مستحب است (اثرش هم از جمله جمع شدن زنها و سامان گرفتن امور آنها می‌باشد) ۲- عدالت، تساوی نیست مگر در بیتوته، یك شب این منزل و یك شب در آن منزل باشد و نیز در اصل نفقه دادن و ترك نکردن آن.

۳--/ حتماً جایز است، به هر حال زنها متفاوتند. ٤- اگر رعایت اینها که گفتیم نشود، تعدد زوجات حرام نمی‌شود بلکه عدم عدالت حرام است.

سؤال ٥٥٠: ۱- اگر با رضای زوجه دخول از دبر واقع شده باشد و از قُبل دخول واقع نشده و زوجه باکره بوده باشد و سپس طلاق واقع شود آیا زوجه مستحق تمام مهر است یا نصف آن؟ ۲- اگر با رضایت زوجه دبراً دخول واقع شده باشد آیا زوجه حق حبس دارد یا خیر؟

(جواب): بسمه تعالی آری مستحق تمام مهر است، و حق حبس هم نیست.

سؤال ٥٥١: بنده بنا به دلایلی از ازدواج محروم و منصرف شده‌ام با توجه به حدیث «النکاح سنّتي فمن رغب عن

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــــــ

(جواب): بسمه تعالی اشکالی‌ندارد، مگر این که همسر اذیت شود و راضی نباشد.

سؤال ۵۵۵: آیا شرط عدم تمکین از سوی زوجه به لحاظ شرعی نافذ و معتبر است یا خیر؟

(جواب): بسمه تعالی به نظر اینجانب آری شرط صحیح است.

سؤال ٥٥٦: در فرضی که زوجه هنگام عقد از عدم توانایی بالفعل و بالقوه مرد در پرداخت نقدی و دفعتاً واحده مهر، کاملاً مطلع بوده و با علم به این مسأله تن به نکاح داده باشد، آیا این امر را نمی‌توان از مصادیق قاعده اقدام، یا حمل بر رضایت ضمنی بر تأجیل برشمرد، تا در صورت تقسیط توسط دادگاه و دریافت اقساط آن از سوی زوجه حکم به تمکین نموده و مانع از فروپاشی کانون مقدس خانواده گردید؟ سؤال دیگر این که حکم به تمکین در فرض مذکور با توجه به این که هیچ‌گونه تضییقی را بر زوجه تحمیل نمی‌نماید، و به دیگر سخن حکم به عدم تمکین متضمن حقوق و منافع بیش‌تری برای زوجه نبوده و از جهت دریافت مهریه و نفقه حکم به تمکین یا عدم تمکین علی السویه خواهد بود، آیا حکم به تمکین و ادامه زندگی مشترك با شرع انور مطابقت بیش‌تری دارد، یا حکم به عدم تمکین و معلق نمودن آن به مدت نامعلوم که جزو مقتضای ذات نکاح نیز می‌باشد؟

(جواب): بسمه تعالی ۱- اگر طرفین عدم قدرت بر اداء مهر را به طور کلی می‌دانند که اساساً این مهر اعتباری ندارد و باید به مهر المثل رجوع شود. ۲- و اگر قدرت بر اداء فوری ندارد، مثل همه‌ی بدهی‌های دیگر تقسیط می‌شود. ۳- و به نظر ما در

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۲۰۸

محیطهایی مثل ایران پیش از عروسی حق مهر ندارد. ٤- مگر این که اختلافی پیش آید که منجر به طلاق شود یا شرط شود که پیش از عروسی می‌توانند بگیرند.

۵- صرف فرق نداشتن تمکین و عدم تمکین در زندگی هم موجب نمی‌شود که حق زن پایمال شود.

سؤال ۵۵۷: زوجی در سند نکاح امضاء و قبول نموده است هر گاه بدون رضایت زوجه همسر دیگری اختیار نماید زوجه، وکیل و وکیل در توکیل خواهد بود تا خود را از قید زوجیت رها سازد. حال سؤال این است: چنان‌چه عامل روی آوردن مرد به ازدواج مجدد، زوجه مشروط له بوده باشد، بدین ترتیب که با عدم تمکین بدون عذر شرعی مرد را وادار به کسب اجازه تجدید فراش از دادگاه صالح نماید. آیا با توجه به این که قصد زوج در هنگام عقد، قطعاً اعطای وکالت به شرط انجام کلیه وظایف زناشویی بوده، و نه تخلف از آن، و در مانحن فیه مشروط له خود، عامل بوجود آورنده و زمینه ساز تخلف از شرط بوده است. آیا زوجه می‌تواند از شرط وکالت در طلاق جهت مطلقه نمودن خویش استفاده نماید یا خیر و به دیگر سخن آیا وکالت فوق الذکر محقق گردیده یا خیر؟

(جواب): بسمه تعالی زوجه در این صورت حق ندارد، ضمناً به نظر ما وکالت عقد جایز است و به هیچ وجه لازم نمی‌شود و زوج می‌تواند زوجه را از وکالت عزل کند و اگر شرط وکالت بلاعزل هم کرده، عزل جایز نیست لیکن اگر عزل کرد عزل می‌شود.

سؤال ۵۵۸: چسب ضد بارداری، که در بازو می‌چسپانند، آیا غسل را باطل می‌کند یا خیر؟ قابل ذکر این که چسپ ضد بارداری بی‌خطرترین شیوه جلوگیری از بارداری می‌باشد.

(جواب): بسمه تعالی اگر زیر پوست می‌باشد، مانع نیست. اگر روی پوست می‌باشد و باید همیشه چسبیده باشد،

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــــــ

و دوری از تجملات و اسراف، دعوت می‌کنم به خرجش نمی‌رود. می‌فرمایید چه کنم؟

(جواب): بسمه تعالی اگر فحاش باشد و بدون اجازه‌ی شوهر با حجاب بد، بیرون برود، ناشزه است و حق نفقه ندارد. و شما حق تأدیب او را دارید، اما بدانید طبق روایات ما مثل زن مثل چوب است که اگر کج باشد بخواهید راستش کنید می‌شکند، حتی المقدور صبر پیشه کنید مخصوصاً حالا که فرزند دارید، اجر دارید.

سؤال ٥٦٠: من در بیست سالگی از روابط زناشویی با دو نفر که همسر شرعی و در عقد موقت بنده بودند (یکی از فیلم‌ها با اطلاع همسرم بوده) فیلمبرداری نمودم. البته پس از مشرف شدن به حج از کارهای سابقم توبه نمودم. در سن بیست و نه سالگی پس از سرقت منزلم، و اعلام شکایت و بازداشت سارق که همسر سابقم بوده پس از کشف فیلم‌ها، نزد سارق برای خودم نیز به عنوان متهم، پرونده درست شد (فیلم نه تکثیر شده و نه توزیع). حال پس از دَه سال که از تهیه فیلم می‌گذرد، و بنده پزشك شده‌ام، دادگاه جمهوری اسلامی مرا به اتهام تهیه مقدمات فساد به هشت سال و نیم ماه حبس و ابطال دائم پروانه پزشکی محکوم نموده (ضمناً هیچ شاکی ندارم). با توجه به سرپرستی خانواده سه شهید و بیماری مادر پیرم، آیا این حکم با دین معنوی و رئوف اسلام منافات ندارد؟ در دین ما چه حکمی باید صادر شود؟

(جواب): بسمه تعالی فیلمبرداری از عمل جنسی دیگری- هر چند همسر- باید با رضایت او باشد و در کمال حفاظت باشد. نگه‌داری آن پس از جدایی جایز نیست.

لیکن اگر پخش نکرده باشید و کاملاً محفوظ بوده، قصد تهیه مقدمات فساد نداشته‌اید، اما باید این مطلب برای دادگاه اثبات شود.

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۲۱۱

سؤال ٥٦١: می‌خواستم در رابطه با (مسأله ٢٦٣٥- مادر و همین‌طور مادر مادر و خواهر و دختر و نوه پسری که لواط داده بر لواط کننده حرام است اگر چه لواط کننده بنابر احتیاط واجب، و لواط دهنده بالغ نباشند، ولی اگر یقین به دخول نداشته باشد، بر او حرام نمی‌شوند هر چند گمان هم داشته باشد.) بیش‌تر بدانم. منظور از دخول چیست؟ آیا اگر دخول انجام نشده حرام نیست؟ اگر به واسطه تماس بدنی و بدون دخول منی از هر دو خارج شود حکم چیست؟

(جواب): بسمه تعالی دخول یعنی ورود آلت در عقب (مقعد). انزال فقط، باعث حرمت نیست.

سؤال ٥٦٢: ١- نزدیکی از دبر با همسر چه حکمی دارد؟ ٢- عقد موقت دختر بدون اذن پدر چه حکمی دارد؟ ٣- نزدیکی کردن با همسر موقت در مقابل همسر دائم چه حکمی دارد؟ (چون هر دو اصرار به این کار داشته و شوهر را تحت فشار گذاشته‌اند).

(جواب): بسمه تعالی ١- اگر اذیت شود جایز نیست. ٢- به نظر ما اگر رشد فکری دارد، جایز است ولی نباید پدر و مادر را اذیت نمود. ٣- مکروه است، لیکن جایز است. به شرط آن که نگاه آن دو زن به یك‌دیگر جایز باشد (به عورت نباشد، و نیز به قصد شهوت نباشد).

سؤال ٥٦٣: دختری ٢٤ ساله هستم که بدون اذن پدرم صیغه مردی ٥٠ ساله در محل کارم درآمدم، اما به شرط این که دخول نشود فقط با هم محرم باشیم حالا حکم آن چیست؟

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــــــ

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۲۱۳

نمی توانم به خانواده بگویم که می‌خواهم ازدواج کنم در حالی که بیست سال است مستاجر می‌باشیم و توانایی ازدواج را هم نداریم به خدا هم ایمان دارم و می‌دانم که فرموده هرکس به خاطر ترس از مال ازدواج نکند از رحمت من ناامید است ولی نمی‌دانم چه کار کنم از شما راهنمایی و کمك می‌خواهم؟

(جواب): بسمه تعالی حقیقتاً از وضع شما و امثال شما که اینك بسیارند متأسفم، سیاست‌های مالی و غیر ذلك این دولت کارایی ندارد. لیکن اینجانب هیچ سمتی در مسائل اجرایی ندارم و جز دعای خالصانه برای شما نمی توانم کاری کنم. لیکن اجمالاً عرض کنم روزی دو یا سه بار ورزش کنید، هر بار حدود یك ربع ساعت. سعی کنید در دانشگاه به عنوان محقق تلاشگر علمی معروف شوید، سر کلاس بحث کنید.

و نیز از روزه و عبادت استفاده کنید، مشکل، کم تر می‌شود. در گذشته برخی علما تا آخر عمرشان موفق به ازدواج نشدند.

سؤال ۵۶۸: دختری هستم که به دلیل نداشتن شرایط برای ازدواج دائم، با پسری که به ایشان علاقه‌مندم ازدواج نمودم، و بکارتم را ازدست نداده‌ام. دو سؤال دارم: ۱- اگر زمان صیغه تمام نشده باشد و بخواهم صیغه را باطل کنم چه راهی دارد؟ ۲- صحیح است که خواندن عقد دائم خود به خود عقد موقت را باطل می‌کند؟ ۳- صحیح است که دعواوبهم خوردن رابطه خودبه خود عقد موقت را باطل می‌کند؟

(جواب): بسمه تعالی ۱- باید همان پسر تتمه مدّت را گذشت کند. ۲- عقد دائم با دیگری، عقد موقت دیگری را باطل نمی‌کند. ۳- نخیر. بهتر بود از اول از آن پسر وکالت می‌گرفتید که هر وقت خواستید عقد موقت را فسخ کنید؛ لیکن باید توجه کنید که در عقد موقت حتماً زمان آن باید محدود و معین باشد و نیز مهر باید معین باشد.

اگر زمان مشخص نشده و یا مهر معین نشده، عقد باطل است.

سؤال ۵۶۹: اگر مردی به لحاظ روحی و عاطفی و جنسی شدیداً تحت فشار بوده و امکان به گناه و فساد افتادن او خیلی زیاد باشد، آیا شرعاً مکلف است با تن دادن به مهریه خارج از توان و غیر عقلایی ازدواج کند یا خیر؟ و شرعاً از بین دو امر، افتادن به گناه و فساد و پذیرفتن مهریه زور کدام را باید ترجیح داد؛ البته می‌دانم که در صورتی که مهریه زور بر من تحمیل شود قطعاً موجب ایجاد کینه و دشمنی در دلم خواهد شد؟

(جواب): بسمه تعالی نه فساد کند و نه تن به چیزی که قدرت ندارد بدهد، از ازدواج موقت استفاده کند و اگر امکانش را ندارد باید از نقاط مستضعف روستایی

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۲۱۴

ازدواج دائم کند و اگر واقعاً هیچ یك میسر نیست باید با روزه و ورزش حداقل روزی سه بار خود را بیمه کند.

سؤال ۵۷۰: خطر قطع نسل مسلمانان با در نظر گرفتن این که یکی از مقاصد شرع حفظ پنج رکن (مقاصد خمسه) که یکی آن‌ها حفظ نسل است می‌باشد، زمانی که زنی از حق حبس استفاده نموده، و در حال دریافت مهر به صورت اقساط نیز هست، آیا می توان از طریقی به غیر از نزدیکی مانند تلقیح مصنوعی و امثال آن زوجین صاحب فرزند شوند؟ تا درعین حال که مرد کماکان از استمتاع جنسی محروم است ولی صاحب فرزند شده و مشکل به خطر افتادن قطع نسل مسلمین نیز رفع گردد یا خیر؟

(جواب): بسمه تعالی کلاًتلقیح مصنوعی از اسپرم و اوول زن خود اشکالی ندارد.

سؤال ۵۷۱: در قانون ما آمده است که ریاست خانواده از خصایص شوهر است، آیا توافق و تراضی بر خلاف این امر از نظر شرعی ایرادی دارد؟ یعنی به عنوان شروط ضمن عقد در نکاح‌نامه مرقوم شود که ریاست خانواده با زن خواهد بود؟

(جواب): بسمه تعالی تابع قرارداد می‌باشد، قرارداد صحیح و روشن، در موارد مشروع، آن هم به معنای تفویض مرد حق خود را، نه این که شرعاً و مستقلاً زن، مدیر باشد. لیکن سپردن امور به خانم، که مسلماً مثل سایر خانم‌ها عاطفی و احساسی می‌باشد، بنیان خانواده را برهم می‌زند، تجربه کنید.

سؤال ۵۷۲: من مشکلی دارم که البته مشکل دوستان بنده نیز هست. ما پس از عقد علی رغم آن که هنگام عقد به هیچ وجه چنین هدفی نداشتیم وقتی منابع اسلامی و سایت‌های علما را مطالعه نمودیم، متوجه شدیم که مهریه، حق مسلم زن بوده و ارتباطی هم به طلاق ندارد و هر زمان خواست می تواند مطالبه نماید. برای همین اجراییه صادر کردیم و اموال شوهر را توقیف نمودیم؛ ولی متأسفانه الآن نه تنها موفق به دریافت آن نشدیم در دل همسرمان چنان کینه و نفرتی حاصل شده است که حتی حاضر نیستند لحظه‌ای هم ما را ببیند و وضعیت بسیار بدی برای ما پیش آمده و زندگی ما در حال فروپاشی است. اگر مهریه، حق مسلم زن است پس چرا باید چنین اتفاق ناگواری برای ما رخ می‌داد و قاضی هم گفت که ما یك اصطلاح معروفی داریم و آن این

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۲۱۵

که مطالبه مهریه دروازه طلاق است ما نمی‌خواهیم مطلقه شده و به خانه پدر بازگردیم و بسیار نادم هستیم خواهشاً ما را راهنمایی کنید برای شما دعا می‌کنیم.

(جواب): بسمه تعالی خوب شما اشتباه کردید، مگر هر حقی را باید مطالبه کرد، باید قدری از تساهل و تسامح استفاده نمود. ضمناً به نظر من در محیطهایی چون ایران، شرط بنائی وجود دارد که مهر پس از عروسی است، مگر این که قرار خاصی در کار باشد، یا پس از نزاع و دادگاه حکم به طلاق شود.

سؤال ۵۷۳: شرط تنصیف دارایی در ازدواج با توجه به این که شرط کاملاً مجهولی هم هست آیا از نظر شرعی صحیح است یا خیر؟

(جواب): بسمه تعالی اگر واقعاً شرط کرده، جهالت در شرط مضرّ نیست، نباید شرط می‌کرد.

سؤال ۵۷٤: بنده شنیده‌ام برخی آن قدر به ازدواج قداست و معنویت قائلند که آن را در زمره عبادات می‌دانند نه معاملات آیا حقیقتاً چنین است؟

(جواب): بسمه تعالی آری صحیح است، اگر به قصد قربت باشد اجر هم دارد، اجر بزرگی.

سؤال ۵۷۵: بنده زنی هستم که مهریه خود را که حق شرعی من باشد طلب نموده‌ام شوهرم آدم فقیری است و البته طبیعتاً این را هم از همان اول می‌دانستم. به من گفتند که شما می توانید تقاضای زندانی شدن او را بکنید تا او را زندانی کنیم ولی فعلاً دست نگه داشتم هر چند قانون این اجازه را به من می‌دهد ولی آیا اگر من این کار را انجام دهم معصیت نکرده‌ام؟ و آیا این کار از نظر شرعی درست است مرا راهنمایی کنید.

(جواب): بسمه تعالی در آن صورت دیگر یك زندگی سالم و بر اساس رفاقت نخواهید داشت. و خانه می‌شود

زندان! ضمناً فقیر را نمی‌توان برای اداء دین خود زیر فشار قرار داد. و وقتی او فقیر است چه سودی از زندان کردنش می‌برید؟!

سؤال ۵۷۶: آیا زندانی نمودن فردی که از پرداخت مهریه و دیه عاجز است با شرع انور مغایرتی ندارد؟

(جواب): بسمه تعالی زندان برای او شرعی نیست.

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۲۱۶

سؤال ۵۷۷: آیا تمکین، شرط نفقه است یا نشوز مانع نفقه است؟ (با این توضیح که اگر قائل به این باشیم که تمکین شرط نفقه است زن باید برای دریافت نفقه تمکین خود را اثبات نماید؛ ولی اگر معتقد باشیم که نشوز مانع است، زن برای دریافت نفقه نیازی به اثبات تمکین ندارد و اگر مرد مدعی نشوز باشد، باید خود، نشوز و عدم تمکین زن را ثابت نماید و البته در این شق هم به این مشکل برمی‌خوریم که امر عدمی قابل اثبات نبوده و نافی را نفی کافی است). مستدعی است راهنمایی و مستدلاً ارائه طریق‌فرمایید؟

(جواب): بسمه تعالی دلیل صریح یا ظهور قوی در این جهت پیدا نکردیم، لیکن با دقت در مجموع احکام ازدواج، به نظر می‌رسد که نشوز مانع است. اصل ازدواج، بر تقابل حقوق است تا مانعی برسد، از جمله نشوز.

سؤال ۵۷۸: سؤالی برای حقیر سراپا تقصیر مطرح و ذهن بنده را مشغول کرده است، و آن هم این است که: چگونه می‌توان مهریه و استمتاع جنسی را عوض و معوض تلقی نمود در حالی که استمتاع جنسی کاملاً دو طرفه بوده و قطعاً یکی از اهداف ازدواج برای هر دو طرف رفع نیازهای جنسی می‌باشد و علم هم ثابت نموده که التذاذ جنسی در زنان بیش‌تر از مردان است.

(جواب): بسمه تعالی تعبیر عوض و معوض بین مهر و بضع زن، در روایات و متون مذهبی نیست و اساساً ازدواج معاوضه نیست. در کلمات فقها هست، لیکن در متون اصلی فقه- قرآن و حدیث- نیست. البته بین زن و مرد فرقی هم هست که اگر زن در حال شهوت و التذاذ نباشد عمل جنسی ممکن است، ولی در مرد نمی‌شود.

سؤال ۵۷۹: آیا می‌توان مهر را کاملاً معین و مشخص نموده و فقط پرداخت آن را معلق نمود یا نه؟ (البته منظور تأجیل آن نیست، بلکه تعلیق است).

(جواب): بسمه تعالی اشکالی ندارد.

سؤال ۵۸۰: زنی از حق حبس خود استفاده نموده، ولی مرد با بی شرمی در حال خواب با زن نزدیکی کرده است آیا مرد شرعاً مشمول مجازات رجم است یا یکصد ضربه شلاق؟

(جواب): بسمه تعالی تعزیر دارد از جهت حق الناس. ولی زنا نیست تا حدّ رجم یا جلد داشته باشد. لیکن مکرر گفته‌ایم که در محیطهایی چون ایران پیش از عروسی،

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۲۱۷

مهر نیست؛ این به منزله‌ی یك شرط بنائی در عقد نکاح می‌باشد. اجرت المثل نداشتن برای کار در منزل هم همین‌طور.

سؤال ۵۸۱: من ازدواج را حق مسلم خود می‌دانم، و به لحاظ روحی و جسمی نیاز شدیدی به ازدواج دارم؛ ولی به

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــــــ

۱۲ شروط ضمن عقد وکالتاً از طرف زوج خود را مطلقه نموده و به ثروت کلانی دست یابند و البته این چرخه می تواند با ازدواج‌های مجدد زن ضمن حفظ بکارت ادامه پیدا کند که این امر موجب ارتقا و بهبود وضع مالی زنان جامعه و توانمندی اقتصادی آن‌ها خواهد شد و راستی که مرد بیچاره است.

(جواب): بسمه تعالی در محیطهای مثل ایران که عرف و عادت بر عدم اداء مهریه قبل از عروسی است به نظر اینجانب زن پیش از عروسی حق مطالبه مهر را ندارد و چنان‌چه حق اجرت کار منزل و هر وجه دیگری تحت عنوان نحله یا هر اسم دیگری را هم ندارد. ازدواج مجدد مرد هم ربطی به اجازه‌ی زن ندارد پس از طلاق هم تنصیف اموال مرد با زن خلاف شرع است. مگر این که هنگام عقد نکاح شرط شود. اگر در قوانین اجرائی مملکت چنین چیزی عمل شود، به‌طور حتم خلاف شرع مقدس اسلام

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۲۱۹

است. ما هم خبر داریم که بسیاری از زن‌های دغل‌کار از این طریق به ثروت زیاد رسیده‌اند و هنوز هم عروسی نکرده‌اند.

سؤال ٥٨٤: چنان‌چه برای مهریه در ضمن عقد مهلت معین نشده باشد و ظهور در حال داشته باشد، ولی از قرائن و شواهد معلوم شود که بنای طرفین در حال عقد بر تأخیر بعض یا همه مهریه بوده است و از طرفی امتناع زوجه از تمکین تا دریافت کامل مهریه بر خلاف شرط ارتکازی در حال عقد باشد، آیا زوجه می تواند تمکین خود را متوقف به دریافت کامل مهریه نماید؟

(جواب): بسمه تعالی به نظر اینجانب نمی تواند. بلکه در محیطهایی چون ایران، که شرط بنائی بر عدم پرداخت مهر، قبل از عروسی است، مطلقاً حق مطالبه ندارد، مگر پس از عروسی یا حکم به طلاق.

سؤال ٥٨٥: آیا من می توانم با دختر دایی‌ام که از طرفی دختر خواهر ناتنی من نیز می‌باشد، ازدواج کنم؟

(جواب): بسمه تعالی با خواهر ناتنی شما که از پدر و مادر هر دو جدا هستند، به این معنی که این دختر فقط ربیبه دایی شما بوده است، اشکال ندارد.

سؤال ٥٨٦: در شب شهادت ائمه علیهم السلام، مخصوصاً در ایام ماه محرم و صفر، آیا می توان صیغه‌ی عقد ازدواج را بدون مجلس جشن و شیرینی‌خوری جاری ساخت؟

(جواب): بسمه تعالی اشکالی ندارد، لیکن در مثل شب عاشورا و مانند آن خلاف محبت و عشق به اهل بیت علیهم السلام است؛ مگر این که به عنوان انجام وظیفه‌ی الهی باشد.

سؤال ٥٨٧: حدوداً دو یا سه بار است که خواب می‌بینم شوهرم با زن دیگری است و فریادها و اعتراضات مرا هیچ کس نمی‌شنود، این خواب در طول مدت یك ماه تکرار شده است. کمکم کنید نیاز به راهنمایی دارم.

(جواب): بسمه تعالی خیالات شیطانی است برای ایجاد نزاع. اعتنا نکنید. ضمناً مرد اگر حقوق شما را می‌دهد، حق دارد با زن دیگری هم باشد.

سؤال ٥٨٨: آیا ازدواج با دختری که دارای مذهب تسنن است حلال است؟ آیا چنان‌چه خانواده طرف دختر شرط به سنی شدن پسر بگذارند با توجه به این که خطر

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــــــ

هم فقط برای تمتع جنسی نیست.

سؤال ۵۹۵: آیا شرعاً توافق بر عدم اسقاط حق حبس با وجود موجل بودن آن جایز است یا خیر؟ و مهر موجل باحق حبس قابل جمعند یا مانعة الجمع؟

می گویند از حیث ارتباط حق حبس با پرداخت مهر فرقی میان زوج موسر و معسر نیست در حالی که عقلاً و عملاً امکان مطالبه مهر از زوج معسر وجود ندارد چرا که فاقد شی نمی تواند معطی شی باشد این تعارض چگونه قابل حل خواهد بود؟

(جواب): بسمه تعالی اگر عروسی شده، دیگر حق حبس نیست، تا رسیدن موعد عروسی نشده می تواند حبس کند، معسر تکلیف ندارد، لیکن زن هم حقی دارد (حق حبس). لیکن همان‌طور که کراراً گفته‌ایم در محیطهایی مثل ایران شرط بنائی است که مهر پس از عروسی است یا طلاق.

سؤال ۵۹۶: آیا بضع زن که در مقابل مهر است فقط شامل فرج اوست یا شامل سایر اعضاء او نیز که می تواند مورد تمتع جنسی واقع شود می‌باشد و دیگر این که با توجه به این که از منظر شرع مقدس زن در حکم مبیع، و مهر، ثمن آن می‌باشد و مبیع باید مالیت داشته باشد آیا زن در اسلام مال منقول محسوب می‌شود یا غیر منقول؟

(جواب): بسمه تعالی هدف از ازدواج فقط التذاذ جنسی نیست، مهر هم‌فقط‌برای

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۲۲۲

آن نیست. این تعبیر (ثمن و مبیع، و معاوضه) در تعابر اهل تسنن آمده، در فقه شیعه ازدواج، چیزی مقابل «معاوضه» است، ازدواج جمع دو نفر است نه یکی به‌جای‌دیگر.

سؤال ۵۹۷: اینجانب در سن ۲۲ سالگی با دختر عموی خویش به عقد دائم در آمدیم که بعد از یك سال گذشتن از دوران عقد، متوجه شدیم که عموی بنده یك سال بعد از فوت پدرم (که در سال ۱۳۶۷ فوت کرده است)، با مادرم صیغه‌ی ۹۰ ساله خوانده‌اند و حال می‌خواستیم بدانیم که ازدواج ما مشکل دارد یا خیر؟

(جواب): بسمه تعالی اشکالی ندارد. ضمناً صیغه‌ی نود ساله در صورتی صحیح است که احتمال زندگی نود سال پس از عقد، صحیح باشد و گرنه صیغه باطل است.

سؤال ۵۹۸: دختری هستم ۳۰ ساله با تحصیلات دانشگاهی، شاغل و مجرد. قصد ازدواج با مردی را دارم که تعلق عاطفی و روحی به ایشان دارم ولیکن در حال حاضر پدر بنده با این امر مخالف هستند. با توجه به این‌که اینجانب به رشد عقلی و سنی مکفی رسیده‌ام و از لحاظ فردی، مالی و اجتماعی دارای استقلال کامل می‌باشم و تحت تکفل پدرم نمی‌باشم، آیا می توانم بدون اذن پدر به دلیل بیم گناه و نیاز به داشتن همسر تا فراهم شدن شرایط به ازدواج دائم به عقد موقت ایشان در آیم؟

(جواب): بسمه تعالی با فرض رشد دختر- که در شما حتماً چنین است- و خصوصاً اگر استقلال اقتصادی داشته باشید، به‌نظر اینجانب شرعاً نیازی به اذن پدر نیست.

سؤال ۵۹۹: اینجانبه در مورخه ۷/ ۵/ ۱۳۸۶ طی سند عادی نکاحیه به عقد دائم مردی درآمده‌ام. با توجه به این‌که پدر اینجانب از سن هشت سالگی اینجانب مفقود بوده و ایشان را پیدا ننمودیم و موقع ازدواج بنده باکره بوده‌ام و جد پدری اینجانب در قید حیات نبوده و عقد دائم جاری شده و مواقعه صورت گرفته؛ ازدواج اینجانب و عقد واقع

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــــــ

(جواب): بسمه تعالی جایز می‌باشد (اینگونه تولیدات که در راستای رفع ضرورت‌هاست هیچ مشکل شرعی در تولید و یا خرید و استفاده‌ی آن‌ها وجودندارد).

سؤال ٦٠١: در صورتی که پدر و مادر دختر طلاق گرفته‌اند و مدتها از پدر خبری نیست، برای ازدواج دختر اذن پدر لازم است؟ در حالی که پدر شاید برای مخالفت و ضدیّت با مادر و برای ایجاد مزاحمت برای او به این ازدواج رضایت نمی‌دهد و قصد اذیت کردن دارد، آیا اذن او لازم است؟

(جواب): بسمه تعالی به نظر اینجانب اذن پدر شرط صحت عقد دختر- اگر رشد فکری دارد و مصالح خود را تشخیص می‌دهد و خصوصاً اگر استقلال اقتصادی دارد- نمی‌باشد.

سؤال ٦٠٢: اینجانب به علت رابطه‌ی نامشروع بکارت خود را از دست داده‌ام و اکنون قصد ازدواج دارم. آیا برای ازدواج اذن پدر لازم است؟ پدر بنده از مادرم جدا شده‌اند و چندین سال از او خبری نداریم و تحصیل اذن او ممکن نیست. آیا برای ازدواج اذن ایشان لازم است؟

(جواب): بسمه تعالی به نظر اینجانب اذن پدر شرط صحت عقد دختر رشیده خصوصاً اگر استقلال اقتصادی داشته باشد، نمی‌باشد، هرچند باکره باشد.

سؤال ٦٠٣: آقایی که در بین فامیل به راستگویی و صدق گفتار و عمل همچنین تدین اشتهار دارد دختری از آشنایان خویش را برای پسری که از اقوامش می‌باشد و خانواده‌اش ساکن خارج کشور هستند خواستگاری می‌نماید و چندین بار با توجه به دغدغه خانواده دختر (که شناختی از پسر ندارند) اعلام می‌دارد من از پسر و خانواده‌اش شناخت کامل از لحاظ خوب بودن دارم بدین لحاظ ایشان را برای دخترتان مناسب تشخیص داده‌ام لذا هیچ نگران نباشید ضمانت پسر از همه لحاظ با من. ولی متأسفانه پسر بعد از عقد رسمی و یك سال و اندی دوران عقد بستگی به دلایل واهی، خواستار به هم خوردن عقد است. حال سؤال از جنابعالی این است: با توجه به اعتماد خانواده‌ی دختر به معتمد فامیل که علاوه بر صفات مذکور پدر شهید نیز می‌باشد

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۲۲۵

آیا مسئولیتی شرعی از جهت این تعهد اخلاقی، شرعی متوجه فرد متدیّن می‌باشد یا نه؟

قابل ذکر است منظور فقط دین اخروی بوده نه مادی.

(جواب): بسمه تعالی در فرض مسأله که بدون شناخت کامل، ادعای شناخت کامل و ضمانت کرده مسئول می‌باشد.

سؤال ٦٠٤: اینجانب خانم تحسین اختر بنت ... با آقای ... عقد کردم با اذن پدر و مادر ولی من آن وقت هفت یا یازده ساله بودم و به بلوغ نرسیده بودم و الآن بیست و چهار سال دارم و حالات و واقعات خانواده هر دو به این‌جا رسیدند که شوهر من به برادران و پدر و مادر من و دیگر افراد اذعان داشته است که من این خانم را طلاق نمی‌دهم ولی وقتی به خانه‌ی خودم می‌برم بعد از سه چهار روزی طلاقش می‌دهم تا برای خانم و خانواده‌ی ایشان یادگاری باشد بنابر این من هم تصمیم گرفتم که خانه این شوهر نروم و منتظر مرگ می‌باشم ولی با آن شوهر ازدواج نمی‌کنم از حضرتعالی استدعا دارم که برای اینجانب دستور لازم را صادر فرمایید تا بقیه‌ی زندگی را طبق دستورات اسلامی ادامه دهم.

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــــــ

عوارض بدی دارد و جایز نمی‌باشد.

سؤال ٦٠٩: آیا حرام‌زاده مستحق جنّت است؟

(جواب): بسمه تعالی حرام‌زاده کافر نیست و اگر اعمالش درست باشد اهل بهشت است. معنای عدم نجابت، جهنمی بودن نیست.

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۲۲۷

احکام نکاح موقت

سؤال ٦١٠: ازدواج موقت (متعه) از نظر اسلام چه حکمی دارد؟

(جواب): بسمه تعالی جایز و مستحب است و اگر به عنوان ردّ بر مخالف این قانون باشد، استحباب مؤکد دارد.

سؤال ٦١١: آیا زنی که متعه شده حق مسکن دارد؟

(جواب): بسمه تعالی نخیر.

سؤال ٦١٢: آیا مهریه در متعه اجباری است؟

(جواب): بسمه تعالی مدت معین، و اجرت (مهر)، رکن متعه می‌باشند، اگر مهریه ذکر نشود باطل می‌شود.

سؤال ٦١٣: اقل مَهر در نکاح متعه، که به زن داده می‌شود چقدر است؟

(جواب): بسمه تعالی هر چه توافق کنند مقدار معینی ندارد.

سؤال ٦١٤: آیا بچه متولد شده از متعه، واجب النفقه مرد هستند؟

(جواب): بسمه تعالی آری.

سؤال ٦١٥: آیا نفقه زن در ازدواج موقت به عهده‌ی شوهر است؟

(جواب): بسمه تعالی نخیر.

سؤال ٦١٦: آیا مرد می تواند هم‌زمان چند زن متعه داشته باشد؟

(جواب): بسمه تعالی آری می تواند.

سؤال ٦١٧: در ازدواج موقت با فرض دخول، اگر بعد از اتمام مدت یا بخشیدن آن، مرد در زمانی که هنوز عده تمام نشده دوباره صیغه موقت را جاری کند ولی دخول نکرده مدت تمام شود یا ببخشد؛ در این صورت: ۱- آیا زن غیر مدخوله است و بدون عده نگه داشتن می تواند عقد نماید؟ ۲- آیا مرد می تواند بلافاصله با خواهر آن زن ازدواج نماید؟

(جواب): بسمه تعالی ۱- برای خود آن مرد که عده ندارد. برای دیگران حتماً باید عده نگه دارد. عده عقد اول که دخول شده بوده است. ۲- به نظر اینجانب به مجرد تمام شدن یا بخشیدن، می تواند با خواهر آن زن ازدواج کند، لیکن احتیاط خوب است که تا پایان مدت عده صبر کند.

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۲۲۸

سؤال ٦١٨: مدتی است که بر اساس تحقیقات و علاقه‌مندی و با توجه به این که اکنون حدود ٦٥ درصد طلاق‌های دادگاه‌ها به دلیل ناتوانی و ناهم‌گونی جنسی آمار یابی شده، نسبت به تألیف کتابی در این زمینه اقدام کرده‌ام که

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــــــ

در زمان جنگ‌ها و بحران‌های اجتماعی نیست. نشانه‌ی این امر هم اقبال روزافزون اجتماعی به پدیده‌ی ازدواج موقت است. به ویژه این که در غرب هم بسیاری از حقوق‌دانان که از اشکال غیر قانونی این نوع زناشویی و توسعه زاد و ولد نامشروع به تنگ آمده‌اند در پی طراحی قوانینی برای ازدواج بدون تشکیل خانواده (چیزی شبیه ازدواج موقت) هستند. در این میان مثال‌های فراوانی برای مفید بودن ازدواج موقت برای زنان سرپرست خانوار، مردانی که زنان بیمار یا بارداری دارند و مردانی که زنان آنان از ناتوانی جنسی و سرد مزاجی رنج می‌برند. دیده می‌شود که اگر اقدام به ازدواج موقت نکنند اتفاقا مجبور به فساد یا انهدام خانواده به دلیل مشکلات مطبوع این ایرادات خواهند شد. البته نمی‌توان منکر شد که مانند بسیاری از احکام از این هدیه‌ی آسمانی نیز سوء استفاده می‌شود. سؤال این جاست که الف) تشخیص این در عرض نبودن (ازدواج موقت و ازدواج دائم) با کیست؟ ب) تشکیل مراکز مشاوره ازدواج موقت (چه از جنبه موضوع و چه از نظر مصادیق) مفید است؟ ٤- مسأله‌ی تعدد زوجات. وقتی ما در مسأله‌ی تعدد زوجات صحبت می‌کنیم، غرض اشاعه‌ی آن نیست بلکه اصلاح دیدگاه نسبت به این موضوع در جامعه اسلامی است. گفته می‌شود که مسأله‌ی تعدد زوجات جزو مسائل استثنایی است و در اقوام و فرهنگ‌ها شیوع ندارد.

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۲۳۰

مطالعات فرهنگی و مردم شناسانه این گزاره را از دو جنبه به نقد می‌کشند؛ اول: این که به جز برخی شهرهای بزرگ ایران در اقلیم خاورمیانه، چند همسری رسمی یا غیر رسمی در همه‌ی کشورهای خاورمیانه متعارف و معروف است، و دلیل شیوع آن هم به جز مسائل فرهنگی و سنتی مربوط به ساختار فیزیولوژیکی مردان و زنان این منطقه است. در منطقه خاورمیانه، بر اساس آمار سازمان بهداشت جهانی حداقل ٤٠ درصد بانوان دچار نارسائی‌های جنسی ناشی از تغذیه و اقلیم هستند و مردان به خاطر قرب به محور استوا، دارای نیازهایی که برآورده کردن آن توسط یك زن مقدور نیست. به همین خاطر در کشورهای مسلمان و غیر مسلمان خاورمیانه و آسیای جنوب شرقی گرفته تا خاور نزدیك، و حتی بسیاری از مناطق مرزی جمهوری اسلامی ایران رسم چند همسری هم چنان متداول، قانونی و مرسوم است و نه به لحاظ عرف و نه فرهنگ جرم، خیانت و ظلم محسوب نمی‌شود. جنبه‌ی دوم: موضع کارکردی و مقایسه‌ای آمارهای اجتماعی مربوط به طلاق و فحشا و رابطه‌ی آن با تعدد زوجات است. متأسفانه در کشور ما به موازات شیوع تك همسری و بالتبع آن سخت شدن شئون انتخاب، آمار فحشا و طلاق به مراتب از کشورهای همسایه بیش‌تر است. بر اساس این موضوع، جامعه شناسی نمی‌تواند فرضیه ارتباط این دو موضوع را از یك‌دیگر رد نماید. در تحلیل این اتفاق می‌توان گفت: مذموم بودن چند همسری در جامعه، باعث شده که هر گونه ناهماهنگی، اعم از جنسی و اخلاقی در میان زوجین فرجامی جز طلاق نیابد.

هم‌چنین مشکلات اقتصادی و اجتماعی به هر گونه‌ای که اجازه یا امکان ازدواج برای جوانان را فراهم نماید باعث شیوع فساد فراگیر از سوی جنس مونث نماید. حال سؤال این جاست که آیا حکومت دینی یا حکومت عرفی می‌تواند با تضییق امکانات شرعی، از طریق وضع قوانین این مسأله که بر اساس نیاز جامعه (رفتار اجتماعی)، گاه اشاعه و گاه کم می‌شود را به نحوی مورد دست کاری قرار دهد؟

(جواب): بسمه تعالی ۱- طلاق خلع فقط در اختیار مرد نیست، بلکه با توافق زن و مرد می‌باشد. ۲- بارها گفته‌ایم

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــــــ

تاریخ ۸۶/۶/۱ او را عزل می‌کند، «ب» در تاریخ ۸۶/۶/۱۵ مورد وکالت را می‌فروشد و در تاریخ ۸۶/۶/۲۰ خبر عزل به وکیل می‌رسد، ضمناً در این تاریخ خبر استعفای وکیل به موکل نرسیده است. آیا معامله وکیل صحیح است یا غیر نافذ؟

۲- در اختلاف زوجین در دوام عقد و انقطاع آن قول کدام مقدم است؟

۳- در باب مصالحه هرگاه مصالح شرط کند تا زمانی که حیات دارم (مادام العمر) حق بر هم زدن مورد مصالحه را داشته باشم، آیا چنین شرطی به جهت جهل مدت عمر مصالح صحیح می‌باشد یا خیر؟

(جواب): بسمه تعالی ۱- معامله در فرض مزبور صحیح است.

۲- مسأله قضایی است، دادگاه حکم می‌کند. البته اصل با دوام است چون اصل عدم ذکر مدت است.

۳- شرط صحیح است، غرر و جهالت شرط مضرّ نیست.

سؤال ٦٢٢: اگر نفقه در عقد موقت شرط شود لیکن زوج بعداً از پرداخت نفقه امتناع نماید آیا زوج تعزیر می‌شود؟

(جواب): بسمه تعالی آری حق تعزیر ثابت است.

سؤال ٦٢٣: ۱- زن و مردی دارای رابطه‌ی زوجیّت منقطع نود و نه سال بوده‌اند که بعد از سه سال زندگی مشترک، اقدام به فسخ آن نموده‌اند. حال: ۱. آیا فسخ در نکاح منقطع جایگاهی دارد یا خیر؟

(جواب): بسمه تعالی عقد موقت ۹۹ ساله صحیح نیست، مدت باید عقلائی و احتمال زنده ماندن باشد، این عقد نه دائم است و نه موقت. از اصل باطل است.

۲- با توجه به لزوم عیوب و دلایل لازم برای فسخ، در فرض مذکور فسخ بدون وجود هیچ یك از آن موارد واقع گردیده است، حال آیا فسخ دارای اثر می‌باشد یا بلا

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۲۳۳

اثر بوده و کماکان طرفین در زوجیت همدیگر باقی می‌باشند؟

(جواب): بسمه تعالی منظور از فسخ و یا طلاق در عقد منقطع، گذشت از باقی مدت است، اگر این‌طور باشد صحیح است- علی فرض صحت اصل عقد-، فسخ شده یعنی مدت بخشیده شده است. وگرنه عنوان فسخ فقط در عیوب است، چه دائم و چه منقطع، که این‌جا عیب هم نبوده است.

۳- زوج مدعی است این فسخ با اجبار و اکراه بر وی تحمیل شده است. آیا با این وصف وضعیت این فسخ چگونه است؟

(جواب): بسمه تعالی زوج باید اثبات اکراه کند و گرنه امضاء زوج دالّ بر صحت فسخ، یعنی گذشت از باقی مدت است.

احکام تدلیس در نکاح

سؤال ٦٢٤: اینجانب با خانمی ازدواج دائم نموده، و مدتی پس از عقد متوجه شدم که همسرم مبتلا به بیماری‌های متعددی (مانند ضعف شدید بینایی، افت فشار خون، غش کردن و ...) است. زوجه و بستگانش در هنگام خواستگاری بیماری‌های مذکور را از زوج کتمان نمودند. اکنون با توجه به اصل صحت و سلامتی زوجین در ازدواج، اینجانب تعداد سیصد عدد سکه تمام بهار آزادی را به عنوان مهریه بر ذمه خویش پذیرفتم، آیا بنابر

درخواست بنده، دادگاه می تواند مهر المسمی را تقلیل دهد؟

(جواب): بسمه تعالی مورد فوق از مصادیق تدلیس است و زوج حق فسخ دارد، و اگر عروسی نکرده مهریه ساقط است. اگر زوجه همه این بیماری‌ها را داشته، اخفاء همه‌ی این بیماری‌ها با هم یك نوع تدلیس می‌شود. مخصوصاً اگر در عقد و یا مقدمات آن صحبت شده باشد که زن سالم است.

سؤال ٦٢٥: قرآن مجید هدف از ازدواج را سه محور اصلی آرامش و مؤدت و رحمت معرفی می‌نماید و زوجین را لباس همدیگر معرفی می‌نماید. آیا تفسیر این پیمان مقدس و آسمانی به مبادله و معاوضه مهر و التذاذ جنسی و حیوانی انگاشتن هدف متعاقدین از آن (گرفتن مبلغی پول و لذت بردن) مناسبتی با این آیات شریف دارد؟

(جواب): بسمه تعالی بارها گفتیم که ازدواج فقط برای تمتعات جنسی نیست، به نظر ما حتی می توانند شرط عدم التذاذ جنسی کنند.

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۲۳۴

سؤال ٦٢٦: اینجانب قبل از ازدواج با همسرم صحبت کرده و سلامتی وی را از خود و خانواده‌اش جویا شده و در ازدواج آن را شرط کردم، و آن‌ها هر گونه بیماری را انکار نمودند و سپس بر اساس آن مهریه را تعیین و توافق نمودیم. مدتی بعد از عقد متوجه شدم که زوجه سلامتی جسمی و روانی ندارد و بنا به اظهارات فعلی خود و خانواده‌اش، آمادگی‌ازدواج نداشته و به دلیل بیماری شدید روانی و جسمی، از روابط زناشویی متنفر است. حال در صورت مطالبه مهریه توسط زوجه، آیا می توانم به دلیل وقوع تدلیس توسط زوجه، از دادگاه تقاضا کنم که مهریه را به مهر المثل تقلیل دهد؟ (لازم به ذکر است که زوجه به دلیل بیماری مذکور اقدام به نشوز نموده است).

(جواب): بسمه تعالی اگر تدلیس باشد و از طرف زوجه شده باشد حق مهر ندارد و اگر از طرف دیگران تدلیس شده باید مهر را بدهد و از مدلّس بگیرد. تحقیق این که تدلیس محقق شده یا نه، امر قضایی است و باید برای تشخیص موضوع به دادگاه رجوع شود.

سؤال ٦٢٧: اگر زنی دارای عیبی باشد، شرعاً باید هنگام ازدواج و عقد آن را به مرد اعلام دارد؟

(جواب): بسمه تعالی اگر سکوت به معنای اخفاء عیب در مقام سؤال از سلامتی کامل، و در نتیجه تدلیس باشد، باید اعلام شود چنان‌چه در برخی عیوب این‌طور است.

سؤال ٦٢٨: موکل اینجانب در سال ۱۳۸۵ با فردی ازدواج می‌نماید که پس از مدتی مراسم عروسی صورت می‌گیرد در بدو خواستگاری زوج خود را به عنوان تاجر پارچه و متمکن معرفی می‌کند. پس از گذشت مدتی و ایجاد اختلافات اخیراً زوجه متوجه شده زوج فاقد شغل و صفت اعلامی می‌باشد. حال سؤال این است: ۱- آیا در فرض سؤال، مورد از موارد تدلیس محسوب می‌گردد یا خیر؟ ۲- در صورت مثبت بودن، آیا زوجه می تواند فسخ نکاح را درخواست کند؟

(جواب): بسمه تعالی ۱- تدلیس می‌باشد. ۲- حق فسخ دارد. و چون پس از عروسی است، مهر هم دارد.

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۲۳۵

سؤال ٦٢٩: شخصی به عنوان مؤلف کتابی را به ناشری برای چاپ می‌سپارد، پس از چاپ معلوم می‌شود، مؤلف

کتاب شخص دیگری است، تکلیف کتاب، حق تألیف و هزینه های انجام شده با کیست؟

(جواب): بسمه تعالی حق تألیف مال مؤلف واقعی است، خسارت اگر باشد متوجه مدلّس است که تدلیس نموده است.

اجرت المثل زن

سؤال ٦٣٠: آیا پس از فوت زوج، زوجه می تواند از ماترك شوهر متوفی خود اجرت المثل ایام مشترك و یا نحله مطالبه نماید؟ و آیا در مجموع حقی دارد یا خیر؟

(جواب): بسمه تعالی اگر هنگام عقد نکاح یا بعداً در ضمن یك عقد لازم دیگر قراردادی در این باره- حق اجرت عمل- دارد می تواند وگرنه، نه.

احکام اولاد و عقیقه

سؤال ٦٣١: من خانمی بیست و هفت ساله هستم، الان چند ماه است برای بچه دارشدن اقدام کرده‌ام، در دو هفته گذشته مسافرتی به خارج از کشور داشتم و در آن جا من و همسرم از غذاهای آنها میل کردیم، غافل از این که آنها در غذاهایشان از گوشت خوك و امثال آن استفاده می کنند، و الان نگران آینده فرزندم هستم، لطفاً مرا راهنمایی کنید.

(جواب): بسمه تعالی شما مشکلی ندارید، برای بچه هم مشکلی نیست، چون نمی‌دانستید، و برای رفع آثار طبیعی آن غذا، هم دعا و صدقه انجام دهید.

سؤال ٦٣٢: با توجه به احکام عقیقه و تولد نوزاد در توضیح المسائل شما، پسر من چهار ماهه است، و من روز هفتم موهایش را نتراشیدم، آیا الان می توانم.

(جواب): بسمه تعالی دلیل این سنّت الهی مربوط به روز هفتم است، لیکن تا مدتی بعد به قصد رجاء ثواب اشکالی ندارد؛ لیکن اگر ملاك این حکم تمیز شدن از موهای پیدا شده در رحم باشد باید فاصله، اندك باشد.

سؤال ٦٣٣: با توجه به حکم عقیقه، من عقیقه نکرده‌ام و فقط خانواده‌ام گوسفندی سر بریده‌اند. با توجه به حکم در توضیح المسائل، می توانم الان این کار را انجام بدهم؟

(جواب): بسمه تعالی اگر آنها برای شما سربریده‌اند همان عقیقه است، گرچه به آداب آن عمل نکرده باشند، و اگر آنها نکشته‌اند، شما هر چند در بزرگ‌سالی می توانید انجام دهید.

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۲۳۶

سؤال ٦٣٤: چرا خود مادر نباید از گوشت عقیقه بخورد؟

(جواب): بسمه تعالی روایت داریم. و البته اختصاص به مادر ندارد و پدر و کل عیال آن خانه نخورند بهتر است، لیکن درباره‌ی مادر تأکید شده است. شاید ملاك و حکمت واقعی این حکم، این است که عقیقه به منزله فدیه برای شخص است و خوردن گوشت آن به منزله خوردن گوشت فرزند خود می باشد؛ البته دقیقاً حکمت واقعی حکم را نمی‌دانم.

سؤال ٦٣٥: اینجانب نام کودك خود را نام یکی از پادشاهان ایرانی گذاشته‌ام، آیا بر خلاف شرع است؟ (چون اعتقاد من بر این است که ایرانی هستم).

(جواب): بسمه تعالی حرام نیست؛ لیکن اگر خود را به اهل بیت عصمت علیهم السلام نزدیك کنید، بهتر است،

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــــــ

سؤال ٦٤٢: در صورتی که زن بخواهد بیش از حدّ معمول و واجب صورت خود را بپوشاند، آیا شوهر می تواند مانع شود؟ و آیا اطاعت از شوهر در این مورد لازم است؟

(جواب): بسمه تعالی خیر.

سؤال ٦٤٣: آیا بیرون بودن چند تار از موی زن از زیر چادر یا مقنعه، صدق بی‌حجابی می‌کند؟ و آیا در این صورت امر به معروف و نهی از منکر واجب است؟

(جواب): بسمه تعالی بد حجابی است و منکر است.

سؤال ٦٤٤: نظر شما راجع به این که مردان و جوانان بیکار باشند، ولی خانم‌ها و زنان در اداره‌ها و شرکت‌ها مشغول کار باشند چیست؟ آیا این جایز است یا نه؟

(جواب): بسمه تعالی بدیهی است که اگر ضرورتی نباشد، این جریان به ضرر کل جامعه می‌باشد به خصوص از نظر اخلاق عمومی جامعه. بدتر از همه گماردن زنان به کارهای مدیریت کلان جامعه مثل وزارت می‌باشد.

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۲۳۸

کار زن بدون اجازه‌ی شوهر

سؤال ٦٤٥: ۱- اینجانب چند سال پیش زمینه‌های لازم را فراهم کرده تا همسرم با تلاش من در اداره‌ای که خودم مشغول به کار هستم، ایشان استخدام شود و اینك متأسفانه حدود چهار سال است که رفتار او تغییر کرده و سر ناسازگاری را گذاشته است. برای بازگشت آرامش به خانه‌ام اینجانب خواسته‌ام تا کار در بیرون از خانه را رها کند، اما او امتناع می‌ورزد. مستدعی است بفرمائید: آیا شرعاً او می تواند بدون اجازه‌ی من (به عنوان شوهر) در بیرون از خانه کار کند یا خیر؟

(جواب): بسمه تعالی اگر پیش از استخدام ایشان اجازه دائمی نداده‌اید می توانید از اجازه‌ی خود برگردید و در آن صورت همسر حق ندارد بدون اجازه شما کار کند، اگر اجازه‌ی دائم بوده لیکن مشروط به رعایت حق شما بوده باز هم حق کار ندارد در این صورت که با حق شما منافات دارد. مگر این‌که از حق خود به کلی گذشت کرده باشید.

۲- تکلیف آن اداره با توجه به عدم رضایت من برای کارکردن همسرم چیست؟

(جواب): بسمه تعالی وقتی کار کردن همسر جایز نباشد، قرار اداره هم به هم می‌خورد.

سؤال ٦٤٦: بنده قبل از وقوع عقد ازدواج با همسر فعلی‌ام، راضی به اشتغال ایشان نبودم. این مسأله موجب بروز اختلاف بین بنده و همسرم در آن زمان یعنی قبل از عقد شد تا جایی که وقتی که برای عقد به محضر رفته بودیم، خطبه‌ی عقد جاری نشد و تقریباً نامزدی به هم خورد. چند روز بعد ایشان با شرط بنده موافقت نمودند و گفتند: فعلاً (جهت رضایت پدرم به ازدواج) شاغل بودن مرا بپذیرید ولی بعد از ازدواج هر زمان که شما بخواهید من از شغلم دست می‌کشم. ولی متأسفانه بعد از گذشت سه، چهار سال به علت به وجود آمدن پاره‌ای مشکلات از جمله: تربیت فرزندان، خستگی جسمی و افسردگی روحی ایشان بر اثر کار و نیز جسور شدن و عدم تمکین ایشان، بنده از همسرم خواستم تا به عهد خود وفا کرده و از شغل خود دست بکشد، اما ایشان با طرح مسائلی مثل: من به کارم علاقه‌مندم، من به دستمزد شغلم نیاز دارم و پشیمانم از قولی که به شما داده‌ام، خواسته‌ی بنده را اجابت نکرده،

صراحتاً می‌گوید من بین کار و زندگی مشترك، کارم را ترجیح می‌دهم.

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۲۳۹

ضمن راهنمایی و ارشاد، تکلیف شرعی بنده و ایشان را اعلام فرموده و مشخصاً تقاضامند صدور فتوی و نظری شرعی معظم له در موارد زیر هستم:

۱. با توجه به نارضایتی بنده از ادامه‌ی اشتغال همسرم و با عنایت به قولی که از طرف ایشان و قبل از عقد باعث ازدواج شده، تکلیف شرعی ایشان و وضعیت دستمزد ایشان چیست؟

(جواب): بسمه تعالی هرگونه خارج شدن زن از منزل باید با اجازه‌ی شوهر باشد.

۲. اگر ادامه‌ی این مشکل باعث جدایی و طلاق شود، آیا شغل و حقوق ایشان به لحاظ شرعی حلال است یا حرام؟

(جواب): بسمه تعالی چون شرط شده بوده که شغل را رها کند باید حتماً به شرط عمل کند.

۳. تکلیف شرعی بنده نسبت به ایشان و مشکلی که به وجود آورده چیست؟

(جواب): بسمه تعالی پول که در مقابل کار اداره است حلال است لیکن اصل بیرون رفتن و قبول کار حرام است.

حکم ربیبه

سؤال ٦٤٧: شخصی پس از ازدواج دائم با زنی بدون این‌که نزدیکی صورت بگیرد او را طلاق می‌دهد. آیا می تواند با دختر آن زن که از شوهر قبلی اش است ازدواج کند؟

(جواب): بسمه تعالی در این صورت پس از طلاق مادر، ازدواج با دختر صحیح است.

عقد محرمیّت

سؤال ٦٤٨: آیا عقد موقت دختر نابالغ که برای محرم شدن با مادر او امروزه بین مردم متداول است از نظر حضرتعالی صحیح است؟ (با توجه به این‌که چون دختر قابلیت برای استمتاع ندارد قطعاً قصد جدّی برای ازدواج در چنین عقدی متصوّر نیست.)

(جواب): بسمه تعالی به نظر اینجانب صحیح است.

زنان بازیگر

سؤال ٦٤٩: آیا بازیگران و هنرپیشگان دختر یا زنان غیر شوهرداری که از همسر جدا شده یا همسرشان فوت کرده و در فیلم‌های سینمایی، تلویزیون یا سینما در داخل

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۲۴۰

کشور بازی می‌کنند می توانند هنگام فیلمبرداری در سر صحنه با کسانی که نقش مقابل آن‌ها را به صورت همسر، پدر یا برادر بازی می‌کنند صیغه محرمیت بخوانند تا نقش‌های خود را طبیعی تر بازی کنند و از جهت لمس کردن و برخورد بدنی یا دست دادن یا بغل کردن در هنگام ملاقات خدافظی کمك رسانی و ... که معمولاً در فیلم‌های سینمایی و سریال‌های ایرانی نمایش داده نمی‌شود مشکل شرعی نداشته باشند، نظر مبارك خود را مبذول فرمائید؟ آیا در این حکم بین نمایش‌های زنده مانند تئاتر یا فیلم که نمایش غیر زنده است فرقی وجود دارد؟

(جواب): بسمه تعالی البته اگر عقد موقت اجرا شود به یك‌دیگر محرم می‌شوند لیکن در برابر بینندگان تلویزیون

چه می‌کنند. ضمناً کشاندن دختران به این صحنه‌ها که هر روز محرم یك نفر شوند مسلماً به فساد کشیده می‌شوند. ضمناً طبیعی بازی کردن آن قدر ارزش ندارد که بتوان محرمات مسلم را زیر پا گذاشت.

دختران بازیگر

سؤال ٦٥٠: در صورتی که دختر باکره باشد و اذن کلی ای در این خصوص از پدر یا جد پدری خود گرفته باشد که در این‌گونه موارد بتواند با هنرپیشه مقابل خود صیغه محرمیت جاری کند همین اذن کلی برای هر مورد کافی است؟ یا این‌که برای هر انشاء صیغه بایستی از پدر اذن بگیرد؟

(جواب): بسمه تعالی اینجانب اذن را شرط صحت عقد باکره رشیده خصوصاً با استقلال اقتصادی، نمی‌دانم ولی اگر شرط بدانیم، اذن کلی کافی است. و اگر پدر و یا مادر اذن ندهند وازاین‌عقداذیت شوند، عقد از جهت ایذاء حرام و لیکن صحیح است.

زنان یائسه بازیگر

سؤال ٦٥١: این حکم در خصوص زنان یائسه‌ای که دارای همسر نمی‌باشند چگونه است؟

(جواب): بسمه تعالی همان‌طور است که در سؤال یك بیان شد.

التذاذ در زناشوئی

سؤال ٦٥٢: در رابطه با روابط زناشوئی- آیا خوردن مذی و ترشحات آلت تناسلی زن و مرد جایز است در صورت جایز نبودن چه‌طور می توان این کار را انجام داد؟

(جواب): بسمه تعالی خوردن منی حتماً حرام است. خوردن مذی و ودی گرچه پاك هستند هم از این جهت که جزء خبائث شمرده می‌شوند جایز نیست.

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۲۴۱

نفقه مسکن زوجه

سؤال ٦٥٣: موکله اینجانب چندین سال به همراه همسرش در ملکی که متعلق به موکله (زوجه) بوده سکونت داشته و با وجود این‌که مطابق قانون و شرع مقدس اسلام نفقه زوجه و من جمله تهیه مسکن بر عهده زوج می‌باشد نامبرده از این بابت تا کنون هیچ اجرتی دریافت نکرده و قصد تبرع نیز نداشته لیکن اخیراً زوج فوت می‌نماید حالیه از محضر عالیقدر استدعا دارم حکم شرعی مورد سؤال را مرقوم فرمایید. ۱. آیا زوجه مستحق اجره‌المثل منزل مسکونی که متعلق به او بوده می‌باشد یا خیر؟

(جواب): بسمه تعالی زوجه نفقه‌ی خود را طلب دارد و حق دارد از شوهر بگیرد، سکونت در آن خانه اگر تبرعاً بقصد اداء نفقه از طرف شوهر نباشد اجرت دارد، و از ذمه‌ی شوهر ساقط نمی‌شود.

۲. آیا می تواند از ورثه قانونی او مطالبه کند یا خیر؟

(جواب): بسمه تعالی حق مطالبه دارد.

عیب زوجه

سؤال ٦٥٤: اینجانب سه سال بعد از ازدواج متوجه شدم که گوشت زیادی در فرج همسرم وجود دارد و اگر همسرم کمك نمی‌کرد ما نمی توانستیم زناشویی انجام دهیم.

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــــــ

آرایش کرده باشند کیفر نماید؟

(جواب): بسمه تعالی آنها که شرایط زندگیشان به گونه‌ای است که تغییر آن ممکن نیست و نهی از منکر هم اثری ندارد چون عشایر، نگاه کردن بدون شهوت

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۲۴۳

اشکال ندارد، خود آنها هم که در اثر ضعف ادراك متوجه نیستند معذورند، لیکن زنهایی که در ادارات کار می‌کنند، این‌طور نیستند باید حجاب کامل را رعایت کنند.

کیفر در هر گناهی از باب نهی از منکر پس از طیّ مراحل نهی از منکر جایز است.

احکام نگاه کردن

سؤال ٦٦٠: مسابقاتی از تلویزیون پخش می‌شود که در آن ورزشکاران با شورت و عرق‌گیر مشغول مسابقه هستند. آیا نگاه کردن زنان و دختران مسلمان به این برنامه‌ها جایز است؟

(جواب): بسمه تعالی اگر به صورت زنده پخش می‌شود جایز نیست. و اگر زنده هم نیست در صورتی که محرّك شهوانی باشد، جایز نیست.

نمایش زنان و محرمیت میان هنرپیشگان

سؤال ٦٦١: در صورت مثبت بودن جواب در بعضی قسمت‌ها یا همه قسمت‌های مفروض با توجه به این‌که فیلمبرداری در زمانهای مختلف صورت می‌گیرد و بعضی از هنرپیشگان زن در همان فیلم نسبت به بعضی از هنرپیشگان مرد نقش خواهر و نسبت به بعضی دیگر نقش همسر را دارند در صورتی که تماس بدنی بین آنها در دو صحنه متفاوت باشد، هنرپیشه زن می‌تواند پس از انشاء صیغه در صحنه اول که نقش همسر را دارد و تمام شدن مدت این عقد موقت یا بذل مدت در صحنه دیگری که با کسی که نقش خواهر او را بازی می‌کند صیغه محرمیت بخواند و بازی خود را انجام دهد.

(جواب): بسمه تعالی مهم همان است که گفته شد. نمی‌دانم چه اصراری است که دختران و زنان را با این صحنه‌های ارتباط با مردان بکشند. مسلماً آنها که می‌فهمند چه می‌کنند مسؤول هستند.

انحرافات اخلاقی

سؤال ٦٦٢: عده‌ای از دانشمندان معتقدند دلیل رو آوردن عده‌ای زیادی از جوانها به مواد مخدر، مدهای غربی، فیلمها و سی دی‌های مبتذل، مشروبات، مفاسد اخلاقی، بی‌حجابی عده‌ی زیادی از خانمها و مفاسد اجتماعی دیگر، فاصله گرفتن از معارف قرآن کریم و مذهب می‌باشد. آیا چنین نظریه‌ای صحیح است؟

(جواب): بسمه تعالی عوامل رو آوری به مواد مخدر زیاد است: ۱- می‌تواند سرشکستگی در زندگی خصوصی باشد. ۲- می‌تواند سرخوردگی از مسائل سیاسی

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۲۴۴

باشد. ۳- می‌تواند ناکامی زندگی، به طور عام باشد که یکی از موارد آن در اثر فیلمها و سی دی‌های مبتذل باشد که شخص به وسیله اینها تحریك می‌شود و چون راه کامیابی برایش آماده نیست، پناه به مواد مخدرات می‌برد. چنان

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــــــ

فرزندان و ورثه جنین را از آن بدهید.

۲- چنان‌چه روح در جنین دمیده باشد، آیا در فروض پیش گفته، سقط جایز است؟

(جواب): بسمه تعالی جایز نیست. مگر این که برای مادر خطر داشته باشد که از باب دفاع می‌تواند بچه را سقط کند.

۳- در صورت جواز سقط جنین در تمام یا برخی از فروض فوق؛ آیا دیه ثابت است و بر فرض ثبوت دیه بر پزشك مباشر است یا مادر و یا پدر و مادر؟

(جواب): بسمه تعالی دیه ثابت است، پزشك بدهد، پدر و مادر که دستور داده‌اند می‌توانند از طرف پزشك بدهند.

٤- هرگاه در برخی از صور پیشین، سقط جایز باشد، آیا اجازه پدر نیز شرط است؟

چنان‌چه پدر حضور نداشته باشد یا وفات نموده باشد، حکم مسأله چیست؟

(جواب): بسمه تعالی در موارد جواز که قبل از ولوج روح با عسر و حرج یا دفاع از سلامتی زن مطرح است، رضایت پدر شرط نیست.

۵- در صورتی که مادر مبتلا به بیماری خاصی باشد، چنان‌چه اقدام به درمان وی ملازمه با آسیب دیدن جنین یا سقط وی داشته باشد، آیا اسقاط جایز است؟

(جواب): بسمه تعالی پیش از ولوج روح جایز است. اگر بیماری خطرناکی است که جان مادر را تهدید می‌کند، دفاع مادر از خود جایز است هرچند پس از ولوج روح.

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۲۴۶

٦- ولوج روح در چه زمانی صورت می‌گیرد و علامت آن چیست؟ (این مسأله از حیث پزشکی نیز جواب قطعی و تعیین ندارد).

(جواب): بسمه تعالی مشهور این است که در چهار ماهگی. لیکن اگر یقین ندارید احتیاط لازم است. جنین هم مانند شخص زنده می‌باشد، باید رعایت احتیاط در حیات او بشود.

۷- چنان‌چه نگه‌داری جنین موجب عسر و حرج مادر یا اطرافیان باشد و حضرتعالی سقط را قبل از ولوج روح در چنین فرضی جایز می‌دانید، بفرمایید؛ معیار عسر و حرج، نوعی است یا شخصی؟

(جواب): بسمه تعالی شخصی است.

۸- آیا در موارد جواز و عدم جواز سقط، تفاوتی بین جنین به وجود آمده از رابطه مشروع و جنین ناشی از زنا (اعم از زنای با محارم و اجنبی) وجود دارد یا خیر؟

(جواب): بسمه تعالی فرقی ندارند.

تحصیل دختران در رشته‌های غیر متناسب

سؤال ٦٦٤: تحصیل دختران و ادامه‌ی تحصیل آنان در رشته‌های درسی که با روحیات زنان سازگار نیست، چه حکمی دارد؟ آیا مسؤولین کشور و دانشگاه‌ها که اجازه‌ی تحصیل دختران در این رشته‌ها را می‌دهند، کارشان درست و منطقی است؟ و اگر چنین دخترانی در آینده دچار ضعف اعصاب و مشکلات دیگری شوند، چه کسی مسؤول است؟

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــــــ

آیا مبلغ مهریه زوجه به نرخ روز محاسبه می‌شود؟ و در صورت محاسبه به نرخ روز، معیار در تشخیص مبلغ آن مصوبه مجلس شورای اسلامی است یا معیار دیگری دارد؟ ب) همان زوج در چهل و دو سال پیش از همسر خود مبلغ هفت هزار تومان به عنوان شراکت گرفته و طبقه دوم خانه خود را ساخته و بعد از مدتی آن منزل را فروخته و با پول آن در تهران خانه‌ای خریداری نموده است (که هم اکنون در آن خانه سکونت دارند) در حال حاضر این زن از اموال آن مرحوم بابت پول آن خانه چه مقدار طلب کار است؟

(جواب): بسمه تعالی الف) نظر اینجانب در پول، همان مقدار است، مگر این که به کلی از ارزش افتاده باشد و مبلغ سه هزار تومان تقریباً این‌طور است. اگر سکه و مانند آن را مهریه کرده بود، همان سکه یا قیمت آن را پرداخت می‌کرد. لیکن چون می توان گفت سه هزار تومان حالا با آن سه هزار تومان فقط در نام تومان شریك است و در مالیت هیچ تماثلی ندارند، بهتر و بلکه لازم است که مصالحه شود. چون سه هزار تومان اینك به حکم معدوم المالیة می باشد. و مورد مسامحه نیست.

ب) چون عنوان شرکت داشته هر یك به قدر سهم در طبقه دوم خویش مشترك می‌باشند و بعد هم که خانه فروخته شده و با همان پول خانه جدیدی خریداری شده در خانه‌ی جدید هم هر یك به قدر سهم خویش شریك می‌باشند.

سؤال ٦٧٠: با عرض سلام و ادب و آرزوی طول عمر برای معظم له. آیا تعلیق در مُنشاء در صداق، مانند آن‌که آن را معلق بر طلاق نمایند صحیح است یا خیر؟

(جواب): بسمه تعالی اگر تعلیق در ادای مهر است که اشکال ندارد و اگر منظور این است که تا طلاق نشود حق گرفتن مهر نداشته باشد نیز اشکال ندارد.

سؤال ٦٧١: می‌خواستم از شما بپرسم که آیا مهریه بالاتر از مهریه حضرت فاطمه علیها السلام باطل است یا خیر؟ با تشکر.

(جواب): بسمه تعالی باطل نیست. گاهی شرایط ایجاب می‌کند که مهریه را سنگین بگیرند که مرد به هر بهانه‌ای نتواند طلاق بدهد و زن در صورت طلاق امکاناتی داشته باشد.

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۲۴۹

سؤال ٦٧٢: اگر مردی به حاکم مراجعه نموده و به دلیل اعسار از پرداخت صداق خواهان تقسیط مهر شود آیا شرعاً حاکم می تواند بدون مطالبه زوجه اقدام به رسیدگی به اعسار زوج و تقسیط نماید یا خیر؟

(جواب): بسمه تعالی حکم حاکم پس از طرح دعوی است و چون مدعی در کار نیست طرح دعوی پذیرفته نمی‌شود لیکن اگر به عنوان شکایت از زن در فشار بر مهر باشد یا ترقب و معرضیّت نزاع باشد جایز است.

سؤال ٦٧٣: آیا در فاصله بین عقد و زفاف زوج ملزم به انفاق زوجه هست یا خیر؟

(جواب): بسمه تعالی به نظر اینجانب حق نفقه ندارد مگر این که در خانه شوهر باشد.

سؤال ٦٧٤: در صورت اعسار زوج و استفاده‌ی زوجه از حق حبس: الف- آیا عدم تمکین فقط منحصر به بضع است یا سایر استمتاعات را هم شامل می‌شود؟ ب- در صورتی که زوجه در شرایط ضمن عقد شرطی در مورد انتخاب مسکن نکرده باشد، آیا مجاز است که از سکونت در منزلی که مطابق شئونات زوجه از سوی زوج مهیا شده است امتناع نماید؟ ج- در صورت امتناع زوجه از استمتاعات مجاز یا عدم تمکین در سکونت در منزل مهیا شده، آیا

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــــــ

(جواب): بسمه تعالی مهر در ازدواج موقت رکن عقد است، لیکن آنها نمی‌دانسته‌اند اشکال ندارد، از حالا معین کنند، ضمناً لازم نیست پول باشد، کتاب،

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۲۵۱

تعلیم مسائل شرعی یا علمی و هر گونه خدمت می تواند مهر باشد، البته معین و مشخص. حالا هم می تواند با هم عقد موقت یا دائم کنند.

سؤال ٦٧٨: اگر حین نکاح مهر موجل بوده و اجل مهر قبل از دخول فرا رسد، آیا زن حق حبس خواهد داشت یا خیر؟

(جواب): بسمه تعالی اگر تا وقت اجل عروسی نشده باشد، حق حبس دارد. مگر این که متعارف این باشد که پیش از عروسی حق مهر نیست و یا زن احتمال دهد که مرد حتی پس از عروسی هم مهر او را نمی‌دهد.

احکام نفقه

سؤال ٦٧٩: لطفاً بیان فرمایید نفقه با چه شرطی بر مرد واجب است؟ و مراد از تمکین زوجه را بیان کنید، و آیا زوجه به صرف اجازه دادن به زوج بر ملاعبه (اما منع زوج از جماع) مستحق نفقه می‌شود؟ آیا چیزی به نام تمکین عام (اجازه ملاعبه) و تمکین خاص (اجازه جماع) از سوی زوجه صحیح است، که نفقه به صرف تمکین عام بر مرد واجب شود؟

(جواب): بسمه تعالی ۱- تمکین زوجه آماده بودن برای عمل جماع در هنگام خواستن شوهر و همین‌طور چیزهائی که در این رابطه مطلوب است، مثل تمیز کردن خود می‌باشد، انواع استمتاعات دیگر نیز جزء تمکین است و بدون این آمادگی و عدم ممانعت، ناشزه می‌شود، مگر منع نزدیکی از دبر که موجب نشوز نمی‌باشد.

۲- ملاك تمکین آمادگی هرگونه تمکین- غیر از دبر و چیزهایی غیر متعارف- می‌باشد. بنابراین اگر آماده تقبیل باشد و آماده جماع نباشد و ممانعت کند ناشزه می‌باشد و حق نفقه ندارد.

سؤال ٦٨٠: علاوه بر نفقه و نیازهای ضروری زن که بر عهده‌ی شوهر می‌باشد، آیا نیازهای دیگر زن که جنبه معنوی دارد (از قبیل خرید کتاب، پول برای انفاق به فقیر، هدیه دادن و ...) نیز بر عهده‌ی شوهر است؟

(جواب): بسمه تعالی لازم نیست. لیکن به مقدار تعلم احکام شرعی و فهم اعتقادات اصلی، باید وسائل فهم این‌ها فراهم شود، هرچند با اجازه برای رفتن به جلسات.

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۲۵۲

سؤال ٦٨١: حکم شما در مورد زنی که حجاب را رعایت نمی‌کند و کفر هم می‌گوید، آیا مرد چه وظیفه‌ای نسبت به چنین زنی دارد؟

(جواب): بسمه تعالی حق تأدیب، و منع نفقه دارد و اگر واقعاً و از روی اعتقاد کفر بگوید؛ یعنی منکر شهادتین شود مرتد می‌شود.

سؤال ٦٨٢: زنی از حق حبس خود استفاده نموده است و مرد معسر بوده و در حال پرداخت مهر به صورت اقساطی می‌باشد برای این که زن مستحق نفقه نیز باشد آیا باید تمکین عام داشته باشد؟ یا این که حتی می تواند تمکین عام

نیز نداشته و در عین حال مستحق نفقه نیز باشد و فی الواقع زنی که از حق حبس خویش استفاده می‌نماید در حکم عدم زوجه است؟

(جواب): بسمه تعالی معمولاً حق حبس را در برابر دخول و عمل جماع گرفته‌اند نه مطلق تمکین و قدر متیقن هم همین است.

سؤال ٦٨٣: آیا درج این شرط از سوی زوجه در نکاح نامه شرعاً معتبر است یا خیر؟

زوجه در نهایت رضایت و با اختیار ذمه زوج را از نفقه‌ای که شرعاً بر عهده اوست بری می‌سازد.

(جواب): بسمه تعالی یعنی اسقاط حق نفقه می‌کند، اشکال ندارد.

سؤال ٦٨٤: اگر مرد در ازدواج دائم شرط عدم نفقه بکند و زن به لحاظ داشتن درآمد آن را با رغبت بپذیرد آیا شرط نافذ و معتبر است یا خیر؟ در صورت منفی بودن پاسخ دلیل شرعی آن را بیان فرمایید.

(جواب): بسمه تعالی اگر منظور اسقاط حق نفقه است اشکال ندارد، که نوعاً هم منظور همین است. ولی اگر منظور این است که اساساً حقی- حق نفقه- از اصل نداشته باشد، این شرط خلاف شرع می‌باشد، این حکم است نه صرف حق.

سؤال ٦٨٥: احتراماً مرقوم فرمایید که آیا زوج تکلیف در اخذ یك مسکن مستقل برای همسر خود دارد یا خیر؟ هم‌چنین آیا زوج می‌تواند زوجه را مجبور به سکونت در منزلی بنماید که در آن مادر زوج سکونت داشته و برادران و خواهران زوج نیز با در دست داشتن کلید درب ورودی به کرّات به آن ورود و خروج دارند یا خیر؟ در این گونه موارد تکلیف زوجه چیست؟

(جواب): بسمه تعالی زن حق دارد مسکنی مطابق با شأن خود را از مرد مطالبه کند و اگر بودن با مادرشوهر و دیگران برایش مشقت بسیار دارد می‌تواند حق مسکن

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۲۵۳

مستقل خود را مطالبه نماید. مگر این که مرد نتواند؛ که در این صورت باید بعداً جبران کند.

سؤال ٦٨٦: مرد مسکنی را برای زن فراهم کرده و البته حق تعیین مسکن هم با زن نبوده اثاث البیت هم در خانه مهیاست و سایر مصادیق انفاق را از قبیل غذا و البسه و هزینه‌های دارویی و درمانی را هم حاضر است فراهم نماید ولی زن از دریافت آن خودداری و خواهان دریافت وجه نقدی است. می‌خواستم بدانم که شرعاًزن‌چنین‌حقی دارد در حالی که مصادیق نفقه مثلی است آیا زن می‌تواند قیمت آن‌ها را مطالبه نماید؟

(جواب): بسمه تعالی زن حق اصرار بر نقد ندارد، اجناس نفقه کافی است.

سؤال ٦٨٧: اینجانبه به مدت هشت سال می‌باشد که به عقد دائم و رسمی شخصی با اختلاف سنی ١٤ سال درآمده‌ام. در زمان عقد به صورت شفاهی و در حضور شهود مقرر شد بعد از یك سال مرا به خانه‌ی مشترك ببرد ولیکن متأسفانه تا کنون هیچ اقدامی به عمل نیاورده است. و ریش سفیدانی از فامیل و آشنایان با زوج صحبت نموده‌اند و لیکن ایشان که فردی لاابالی می‌باشد، هیچ اقدامی جهت شروع زندگی مشترك انجام نمی‌دهد و حاضر به طلاق نیز نمی‌باشد و اخیراً اظهار داشته، در صورتی که ٢٣ مهریه‌ات را ببخشی، هر زمانی که توانستم، تو را به خانه‌ی بخت می‌برم و مرا مورد تمسخر قرار می‌دهد. حالیه در صورتی که توصیفات فوق محقق باشد و هیچ‌گونه

ایراد و مشکل از ناحیه‌ی زوجه نباشد و زوجه به دلیل رفتار زوج دچار سردرگمی و نگرانی از آینده زندگی خود شده باشد، آیا از موارد عسر و حرج محسوب می‌شود یا خیر؟

(جواب): بسمه تعالی مسلماً مصداق عسر و حرج می‌باشد، ضمناً نیاز به اثبات عسر و حرج هم نیست، شوهر باید نفقه بدهد و از جمله مسکن ملکی یا اجاره‌ای متناسب با شؤون همسر می‌باشد. بنابر این شکایت کنید و دادگاه او را ملزم به پرداخت مهر و نفقه و زندگی و یا طلاق می‌کند.

سؤال ٦٨٨: ۱. اگر زوجی به کلیه تکالیف در امر ازدواج و کلیه وظایف شروط ضمن عقد نسبت به زوجه خصوصاً نفقه، کاملاً عمل نماید و حتی به طور اقساط طبق قانون، در حال پرداخت مهریه زوجه نیز باشد، اما زوجه با وجود مهیا بودن کلیه وسایل و امکانات رفاهی، بدون دلیل موجه از تمکین از زوج استنکاف نماید و نشوز زوجه نیز

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۲۵۴

کاملاً قطعی و محرز شود آیا صرفاً به دلیل وجود اختلاف و تشکیل پرونده‌های قبلی که آن هم فقط از طرف زوجه بوده و صرفاً به خواسته‌ی نفقه و مهریه‌ای بوده که زوج نیز کلیه موارد را طبق قانون اجرا و پرداخت نموده و پرونده مختومه گردیده است و زوج نیز به همسرش کاملاً علاقه‌مند باشد و حاضر به طلاق زوجه نباشد آیا صرفاً موارد فوق دلیلی بر عسر و حرج زوجه می‌باشد یا خیر؟

(جواب): بسمه تعالی این مورد، از باب عسر و حرج نمی‌باشد.

حقوق والدین

سؤال ٦٨٩: اگر دختری رشیده (یعنی بالغ شرعی و عقلی) باشد و به علت رفتار تبعیضی والدین، بخواهد با برادرش زندگی کند آیا حق این انتخاب را دارد؟

(جواب): بسمه تعالی اطاعت واجب نیست، لیکن اگر منجر به عقوق و قهر و جدایی شود حرام است، ایذاء والدین نیز جایز نیست، اگر با زبان چرب و نرم جلو شدت ناراحتی گرفته شود، می تواند کار خود را انجام دهد، و با زبان عذر و نرمش و محبت، مصداق «معاشرت بالمعروف» که هم در قرآن سفارش شده، باشد.

احکام تلقیح

سؤال ٦٩٠: خانمی است که تخمکش به هیچ وجه فعال نمی‌شود. آیا می توان تخمک فعال خانم دیگری را پرورش داد و به اسپرم شوهر این خانم که تخمکش فعال نمی‌شود اضافه نموده و در رحم این خانم قرار داد؟

(جواب): بسمه تعالی دلیلی بر حرمت این کار نداریم، گرچه ذوق فقهی آن را اجازه‌نمی‌دهد، لیکن‌چون‌دلیل واضحی بر حرمت نداریم، علی القاعده جایز می‌باشد.

سؤال ٦٩١: آیا تلقیح نطفه مردی که در زمان حیات وی گرفته شده است، بعد از مرگش به زوجه‌اش جایز است؟

(جواب): بسمه تعالی ظاهراً زوجیت منقطع شده، خصوصاً پس از عده‌ی وفات، بنابراین اجنبی حساب می‌شود.

سؤال ٦٩٢: در صورت عدم جواز، آیا رضایت قبلی زوج و توصیه وی به این عمل، انجام این عمل را جایز می‌نماید؟

(جواب): بسمه تعالی دخالت ندارد و جایز است.

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــــــ

است.

سؤال ۷۰۱: آیا مرد می تواند زن نامحرم و بالعکس را جهت فیلم سازی و بازیگری گریم نماید؟

(جواب): بسمه تعالی جایز نیست.

احکام بحث تغییر جنسیت

سؤال ۷۰۲: حکم تغییر جنسیت قبل و بعد از ازدواج چیست؟

(جواب): بسمه تعالی به نظر اینجانب قبل از ازدواج اشکال ندارد. البته اگر این کار ممکن باشد، ظاهراً در صورتی ممکن است که در باطن لوازم زنانه یا مردانه (جنس مخالف خود) را داشته باشد که از اختلالات هورمونی تشخیص داده می‌شود.

احکام طلاق و عدّه

سؤال ۷۰۳: الف) اگر زوج تقاضای طلاق همسرش را از دادگاه درخواست نماید، و گواهی عدم امکان سازش جهت اجرای صیغه طلاق از طرف دادگاه صادر گردد و سپس شوهر قبل از اجرای صیغه طلاق به عللی از انجام این کار منصرف شود و به دادگاه اعلام نماید که حاضر به طلاق دادن همسرش نیست، و زن اصرار به گرفتن طلاق نماید. حال طبق گواهی عدم سازش صادر شده و با توجه به مراتب فوق و این که عسر و حرج زن برای دادگاه ثابت نشده باشد، و دادگاه یا زن وکالت در طلاق را از مرد نداشته باشد؛ آیا دادگاه به عنوان ولی ممتنع از طرف شوهر می تواند صیغه طلاق را اجراء و دستور ثبت آن را بدهد؟ و با توجه به این که مرد هم اکنون راضی به طلاق دادن همسرش نیست و

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۲۵۷

نظر به حدیث «الطلاق بید من اخذ بالساق»، آیا این طلاق صحیح است؟ و آیا این زن می تواند شوهر دیگری انتخاب نماید؟

ب) اگر عسر و حرج زن مطرح باشد، الزاماً باید ایشان تقاضای طلاق نماید در صورتی که در فرض سؤال چنین بوده که مرد متقاضی طلاق بوده و بعد از صدور گواهی عدم سازش و قبل از اجرای صیغه طلاق، از این کار منصرف شده و دادگاه را نیز از این قصد خود مطلع نموده ولی دادگاه به دلایلی اشتباه نموده و صیغه طلاق را جاری ساخته و نه عسر و حرج زن مطرح بوده و نه وکالتی از طرف مرد داشته، و هم اکنون مرد راضی به طلاق همسرش نیست. آیا این طلاق صحیح است؟ و آیا این زن هم اکنون می تواند شوهر دیگری انتخاب نماید؟

(جواب): بسمه تعالی الف) اختیار طلاق با مرد است و اگر منصرف شده است طلاق واقع نمی‌شود. لیکن اگر زن تقاضای طلاق دارد و دلیل موجهی برای آن دارد و دادگاه تشخیص دهد که مورد از مواردی است که حق طلاق وکالتاً یا با ولایت دادگاه دارد، می تواند طلاق به وسیله دادگاه صادر شود با نظر مجتهد جامع الشرائط یا منصوب از طرف او.

ب) فرقی نمی‌کند اگر زن در عسر و حرج است می تواند تقاضای طلاق کند و دادگاه بررسی نماید.

سؤال ۷۰٤: اینجانب با مردی به صورت عقد غیر حضوری ازدواج کردم. لکن بعد از عقد و گرفتن آزمایش مشخص شد که ایشان معتاد است. بعد از این جریان ایشان به بنده اعلام کرد که به جواب آزمایش اعتناء نکنم و به زندگی

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــ

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۲۵۸

مشهد هم وکالت می‌دهم که صیغه‌ی طلاق هم جاری نماید. گرچه فقها می‌گویند پس از رجوع به حاکم شرع باید چهار سال صبر نمود، لیکن نظر اینجانب همه جا این‌طور نیست.

سؤال ۷۰۵: اینجانب با دختری که با من به تدلیس روبرو شدند، عقد دائم بسته‌ام.

البته قبل از عقد من متوجه تدلیس آن‌ها شدم، ولی آن‌ها اظهار کردند که شما در مورد دختر ما اشتباه می‌کنید، و امتناع از عقد باعث آبروریزی می‌شود و بنده هم به جهت این که ممکن است اشتباه کرده باشم و حقی ضایع شود آن دختر را به عقد خود درآوردم. و اکنون تدلیس آن دختر روشن شده و بنده قصد طلاق دادن او را دارم و با توجه به این که استطاعت مالی ندارم درخواست کرده‌ام که مهریه را به صورت اقساط پرداخت نمایم، ولی طرف مقابل در نظر دارد که مهریه را نقدا دریافت نموده و در غیر این صورت بنده را به زندان بفرستد. اکنون وظیفه ما چیست؟

(جواب): بسمه تعالی ۱- در صورت تدلیس، اگر دختر تدلیس کرده، شما فوراً پس از اطلاع، می توانید عقد نکاح را فسخ نموده، مهر هم ندارد. و اگر دیگری چون پدر و مادر و غیرهما تدلیس کرده‌اند، حق دارید پس از فسخ عقد و ادای مهر به دختر، مهر را از تدلیس کننده بگیرید.

۲- اگر مهر را بدهکار هستید- آن‌جا که تدلیس نیست و یا شما راضی شده اید- وقتی قدرت ادا ندارید، باید تقسیط شود.

سؤال ۷۰۶: زن و شوهری اختلاف دارند. زن طلاق می‌خواهد، ولی مرد از زن می‌خواهد که به زندگی مشترك ادامه دهد. زن شرط ادامه زندگی مشترك را داشتن وکالت در طلاق قرار می‌دهد. مرد بدون قصد انشا و به قصد ادامه زندگی مشترك به زن وکالت می‌دهد. و زن پس از گذشت ده ماه، با این وکالت با این که می‌داند که مرد راضی به طلاق نیست خود را مطلقه می‌کند. حال طلاق از نظر قانونی تحقق یافته است، ولی مرد مدعی است که راضی به طلاق زن خود نبوده و از نظر شرعی طلاق تحقق نیافته است. نظر حضرتعالی در این خصوص چیست؟

(جواب): بسمه تعالی ثبوتاً اگر از وکالت برگشته‌اید یا اساساً قصد نداشته‌اید وکالت باطل است؛ لیکن اثباتاً و از نظر حکم دادگاهی و ظاهری و با وجود امضاء شما

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۲۵۹

در وکالت، این پذیرفته نیست که قصد نداشته‌اید؛ لیکن به هر حال وکالت عقد جایز است، می توانستید اگر هم او را

وکیل کرده‌اید او را از وکالت عزل کنید.

سؤال ۷۰۷: اگر در سند نکاح نامه در شرط ضمن عقد ذکر شده باشد، زوج بدون اجازه‌ی زوجه حق ازدواج مجدد ندارد، آیا در صورت تحقق این امر توسط زوج در غالب عقد موقت نکاح از جمله شروط ضمن طلاق می‌باشد، و زوجه حق طلاق دارد یا خیر؟

(جواب): بسمه تعالی با این صورت مزبور، شرط مذکور باطل است و زوج حق دارد و زوجه حق طلاق ندارد. و از نظر ما می تواند این‌طور شرط کند: از حق خود در ازدواج (دائم یا موقت) استفاده نکند، آن وقت اگر استفاده کرد، چون خلاف شرط عمل کرده خلاف شرع کرده؛ لیکن باز هم ازدواج مجدد او صحیح است. و حق طلاق هم به زوجه در این عبارت داده نشده است.

سؤال ۷۰۸: با توجه به این که همه فقها معتقد به عوض و معوض بودن بضع و مهر هستند چرا اگر مردی حتی پس از یك لحظه بخواهد زن را طلاق دهد باید نصف مهر را بدهد در حالی که هیچ استمتاعی در کار نبوده، و چگونه می توان صداق و بضع را عوض تلقی کرد در حالی که استمتاع جنسی کاملاً دو طرفه است؟

(جواب): بسمه تعالی تعبیر عوض و معوض در روایات وجود ندارد. و اساساً ازدواج ماهیت معاوضه را ندارد. ازدواج یکی شدن دو نفر است نه جابجایی.

سؤال ۷۰۹: در صورتی که بین زن و شوهری فقط دُبراً دخول صورت گرفته باشد و از قُبل (فرج) دخول صورت نگرفته باشد و طلاق واقع شود آیا زوجه مستحق تمام مهریه است یا نصف آن؟

(جواب): بسمه تعالی آری مستحق تمام مهریه است.

سؤال ۷۱۰: چنان‌چه زوج و زوجه هر دو از اهل سنّت باشند و زوج طبق آیین خویش زوجه را در مجلس واحد، سه طلاقه نماید و سپس زوج مستبصر (شیعه) شود.

آیا می تواند به زوجه رجوع کند و آن طلاق باطل است؟

(جواب): بسمه تعالی به نظر می‌رسد که قاعده‌ی الزام مادامی باشد، بنابراین وقتی شیعه شد و حقیقت حکم هم برایش روشن شد دیگر در رجوع مشکلی ندارد.

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۲۶۰

قاعده هم این را اقتضا می‌کند. زیرا با تشیع او کشف خلاف شده است در همین حکم هم. و نیز قاعده الزام امتنانی است و این که نتواند رجوع کند خلاف امتنان است.

سؤال ۷۱۱: احتراماً معروض می‌دارد که یکی از موکلین اینجانب در طول دوران زندگی مشترك با شوهر خود اقدام به بذل مهریه به شوهر خویش نموده است و با حضور در دفترخانه اسناد رسمی، بذل مهریه در سند ازدواج نیز این موضوع به صراحت قید گردیده است.

این سؤال مطرح است که اولاً موکله اینجانب برای تداوم زندگی مشترك این اقدام را انجام داده در حالی که شوهر مشارالیها با این ترفند قصد طلاق موکله و نیت عدم پرداخت مهریه را داشته و در حال حاضر نیز حکم گواهی عدم امکان سازش صادر گردیده است و حق و حقوق موکله تضییع گردیده است و شهودی نیز دارند که بذل مهریه در ازاء بنام کردن خانه مسکونی بوده که چنین اقدامی انجام نداده‌اند. با توجه به نیت و ترفند قبلی این امر چه حکمی

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــــــ

آیا زوج می تواند از زوجه تقاضا کند که در منزل مشترکشان از وی تمکین نماید؟

(جواب): بسمه تعالی آری تا طلاق محقق نشده، حق درخواست تمکین دارد.

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۲۶۲

سؤال ۷۱۷: اینجانب از زوج خود طلاق گرفته و تمامی حق و حقوق خود اعم از مهریه و نفقه و غیره را به زوج خود بذل نمودم. و طلاق خلع در دفتر خانه به ثبت رسید.

در ایام عده به علت مزاحمت پی در پی و بی‌جا درخواست مهریه کردم و قبل از اخذ مهریه مجدداً اعلام نمودم که من حق و حقوق خود را نمی‌خواهم، و نمی‌خواهم به زوج خود رجوع کنم و در دفتر خانه به ثبت رسیده که من دوباره از گرفتن مهریه منصرف و پشیمانم. در ضمن زوج در ایام عده هیچ مقدار از مهریه را پرداخت نکرد. حالا الف) آیا طبق شرع رجوع ما ثابت شده یا نه؟ ب) آیا طلاق نامه ثابت است؟

(جواب): بسمه تعالی الف) به محض رجوع در بذل، طلاق رجعی می‌شود هر چند بعداً از رجوع خود پشیمان شود. البته باید رجوع در بذل را به شوهر اطلاع داده باشد. و اگر مرد رجوع کرد ازدواج باقی می‌ماند و اگر مرد تا پایان عده رجوع نکرد طلاق باقی است.

ب) اگر زن در عده، ازدواج جدید کند حرام و باطل است و اگر عروسی شود حرام ابدی بر مرد جدید می‌شود هر چند مسأله را نداند.

سؤال ۷۱۸: اینجانب با خانمی ازدواج نمودم و از جمله شرایط ضمن عقد، وکالت زوج به زوجه جهت طلاق بود، که هر وقت مصلحت دید خود را مطلقه نماید. ایشان بعد از مدتی می‌خواست طلاق بگیرد که قاضی به زوجه اعلام نمود، که طلاق رجعی است و زوج می تواند رجوع نماید، لذا زوجه موقتاً منصرف گردید و شش ماه بعد با بذل هشتاد درصد از مهریه، خواستار طلاق خلع گردید که طلاق رسمی و محضری انجام شد ولی طلاق شرعی به واسطه شهادت دروغ ایشان در مورد یکی از شرایط صحت طلاق که زوجین نباید پس از پاك شدن زوجه از حیض نزدیکی کرده باشند به اعتراف خود زوجه باطل گردید. لذا محرمیت ما، ماه‌های بعد نیز ادامه یافت. اخیراً زوجه پس از نه ماه رابطه محرمیت، مجدداً بدون اطلاع من به صورت وکالتی خود را از نظر شرعی مطلقه نموده است و بنده به محض اطلاع اعلام رجوع نمودم ولی زوجه معتقد است که بنده حق رجوع ندارم. لذا از حضرتعالی استدعا دارم در این مورد حکم شرع مقدس را اعلام فرمایید.

(جواب): بسمه تعالی اگر از وکالت قبلی عزل نشده باشد و این طلاق دوم خلع باشد یعنی زن بذل مهر نماید و قبول شما هم نسبت به بذل باشد، در این صورت خلع

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۲۶۳

محقق شده و شما حق رجوع ندارید. رجوع از وکالت پس از عمل زوجه به مورد وکالت اثری ندارد. اگر قبلا عزل کرده باشید وکالت باطل شده و اعلام رجوع اثر دارد.

به هر حال: الف) اگر از وکالت قبلی، پیش از عمل به وکالت عزل شده باشد و اعلام شود، نمی تواند طلاق بدهد.

ب) اگر از قبول بذل قبلی، منصرف شده باشید و این بذل جدید را هم قبول نکرده باشید طلاق خلع نمی‌شود. ج)

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــــــ

سؤال ۷۲۳: آیا در فقه ما این قابلیت وجود دارد، که بتوان حق مطلق مردان را در طلاق محدود کرد چون الآن به کرات مشاهده می‌شود که زنان جهت برخورداری از حقوق برابر اقدام به دریافت حق مطلق در طلاق از مردان می‌نمایند و این رویه رو به گسترش است که به دلیل غلبه احساسات و عواطف بر زنان موجب افزایش آمار طلاق شده است و با توجه به این که خانواده واحد بنیادی و رکن اساسی جامعه بوده و انحلال آن قطعاً لطمات شدیدی بر پیکره جامعه اسلامی وارد خواهد آورد، و امر کاملاً شخصی نیست به لحاظ شرعی اگر ما بخواهیم از بین دو امر (محدود کردن حدود طلاق و منطقی

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۲۶۵

کردن آن) و (دادن حق مطلق در طلاق برای زنان)، یکی را انتخاب کنیم؛ کدام یك با شرع ما تطابق و هم‌خوانی بیش تری دارد، و پذیرش آن به صواب نزدیك تر است؟

(جواب): بسمه تعالی اساساً طلاق به دست مرد است، لیکن مبغوض و منفی ترین کارهای حلال است، ضمناً اگر میلی میان دو نفر نباشد به زور که فایده‌ای ندارد.

سؤال ۷۲٤: اگر زن از شوهر طلاق خلع گرفته باشد، آیا شوهر می تواند رجوع کند، اگر رجوع کرد آیا برای دوباره طلاق گرفتن احتیاج به خواندن صیغه مجدد برای طلاق است.

(جواب): بسمه تعالی ۱- رجوع شوهر در صورتی است که زن رجوع در بذل مهر کند. ۲- طلاق مجدد صیغه می‌خواهد با شرایط آن.

سؤال ۷۲۵: هرگاه دختری که در عقد دائم زوجیت ولی در دوران نامزدی است، و بخواهد قبل از عروسی و دخول، طلاق بگیرد، حکم مهریه در سه صورت ذیل چیست؟

الف) درخواست طلاق از ناحیه‌ی دختر بوده و دلیل او سوء ظن و بدبینی شوهر و عدم امکان زندگی با او در آینده است.

ب) درخواست طلاق از ناحیه‌ی مرد بوده و دلیل وی برای درخواست طلاق ادعای او در مورد تماس تلفنی داشتن دختر با دیگران قبل از نامزدی با اوست؛ در مورد اخیر بفرمایید؛ چنان چه ادعای شوهر صحیح باشد آیا دختر مستحق مهریه (نصف مهر) می باشد؟

ج) مردی زن خود را به ادعای این که در زمان قبل از ازدواج با وی، با دیگران ارتباط نامشروع داشته است، طلاق می‌دهد؛ بفرمایید آیا زن مستحق مهر می باشد؟

(جواب): بسمه تعالی ۱- می تواند از قسمتی از مهر خود گذشت نماید و تقاضای طلاق خلع کند که طلاق بائن است و می تواند هیچ گذشت ننموده و طلاق رجعی بخواهد که در این صورت شوهر می تواند در عده رجوع کند.

۲- نصف مهر را طلب دارد اگر عروسی نشده. یعنی طلاق موجب برگشت نیم دیگر مهر به شوهر است.

۳- اگر عروسی نشده نصف مهر را طلب دارد. یعنی طلاق موجب برگشت نیم دیگر مهر به شوهر است.

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۲۶۶

سؤال ۷۲٦: اینجانب یك خانم چهل ساله هستم که ۲٦ سال است ازدواج نموده و دارای پنج فرزند که یکی از آن‌ها

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــــــ

قبول نموده و با طلاق خلعی موافقت و حکم طلاق را صادر نماید؟

(جواب): بسمه تعالی قاضی حق ندارد با وجود زوج، قائم مقام او در قبول مهر یا مقداری از آن شود. با وجود انفاق زوج و حتی مهریه به اقساط.

سؤال ۷۳۲: وقتی قاضی بدون تحقیق در اطراف موضوع احراز عسر و حرج می‌نماید آیا به ولایت و قائم مقامی زوج به عنوان عسر و حرج با طلاق موافقت نماید؟ یا به ولایت و قائم مقامی زوج با بذل از مهریه از سوی زوجه با طلاق خلعی موافقت نماید؟

بدیهی است طلاق عسر و حرجی طلاقی رجعی بوده و طلاق خلعی طلاق بائن می‌باشد.

(جواب): بسمه تعالی به هیچ وجه حق این کار را ندارد.

سؤال ۷۳۳: خانمی یا دختری کراهتاً به عقد مردی درآمده، به اجبار پدر بعد از مدتی به علت اختلاف بدون طلاق از شوهر جدا بوده و به علت جهل به مسأله به اصرار مردی دیگر به عقد وی درمی‌آید و نزدیکی هم می‌نماید و چون به مرد دوم علاقه‌مند بوده از

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۲۶۸

شوهر اول طلاق می‌گیرد و قصد ازدواج با مرد دوم را دارد، مرد دوم در هنگام عقد اول از ذات بعل بودن زن خبر نداشته. لطفاً حکم صور فوق را بیان فرمایید.

(جواب): بسمه تعالی عقد اکراهی باطل است و بنابراین عقد اول باطل بوده و احتیاج به طلاق هم نبوده است و در آن صورت عقد دوم صحیح است، مگر این که پس از عقد اول راضی شده باشد و کراهت اصلی خود را هم قبلاً یعنی هنگام عقد، به عنوان ردّ عقد ابراز نکرده باشد، در آن صورت عقد اول صحیح و دومی باطل است و حرام ابدی!

طلاق خلع در غیر مدخوله

سؤال ۷۳٤: در طلاق خلع که زوجه مهر یا بیش‌تر یا کم‌تر از آن را بذل می‌کند آیا مدخوله بودن شرط است یا نه؟

(جواب): بسمه تعالی ظاهراً شرط نیست، ولی اگر خلع را مخصوص مواردی بدانیم که امکان رجوع باشد (پس از رجوع در بذل)، در غیر مدخوله امکان رجوع نیست. چنانکه بذل مهر به هر حال اثری هم ندارد زیرا به هر حال طلاق غیر مدخوله بائن است.

ازدواج با زن شوهردار

سؤال ۷۳۵: بنده با زنی به مدّت ۹۹ سال ازدواج کردم که پس از مدتی زندگی اشتراکی، باقی مدتش را بخشیدم و متارکه کردم. زن بعد از مدتی رجوع کرده و بنده به اتفاق زن به شهر مقدّس قم مسافرت کردیم و در حرم مطهر بی بی فاطمه علیهم السلام به آقای روحانی رهگذر مراجعه کردیم و عقد دائم بین بنده و زن جاری کرد، پس از مدتی زندگی با زن، بدون اطلاع منزل را ترك کرده و به جای نامعلوم رفته بود اخیراً پیدا کردم و اطلاع یافتم که زن با مرد دیگری ازدواج کرده است. بفرمایید آیا زن به بنده تعلق دارد و با مردی که ازدواج کرده، ازدواجشان باطل است یا خیر؟ و اینجانب شهود ندارم، نحوه‌ی اثبات زوجیّت را که چند فرزند از زن نیز دارم بیان فرمائید و این‌که آیا عدّه لازم است یا خیر؟

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــــــ

سؤال ۷۳۹: الف: اگر شرکت ساخت خودرو و یا شرکت‌های مشابه، در تولید خویش معیارهای استاندارد زیست محیطی را رعایت نکرده باشند، نحوه جبران و یا ترمیم خسارت به چه نحوی میسر است؟

ب: چگونه می توان مسؤولیت و ضمانت اشخاص را در عوامل زیست محیطی مطرح کرد؟

(جواب): بسمه تعالی الف: گرچه در اضرار به غیر، ضرر کم یا زیاد فرق نمی‌کند، لیکن نوعاً مردم در ضررهای جزئی اغماض می‌کنند. در غیر این صورت شرکت‌های مزبور و افرادی که از این گونه اجناس استفاده می‌کند و محیط را آلوده می‌سازند ضامن می‌باشند، مطالبات جامعه را ولیّ امر جامعه و دولتی که مورد تأیید اوست، أخذ می‌کنند. میزان محاسبه در این گونه امور کاملاً تخصصی است و چون میزان دقیقی به دست نمی‌آید، با حکم حکومتی غرامت معینی گرفته می‌شود.

ب: از مطلب بالا معلوم شد. شرکت‌ها و افراد ضامن آلودگی باید طبق حکم حکومتی پرداخت غرامت کنند. شرکت‌های خودروساز (فی المثل)، به ولیّ امر جامعه و دولتی که مورد تأیید اوست غرامت می‌دهند و او صرف اصلاح این امر جامعه می‌کند.

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۲۷۱

احکام شکار

سؤال ۷۴۰: خواهشمند است نظر خود را در ذیل نامه مرقوم فرمایید:

گسترش روز افزون آلودگی‌های زیست محیطی، تخریب زیستگاه و گسترش شهرها و صدها عامل دیگر باعث شده است محیط زیست ما با سرعت شدید رو به انحطاط گذارد. در این بین یکی از سرمایه‌های ارزشمندی که در حال نابودی است و میراثی است گرانبها که به عنوان امانت در دستان ماست، یعنی حیات وحش، نیز مصون از این ناملایمات نیست. عوامل انسانی نظیر تخریب زیستگاه‌ها، شکار غیر قانونی و ...

تبعات بسیار شدیدتری از عوامل طبیعی مثل خشکسالی و ... بر جای می‌گذارد. شاید روزی فرا رسد که از آهوی ایرانی، قوچ و میش وحشی و ... جز نامی باقی نماند. و ما در برابر آیندگان چه جوابی خواهیم داشت. هم چنان که شیر ایرانی و ببر مازندران را از صحنه طبیعت گسترده ایران به ورطه نابودی کشیدیم. اینجانب از آیات عظام تقلید خواستارم در این باره قضاوت نماید که شکار گونه‌ای که تحت حمایت قانونی دولت می‌باشد و شکار آن، بدون مجوز جرم محسوب می‌شود از دیدگاه شرع مبین چگونه فعلی می‌باشد؟ آیا خوردن گوشت چنین شکاری حلال است؟

(جواب): بسمه تعالی خوردن گوشت مزبور حرام نیست، لیکن شکار کردن حیوان مزبور به حکم ولائی جایز نمی‌باشد.

سؤال ۷۴۱: شکار گونه‌ای که تحت حمایت قانونی دولت می‌باشد و شکار آن، بدون مجوز جرم محسوب می‌شود، از دیدگاه شرع مبین چگونه فعلی می‌باشد؟ آیا خوردن گوشت چنین شکاری حلال است؟

(جواب): بسمه تعالی اگر از نبود این حیوانات وحشی در رده‌ی اکوسیستم حیات، ضرری برای انسان‌ها داشته باشد، کشتن آن‌ها باید در چارچوب اکوسیستم حیات انسانی و منافع آن محدود شود اما خوردن گوشت حیوان حلال است.

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــــــ

عمومی اقدام گردد.

(جواب): بسمه تعالی کشت مواد مخدر و توزیع آن مسلماً به ضرر فرد و جامعه بوده و موجب انحطاط بلکه هلاك نسل خواهد بود و به هیچ وجه جایز نمی‌باشد.

سؤال ۷۴۷: فتوای معظم له در خصوص کشت، تولید، توزیع، حمل، فروش، تبلیغ و مصرف مواد مخدر سنتی و صناعی (روان‌گردان‌ها) چیست؟

(جواب): بسمه تعالی ۱- شکی نیست که مواد مخدر سنتی چون تریاك و هروئین و ... و صناعی چون انواع روانگردان‌ها از مصادیق روشن مواد مضرّه، و استعمال آن‌ها اضرار قطعی به سلامت جسم و روح می‌باشد.

۲- هر گونه استعمال که مضرّ به سلامت باشد حرام است و چون این‌گونه مواد غیر از اضرار به جسم و روحِ خود شخص، ضررهای زیادی برای جامعه، دارد حرمت آن بیش‌تر و آکد می‌باشد.

۳- بر همگان، اعم از دولت و ملت است که با کشت، تولید، توزیع، حمل، فروش، تبلیغ و مصرف آن‌ها به جدّ مبارزه کنند، تا این مواد خانمان برانداز، از خاندان بشری به طور عام محو شود.

٤- در مبارزه‌ی با این مواد باید راهی انتخاب شود که نتیجه‌اش نفع غیر مسلمین، و ضرر مسلمین (چون شهادت جوانان پاك ایران که نمونه انسان‌های والای بشریت هستند) و ضررهای مالی بیت‌المال مسلمین نباشد.

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۲۷۴

۵- شنیده‌ایم که برخی دولت‌ها، از جمله دولت امارات با حاملان مواد مخدر قراری دارد پنهانی، که بسته‌های مواد پس از اداء حق ترانزیت بالا، به شرط این که در امارات باز نشود اجازه عبور می‌دهد، و برای فروش و مصرف داخل مجازات بسیار سختی قائل شده، فکر کنید آیا این راه صحیح‌تر نیست؟

استعمال سیگار

سؤال ۷۴۸: استعمال سیگار از مصادیق اسراف مال است یا تبذیر؟

(جواب): بسمه تعالی ظاهراً تبذیر است. کم یا زیاد، (کار بد مصلحت آن است که مطلق نکنیم ...).

بیماران مواد مخدّر

سؤال ۷۴۹: آموزش و اطلاع رسانی یکی از اصول اولیه ارتقای بهداشت عمومی در جوامع انسانی است که اسلام نیز بدان تاکید ویژه دارد. از سوی دیگر روحانیون و ائمه جماعات به دلیل نقش ویژه‌ای که در جامعه دارند، می‌توانند در بحث آگاه‌سازی و اطلاع‌رسانی، به ویژه در مورد کاهش اعتیاد و تبعیضی که نسبت به افراد معتاد روا می‌گردد، کمك شایانی کنند. نظر حضرتعالی درباره بهره‌گیری از روحانیون و ائمه جماعات در امر آموزش و اطلاع رسانی پیرامون اعتیاد، خطرات آن و رفع تبعیض از افراد دچار بیماری اعتیاد چیست؟

(جواب): بسمه تعالی شك نیست که کمك به بیماران کاری پسندیده و مصداق حدیث «عون الضعیف صدقه» می‌باشد و بهترین کمك ارشادی به وسیله روحانیون متعهد و با معنویت انجام می‌شود.

سؤال ۷۵۰: با توجه به این‌که از نظر سازمان بهداشت جهانی و وزارت بهداشت، فرد معتاد بیمار محسوب می‌شود و در صورت تحت درمان‌های پزشکی قرار گرفتن طی دوره‌های درمانی ویژه، به مانند دیگر افراد جامعه به زندگی عادی برمی‌گردند، حکم شرعی این افراد چیست؟ آیا بیمار محسوب می‌شوند؟

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــــــ

سؤال ۷۵٤: آیا قاضی بدون دلایل و شواهد قطعی و شرعی و صرفاً به استناد علم خود که از طریق گواهی پزشکی قانونی بدست آمده، می تواند حد زنای به عنف (اعدام) علی رغم مجرد بودن طرفین و اعلام رضایت شاکیه صادر نماید؟

(جواب): بسمه تعالی ۱- به نظر اینجانب در حق الله- حدود شرعی- عمل قاضی به علم خود به هیچ وجه جایز نمی‌باشد، لیکن اگر عنف اثبات شود حق الناس است.

۲- با فرض مجرد بودن، اعدام معنی ندارد. هیچ فقیهی چنین حکم نمی‌کند. البته در غیر عنف.

۳- عنف در تجاوز باید اثبات شود. عنف حق الناس است، اگر هر کسی که به جای قاضی، پرونده را ببیند یقین می‌کند که عنف بوده، علم قاضی در این مورد، دلیل است، در حقیقت در این مورد علم قاضی تنها نیست، علم همگان است، اگر چنین، وضوح داشته باشد، عمل قاضی به علم خود صحیح است.

٤- گواهی پزشکی در اثبات عنف، امری تخصصی است که خود گواهان پزشك بهتر می توانند نظر قطعی بدهند و در اختیار قاضی قرار دهند.

سؤال ۷۵۵: بر اساس نظر مشهور فقهاء، هر گاه سارق قبل از شکایت مسروق منه، مال مسروقه را تحت ید مالك قرار دهد و به وی برگرداند، حدّ سرقت ساقط می‌شود.

لطفاً بفرمایید: آیا در سرقت‌های موجب تعزیر، اختلاس، کلاهبرداری و امثال آن نیز، این حکم جاری است و تعزیر منتفی می‌شود، یا این حکم مختصّ سرقت حدّی است؟

(جواب): بسمه تعالی ظاهراً تعزیر هم همانند حدّ ساقط می‌شود، لیکن از نظر

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۲۷۷

جنبه‌ی اجتماعی جنایت و برای تنبیه دیگران که دست به چنین کاری نزنند، شاید در حدّ و تعزیر هر دو، حق مقداری تعزیر برای حاکم شرع ثابت باشد.

سؤال ۷۵٦: با توجه به عبارت فقها که می‌فرمایند مجازات زنا با محارم و زنای به عنف و اکراه قتل است و فرقی بین محصن و غیر محصن نیست و با عنایت به این که مجازات رجم سخت تر از مجازات قتل است بفرمایید: ۱- چرا زانی محصن که مرتکب زنای به عنف یا زنای با محارم شده رجماً کشته نمی‌شود؟ در حالی که اگر زنا با عنف یا با محارم نبود رجم می‌گردید؟ (به خصوص در آن جا که جرم با بینه اثبات شده است).

۲- با توجه به این که به اجماع فقها در صورتی که شیخ یا شیخه محصن مرتکب زنا شوند، علاوه بر رجم صد ضربه شلاق نیز جاری می‌گردد، در فرض زنای با محارم یا به عنف، اگر زانی محصن پیر مرد باشد؛ آیا قبل از قتل صد ضربه شلاق بر وی جاری می‌شود؟ اگر جواب منفی است، چه توجیهی دارد؟

(جواب): بسمه تعالی ۱- اینجانب فکر می‌کنم رجم اعمّ از قتل است، ممکن است رجم شود و کشته نشود. چون در روایات رجم روایت معتبری دالّ بر این که «بزنید تا بمیرد» نیافتم. داریم که زدند و او مرد، اما باید بزنید تا بمیرد در روایت معتبری نیافتم.

در روایت مستدرك هست که سند ندارد، بنابراین ممکن است با سنگ‌های کوچك بزنند تا زیر سنگ‌ها پنهان شود لیکن تصادفاً زنده بماند و پس از رفتن مردم بیرون بیاید، دستور رجم برای مرتبه‌ی دوم نداریم، ولی به فرض که

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــــــ

در مقدار زاید، قصاص به دیه

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۲۷۹

تبدیل می‌شود؟ و در صورت جریان قصاص، در مجموع آیا باید دزد، دیه دست را به مقداری که باید در حد سرقت از او قطع می‌شد، به جانی پرداخت کند یا خیر؟

(جواب): بسمه تعالی ۱- اگر به همان اندازه که مهدور است قطع کند، گرچه گناه کرده، لیکن قصاص ندارد. تعزیر دارد. ۲- اگر بیش از اندازه قطع کرده دیه مقدار زاید را باید بدهد (ارش). ۳- اگر کم‌تر از اندازه قطع کرده، مورد تأمل است، که آیا برای این که مجدداً زجر نکشد به همان اندازه کفایت شود یا هرچند به وسیله‌ای که زجر اضافه نکشد، باید تتمه قطع شود. لیکن این مربوط به وظیفه حاکم است. اما جانی گناه کرده و حق تعزیر دارد؛ لیکن قصاص ندارد.

سؤال ۷۶۲: چنان‌چه شخصی به کسی اظهار دارد که تو فرزند فلانی (زید) نیستی. آیا دراین صورت حدّ قذف ثابت است؟ در صورت ثبوت، حق چه کسی (مادر یا ...) است؟

(جواب): بسمه تعالی ظاهراً معنای جمله روشن است که به مادر او نسبت زنا می‌دهد، پس حدّ قذف دارد. و مادر او می تواند مطالبه حق کند. لیکن اگر احتمال اراده‌ی اکراه کند نه زنای اختیاری، در این صورت اگر چه به مادر او توهین کرده است و تعزیر دارد لیکن حدّ ثابت نیست. و گاهی هم منظور این است که ارث اخلاقی از پدر نداری. اگر احتمال این‌ها- اکراه یا نفی ارث اخلاقی و عملی- و مانند این‌ها باشد، حدّ قذف ثابت نیست.

سؤال ۷۶۳: دیده شده که در مواردی کودکان، به ویژه دختران، از سوی والدین و خواهران و برادران، بستگان و فامیل مورد آزار و اذیت جنسی قرار گرفته و پس از انجام دادن این عمل وقیح، با تهدید آنان را مجبور به سکوت می‌کنند. حتی دیده شده این اعمال مدت‌ها ادامه داشته و پس از آشکار شدن، والدین به خاطر ترس از فاعل این اعمال شنیع، از شکایت صرف‌نظر می‌کنند. در برخی موارد نیز والدین در دادگاه فاعل این اعمال شنیع را بخشیده و رضایت می‌دهند. در این صورت نه تنها فاعل کار تنبیه نمی‌شود بلکه ممکن است در آینده نیز مجدداً به این کار دست بزند. از سوی دیگر، به دلیل این‌گونه آزارها، آینده این کودکان تباه شده و تصویر ناخوشایندی از جنس مرد یا زن در ذهن آنان نقش می‌بندد. از نظر حضرتعالی آیا والدین مجازند که

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۲۸۰

انجام دهندگان این فعل حرام را ببخشند؟

(جواب): بسمه تعالی ۱- عمل قبیح مزبور مسلماً حرام است و مستلزم عذاب الهی می‌گردد، مگر این که توبه شود و با محبت‌های عقلانی ضرباتی که به روحیه طفل وارد آمده، جبران شود.

۲- اولیای طفل و اولیاء امور باید حساسیت زیادی روی این‌گونه امور نشان دهند، و از طرفی تبلیغات ارشادی رسانه‌ها باید روی امثال این امور زیاد مانور دهند تا ریشه‌ی این‌گونه اعمال کنده شده و این‌گونه افراد هم اصلاح شوند. ۳- این گونه جنایت‌ها غیر از جنبه‌ی جنایت شخصی، جنبه‌ی عمومی جرم که ضرر امنیتی و اخلاقی بر کل جامعه می‌باشد، باید مورد توجه باشد و صرف گذشت شخصی، برای رهایی جانی کافی نیست.

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــــــ

شهادتی معتبر است؟

۲- آیا همان‌گونه که شاهد در زنا باید صریحاً چگونگی زنا را شهادت دهد که مثلاً «کالمیل فی المکحلة» بوده است، بفرمایید؛ الف) آیا در لواط نیز شاهد باید به همان نحو جزئیات را بیان کند؟ ب) آیا در تفخیذ و مساحقة نیز باید جزئیات را بیان کند؟

(جواب): بسمه تعالی ۱- در حق الله، علم قاضی کافی نیست، در حق الناس اگر پرونده طوری است که برای هر کسی موجب علم باشد کافی است.

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۲۸۲

۲- به هر حال باید مورد شهادت که عمل لواط می‌باشد ثابت شود و بدون یقین به جزئیات ثابت نمی‌شود. ۳- در تفخیذ و مساحقة هم باید این عناوین به اثبات برسد.

و بدون یقین به جزئیات ثابت نمی‌شود.

احکام ارش و تعزیرات

سؤال ۷۷۱: با توجه به آیه شریفه «فمن اعتدی علیکم فاعتدوا علیه بمثل ما اعتدی علیکم» بفرمایید؛ الف) اگر در مهد کودك موهای پسری را عمداً و بدون ضرورت و بدون اذن پدرش کوتاه کرده باشند و این کوتاهی در حدی نباشد که موجب نقص گردد، آیا قصاص دارد؟ ب) اگر بر روی دست کسی عمداً و بدون اجازه با خودکار نقاشی کرده‌اند، آیا قصاص دارد یا نه؟

(جواب): بسمه تعالی الف) گرچه آیه کریمه عموم و اطلاق دارد؛ و اختصاص به قصاص و یا خصوص قصاص نفس و اطراف ندارد، لیکن قدر مسلّم معنای آیه، مورد قصاص نفس و اعضا- اطراف- می‌باشد. بنابراین در مثال بالا فقط موجب ارش می‌شود. ب) اگر خسارتی وارد شده باید بپردازد. البته حرمت تکلیفی در این مورد و فرع بالا، هر دو ثابت است.

سؤال ۷۷۲: ضربه‌ای بر شخصی وارد شده است، لیکن اثری بر جای نگذاشته، آیا این مورد از موارد ارش است؟

(جواب): بسمه تعالی ارش ندارد، تعزیر دارد.

سؤال ۷۷۳: کوبیدگی استخوان‌های سر و صورت دیه دارد یا ارش؟

(جواب): بسمه تعالی ارش دارد.

سؤال ۷۷٤: ۱- اگر شخصی، دندان دیگری را لق کند و دندان لق شده قابل درمان باشد و قصاص به همان اندازه ممکن باشد، آیا قصاص جاری می‌شود؟ ۲- در صورتی که دندان لق شده در حکم دندان فاسد باشد و باید توسط پزشك کنده شود، آیا قصاص جاری است، و در فرض جریان قصاص آیا برای قصاص آن، دندان جانی به همان صورت لق می‌گردد یا کنده می‌شود؟

(جواب): بسمه تعالی ۱- عملاً امکان ندارد و به فرض ممکن باشد چون نادر است مبنای حکم شرعی قانونی واقع نمی‌شود و باید به حکومت (ارش) عمل شود.

۲- این هم قابل قصاص نیست.

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــــــ

(جواب): بسمه تعالی کسی تا کنون، این مطلب را به عنوان فتوی نگفته است لیکن شاید چون فقه حکومتی مطرح نبوده است به نظر ما دلیل «التعزیر دون الحدّ» مربوط به شلاق است، ولی مفهوم تعزیر، عام است و شامل حبس هم می‌شود و مقدار حبس منوط به نظر حاکم شرع است.

سؤال ۷۸۱: ماهیت حبس ابد در ممسك، آیا حدی است یا تعزیری یا قسم ثالث است؟

(جواب): بسمه تعالی در دلیل مسأله چیزی در این باره ذکر نشده است لیکن چون شرعاً معین شده شاید به مفهوم حدّ نزدیك تر است.

سؤال ۷۸۲: هرگاه قاتل از عمل به خصال کفارات، امتناع ورزد ضمانت اجرای آن چیست؟ آیا حاکم می تواند وی را حبس یا تعزیر نماید؟

(جواب): بسمه تعالی با توجه به این که حاکم شرع ولایت بر جامعه در اجراء احکام الهی دارد و کفاره‌ی قتل هم از متفرعات موضوع قتل است و قتل یك مسأله‌ی فردی و اجتماعی است، به نظر اینجانب حق تعزیر ثابت است، هرچند در همه‌ی تکالیف قائل به تعزیر نباشیم.

تجاوز به عنف

سؤال ۷۸۳: ۱- اگر شخصی وارد خانه دیگری شود و به عنف به همسر، دختر و پسر او تجاوز (زنا و لواط) کند و در حین تجاوز، یکی از آنان را نیز قذف کند و سپس قبل از اقامه بیّنه توبه کند، حکم چنین متجاوزی چیست؟

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۲۸۵

۲- آیا زنای به عنف و لواط به عنف فقط حق الله است یا از آن جهت که بزهکار عرض دیگری را به زور هتك کرده و هتك آن اشدّ از هتك به قذف است، علاوه بر داشتن جنبه حق الهی دارای جنبه حق النّاسی نیز می‌باشد و علی هذا آیا می توان گفت حدود بر سه قسم است: الف) حدودی که فقط حق الله است مانند حد لواط و زنای به رضایت طرفین که بدون توبه علی ایّ حال حد آن جاری است و با توبه قبل از اقامه بیّنه نیز حد آن ساقط است. ب) حدودی که فقط حق الناس است یا جنبه حق الناسی آن در شریعت غلبه داده شده است مانند حد قذف یا حد ممسك (کسی که یکی را بگیرد که دیگری بر او جنایت کند) که اجرا و عدم اجرای آن دایر مدار درخواست و گذشت بزه دیده است و توبه و عدم توبه در ثبوت و سقوط آن نقشی ندارد. ج) حدودی که هم حق الله و هم حق الناس است و این دو حق در عَرض هم برای این حدود ثابت است مانند حد زنای به عنف و حدّ لواط به عنف و لذا عدم اجرای آن منوط به توبه‌ی قبل از اقامه‌ی بیّنه به اضافه‌ی گذشت بزه دیده است و در غیر این صورت (/ عدم توبه یا عدم گذشت بزه دیده) این حدود جاری است؟ ۳- اگر تجاوز به عنف (زنای به عنف و لواط به عنف و مانند آن) در نظر حضرتعالی فقط حق الله است و علی ایّ حال با توبه‌ی جانی قبل از اقامه‌ی بیّنه، حد آن ساقط می‌شود، آیا حکومت اسلامی می تواند به جهت هتك حرمت و هتك عرض مؤمن و ایذای او توسط جانی یا به جهت جلوگیری از اختلال در نظم جامعه برای این موارد در فرض توبه‌ی جانی تعزیر قرار دهد؟

(جواب): بسمه تعالی به نظر می‌رسد اطلاق ادله توبه نسبت به اعدام جانی، ثابت است و اعدام نمی‌شود لیکن به خاطر ایذاء و عنف نسبت به مجنی علیه تعزیر می‌شود و با نظر حاکم به خاطر عنف ممکن است اشدّ تعزیر رعایت شود. و این جهت حق الناسی این جرم است و صحیح است که جرم سه گونه است جهت حق الناسی این‌گونه

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــــــ

جایز نیست، اما ضمان مالی ندارد. و پزشك هم كه بنا به خواست زن انجام می‌دهد ضمان مالی ندارد. لیكن اگر به استمتاعات مرد صدمه می‌زند باید با رضایت مرد، عمل كنند.

سؤال ۷۸۸: هر گاه مردی بخواهد با اقدامات پزشكی (وازكتومی) قدرت تولید نسل خود را به صورت موقت یا دائم از بین ببرد، آیا رضایت زوجه لازم است؟ در صورت لزوم و اقدام شوهر بدون اذن زوجه، چه مسؤولیتی متوجه شوهر و پزشك معالج خواهد بود؟

(جواب): بسمه تعالی به طور دائم، (از باب اضرار برای خود مرد) كلاً جایز نیست، هر چند زن راضی باشد. و از جهت حق زن شاید بتوان گفت كه كراهت شدیده دارد همان‌طور كه در عزل می‌باشد.

سؤال ۷۸۹: هر گاه زنی بخواهد بدون ضرورت پزشكی با بستن لوله رحم یا بیرون آوردن رحم از بارداری خود جلوگیری نماید، در صورت جواز، آیا رضایت شوهر، شرط است؟ بنا بر آن كه شرط باشد، اگر پزشكی بدون توجه به نارضایتی شوهر، اقدام به عمل مزبور نماید چه مسؤولیتی متوجه وی خواهد شد؟

(جواب): بسمه تعالی بدون رضایت شوهر جایز نیست و عمل پزشك هم جایز نیست؛ لیكن ضمان مالی ندارد.

سؤال ۷۹۰: هر گاه زنی كه با رضایت شوهر، لوله رحم خود را بسته است، مجدداً بخواهد آن را باز كند در دو صورت ذیل آیا رضایت شوهر برای باز كردن لوله رحم لازم است؟ الف) باز كردن لوله رحم به جهت ضرورت پزشكی بوده و جنبه درمان داشته باشد. ب) باز كردن لوله رحم برای تولید نسل و یا هر جهت دیگری غیر از ضرورت پزشكی باشد.

(جواب): بسمه تعالی در هر دو صورت، جایز است و رضایت شوهر، لازم نیست.

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۲۸۸

سؤال ۷۹۱: هر گاه بستن لوله رحم یا خارج ساختن رحم و مانند آن جنبه درمانی و ضرورت پزشكی داشته باشد، آیا رضایت شوهر لازم است؟

(جواب): بسمه تعالی اگر ضرورت دارد، رضایت شوهر لازم نیست.

سؤال ۷۹۲: گاهی عمل جراحی بر عضوی، مستلزم برداشتن قطعه‌ای از دیگر اعضای بدن بیمار است. مانند این كه آسیبی به دست یا پای بیمار وارده شده كه ترمیم آن مستلزم این است كه قطعه‌ای گوشت یا استخوان و یا رگ از دیگر اعضای بدن وی برداشته شده و به آن جا پیوند زده شود. الف) آیا اخذ برائت برای این بخش از عمل نیز لازم است یا اخذ برائت برای اصل عمل كافی است؟ ب) اگر برای اصل عمل اخذ برائت شده ولی برای این بخش از عمل اخذ برائت نشده و از ناحیه قطع این بخش از بدن، خسارتی به بیمار وارد آید، آیا پزشك ضامن است؟ ج) اگر خسارت از ناحیه قصور پزشك باشد مانند لرزش دست یا مستند به اموری باشد كه از اختیار پزشك خارج است مثل قطع برق یا خراب شدن دستگاه، حكم ضمان چگونه خواهد بود؟ د) جوانی از دنیا رفته و مقداری پول و دیگر اموال از وی به جا مانده است و والدین وی می‌خواهند آن را در یكی از راه‌های خیر و مستحبی صرف كنند. به نظر حضرتعالی بهتر است وجوه به‌جا مانده در چه موردی صرف شود تاخیر بیش‌تری به میت برسد؟

(جواب): بسمه تعالی الف) اخذ برائت اولیه كافی است لیكن احتیاط در ذكر اصل و لوازم است. ب) ضامن نیست، همان‌طور كه در بالا گفته شد. ج) دستگاه‌های خارج از قدرت پزشك موجب ضمان نیستند، لرزش دست هم اگر

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــــــ

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۲۹۰

حدّ سرقت

سؤال ۷۹۷: هرگاه در سرقت حدّی، صاحب مال شکایت نکند یا قبل از مرافعه سارق را ببخشد آیا حد و تعزیر هر دو ساقط می‌شود یا فقط حد سرقت ساقط می‌شود و سارق تعزیر می‌گردد؟

(جواب): بسمه تعالی حدّ ساقط می‌شود لیکن اگر حاکم مصلحت بداند تعزیر جایز است.

مجازات های اسلامی

سؤال ۷۹۸: با توجه به مقتضیات زمان و مکان، تغییر طبایع حتی در بلاد اسلامی و پیدا شدن ابزارهای کیفری مناسب و مورد قبول جامعه در سطح داخلی و خارجی که اهداف حدود و قصاص را تأمین می‌کند، آیا مجازات های منصوص در حدود و قصاص قابل تغییر است؟ به عبارت دیگر آیا این مجازات‌های منصوص موضوعیت دارند یا طریقیت؟

(جواب): بسمه تعالی اگر چه کسی از فقها نفرموده لیکن احتمالاً عرض می‌کنم و به نظر اینجانب احتمال قوی می‌باشد که: این ادله‌ی مجازات‌ها مشتمل بر دو جهت می‌باشد: ۱- اصل عقوبت بازدارنده ۲- خصوص عقوبت مذکوره در ادله. اولی عام و شامل همه‌ی زمان‌ها و مکان‌ها است و دومی متغیر و تابع شرایط زمانی و مکانی می‌باشد. چه بسا یك مجازات برای کسی بازدارنده نباشد و یا در زمان و مکان خاصی جهت بازدارندگی خود را از دست بدهد. چنان که گاهی در شرایط خاصی نباید مجازات‌ها اجرا شود. چنان که در مسأله ۳۱۱۱ توضیح المسائل ذکر کرده‌ایم، مراجعه فرمایید؛ پس می توان گفت به احتمال قوی، حدود خاصّه متغیرند و طریقیّت دارند.

سؤال ۷۹۹: آیا شرعاً حبس ابد از مجازات های تعزیری محسوب می‌شود و حاکم شرع می تواند در برخی از جرایم تعزیری، مرتکب را به حبس ابد محکوم کند؟

(جواب): بسمه تعالی می تواند.

حدّ سفیه

سؤال ۸۰۰: در صورتی که مرتکب یکی از جرایم مستوجب حدّ، فاقد رشد عقلی بوده و از درك خوبی و بدی کارهای خود عاجز باشد و قباحت افعال خود را درك نکند

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۲۹۱

و از حرام بودن عمل خود آگاه نباشد، آیا محکوم به حدّ می‌شود و حدّ بر وی جاری می‌شود؟

(جواب): بسمه تعالی حدّ در این صورت جاری نمی‌شود.

تظاهر به توبه

سؤال ۸۰۱: در مواردی که توبه مرتکب، موجب سقوط مجازات است، چنانچه پس از اعمال مقررات راجع به توبه و سقوط حد، ثابت شود که مرتکب تظاهر به توبه کرده استآیا دادگاه می تواند سقوط مجازات را ملغی کرده و مرتکب را محکوم به حد نماید؟

(جواب): بسمه تعالی دادگاه می تواند سقوط مجازات را ملغی نموده حدّ جاری کند؛ لیکن در صورتی که کذب او یقینی و با اقرار خودش ثابت شود.

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــــــ

احکام حق الناس

سؤال ۸۰۷: از روی عصبانیت و ناخواسته به شخصی پرخاش و توهین کردم. سپس بارها از او عذرخواهی و طلب بخشش کردم و به او گفتم که به هر ترتیبی که باشد حاضر به جبران هستم ولی او عذر مرا نمی‌پذیرد.

(جواب): بسمه تعالی با پی‌گیری بکوشید حلالیت حاصل شود اگر طوری شد که به او دسترسی نداشتید و یا هرچه کردید او نپذیرفت، برای خود و هم برای او استغفار کنید.

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۲۹۳

سؤال ۸۰۸: شخصی در کودکی قبل از بلوغ با حیوانی که در ملك دیگری بوده، وطی کرده (نعوذبالله) که صاحب آن حیوان هم متوجه نشده و حکم ذبح و احراق آن حیوان نیز صورت نگرفته است. آیا اکنون از نظر مالی، مدیون صاحب حیوان است؟ ضمناً صاحب آن حیوان را نمی‌شناسد.

(جواب): بسمه تعالی به نظر اینجانب وظیفه‌ی حاکم شرع است که حیوان را احراق یا تبعید نموده و در صورت احراق پول آن را از واطی بگیرد. و اگر احراق انجام نشده، پول هم گرفته نمی‌شود. ۲- احتیاطاً خوب است که طبق ظواهر فتاوی عمل شده و قیمت حیوان به همان قیمت روز وطی پرداخت شود، لیکن به نظر اینجانب لازم نیست. ۳- اگر خواستید قیمت حیوان را پرداخت کنید به عنوان مظالم از طرف صاحب حیوان با اجازه مجتهد به فقیر بدهید.

احکام قذف

سؤال ۸۰۹: آیا قذف جزو حق الله محض است یا حق الناس یا مشترك بین حق الله و حق الناس؟ در صورتی که مشترك باشد شخص مقذوف، قاذف را عفو نماید، آیا حاکم می تواند به لحاظ حق الله بودن، قاذف را تعزیر نماید؟

(جواب): بسمه تعالی ظاهراً به اعتبار مفاسد مترتبه اجتماعی، حق مشترك است و بنابراین حق تعزیر دارد.

سؤال ۸۱۰: با توجه به خبر برید العجلی از امام باقر علیه السلام «فی الرجل یقذف القوم جمیعاً بکلمة واحدة فإذا لم یسمهم فإنما علیه حد واحد، وإن سمی فعلیه لکل واحد حد» و خبر الحسن العطار قال للصادق علیه السلام «رجل قذف قوما جمیعا» فقال: بکلمة واحدة، قال: نعم، قال: یضرب حدا واحدا، وان فرق بینهم فی القذف ضرب لکل واحد منهم حدا» بفرمایید اگر کسی با یك لفظ جماعتی را قذف کند بدون آن که نام آنها را ببرد، آیا چند حد بر او اقامه می‌شود یا یك حد بر او جاری می‌شود؟

(جواب): بسمه تعالی مستفاد از مجموع روایات آن است که اگر متفرقاً قذف کند، هر یك جداگانه حدّ دارد و اگر با یك لفظ عام و به اصطلاح با کلمه‌ی واحده قذف کند، اگر همه‌ی افراد مقذوفین مجتمعاً شکایت کردند یك حدّ دارد و اگر هر یك جداگانه طرح دعوا کردند، هر یك جداگانه حدّ دارد.

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۲۹۴

سؤال ۸۱۱: آیا ارتجالی و ابتدایی بودن در توهین شرط است یا خیر؟ بدین معنی که اگر دو نفر به یك دیگر توهین کنند فرد اول که ابتدائاً دیگری را مورد توهین قرار داده مجرم است و تعزیر می‌شود. آیا نفر دوم که در پاسخ به فرد اول او را مورد توهین قرار داده نیز مجرم و قابل تعزیر است؟

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــــــ

موارد، حق است یا حکم. احتمال بیش تر استظهار حقّیت شود، و در این صورت ساقط می‌شود.

سؤال ۸۱۸: آیا وصیت به کالبد شکافی و یا اذن اولیاء میت موجب جواز و مسقط دیه می‌باشد؟

(جواب): بسمه تعالی صرف وصیت مسقط دیه نیست، اذن اولیاء هم هیچ دخالت ندارد، دیه‌ی میت هم فقط در مصالح خودش صرف می‌شود. و اصل جواز این کار هم تابع اهم و مهم می‌باشد.

احکام وصیت

سؤال ۸۱۹: شخصی فوت می‌نماید، و در روز سوم آن مرحوم در حضور عده‌ای از فامیل و بستگان وصیت نامه‌ای ابراز می‌شود. وراث بعد از مداخله آن را می‌پذیرند.

پس از ۹ ماه از فوت آن مرحوم وراث صورت جلسه‌ای مبنی بر پذیرش وصیت نامه تنظیم می‌کنند. به منظور اجرای مفاد وصیت‌نامه مزبور تقبل می‌کنند علی الحساب مبلغ

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۲۹۶

شصت میلیون تومان بپردازند و یکی از وراث سهم خود را (۳۰ میلیون تومان) به وصی پرداخت می‌کند. اکنون وراث مدعی هستند که ورقه ابرازی، وصیت مورثمان نیست؛ ولی وصی منکر ادعای آنها می‌باشد و می‌گوید چون نزد خودم امضاء کرده ادعای ورثه را قبول ندارد. سؤال این است که: آیا رد وصیت پس از قبول برای ورثه جایز است یا خیر؟

(جواب): بسمه تعالی پس از ثبوت وصیت و وجود امضاء مورّث با گواهی ورّاث، انکار جایز نیست، مگر این که قرائن تازه‌ای بر عدم صحت انتساب به مورّث کشف شده باشد.

سؤال ۸۲۰: ۱- آیا در مقام اجرای وصیت نامه موصی، وصیت نامه نخستین معتبر است یا وصیت نامه ثانوی که مورد تردید قرار گرفته است؟

(جواب): بسمه تعالی اگر وصیت نامه دوم مشکوك است و قرائنی بر جعل آن گواه است، اعتبار ندارد.

۲- در این مورد قاعده البیّنة علی المدّعی والیمین علی من‌انکر جاری است یا خیر؟

(جواب): بسمه تعالی در مورد شك در ثبوت وصیت، باید با بیّنه اثبات شود.

لیکن با فرض صحت امضاء و خط و اطمینان به تاریخ آن، نوبت به شك نمی‌رسد.

۳- اتیان سوگند در فرض بالا متوجه کدام طرف است؟

(جواب): بسمه تعالی در مورد نزاع و اختلاف در ثبوت وصیت، قسم با منکر وصیت است. این در جهت مال. در جهت اثبات ولایت بر تصرف هم همین‌طور. البته احتیاج به قسم برای فصل خصومت و بسته شدن پرونده می‌باشد که دوباره طرح دعوی نشود، وگرنه همین که بیّنه نباشد وصیت ثابت نمی‌شود.

سؤال ۸۲۱: مادربزرگ اینجانب در سال ٦٢ فوت نمود، و حدود پنج ماه بعد از فوت ایشان، وصی وی که پسر ارشد و یکی از وارثان حین الفوت مادر بزرگم بوده از دنیا رفته که از آن زمان تا کنون میزان یك ششم از اراضی دیمی کشاورزی که به عنوان ارث از طرف مرحوم پدرم به مادر بزرگم رسیده به طور مشترك در اختیار اینجانب و برادرانم می‌باشد که هر ساله، پس از کاشت و برداشت، مبلغی بابت مال الاجاره به ورثه مادر بزرگم پرداخت می‌شود، با توجه به این که در حال حاضر مبلغی بابت مال الاجاره

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــــــ

فراوان.

(جواب): بسمه تعالی حرف اشتباهی است، جواز غسل و کفن و ... از آثار زوجیت حال حیات است و جایز می‌باشد.

سؤال ۸۲۵: شخصی مبلغ ده میلیون تومان را از ثروت خویش در زمان حیات وقف باز سازی حسینیه و امام زاده نموده است، که این امر در زمان حیاتشان محقق نگردید و ایشان در ذیل نامه‌ای شرط نمودند که در صورت فوت ایشان، وارثان پرداخت نمایند. اکنون وارثان از پرداخت وجه فوق امتناع می‌نمایند. لطفاً حکم شرعی این مسأله را بیان فرمایید.

(جواب): بسمه تعالی اگر در زمان حیات پرداخت نکرده، باید رعایت ثلث مال بشود، اگر ده میلیون و سایر وصایای او بیش از ثلث مالش نباشد، نیاز به اذن ورثه نیست و آنها نمی توانند ممانعت کنند، لیکن اگر بیش از ثلث کل اموال هنگام وفاتش باشد، باید از زائد بر ثلث را ورثه کبار اجازه دهند. ضمناً این وقف نمی‌باشد. وقف در اشیاء ثابته است، نه پول، که تمام می‌شود.

احکام ارث

سؤال ۸۲۶: برادر اینجانبان که از پنج سال پیش محجور شده، و دو زوجه وی به عنوان قیم وی انتخاب شده‌اند، دختری را که در حال حاضر ۱۱ ساله می‌باشد به عنوان

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۲۹۹

فرزند خوانده پذیرفته‌اند و قصد دارند او را به عنوان فرزند واقعی محجور قلمداد نمایند.

با عنایت به این که محجور عقیم بوده و می‌باشد و اینجانبان به لحاظ این که محجور پدر و مادر ندارد و در حال حاضر بیش از شصت و پنج سال سن دارد بالقوه وارث مشارالیه می‌باشیم و فرزند خوانده حاجب می‌باشد؛ الف) آیا طرح دعوای نفی نسب اینجانبان موافق شرع می‌باشد؟ ب) چنانچه اینجانبان که نزدیك ترین اقارب به محجورمی‌باشیم، نتوانیم طرح چنین دعوائی کنیم این وظیفه شرعی به عهده‌ی چه کسی می‌باشد؟

(جواب): بسمه تعالی ۱- شما و هر کس که می‌داند فرزند حقیقی نیست، لازم است برای حفظ انساب، اطلاعات و آگاهی‌های خود را به دادگاه اعلام نماید.

۲- شما هم حق دعوا دارید چون ذی نفع هستید. لیکن شهادت شما از نظر برخی، کافی نیست، باید شهود محلی ارائه شود.

۳- برادر شما که محجور می‌باشد قیم او طرف دعواست و در برابر شهود باید ادله‌ی خود را ارائه نماید.

سؤال ۸۲۷: پدری در زمان حیات خود طبق صلح‌نامه‌ای، دو قطعه زمین به دو دختر خود می‌دهد و دو دختر قبول می‌نمایند که حق ارث خود از پدرشان را به سایر ورثه ببخشند. آیا این صلح‌نامه و شرطی که در آن شده صحیح می‌باشد؟ و آیا بعد از فوت پدر، دختران حق دارند که ادعای ارث کنند؟

(جواب): بسمه تعالی اگر قبول گذشت از حق الارث، در ضمن عقد صلح یا هر عقد لازم دیگری انجام شده، باید طبق آن عمل شده و ارث نگیرند. و ادعاء ارث، وجهی ندارد.

سؤال ۸۲۸: با التفات به دیدگاه بعضی از فقهاء چنانچه زنی از شوهر خویش فرزند داشته باشد از جمیع ما ترك اعم

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــــــ

با دیگری به طور موقت بوده است، که همسر اول قبل از فوت طلاق گرفته و مهریه خود را وصول نموده است. ایشان از همسر اول دارای سه فرزند هستند که در خارج از کشور زندگی می‌کنند و هر سه آن‌ها به علاوه مادرشان از دین مبین اسلام خارج گشته‌اند و به مسیحیت رو آورده‌اند. در ضمن آن مرحوم دو خواهر و یك برادر در ایران دارد. لطفاً نظر شرعی خویش را در این مورد بیان فرمایید.

(جواب): بسمه تعالی فرزندان و همسر که مرتد شده‌اند از ارث محروم هستند وارث متوفی فقط به وراّث مسلمان- برادر و خواهر و سایر وراث، طبق طبقات ارث- می‌رسد.

سؤال ۸۳۳: پدر و فرزندی در سانحه رانندگی فوت نموده‌اند تقدم و تأخر فوت آنان معلوم نیست. همسر این مرد زنده است و فرزند دیگری نیست آیا همه‌ی اموال مرد به این زن می‌رسد یا برادر و خواهر این مرد نیز ارث می‌برند؟

(جواب): بسمه تعالی ارث اموال پدر به فرزند، و آنچه فرزند دارد به پدر می‌رسد.

از اموال پدر پیش از انتقال به فرزند ۱۸ می‌برد. و از اموال فرزند و حتی از آنچه از پدر به او رسیده ۱۳ از باب فرض به مادر می‌رسد. توضیح بیش‌تر: ابتدا فرض موت پدر می‌شود و ۱۸ اموال و (سرمایه و منقولات و هوائی غیر منقول) به همسر او و مابقی به پسر می‌رسد، سپس فرض موت پسر می‌شود و ۱۳ اموال اصلی خودش به مادر و ۲۳ سهم پدر در کنار گزارده می‌شود، آنگاه ١٤ از ۲۳ مزبور را به همسر و بقیه را به برادر و خواهر بنحو: برادر دو برابر خواهر تقسیم می‌شود و در همه‌ی این موارد مصالحه طریق احتیاط است.

سؤال ۸۳٤: نحوه تقسیم ارث بین وارث که عبارتند از: پدر- خانم و فرزندان چگونه است. مثلاً پنج میلیون تومان ارث و ماترك گذاشته لطفاً نحوه‌ی تقسیم با شرح مفصل بیان فرمایید.

(جواب): بسمه تعالی یك ششم ترکه مال پدر میت است، ۱۸ ترکه مال عیال، مابقی بین فرزندان تقسیم می‌شود، پسران دو برابر دختران.

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۳۰۲

زمان فحص در مفقودالاثر

سؤال ۸۳۵: اموال مفقودالاثر را بعد از گذشت چه مدتی می‌توان بین ورثه او تقسیم کرد و هر یك از ورثه تا چه زمانی باید موجود باشد تا بتواند از او ارث ببرد؟

(جواب): بسمه تعالی پس از رجوع به حاکم شرع. با فحص چهار سال کافی است، و بدون فحص ده سال رعایت شود.

سؤال ۸۳٦: در صورتی که یکی از خویشاوندان شخص مفقودالاثر پس از مفقود شدن او بمیرد و مفقود الاثر یکی از ورثه‌ی او باشد، وضعیت ارث بردن او چگونه خواهد بود؟

(جواب): بسمه تعالی مثل بالا. رعایت زمان می‌شود.

محروم کردن از ارث

سؤال ۸۳۷: اینجانب یك سؤال شرعی و فقهی در مورد معامله‌ای که پدرم به خاطر محروم کردن من و دو خواهرم از ارث به خاطر دو فرزند خردسالش، که با ما ناتنی می‌باشند، انجام داده است. که زمان وقوع معامله سال ۱۰/ ۹/ ۱۳۷۵ می‌باشد که در زمان وقوع معامله، خریداران اهلیت قانونی برای انجام چنین معامله‌ای را نداشته‌اند و قادر به

پرداخت ثمن معامله نیز نبوده‌اند با توجه به کپی مبایعه نامه کاملاً مشهود می‌باشد که ایجاب از طرف فروشنده (پدرم) و قبول از طرف دو فرزند خردسال (خریداران صغیر) می‌باشد. و با توجه به این مبایعه نامه دیگر هیچ ترکه‌ای باقی نمی‌ماند که بین ما تقسیم شود و من و دو خواهرم که از همسر اول پدرم می‌باشیم از حق قانونی و شرعی که باید از پدرمان ارث ببریم محروم می‌شویم. لذا از حضرتعالی تقاضای عاجزانه دارم که با مشاهده کپی مبایعه نامه‌های پیوستی نظریه فقهی و شرعی خودتان را در مورد صحت و سقم معامله انجام شده پدرم با فرزندان چهار و هفت ساله‌اش را بیان نمائید.

(جواب): بسمه تعالی در این پرونده دو مطلب قابل دقت است: ۱- آیا پدر ولایةً ملك بچه‌ها کرده- که در آن تاریخ نابالغ بوده‌اند؟- ظاهراً این‌طور است گرچه در عبارت کلمه‌ی ولایت نیامده است. ۲- آیا پدر مالك این ملك‌ها بوده است؟ حتماً این‌طور بوده و اگر نبوده، آیا فروش غیر ملك را که بعداً شخص مالك می‌شود، جایز و صحیح بدانیم؟ که این محل خلاف است. ۳- ظاهر این است که پدر ملك خود را به نام

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۳۰۳

دو فرزند خردسالش کرده و این کار را ولایةً انجام داده و ولایةً قبول کرده است، در این صورت کار پدر قانونی بوده است لیکن بی‌انصافی کرده. شما توکل بر خدا کنید، خداوند شما را خود اداره خواهد کرد ان شاء الله.

احکام فرزند خوانده

سؤال ۸۳۸: کسانی هستند که چون فرزند نداشته‌اند، نوزادی را از طفولیت گرفته و بزرگ کرده‌اند، آیا این فرزند اگر دختر باشد به پدر خوانده‌اش و اگر پسر باشد به مادر خوانده‌اش محرم است؟ آیا پس از وفات پدر یا مادر خوانده، این فرزند حق ارث هم دارد؟

(جواب): بسمه تعالی محرم نیستند و حق ارث هم ندارند.

قضاوت و شهادت

سؤال ۸۳۹: در صورت خطای قاضی در صدور حکم (خطای محض)، آیا قاضی مسؤول است یا بیت المال یا عاقله؟

(جواب): بسمه تعالی در صورت تقصیر، قاضی مسؤول است، و بیت المال ضامن است اگر قصور باشد.

سؤال ۸۴۰: بیست و یك ماه پیش بر اساس غرض‌ورزی و گزارش کذب، ضابطین قضایی به منزل پدری اینجانب که بنده در آن‌جا ساکن می‌باشم، آمدند و مرا به شکایت شخصی که شصت و چهار میلیون تومان به بنده بدهکار می‌باشد و در نزد بنده چك داشته، با خود بردند. بعد از گذشت نزدیك به دو سال بازپرس دادسرا حکم بر بی‌گناهی بنده داده و مرا تبرئه نموده است. در مراحل اولیه اینجانب با وکیل خود نزد قاضی رفته و کتباً و شفاهاً خاطرنشان نمودیم که شخص بدهکار به بنده، ورشکست گردیده و اموال نامبرده را طلبکاران توقیف می‌نمایند و از بازپرس درخواست نمودیم که چك‌ها را به اینجانب عودت دهد تا اینجانب نیز مراحل قانونی و ثبتی را انجام دهم، طوری که اگر آن موقع در دست بود، من نفر اولی بودم که به حقم می‌رسیدم و پولم را می‌گرفتم ولی بر اثر کوتاهی بازپرس و اکتفاء به گزارش کذب آن زمان چك‌ها را به من ندادند و در حال حاضر به بنده می‌گویند که بروم و چك‌ها را از دادسرا بگیرم و این در حالی است که این

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۳۰۴

چك‌ها دیگر ارزشی ندارد؛ چرا که هم شخص فراری گردیده و هم اموالی به اسم او نمانده است. لطفاً اینجانب را به توجه مطالب فوق راهنمایی فرمایید.

(جواب): بسمه تعالی در فرض سؤال، قاضی و ضابطان قضائی ضامن خسارت شما هستند. باید با مراجعه به دادگاه انتظامی قضات پی‌گیری کنید.

سؤال ۸٤۱: پدر اینجانب شدیداً مریض شد به نحوی که مبتلا به جنون ادواری شد که برای همه عیادت کنندگان محسوس بود و بعد از تلاش بی‌دریغ همه فرزندان و بردن او به بیمارستان‌های مختلف، حالش رو به بهبودی نهاد، و لکن سفاهت او محرز بود. لذا اینجانب به جهت رعایت مسائل شرعی از یکی از مراجع بزرگ عصر، به جهت تصرف در اموال پدر که محتاج به اذن ولیّ و تعیین قیّم بود، اجازه شرعی از آن بزرگوار گرفتم و ایشان هم شفاهاً با بیان (با رعایت مصلحت) اجازه شرعی به اینجانب دادند. بدون اطلاع ما جمعی از طمع‌کاران و کلاهبرداران از ضعف فکری پدر بنای سوء استفاده مالی و معنوی گذاشتند که در رأس این کلاهبرداران دو وکیل بودند که آنها نیز با همکاری طمع‌کاران خود را وکیل پدر قرار داده بودند و از این طریق سوء استفاده‌های زیادی از پدرمان کردند. با توجه به این که اینجانب همه‌ی مراحل قانونی را طی کرده بودم؛ ولی افراد دادگستری خیانت نمودند. به حکم آیه **لا یحب الله الجهر بالسوء من القول الا من ظلم**، مطالبی را مبنی بر خیانت و دروغ و ظلم وکلاء و بعضی از افراد دادگستری، کتباً نوشته و به بسیاری از مراکز مهم دولتی و کشوری فرستاده و بین مسؤولین شهرستان، و حتی در نماز جمعه شهرستان مربوطه پخش کردم. الف: آیا برای اینجانب جایز بود که برای دفع ظلم ظالمین خاصه آن هم با آراء ظالمانه علناً اعلان فسق آنها را کنم؟ (با توجه به این که راه منحصر شد فقط به همین راه). ب: آیا جایز است که اینجانب از باب تقاص، اموال وکلاء و قضات نااهل را که با آراء آنها مال پدرمان ضایع شد، أخذ کنم؟

ج: بعد از آن‌که اینجانب اعلان فسق کردم، قضات از دست اینجانب به عنوان نشر اکاذیب در دادسرای ویژه روحانیت شکایت کرده‌اند و در دادسرا قبل از این که این قضات ادعای خود را با بینه ثابت کنند به من گفتند که شما نسبت به قانون مملکت بی‌حرمتی کرده‌ای، در حالی که اینجانب اصلاً نسبت به قانون بی‌حرمتی نکردم، و تمامی مراحل را از راه قانون پیمودم ولی به نتیجه‌ای نرسیدم. حال آیا آنها می توانند

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۳۰۵

تهمت بی‌حرمتی قانون را به من بزنند در حالی که بی‌حرمتی ها از سوی قضات و وکلاء بود؟ د: آیا جایز است که در دادگستری که اصلاً به فکر پدرمان نبودند به ما که قیم او بودیم بگویند که شما هیچ سمتی ندارید؟ هـ: با توجه به از دست رفتن اموال پدر، آیا برای فرزندان جایز است مراجعه به چنین دادگستری‌هایی برای أخذ اموال از دست رفته و یا راه فقط تقاص است؟

(جواب): بسمه تعالی الف) اگر قاضی خلاف شرع عمل کند فاسق است. لیکن به رعایت مصالح کشوری بهتر است از طریق مراجع قانونی فسق آنها ثابت شود و اگر صلاح دانستند، اعلام شود. ب) تقاص جایز است اگر هیچ راهی برای وصول به حق خود نباشید. ج) اگر فاسق هستند که این اعلام، نشر اکاذیب نیست. لیکن مصلحت امور

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــ
استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۳۰۶

بهای معین واگذار می‌نماید. با این شرط که در صورت فوت قبل از انقضاء اجاره کلیه مالکین اصلی از مال الاجاره بقیه مدت استفاده خواهند کرد، سپس به سبب کهولت سنی به یکی از وراث که منافع عمری خود را به او اجاره واگذار نموده بود، وکالت نامه‌ی رسمی می‌دهد در محل که به ظرفیت ۳۰ هزار قطعه مرغداری احداث شده بود با مراجعه به دامپزشکی پروانه‌ی آن را به نام خود اخذ نماید.

مجدداً پدر ولایتاً از ناحیه‌ی پسر صغیر خود و برادر دیگر (یکی از مالکان) به موجب وکالت نامه‌ی رسمی در جهت تسهیل اخذ وام و به رهن یا وثیقه گذاردن حق خود و حق فروش کلیه اموال مذکوره منحصراً به منظور تأدیه کلیه بدهی‌های وکیل ناشی از معاملات فوق به بانك کشاورزی وکالت می‌دهند. حال با این مختصر توصیف:

۱. آیا مرغداری محدوثه در زمان پدر متعلق به کلیه مالکین مشاعی است یا منحصراً به وکیل تعلق دارد؟ ۲. آیا اخذ سند مفروزه بعد از فوت پدر بدون اطلاع مالکین دیگر توسط وکیل نسبت به محلی که مرغداری در آن احداث شده با فرض شراکت کلیه مالکین مشاعی در ذره ذره ملك مشاعی شرعی و با حقوق مالکین دیگر و قاعده فقهی (الناس مسلطون علی اموالهم) مغایرت دارد یا خیر؟ ۳. آیا موضوع مصداق آیه‌ی شریفه (حرمة مال مسلم کحرمة دمه) می‌باشد یا خیر؟

(جواب): بسمه تعالی ۱- ملك، طبق نقل پدر، مال سه فرزند می‌باشد با حفظ حق انتفاع پدر. ۲- اجاره‌ی ملك به یکی از فرزندان به‌طور اجاره صحیح است البته مدت معین باشد، به نظر ما مدت غیر معین هم اگر خطری از ناحیه‌ی عدم تعیین نباشد، مثل این که طبق مرسوم تا مستأجر آن‌جا نشسته و در اختیار دارد صحیح است. ۳- اگر منافع خود را به صورت اجاره داده، اجاره عقد لازم است دیگر وکالت دادن برای مرغداری فقط در موارد ولایت بر

سؤال ۸۴۲: در جرائم منافی عفت از قبیل زنا و رابطه نامشروع و غیره، قاضی تا چه حد برای کشف جرم می‌تواند دستور تحقیق صادر نماید.

(جواب): بسمه تعالی در اتهام تجاوز به عنف هر راهی که برای کشف حقیقت باشد. در مورد رضای طرفین جایز نیست و فقط از راه اقرار یا شهود ثابت می‌شود.

سؤال ۸۴۳: آیا در ارتباط با جرایم منافی عفت مانند زنا؛ در تحقیق قاضی بین زنان و مردانی که مشهور به فساد اخلاقی هستند و غیر آن، تفاوتی وجود دارد؟

(جواب): بسمه تعالی در مشهورین به فساد باید به عنوان نهی از منکر فشار بیش‌تری باشد، لیکن در اصل اثبات جرم، همان راه اقرار یا شهود است، مگر اتهام تجاوز به عنف.

سؤال ۸۴۴: مالکیّت ششدانگ یك قطعه زمین با پلاك ثبتی معلوم، متعلق به شخصی است که آن را به‌طور مشاع به سه فرزند ذکور خود با وصف استیفای خود از منافع آن به‌طور عمری منتقل می‌نماید. سپس در زمان حیات خود اقدام به احداث مرغداری نموده و تمام شش دانگ را به مدت پنج سال به یکی از فرزندان خود در قبال اجاره

ملکتی، اثبات و اعلام از ما فوق است البته اگر هیچ راهی برای مظلوم نماند، فریاد به هر صورت جایز است. د) اگر شما از طرف مراجع تقلید، قیم پدر شده‌اید و این معنی برای قضات ثابت شود حتماً باید شما را قیم بدانند. هـ) تا ممکن است باید از طریق قضاء، هر چند همین قضات، احقاق حق شود.

فرزند صغیر ممکن است، نه همه‌ی زمین و یا بیش از سهم فرزند صغیر. و به هر حال اصل زمین ملك همه‌ی فرزندان است.

عدالت در قاضی

سؤال ۸٤٥: در تصدّی منصب قضا، آیا قاضی لازم است خود را عادل بداند یا قضاوت‌نیزمثل امامت جماعت است که اگر مأموم، امام را عادل بداند بتواند امامت کند؟

(جواب): بسمه تعالی تصدی فاسق جایز نیست، مراجعین اگر او را عادل می‌دانند آن‌ها معذورند.

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۳۰۷

داوری و حکمیت

سؤال ۸٤٦: دو دوست در امری اختلاف پیدا می‌کنند، لذا به منظور حل و فصل آن، سه نفر را به حکمیت برمی‌گزینند تا نظر خود را تقدیم دارند؛ متاسفانه داوران که مورد اعتماد و وثوق طرفین بوده‌اند، به نفع یکی از طرفین به نحوی آشکار و مبرهن نظر خود را اعلام می‌دارند، حال سؤال این است؛ آیا این داوران از نظر شرعی و بر اساس آراء مراجع فقهی و شرعی مرتکب خلاف شده‌اند یا خیر؟ و آیا برای آن مجازاتی تعیین گردیده است؟ و این مجازات چیست؟ در صورتی که این امر دارای تعزیر است با عنایت به قانون کشور ما تعزیر آن چه می تواند باشد؟ و دادگاه‌ها چه تعزیری را می توانند برای آن تعیین و اجرا نمایند؟

(جواب): بسمه تعالی ۱- اگر مسلم شود که خیانت در داوری کرده‌اند، دادگاه حق تعزیر دارد، تعزیر هم می تواند خسارت و جریمه مالی باشد و هم می تواند زندان و مانند آن باشد. و دادگاه حق معرفی کردن آن‌ها را به جامعه دارد، تا دیگر کسی این‌طور عمل نکند. ۲- ظاهر سؤال این است که سه نفر مزبور حکم بوده‌اند- یعنی قاضی تحکیم- و احتمال دارد که منظور حکمیت نباشد، بلکه شاهد منظور باشد. آن هم حکمشان همان است.

احکام شهادت

سؤال ۸٤۷: ۱- اگر شهادت صبی ممیز در جنایت مورد پذیرش باشد، آیا این شهادت فقط علیه صبیان حاضر در محل جنایت پذیرفته می‌شود، یا این که علیه افراد بالغ نیز شامل می‌گردد؟ ۲- با توجه به این که شهادت ولدالزنا پذیرفته نمی‌شود: الف) اگر فردی نسبت به یك طرف (زانی یا زانیه) زنازاده بوده و نسبت به طرف دیگر چنین عنوانی به جهت شبهه یا جهات دیگر صدق نکند، آیا شهادت چنین فردی معتبر است؟ ب) آیا حکم مسأله در صورت وجود شبهه در طرف مرد و توطئه توسط زن نابکار (زانیه) تفاوتی نمی‌کند؟

(جواب): بسمه تعالی ۱- فرقی نمی‌کند. ۲- معتبر نیست. ۳- فرقی نمی‌کند.

سؤال ۸٤۸: آیا شهادت فرزند علیه پدر نافذ است؟

(جواب): بسمه تعالی صدوق رحمه الله نقل کرده که شهادت فرزند علیه پدر جایز نیست، لیکن سند درستی ندارد، و روایاتِ جواز بیش‌تر واضح است. به نظر اینجانب

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۳۰۸

در عرف متشرعه، این کار (یعنی شهادت علیه پدر) مستنکر است. لیکن اگر شهادت داد دلیل روشنی بر ردّ نداریم.

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــ

سؤال ۸۴۹: ۱- اگر خودکشی در اسلام حرام است، پس عملیات شهادت طلبانه چه توجیهی دارد؟ ۲- عملیات شهادت طلبانه به حکم چه کسی (فقیه یا حاکم اسلامی) باید صورت بگیرد؟ این مسأله از نظر شیعه و اهل سنت چگونه قابل توجیه است؟ ۳- آیا این عملیات؛ در فرضی که موجب مفاسدی برای وجهه اسلام و مسلمین شود و ایجاد تنفر کند، مجاز است؟ ٤- اگر این عملیات، فشارها و مضایق فراوان روحی، مادی یا جسمی برای مسلمانان داشته باشد، چه حکمی دارد؟ ٥- بین قاعده اضطرار و موضوع استشهاد چه نسبتی است؟ ٦- حکم تعارض ضررهای مختلف در این عملیات چیست؟

۷- تشخیص مصادیق استشهاد با کیست؟ (فقیه یا مبادرت کننده و یا ...). ۸- آیا در هر موردی از عملیات اذن مخصوص لازم دارد یا اذن عام کافی است؟ ۹- اگر چنین اعمالی موجبات استیلاء عدم امنیت و یا لااقل احساس ناامنی را فراهم سازد یا تفرقه و تشتت را در جامعه به دنبال داشته باشد که به نص صریح قرآن و روایات حرام است، هم چنان مجاز است؟ ۱۰- با فرض مشروعیت، مرز آن با خودکشی، تروریسم، القاء در تهلکه چیست؟ ۱۱- با فرض مشروعیت عملیات شهادت طلبانه آیا برای دفاع از سرزمین های اسلامی هم می توان به چنین عملیاتی مبادرت نمود؟ ۱۲- بر فرض جواز اولیه آیا با توجه به شرایط موجود می توان حکمی نظیر تحریم تنباکو (که بر خلاف حکم اولیه بود) در رابطه با این عملیات داد و برای مقابله با فتنه داخلی و خارجی قائل به تحریم موقت شد؟ ۱۳- حکم فقهی و حقوقی تروریسم چیست؟

(جواب): بسمه تعالی ۱- ادله‌ی خودکشی و حرمت آن، شامل عملیات استشهادی نمی‌شود، البته آن‌جا که این عملیات جایز است. ۲- نیاز به حکم نیست، زیرا در موارد دفاع می‌باشد، مگر آن که دفاع هم طوری باشد که بدون حکم موجب هرج و مرج شود. ۳- اگر موجب تنفر می‌شود ولی راه دیگری برای دفاع نیست، باید به هر وسیله ممکن توضیح داده شود که راهی جز این نداریم، هرچند با پخش اعلامیه، از پیش. و اگر شخص مرتکب عملیات نتوانست، دیگران. ٤- هم‌چون ۳، بالاخره باید رعایت اهم و مهم شود. ٥- موضوع عملیات استشهادی اضطرار و راه دیگر نبودن است. ٦- اهم و مهم رعایت شود. ۷- تشخیص نوعاً با خود شخص است،

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۳۰۹

مگر این که از موارد مشکله باشد که تشخیص آن هم چون حکم جواز آن، نیاز به حکم حاکم و فقیه دارد. ۸- اگر تشخیص مشکل است، نیاز در هر مورد است. ۹- اهم و مهم رعایت شود. ۱۰- از جواب اول معلوم شد، این در مورد القاء در هلکه و سایر ادله‌ی شرعیه، و اما تروریسم اصطلاح جدیدی است، اگر معادل «فتك» می‌باشد، آن هم هم‌چون القاء در هلکه. یعنی ادله‌ی خودکشی شامل این عملیات نمی‌باشد، ترور هم در ضرورت‌های مهم که مظلوم دستش به جایی نمی‌رسد، برای رفع ظلم جایز است. ۱۱- آری جایز است. ۱۲- با صلاح دید فقیه حاکم، آری می توان. ۱۳- در مواردی که راه دیگری برای دفاع نیست و مظلوم راهی دیگر برای رفع ظلم ندارد، اشکالی ندارد. در خاتمه اساساً عرض کنم که عملیات استشهادی انواعی دارد از جمله: الف: خود را در میان دشمن منفجر می‌کند. ب: خود را منفجر می‌کند، تا احساسات را تحریك کند، هرچند منفجر کردن خود در درون دشمن نباشد. ج: به فرمان دشمن خود را می‌کشد تا دشمن دیگران را نکشد، خصوصاً اگر تعداد زیادی باشند. جواز عملیات استشهادی را فقط در صورت اول می توان گفت، اگر راه دیگری برای‌مبارزه‌نباشد، آن‌هم در دفاع نه جهاد، تفصیلی بیش تر لازم

است در فرصتی دیگر.

شهادت و گواهی بانوان

سؤال ۸۵۰: اگر مثلا با دو بار اقرار یا شهادت دو مرد عادل، ثابت شد که «الف» قاتل عمد است لیکن بلوغ «الف» در حال جنایت مشکوك باشد و خود او نیز مدعی عدم بلوغ در زمان جنایت باشد؛ در این صورت راه اثبات بلوغ او از طریق شهادت به گونه‌ای که قصاص علیه او ثابت شود چگونه است؟ آیا اگر نساء به شکل منضمات یا منفردات، به بلوغ او در زمان جنایت، شهادت دهند کافی در اثبات بلوغ اوست و قاضی می تواند حکم به قصاص او کند؟ یا چون این شهادت جزء العله در اثبات قصاص می‌شود لذا اثبات این بلوغ فقط در صورتی که با شهادت دو مرد عادل باشد می تواند موجب حکم به قصاص شود و در غیر این صورت بواسطه‌ی اطلاق روایاتی چون «لا تجوز شهادة النساء ... فی الدم»، قصاص با شهادت زن به بلوغ جانی در زمان جنایت ثابت نمی‌شود و حکم به دیه می‌شود یا لااقل به دلیل شبهه و لزوم احتیاط در دماء قصاص ساقط و به دیه تبدیل می‌شود؟

(جواب): بسمه تعالی بلوغ، بلا فرق بین ما یرتبط بالقصاص وغیره یثبت بالرجال والنساء، وفي خصوص النساء بالنساء.

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۳۱۰

سؤال ۸۵۱: اگر جنایت عمدی شخصی احراز شده باشد لیکن معلوم نباشد که آیا وی در هنگام جنایت بالغ بوده است یا خیر و قراین و شواهد ظنی نشان دهد که وی در زمان جنایت بالغ بوده است آیا بدون قسم متهم فقط استصحاب عدم بلوغ جاری می‌شود و قصاص ثابت نمی‌شود یا مدعی می تواند متهم را قسم دهد و در صورت نکول او و قسم مدعی قصاص او ثابت می‌شود؟

(جواب): بسمه تعالی ظاهراً استصحاب جاری است و قصاص نمی‌شود. قاعده‌ی درء الحدّ عندالشبهه که شبهات حکمیّه را هم شامل می‌شود مقتضی همین است.

ایمان و عقل زن از نظر اسلام

سؤال ۸۵۲: تا آن جا که ما می‌دانیم در عصر جاهلیت با زنان به عنوان یك وسلیه استفاده می‌شد و آنان را پست می‌دانستند، و پیامبر صلی الله علیه و آله با این کار مخالفت کرد و حقوق زنان را گرامی دانست و به آنان نیز احترام می‌گذاشت؛ ولی بعضی از روایات معصومین زنان را ناقص العقل می‌داند یا ایمان آنها را ناقص می‌داند. مانند نهج البلاغه که انسان را از مشورت با زنان منع می‌کند و می‌فرماید: اگر شما را به کار خوبی تشویق کردند اگر واجب بود به حکم واجب بودن آن را انجام دهید و اگر مستحب بود آن را انجام ندهید و کلاً زنان را پست می‌داند، چرا؟

(جواب): بسمه تعالی منظور از نقص عقل، نقص در برابر احساسات خودشان است یعنی احساس زنها بیش از مردها است. نوعا زنها عاطفی تر و احساسی تر هستند. خود زنها، آنها که دقیق بوده و تحصیلات دارند، اعتراف دارند. نقص ایمان هم یعنی چون در ماه چندین روز عبادت نمی‌کنند- هر چند معذورند- لیکن اثر می‌گذارد. ولی اسلام هرگز زن را پست نمی‌داند.

احکام حجر

سؤال ۸۵۳: پدر اینجانب به نظر بعضی از پزشکان متخصص، به جنون مزمن و به نظر بعضی دیگر به جنون ادواری

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــــــ

هر جهت دیگری تشخیص دهد.

سؤال ۸۵٤: آیا ولایت پدر و جد پدری در مواردی که ولایتشان ثابت است در عرض هم است یا ولایت جد پدری در صورت نبودن پدر است؟

(جواب): بسمه تعالی ظاهر ادله این است که در عرض هم ولایت دارند. و قاعدتاً اگر هر دو اعمال ولایت کردند ولایت آن که سبقت گرفته و اعمال ولایت کرده است نافذ می‌شود.

جهاد و دفاع و ...

جهاد و دفاع و امر به معروف و نهی از منکر

سؤال ۸۵۵: با عنایت به این که شیوه‌های جنگی معاصر نسبت به سابق در ابعاد مختلف متحول و تغییرات اساسی پیدا کرده است، لطفاً بفرمایید: ۱- نحوه برخورد رزمندگان اسلام با مجروحین دشمن حربی که قادر بر ادامه جنگ نمی‌باشند در حین درگیری و بعد از پایان جنگ چگونه باید باشد؟ ۲- حکم شرعی افراد کافری که علیه مسلمانان و کشورهای اسلامی در مسائل نظامی و غیر نظامی اقدام به جاسوسی می‌کنند چیست؟ ۳- با عنایت به روایت شریفه «انّ النبي صلى الله عليه و آله نهى ان يلقى السم فى بلاد المشركين» که در متون مختلف فقهی جهت حرمت استفاده از سم علیه بلاد مشرکین مورد استناد قرار گرفته است، مرقوم فرمایید؛ آیا در خصوص تسلیحات کشتار جمعی مانند بمب‌های هسته‌ای و شیمیایی و میکروبی هم همین حکم می تواند جاری باشد؟

(جواب): بسمه تعالی ۱- اگر رجوع به فئه و گروه و پایگاه خود دارند و خوف ساماندهی جدید باشد، قتل آن‌ها جایز است والا جایز نیست.

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۳۱۳

۲- دلیل روشنی بر جواز قتل جاسوس، به طور عام، چه جاسوس مسلمان و چه کافر پیدا نکردیم، دلیل‌هایی که ذکر شده هیچ کدام مدرك معتبری ندارند.

۳- بعید نیست که همان حکم را دارد، میزان کشتار عمومی است که مجرم و غیر مجرم یك جا کشته می‌شوند.

سؤال ۸۵٦: آیا کسانی که فرماندهی محاربین را به عهده دارند، محارب محسوب می‌شوند؟

(جواب): بسمه تعالی اگر کار گروهی انجام می‌شود و یك شبکه حساب می‌شوند، فرمانده هم محارب است، ضمن این که معمولاً فرمانده هم مسلح است و اسلحه را هرچند در کمر، لیکن حالت تهدید دارد.

سؤال ۸۵۷: ۱- آلوده کردن آب‌ها با استفاده از مواد مسموم کننده و میکروبی به منظور از بین بردن منابع طبیعی، کشتزارها و مزارع و همچنین حیوانات اهلی و وحشی در بلاد کفر بدون وجود ضرورت جنگی چگونه است؟ ۲- آیا بیمارستان‌ها و کادر پزشکی و امکانات مربوطه که برای مداوا و درمان شهروندان غیر نظامی و مجروحین جنگی به کار گرفته می‌شوند می توانند هدف حمله قرار گیرند؟ ۳- آیا اماکن عبادی در بلاد کفر از جمله کلیسا، کنیسه و مسجد بدون ضرورت نظامی و بدون این که برای اهداف نظامی استفاده شوند، در جریان جنگ می تواند هدف حمله نظامی قرار گیرد؟ ٤- آیا اموال و منازل شهروندان غیر نظامی در بلاد کفر در صورت بروز جنگ مصون از تعرض هستند، در صورت ممنوعیت تعرض، آیا استرداد اموال ربوده شده آنان الزامی است و آیا معیار مشخصی برای تفکیك بین اموال و اشخاص نظامی و غیر نظامی وجود دارد؟ ٥- آیا هدف قرار دادن و انهدام اماکن فرهنگی

همین جواب ما را هم احیاناً به افرادی از آنها و دیگران نشان بدهید برای آینده‌شان مفید است، تا نگویند چرا نگفتید، فعلاً به عنوان پلی برای گذر از این مرحله خطرناك اعتیاد، از آنها استفاده کنید.

سؤال ۸٦۰: نظام آموزش و پرورش بنا به گفته محققین که می تواند نقش اساسی و مهم در ارتقای معارف دین اسلام و همچنین ترویج و گسترش آموزه‌های دین اسلام را داشته باشد، آیا در این زمینه مسؤولیتی را بر عهده دارد؟

(جواب): بسمه تعالی آموزش و پرورش یکی از بزرگ‌ترین عوامل ترویج سلامت و نیز فساد می‌تواند باشد. اگر معلمان و دبیران سالم و دلسوز باشند و اطلاعات هرچند مختصری از زندگی پیامبر و ائمه علیهم السلام داشته باشند، می تواند به سلامت دانش‌آموزان کمك مؤثری داشته باشند. مشروط به آن که آن چه را نمی‌دانند ارجاع به دانشمندان بدهند، اگر هفته‌ای یك بار دانش‌آموزان را به ملاقات علماء و مجالس ذکر فضائل اهل بیت علیهم السلام ببرند بسیار مؤثر است. متانت و وقار و دیانت معلمان بسیار مؤثر است. چنان که یکی از عوامل بسیار تأثیرگذار، رسانه‌ها و به خصوص تلویزیون می‌باشند. برخی فیلم‌های تلویزیون برای جوانها تأثیرات غیر طبیعی غریزه جنسی می‌آورد و متأسفانه اولیاء امور یا غافل‌اند یا تغافل می‌کنند.

سؤال ۸٦۱: برخی از مردم که متأسفانه به بهانه‌های واهی، امر به معروف و نهی از منکر را ترك کرده‌اند، علاوه بر ترك این واجب مهم الهی، اقدام به تخریب و بدگویی از آمران به معروف می‌نمایند. آیا این بدگویی‌ها که گاهاً موجب ترك فعل واجب آمران به معروف می‌گردد، علاوه بر حرمت بدگویی و غیبت و تهمت، گناه دیگری هم دارد؟

توصیه‌ی حضرتعالی به چنین افرادی چیست؟

(جواب): بسمه تعالی اگر انتقاد از روش آمران و ناهیان باشد، مشکلی نیست.

ولی مخالفت با اصل امر به معروف و نهی از منکر مسلماً جایز نیست.

سؤال ۸٦۲: سؤال اینجانب این است که آیة الله چرا در مقابل این همه تبعیض‌ها و ناملایمات که به اسم اسلام و کلمه مقدس تشیع صورت می‌گیرد، سکوت اختیار

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۳۱۶

کرده‌اند. آیا اسلام فقط به نماز و گوشه‌گیری است. آیا پیامبر صلی الله علیه و آله نفرموده‌اند، که هر کس شب را به صبح برساند و از مسلمان دیگری اطلاع ندارد، مسلمان نیست؟

(جواب): بسمه تعالی به مقدار امکان گفته‌ایم، البته ما وظائف مختلفی داریم، فقط یك وظیفه نیست، تنوع کار مراجع بسیار زیاد است و در هر یك به قدر امکان انجام می‌شود.

سؤال ۸٦۳: بنده در یك اداره دولتی کار می‌کنم و با کسانی همکار هستم که از بیت المال استفاده ناصحیح می‌کنند. بنده به صورت محترمانه و با استفاده از احادیث با آنها صحبت کردم ولی آنها اهمیت نمی‌دهند. آیا گزارش این کار به رده‌ی بالاتر گناه محسوب می‌شود؟

(جواب): بسمه تعالی باز هم از طریق نصیحت، نهی از منکر کنید. اگر ضرر مهم‌تری پیش نمی‌آید لازم است برای حفظ بیت المال گزارش کنید.

سؤال ۸٦٤: هم اکنون در ایران افراد معتاد را در محیطهای زندان و شبه زندان که همان اردوگاه‌ها هستند، قرنطینه

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــــــ

را سپر خود قرار دهند و از پشت سر آن‌ها به همه‌ی مسلمین می تازند آیا ضرورت حساب می‌شود و ریختن خون این مسلمان‌ها جایز است؟ روایتی هم درباره‌ی جواز این کشتار داریم.

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۳۱۸

عکس هنر پیشه‌گان و ورزشکاران

سؤال ۸٦۷: بعضی از دانش‌آموزان عکس هنرپیشه‌گان و ورزشکاران را جمع آوری می‌کنند که حجاب خوبی هم ندارند و احتمالاً مفسده دارد و آیا مسئولین مدرسه می توانند چنین دانش‌آموزانی را از مدرسه اخراج کنند، و اصولاً نگه‌داری این‌گونه عکس‌ها و چاپ و پخش آن چه حکمی دارد؟

(جواب): بسمه تعالی به نظر اینجانب باید در منع توزیع سخت‌گیری شود و اگر مؤثر نشود اخراج شوند، اگر اداره‌ی کل مانع اخراج نشود!! متأسفانه آزادی بیش از حدّ دانش‌آموزان، موجب فساد محیط آموزشی شده و این به ضرر کل جامعه است.

استراق سمع و گذاشتن شنود

سؤال ۸٦۸: آیا اصولاً برای قاضی و مأموران دولت، گذاشتن وسایل شنود و دیگر وسایل پیشرفته برای کشف جرم وجاهت شرعی دارد؟

(جواب): بسمه تعالی منظور جرم فحشا و فساد اخلاقی است؟ به هیچ وجه جایز نمی‌باشد و حرام است. ولی اگر مربوط به عوامل براندازی است و برای جلوگیری از سقوط نظام اسلامی شنود می‌شود، اشکال ندارد.

شرکت در پایگاه بسیج

سؤال ۸٦۹: با توجه به این که امروزه پایگاه‌های مقاومت بسیج محل امنی برای تربیت صحیح نوجوانان و جوانان می‌باشد و فرهنگ اسلامی در این مکان‌ها نشر می‌گردد، نظر حضرتعالی در مورد اهمیت اسم نویسی جوانان و نوجوانان در پایگاه‌های مقاومت بسیج مساجد که سنگرهای دفاع تهاجم فرهنگی هستند، چیست؟ والدین در این امر چه تکلیفی دارند؟

(جواب): بسمه تعالی مورد به مورد فرق می‌کند. در هر مورد باید از متصدی و کارگزاران آن‌جا تحقیق شود، اگر مدیریت صحیح است، باید افراد برای رفتن به آن‌جا توصیه شوند.

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۳۱۹

احکام تقیه

سؤال ۸۷۰: به اطلاع می‌رسانم که گروهی از مردم روسیه و ارمنستان و ... بر اثر خواندن کتاب شریف «لو لا فاطمه علیها السلام» که برگرفته شده از نوارهای سخنرانی جنابعالی می‌باشد که به زبان روسی توسط اینجانب سید مصطفی موسوی اف ترجمه شده، و به برخی کشورهای شوروی سابق ارسال گردیده و گروهی (حدود هشتاد نفر) بر اثر خواندن این کتاب شیعه شدند ولی حاضر نیستند که تقیه کنند لذا از خانه و کاشانه خود طرد شده و مجبور به ماندن در کوچه و خیابان هستند لذا از حضرتعالی درخواست راهنمایی این گروه از تازه مسلمانان شیعه را داریم تا ضمن عمل کردن طبق وظیفه شرعی خود این مشکل آن‌ها نیز برطرف گردد.

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــ_ ٢٢٧
(جواب): بسمه تعالی در شرایط خاص این عزیزان باید تقیه کنند که در قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم السلام توصیه شده است. و امام صادق علیه السلام فرمود: «تقیه دین من و دین پدران من می‌باشد.» این عزیزان تقیه کنند تا بتوانند تکثیر افراد مؤمن کنند و محصور نشوند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مورد عمار که تقیه کرد، فرمود: او فهمیده‌تر از پدر و مادرش می‌باشد، که آن‌ها تقیه نکردند و از بین رفتند.

کفر و ارتداد و اسلام

کافر حربی و ذمی

سؤال ۸۷۱: در مورد تعریف غیر ذمی و حکم قتل غیر ذمی‌ها نظر مبارکتان را بفرمایید.

(جواب): بسمه تعالی کافر حربی آن است که در حال حال جنگ با مسلمین است. و کافر ذمی آن است که سر جنگ ندارد و در کشور اسلامی شرایط حکومت را می‌پذیرد. و معاهد هم مثلی ذمی است، یعنی در کشور دیگری است و با قرار داد با کشور اسلامی روش مسالمت آمیز دارد.

احکام ارتداد

سؤال ۸۷۲: ۱- آیا توبه مرتد فطری، قبل از ثبوت نزد حاکم، موجب سقوط حدّ قتل می‌شود؟ ۲- آیا توبه مرتد فطری بعد از ثبوت نزد حاکم موجب سقوط حدّ قتل می‌شود؟

(جواب): بسمه تعالی ۱- به نظر اینجانب اصل ارتداد باید نزد حاکم اثبات شود، طبع این حکم از متفرعات حکومت است، گرچه در روایت محمّد بن مسلم آمده که:

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۳۲۰

«دمه مباح في تلك الحال»، و در روایت عمار آمده که: «دمه مباح لمن سمع ذلك منه»، لیکن عمار ضبط خوبی و حافظه درستی ندارد. و معنای عبارت حدیث اول هم این نیست که هر کس می‌تواند او را بکشد، باید دادگاه باشد و حاکم شرع.

۲- و اما قبول توبه: فتوای مشهور این است که اساساً توبه مرتد فطری قبول نیست و صریح روایت دیگر محمّد بن مسلم نیز همین است. و به نظر اینجانب هم توجیه این روایت ممکن نیست. روایات دیگر هم که «لا یستتاب» دارد به نظر می‌رسد می‌خواهد بگوید که چون توبه‌اش قبول نیست تقاضای توبه نمی‌شود، وگرنه اگر توبه‌اش قبول می‌شد معنی ندارد که بفرماید: «عرضه توبه بر او نشود» و اساسا استتابه طریقی برای توبه است. و اما این که بگوییم معنای روایت محمّد بن مسلم که می‌فرماید: «لا توبة له»، یعنی نزد خدا توبه ندارد، حرف ضعیف و سخیفی است زیرا نزد خدا هر توبه‌ای قبول است و همه این معنی را قبول دارند. ۳- بحث از این که اساساً معنای ارتداد چیست مسأله‌ی دیگری است. که آیا منظور عمداً و علماً است یعنی در عین علم به حقانیّت اسلام آن را انکار کند که اخیراً عده‌ای این‌طور معنی می‌کنند یا این که همان معنای معروف است؛ یعنی صرف ردّ بر اسلام- چون در معنای اول شخص حقیقتاً مسلمان است- و آیا منظور صرف اظهار ردّ است یا تبلیغ علیه اسلام. به نظر می‌رسد ارتداد قلبی و عملی منظور است، یعنی در صف کفار قرار می‌گیرد قلباً و عملاً.

سؤال ۸۷۳: لطفاً بیان فرمایید که الف: ضروری دین دقیقاً چه چیزی است که انکار آن موجب خروج از دین می‌گردد؟

(جواب): بسمه تعالی به نظر اینجانب میزان کفر، انکار یکی از دو شهادت «لا اله إلاّ الله، محمّد رسول الله» است. انکار ضروری اگر به انکار شهادتین برگردد کفر است ولی اگر خیال کند که مثلاً فلان چیز (مثلاً نماز یا حجاب یا ...) را علمای دین در آورده‌اند، کافر نمی‌شود گرچه گناه بزرگی است، زیرا به همه‌ی علمای دین تهمت زده است. و اما معنای ضروری آن چیزی است که همه حتی غیر مسلمان‌ها هم می‌دانند که مسلمانان این عقیده و یا این حکم را دارند.

ب: همان‌گونه که می توان گفت کسی از دین خارج شده، آیا می توان کسی را هم از مذهب شیعه خارج دانست؟

(جواب): بسمه تعالی میزان خروج از تشیع این است که قبول نکند که خداوند

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۳۲۱

برای پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله هم برنامه دارد و امامانی را نصب کرده که مردم باید از آن‌ها اطاعت کنند که اول آن‌ها علی علیه السلام است.

ج: در صورت مثبت بودن پاسخ «ب» تحت چه شرایطی و با انکار چه مواردی فردی ضروری مذهب شیعه را انکار کرده و از مذهب شیعه خارج شده است؟

(جواب): بسمه تعالی ضروری اسلام یعنی چیزی که همگان حتی غیر مسلمان‌ها هم می‌دانند، که در اسلام و برنامه مسلمان‌ها می‌باشد، مثل حجاب و نماز و روزه و حج و ... و ضروری شیعه چیزی است که حتی غیر شیعه هم می‌داند که شعار شیعه است، مثل همان مسأله امامت. و گفتیم که به نظر ما انکار ضروری میزان نیست بلکه انکار شهادتین در اسلام و انکار اصل امامت در شیعه ملاك است.

د: در صورت مثبت بودن سؤال «ب» بفرمایید آیا خروج از مذهب شیعه به معنی باقی ماندن بر اسلام است (به فرض اعتقاد به ضروریات مندرج در پاسخ سؤال «الف»)؟

(جواب): بسمه تعالی از جواب فوق معلوم شد که خروج از شیعه موجب خروج از اسلام نیست.

هـ: اگر کسی با اعتقاد و استدلال و برهان مسأله‌ای را که در تشیع یا اسلام مسلم فرض شده، قبول نداشته باشد آیا موجب خروج از شیعه یا اسلام می‌گردد؟

(جواب): بسمه تعالی میزان همان است که گفتیم. انکار شهادتین موجب خروج از اسلام است، به هر دلیل یا بدون دلیل. و انکار اصل امامت موجب خروج از تشیع است به هر دلیل یا بلا دلیل. و منظور ارتداد و خروج قلبی و عملی منظور است.

سؤال ۸۷٤: اگر اسلام دینی است که با شناخت باید در او وارد شد، چگونه دختر ۹ ساله و یا پسر ۱۵ ساله می توانند این شناخت کامل را پیدا بکنند لذا اگر به ۲۰ یا ۳۰ یا ٤۰ سالگی برسد و به این نتیجه برسد که اسلام دین کامل و به حق نیست چرا مرتد می‌شود او که از اول با شناخت قبول نکرده بود در این رابطه چه فرمایشی دارید؟

(جواب): بسمه تعالی لازم نیست اسلام با برهان عقلی باشد. یقین کافی است هرچند از راه اعتماد به دیگری باشد، ایمان یعنی همان یقین، نه حتماً با دلیل عقلی.

ممکن است شخص قبل از کهولت یا جوانی هم به چیزی اعتقاد پیدا کند.

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــــــ

(جواب): بسمه تعالی ۱- اگر از طریق مدیریت مدرسه می توان صاحبان اموال را در هر شهری که هستند، پیدا کرد، باید رضایت آنها تحصیل شود.
۲- اگر می‌دانید که آنها اعراض کرده و دیگر آنها را نمی‌خواهند، در اعراض مطلق هر کسی می تواند به قصد تملك تصاحب کند، و در اعراض از استفاده (به خاطر سفر و مانند آن) با نیّت بقاء ملك، جایز است هر کسی استفاده کند.
۳- اگر هیچ یك از دو فرض فوق- اعراض مطلق، و یا اعراض از استفاده- نباشد، باید به نیّت صاحبان آنها، از باب صدقه در اختیار افراد محتاج- با اولویت طلاب محتاج- قرار داد که استفاده کنند.

مظالم عباد

سؤال ۸۷۸: من شاغل هستم و در بیمارستان کار می‌کنم می‌خواهم بپرسم که آیا رد مظالم بر من واجب است چون گاهی کارهایی را فراموش می‌کنم که انجام بدهم و می ترسم که مدیون دیگران شوم.
(جواب): بسمه تعالی اگر فراموشی طبق متعارف است که برای معمول افراد پیش

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۳۲۴

می‌آید اشکال ندارد وگرنه با رییس و مدیر بیمارستان صحبت کنید و حلیّت بطلبید، اگر مربوط به وظیفه‌ی اداری شماست.

قصاص

قتل از روی خیال و توهم

سؤال ۸۷۹: متأسفانه در مواردی دیده شده که والدین، برادران و بستگان به دلایل واهی، اقدام به کشتن فرزندان خود می‌کنند. به عنوان مثال به دلیل ارتباط و دوستی دختر با پسر غریبه، برادر یا پدر اقدام به کشتن دختر می‌کند. در این موارد به علت هم‌خونی و یا رابطه نزدیك، فرد قاتل از مجازات فرار کرده و با رضایت اولیای دم یا پدر و مادر بودن، پس از طی کردن دوران کوتاه زندان، آزاد می‌شود. این کار، از طرفی ترویج رفتار خشونت آمیز و افزایش قتل‌های خانوادگی را باعث شده (که اسلام کاملاً با آن مخالف است) و از طرف دیگر باعث سست شدن روابط خانوادگی و فرار و آسیب دختران می‌شود. الف) آیا از نظر شرعی این رفتار جنون آمیز و قتل مجاز است؟ ب) از نظر حضرتعالی این‌گونه مجازات‌ها جامعه را به خطر نمی‌اندازد؟
(جواب): بسمه تعالی الف) نعوذ بالله، قتل آنها گناهش به مراتب بیش از فحشا است. ب) صرف ارتباط و صحبت بدون تحریك شهوانی، و در حد متعارف، اشکالی ندارد. آیه کریمه قرآن که می‌فرماید: «و اذا الموؤدة سئلت: از خاك شده می پرسند که به چه گناه کشته شده!!» انسان را به شدت می‌لرزاند. این‌گونه خون‌های به ناحق ریخته که به‌خصوص در منطقه خوزستان شنیده شده است منشاء بدبختی‌های فردی و اجتماعی شده و موجب نزول عذاب می‌باشد. ظلمی بدتر از این تصور نمی‌شود.

قتل نفس: عمد و غیر عمد

سؤال ۸۸۰: الف) چنان‌چه جانی قصد قتل نداشته باشد و ضربه‌ای هم که وارد نموده است نوعاً کشنده نباشد، ولی اتفاقاً منجر به قتل شود، آیا جانی علاوه بر دیه قتل نفس به قصاص جنایت بر عضو نیز محکوم می‌گردد، یا از موارد تداخل است؟

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــ

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۳۲۵

ب) هرگاه دو نفر ضربات متعدد با فاصله بر مجنی علیه وارد کنند، مثلاً یکی امروز دست او را قطع کند و دیگری فردا پای او را قطع کند و روز سوم مجنی علیه بر اثر سرایت هر دو ضربه فوت کند؛ آیا هر دو قاتل هستند و از موارد شرکت در قتل است، یا فقط نفر دوم قاتل است؟

(جواب): بسمه تعالی میزان، اسناد قتل است که آیا به هر دو مستند است یا به اخیر؟ اگر همان‌طور که ذکر شده به اثر سرایت هر دو ضربه است، هر دو قاتل هستند.

سؤال ۸۸۱: ۱- شخص «الف» به قصد این که با پریدن بر روی شخص «ب» وی را به قتل برساند به پشت بام می‌رود، لیکن قبل از این که اقدام به پریدن نماید، بدون اختیار او، طوفان یا زلزله غیر مترقبه‌ای وی را به پایین و بر روی شخص «ب» پرتاب کرده و موجب قتل شخص «ب» می‌شود؛ مستدعی است بفرمایید که آیا جنایت عمد است یا شبه عمد یا خطا و یا تلف محض؟ ۲- هر گاه شخص «الف» با علم به این که اگر در مکان خاصی قرار گیرد، طوفانی که در حال وزش است او را به پایین پرتاب کرده و موجب قتل شخص «ب» می‌گردد، به مکان مزبور رفته و در اثر وزش طوفان و سقوط به پایین، شخص «ب» را هلاك نماید، جنایت از چه نوعی است؟

(جواب): بسمه تعالی ۱- اسناد قتل در فرض مزبور به حوادث طبیعی است و آن شخص قاتل نیست. ۲- قاتل حساب می‌شود و عمد است.

سؤال ۸۸۲: مراد از غالباً کشنده بودن کار جانی، که حتی بدون قصد قتل، موجب می‌شود که قتل عمد باشد، چیست؟ آیا مراد آن است که آن کار به احتمال بالای پنجاه درصد منجر به قتل شود و لذا اگر این احتمال کم‌تر از پنجاه درصد بود و منجر به قتل شد، عمد نباشد؛ برای مثال اگر کسی یك گلوله در هفت تیر قرار داده آن را چرخ دهد و به شخص بی‌گناهی شلیك کند، احتمال این که گلوله شلیك شود یك هفتم است، لذا اگر شلیك کرد و گلوله شلیك شد و مغز مجنی علیه را متلاشی کرد. آیا قتل عمد محسوب نمی‌شود؟ یا مثلاً اگر کسی از بین پنج لیوان شربت یکی را عمداً مسموم کند- بدون آن که قصد قتل داشته باشد و فقط برای امتحان شانس خود یا برای تفریح خود و دیگران- پنج لیوان مذکور را به بی‌گناهی تعارف کند و مجنی علیه اتفاقاً و بی‌خبر از همه جا لیوان مسموم را برداشته و بنوشد و بمیرد، آیا قتل مذکور عمد نخواهد بود، چون

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۳۲۶

احتمال تحقق جنایت در این‌جا یك پنجم بوده است که کم‌تر از پنجاه درصد است؟ یا مراد از غالباً کشنده بودن کار، همان در معرض قتل قرار دادن دیگری است، به مقداری که عقلا آن را مذمت شدید کرده و از فاعل چنین عملی گذشت نمی‌کنند و وی را قاتل عمدی محسوب می‌کنند، حتی اگر این معرضیت به مقدار سی درصد یا کم‌تر از آن باشد- البته نه آن قدر پایین که مورد توجه و اعتنای عقلا نباشد- زیرا اهمیت و قوت محتمل جبران ضعف احتمال را می‌کند یا مراد چیز دیگری است. لطفاً نظر شریف خود را به تفصیل و وضوح بیان فرمایید.

(جواب): بسمه تعالی منظور معرضیت عقلائی است و در صحت اسناد، همان کافی است.

سؤال ۸۸۳: ۱- اگر کسی اقدام به قتل عمدی دیگری کند و مجنی علیه حین ایراد جنایت، محقون الدم باشد و قتل با فاصله زمانی محقق شود و مجنی علیه قبل از مرگ، مهدور الدم شود، مثلاً قبل از مرگش فرزند جانی را عمداً به قتل برساند، آیا در این صورت جانی، قصاص نفس می‌شود؟ به عبارت دیگر آیا شرط محقون الدم بودن مجنی علیه نسبت به جانی برای قصاص، حین ایراد جنایت معتبر است یا حین تحقق قتل و یا حین ایراد جنایت و حین تحقق قتل با هم؟ ۲- اگر مسلمانی اقدام به قتل عمدی دیگری کند و مجنی علیه حین جنایت مسلمان باشد لیکن تا قبل از مرگ مرتد می‌شود، آیا جانی مسلمان برای مرگ چنین مرتدی قصاص نفس می‌شود؟ ۳- اگر کسی اقدام به قتل عمدی دیگری کند و مجنی علیه را به گونه‌ای رها کند و برود که نجات او ممکن نیست و اگرچه فعلاً «کالمیت» نیست لیکن قطعاً تا فردا خواهد مرد، و ولیّ مجنی علیه به دنبال جانی رفته و وی را قبل از مرگ مجنی علیه به قتل می‌رساند و پس از آن مجنی علیه می‌میرد، آیا در این صورت ولی مذکور مستحق قصاص نفس است؟ یا محکوم به پرداخت دیه می‌شود، یا هیچ کدام و فقط تعزیر می‌شود؟ چنان‌چه ولی دم مذکور مستحق قصاص یا محکوم به پرداخت دیه باشد، خون مقتول اول چه می‌شود؟ آیا هدر است یا دیه‌اش از اموال جانی و در صورت فقر او از عاقله یا بیت المال پرداخت می‌شود؟

(جواب): بسمه تعالی ۱- ظاهر این است که میزان هنگام قصاص می‌باشد ولی شخص متخلف که پیش از موعد مزبور قتل کرده تعزیر می‌شود. ۲- مثل بالا. ۳- ظاهراً در این مورد هم فقط تعزیر می‌شود.

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۳۲۷

سؤال ۸۸٤: هرگاه شخصی به سوی شخص یا حیوانی تیراندازی کند در حالی که توجه دارد که شخص محقون الدم دیگری در معرض اصابت تیر او قرار دارد (احتمال می دهد تیرش خطا رفته و به شخص محقون الدم اصابت کند) در صورت اصابت تیر به شخص محقون الدم و به قتل رسیدن او، قتل از چه نوعی است؟

(جواب): بسمه تعالی شبه عمد می‌باشد.

سؤال ۸۸۵: راننده‌ای که مقررات رانندگی را رعایت نمی‌کند و در حالی که سرعت غیرمجاز یا سبقت غیرمجاز داشته یا در حال عبور از چراغ قرمز بوده، با توجه به این که این‌گونه عدم رعایت مقررات، دیگران را در معرض جنایت قرار می‌دهد، بفرمایید در صورت تصادف و وقوع قتل، جنایت عمد است یا غیر عمد؟

(جواب): بسمه تعالی شبه عمد می‌باشد.

فتوای قتل شیعیان از سوی علمای وهابی

سؤال ۸۸٦: نظر به این که قتل شیعیان از سوی برخی علمای وهابی واجب شمرده شده است، آن جناب نظر فقهی و اسلامی خود را در این خصوص بیان فرمایید.

(جواب): بسمه تعالی بدون شك این‌گونه به اصطلاح علمای وهابی- که به طور قطع نه عالمند و نه متعهد- تحریك شده کفار می‌باشند و در حقیقت تبدیل به مزدورانی بی‌مزد و اجرت، (و شاید با اجرتی مخفی) شده‌اند. تشیع حقیقت اسلام است، اسلام تا ولایت حضرت علی علیه السلام را نداشت، ناقص بود و در عید غدیر خم، «اکملت لکم دینکم» نازل شد. شیعه اگر امامان خود را زیارت می‌کند از باب این است که این بزرگان مقربان درگاه

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــــــ

(جواب): بسمه تعالی مقتضای اطلاق دلیل، ثبوت کفاره است، روزه هم باید بگیرد و شرط صحت هم در اختیار اوست (مسلمان شود)، البته پس از اسلام آوردن ساقط می‌شود و اثر حکم در صورت بقاء بر کفر و عقاب بر مخالفت می باشد.

سؤال ۸۹۰: ۱- هرگاه شخصی بر اثر تعزیر حاکم (اجرای حکم) مثلاً در اجراء حکم شلاق، فوت نماید؛ آیا کفاره قتل واجب است؟ در صورت مثبت بودن پاسخ، کفاره به عهده کیست؟ (حاکم یا مجری حکم یا بیت المال)؟ ۲- هرگاه شخصی در ماه حرام یا در حرم کشته شود، آیا قاتل که می‌بایست دو ماه روزه بگیرد، باید روزه را در ماه حرام بگیرد یا در غیر ماه حرام، ۳- اگر در ماه حرام روزه واجب باشد، آیا روز عید قربان می تواند روزه بگیرد؟ ٤- با توجه به این که دیه در ماه حرام تغلیظ می‌شود؛ بفرمایید مبدء شروع ماه حرام، غروب آفتاب است یا اذان یا رؤیت هلال یا طلوع فجر یا نصف شب؟

(جواب): بسمه تعالی ۱- اگر مجری تقصیر کرده باشد، به عهده‌ی اوست و اگر حاکم در فهم و بیان حکم مقصر باشد به عهده اوست.

۲- حرم، دلیل درستی ندارد. فقط محتمل یك روایت است. حکم مربوط به اشهر حرم است. ۳- روز عید قربان را هم بگیرد علی الاقوی. ٤- به نظر ما باید در ماه حرام روزه بگیرد؛ لیکن عده‌ای معتقدند که اشاره به فوریت است یعنی لازم نیست صبر کند تا ماه حرام بگذرد نه این که حتماً در ماه حرام روزه بگیرد به طوری که اگر امسال نشد، تا سال آینده صبر کند اگر فعلا زمان به قدر تتابع دو ماه نیست (سی و یك روز).

ولی به نظر ما باید در ماه حرام بگیرد و همین سال اول هم بلافاصله پس از جرم شروع کند، اگر نشد سال بعد. ۵- مغربِ شب اول ماه بعد، مبدء شروع می باشد.

سؤال ۸۹۱: ۱- در صورتی که قاتل پس از انجام قتل، خودکشی کند آیا کفاره قتل ساقط می‌شود یا نه؟ ۲- در صورتی که شخصی قاتل نباشد ولی در اثر فشار زندگی و مانند آن دست به خودکشی (قتل نفس) بزند، آیا باید از ترکه او کفاره پرداخت شود؟

۳- در صورتی که مدعی زن باشد و نوبت به قسامه برسد، آیا می تواند جزء قسم خورندگان قرار گرفته و سوگند یاد نماید یا سوگند خورندگان حتماً باید مرد باشند؟

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۳۳۰

٤- مراد از ظن معتبر در لوث چگونه ظنی است؟ ظن مطلق یا ظن قوی و موجب اطمینان یا ظن متاخم علم؟ و آیا ظن شخصی مراد است یا نوعی؟

(جواب): بسمه تعالی ۱- در قتل خود، کفاره ندارد، ولی قتل دیگری کفاره دارد باید از ترکه داده شود یا ولیّ انجام دهد، لااقل به احتیاط واجب؛ ولی اگر قصاص شود کفاره ندارد. ۲- همانند خودکشی‌های دیگر، کفاره واجب نیست. ۳- باید مرد باشند گرچه برخی گفته‌اند که در مدعی اشکال ندارد، لیکن دلیل روشنی ندارد. ٤- ظنّ شخصی حاکم، ظن غالب، هرچند علم و اطمینان نیاورد.

سؤال ۸۹۲: الف) هرگاه شخصی صبی ممیز یا غیر ممیزی را امر یا اکراه یا مجبور به قتل نماید، آیا کفاره قتل بر عهده آمر، مکره یا مجبور کننده یا بر صبی است یا هیچ کدام؟

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــــــ

یك نفر نامعین از آن چهار نفر به وجود آید، در دو صورت ذیل حکم مسأله را بیان فرمایید؛ الف) اولیای دم، مدعی‌اند قاتل شخص معینی از آن چهار نفر است. ب) اولیای دم، تنها مدعی‌اند یکی (یکی نامعین) از آن چهار نفر قاتل است.

(جواب): بسمه تعالی الف) اگر لوث برای شخص معین حاصل شود، با قسامه قصاص می‌شود. ب) لوث حاصل نمی‌شود مگر با قرائنی و به صرف ادّعا لوث

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۳۳۲

حاصل نمی‌شود، اولیاء دم هم اگر یقین دارند، می توانند اعمال قسامه کنند، لیکن به شرط وجود لوث.

سؤال ۸۹۷: آیا در فروض ذیل قصاص تبدیل به دیه می‌شود: الف: هرگاه قاتل پس از تسلیم خود به اولیای دم، به مرگ طبیعی از دنیا برود. ب: هرگاه قاتل توسط شخص دیگری غیر از اولیای دم به قتل برسد. ج: هرگاه قاتل با خود کشی و مانند آن، به سوء فعل خود، زمینه قصاص را از بین برده و خود را معدوم نماید. د: آیا در فروض فوق، فرقی بین قتل و جنایت کم تر از قتل وجود دارد؟

(جواب): بسمه تعالی ۱- چون موضوع از بین رفته قصاص از بین رفته و شرط دیه هم که توافق بر دیه باشد وجود ندارد.

۲- اگر قاتل کشته شده موضوع قصاص حتی در اطراف هم از بین رفته و حکم آن، بدون موضوع است. و بنابراین در این جهت فرقی بین قتل و عضو نیست.

سؤال ۸۹۸: ۱- اگر مردی، همسر نابالغ خود را در حال زنا ببیند و وی را به قتل برساند و در دادگاه زنای همسر خود را ثابت کند، آیا دیه و قصاص از او ساقط است یا به سبب آن که زانیه شرعاً- به سبب عدم بلوغ مکلف نبوده ولذا- مهدور الدم نبوده، شوهر به سبب قتل او محکوم به قصاص می‌شود؟ ۲- اگر مردی، نابالغی را ببیند که با همسرش زنا می‌کند و در آن حال زانی را بکشد و در دادگاه زنای او را ثابت کند، آیا دیه و قصاص از او ساقط است یا به سبب آن که زانی شرعاً- به سبب عدم بلوغ مکلف نبوده است و لذا- مهدور الدم نبوده، شوهر محکوم به قصاص می‌شود؟

(جواب): بسمه تعالی ۱- اگر خود را مجاز در قتل می‌دانسته، قصاص ندارد لیکن دیه دارد. ۲- مانند فوق می باشد.

سؤال ۸۹۹: اگر کسی با یك ضربه‌ی عمدی که غالباً کشنده است موجب جنایت‌های متعدد بر اعضای مجنی علیه شود، به گونه‌ای که موجب قتل مجنی علیه گردد، بفرمایید؛

الف) در صورتی که همه آسیب‌های وارده در تحقق قتل مؤثر بوده و موجب سرایت به نفس شده باشد، آیا قصاص اطراف در قصاص نفس تداخل می‌کند یا خیر؟

ب) در صورتی که محرز باشد که برخی از این آسیب‌ها هیچ نقشی در سرایت به نفس نداشته و فقط برخی از این آسیب‌ها موجب قتل مجنی علیه شده‌اند، آیا جانی افزون بر

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۳۳۳

قصاص نفس، در خصوص جنایت غیر مسری، حسب مورد به قصاص عضو یا دیه نیز محکوم می‌شود یا خیر؟

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــــــ

۲- حق قصاص دو نفر دیگر را هم ندارد.

سؤال ۹۰٤: هرگاه شخصی در حالت مستی مرتکب قتل گردد؛ در حالت‌های زیر حکم مسأله را بیان داشته، و در صورت ثبوت دیه بفرمایید مسؤول پرداخت دیه چه کسی است؟ الف) شخص برای انجام قتل خود را مست کرده باشد یا بداند که اگر مست کند مرتکب قتل خواهد شد. ب) شخص با علم و توجه شرب خمر نماید بدون آن که قصد قتل در حالت مستی را داشته باشد؟ ج) شخص به تصور این که مایع مزبور آب است، شراب نوشیده و مرتکب قتل می‌شود؟

(جواب): بسمه تعالی الف) قصاص دارد مگر این که با رضایت ولی دم منتقل به دیه شود و دیه از مال جانی می‌باشد. ب) همانند صورت اول. ج) قصاص ندارد، دیه به عهده‌ی جانی است.

سؤال ۹۰۵: الف) نظر جنابعالی نسبت به قانون مجازات اسلامی در باره مجاز بودن شوهر در قتل زن خود و مردی که با آن زن زنا می‌کند و شوهر آن‌ها را در حال زنا مشاهده می‌کند، چیست؟ ب) آیا روایت ابی مخلد در مسأله، حجت است و مؤید این مسأله است، که زوج نباید قصاص شود؟

(جواب): بسمه تعالی الف) برای مرد قتل هر دو جایز است، اگر آن‌ها را در حال زنا- یعنی عمل دخول- ببیند. ب) اگر نتواند زنا را ثابت کند، قصاص می‌شود.

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۳۳۵

سؤال ۹۰٦: هر گاه «الف» قصد قتل «ب» را داشته باشد و به سوی او نشانه‌گیری کند، در صورتی که شخص ثالثی در کنار «ب» قرار داشته باشد و تیرانداز نیز احتمال بدهد، امکان اصابت تیر به شخص ثالث وجود دارد و مع ذلك به این احتمال قابل اعتنا توجه ننماید و به سوی «ب» شلیك کند، بفرمایید اگر تیر او به شخص ثالث اصابت نموده و او را هلاك سازد، آیا با توجه به عدم قصد قتل شخص ثالث و نوعا کشنده نبودن عمل نسبت به او، قتل غیر عمد است و یا آن که، چون شخص ثالث در معرض اصابت تیر «الف» قرار داشته و «الف» اصابت تیر به او را پیش بینی کرده، قتل عمدی و «الف» مستحق قصاص است؟

(جواب): بسمه تعالی ظاهراً به حکم عمد می‌باشد چون قصد قتل کسی را دارد، و احتمال عقلایی میدهد که مقتول فعلی، معدوم شود و آلت هم قتاله است. ممکن است بگویید: «متیقن عمد آنجاست که قصد قتل شخص یا اشخاصی را دارد و همان‌ها را بکشد، شبهه در این که عمد است یا شبه عمد نیز درء قصاص می‌کند. گرچه سهل انگاری نموده و از این نظر معصیت کرده، لیکن اگر از او بپرسند که: آیا می‌خواستی او را بکشی؟ جواب نفی است». لیکن وقتی انسان دیگری در معرض است و احتمال عقلائی آن است که به او اصابت می‌کند و با این احتمال، تیراندازی می‌کند و می‌کشد، این را قتل عمد حساب می‌کنند. مثل کسی که در بازار شلوغ برای کشتن زید تیراندازی کند. فقط می‌توان گفت: درجات احتمال فرق می‌کند. مثلاً ده درصد اصابه می‌کند یا نود درصد؟

سؤال ۹۰۷: ۱- در قتل یا جرح خطای محض که مهلت پرداخت دیه، سه سال است آیا در قتل یا جرح عمدی طفل که عمدش، خطا محسوب می‌شود پرداخت دیه سه سال است یا یك سال؟ ۲- هر گاه طفل متولد از زنا توسط زانیه کشته شود، در صورت عمد آیا زانیه قصاص می‌شود؟ ۳- در فرض فوق چنان‌چه توسط زانی، طفل متولد از زنا کشته شود، آیا زانی قصاص می‌شود؟

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــــــ

قبل از مرگ قاتل، مجنی علیه اول بمیرد، آیا باز ولی دم محکوم به قصاص می‌شود؟

۲- هرگاه مقتول پس از اصابت ضربه کشنده عمدی و قبل از خروج روح از بدنش به سمت قاتل که در حال فرار بوده شلیك کند و در نتیجه قاتل کشته شود، آیا مجنی علیه اول مرتکب قتل عمد موجب قصاص شده است و لذا حتی با علم و قطع به این که مجنی علیه اول تا یك هفته دیگر قطعاً در اثر جنایت اول کشته می‌شود محکوم به قصاص نفس می‌شود و قبل از مرگش قصاص اجرا می‌شود؟ و لذا باید صبر کرد، پس اگر تا یك هفته دیگر بمیرد قصاص محقق شده است ولی اگر اتفاقاً کشته نشد مجنی علیه اول محکوم به قصاص نفس یا دیه می‌شود؟ و در این صورت حکم جنایت اول چه می‌شود؟

(جواب): بسمه تعالی در این گونه موارد تهاتر بین قتلین شده و قصاص و دیه ندارد. و در حقیقت مصداق آیه اعتداء (بقره، ۱۹٤) می‌باشد هرچند آن را قصاص ننامیم بلکه می توان قصاص نامید. از برخی روایات هم استفاده می‌شود مثل ۲۱ موجبات الضمان حدیث سکونی عن الصادق علیه السلام.

سؤال ۹۱۱: در صورتی که شخصی عمداً به دیگری مشت یا سیلی بزند یا انگشت او را قطع کند و او بمیرد، در صورتی که این‌گونه اعمال نوعاً کشنده نبوده و ضارب قصد قتل هم نداشته باشد، آیا تنها دیه نفس ثابت است یا تنها قصاص نفس یا نسبت به عضو، قصاص عضو و نسبت به نفس، قصاص نفس؟

(جواب): بسمه تعالی اگر احتمال دارد بمیرد، گفته شده فعلاً قطع عضو نمی‌شود، اگر زنده ماند قطع عضو وگرنه قصاص می‌شود. لیکن جنایت اولی چون عمدی بوده فعلاً قصاص دارد و بعداً که فوت نمود دیه نفس دارد.

سؤال ۹۱۲: هرگاه صدمه عمدی بر شخصی وارد گردد و لیکن نوعا کشنده یا موجب قطع عضو نبوده و جانی نیز قصد کشتن را نداشته ولی به جهت ضعف مجنی علیه یا هر جهت دیگری، موجب فوت یا قطع عضو گردیده است، آیا جانی می‌بایست نسبت به

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۳۳۸

قطع عضو قصاص شود و آنگاه به لحاظ فوت مجنی علیه یا قطع عضو دیه بپردازد یا جانی فقط باید دیه نفس بپردازد یا فقط قصاص شود؟

(جواب): بسمه تعالی چون جنایت اولی عمدی بوده، قصاص دارد و پس از فوت دیه نفس هم ثابت است.

سؤال ۹۱۳: هرگاه صاحب کارخانه‌ای تعدادی کارگر را استخدام نماید و کارگرها در اثر آلودگی به مواد سرطان زایی که در مواد اولیه وجود داشته، به سرطان مبتلا گردند، آیا مسؤول کارخانه در فروض ذیل ضامن خسارات وارده (ارش) می‌باشد؟ الف) هرگاه مسؤول کارخانه از سرطان‌زا بودن مواد اولیه مطلع بوده، لیکن بر این مسأله سرپوش گذاشته است. ب) هرگاه مسؤول کارخانه، خود نیز از سرطان‌زا بودن مواد اولیه اطلاع نداشته و اطلاع داشتن او، متوقع منه نیز نبوده است. ج) مسؤول کارخانه از سرطان‌زا بودن مواد اولیه اطلاع نداشته لیکن این عدم اطلاع در اثر مسامحه و سهل‌انگاری او بوده به گونه‌ای که اگر مسؤول دقیق و وظیفه شناس بود، می توانست از موضوع مطلع شود.

(جواب): بسمه تعالی الف) مسؤول کارخانه، مسؤول پرداخت دیه و بلکه با درخواست مبتلایان و ورثه‌ی آنها مستوجب قصاص می‌باشد.

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــــــ

(جواب): بسمه تعالی حق قصاص ندارد.

سؤال ۹۱۷: اگر «الف» که دارای یك برادر به نام «ب» است، پدرش را به قتل برساند، و ولی دم مقتول که تنها «ب» است، قبل از استیفای قصاص فوت کند، آیا قاتل حق

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۳۴۰

قصاص را از برادرش «ب» به ارث می‌برد و قصاص ساقط می‌شود؟ در غیر این صورت چه حکمی دارد؟

(جواب): بسمه تعالی قاتل، ولیّ دم حساب نمی‌شود. این جا حق قصاص به امام می‌رسد. ولی اگر پس از حکمِ حاکم ولیّ دم فوت کرده باشد، باید قصاص اجرا شود.

اما در فقه عامه از باب تهاتر گرفته‌اند و قصاص را قبول ندارند.

سؤال ۹۱۸: اگر «الف» که دارای یك برادر به نام «ب» است، پدرش را به قتل برساند، و ولی دم مقتول که تنها «ب» است، با او بر پرداخت دیه توافق کند، اما قبل از دریافت دیه فوت کند، قاتل دیه را باید به چه کسی بپردازد؟

(جواب): بسمه تعالی دیه به امام می‌رسد.

سؤال ۹۱۹: اگر دو نفر شهادت دهند که زید قاتل «الف» است و سپس دو نفر دیگر شهادت دهند که عمرو قاتل «الف» است، چه حکمی دارد؟

(جواب): بسمه تعالی از باب عدل و انصاف تنصیف دیه می‌شود، قصاص ندارد.

سؤال ۹۲۰: اگر عمرو اقرار کند که قاتل «الف» است و سپس زید اقرار کند که قاتل «الف» است و دومی (زید) از اقرارش برگردد، چه حکمی دارد؟

(جواب): بسمه تعالی انکار بعد الحکم مسموع نیست. اگر قبل الحکم باشد، انکار اقرار را از بین برده، و آنگاه اقرار اولی ظاهراً زنده می‌شود. طبق روایت جمیل.

مگر این که اولی هم انکار کند. البته قبول اقرار اولی هم خلاف احتیاط است.

سؤال ۹۲۱: اگر دو نفر شهادت دهند که زید قاتل «الف» است و وی نیز به این امر اقرار کند و سپس عمرو اقرار کند که قاتل «الف» است، چه حکمی دارد؟

(جواب): بسمه تعالی قصاص ندارد، دیه تنصیف می‌شود.

سؤال ۹۲۲: اگر عمرو اقرار کند که قاتل «الف» است و سپس زید اقرار کند که قاتل «الف» است و عمرو و زید هر دو از اقرارشان برگردند، چه حکمی دارد؟

(جواب): بسمه تعالی مثل بالا شبهه حکمی داریم، قصاص نیست، دیه مشمول عدل و انصاف است لیکن واقعا مسأله مشکلی است. روایت هم در تعارض بینه و اقرار است نه مورد فرض. اظهر همان است که گفتیم.

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۳۴۱

سؤال ۹۲۳: در صورتی که در هنگام اجرای حکم اعدام در زنا، محکوم علیه، منکر جرم ارتکابی شود (انکار بعد از اقرار)، لکن قاضی علم به کذب وی داشته باشد، آیا حد قتل ساقط است یا خیر؟

(جواب): بسمه تعالی اگر حکم صادر شده، انکار اثری ندارد. ضمناً علم قاضی در حق الله تعالی اثری ندارد.

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــــــ

(جواب): بسمه تعالی آری ظاهر روایات این است که هر چند طول بکشد ولی فوت در اثر سرایت باشد تداخل است. لیکن اگر فوت قطعی نباشد، لازم نیست صبر کنند و می تواند حالا دیه ضربات را بگیرند و بعداً محاسبه شود.

۲. در صورتی که مجموع دیه ضربات بیش از دیه نفس باشد، آیا مجنی علیه فقط می تواند به مقدار دیه نفس (قدر متیقن) دیه مطالبه کند؟

(جواب): بسمه تعالی از جواب بالا معلوم شد که فقط دیه نفس است.

۳. در صورتی که مجموع دیه ضربات کمتر از دیه نفس باشد- با عنایت به این‌که مطابق نظر کارشناس تحقق مرگ تا چند سال به طول خواهد انجامید- آیا مجنی علیه می تواند دیه ضربات را فعلاً مطالبه نماید و در صورت تحقق فوت باقیمانده آن را اولیای دم مطالبه کنند؟

(جواب): بسمه تعالی علی الحساب مشکلی نیست لیکن ملاك دیه نفس است.

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۳۴۳

سؤال ۹۲۹: ۱) ماهیت دیات چه بوده و بر اساس چه فلسفه‌ای احکام دیات تشریع شده است؟

(جواب): بسمه تعالی دیه هم کیفر است و هم خسارت. در آن زمان خسارت هم بهمین مقدار تقریباً بوده است، اگر تفاوتی باشد باید خسارت هم مدّ نظر باشد.

۲) آیا شارع در تشریع دیات، در پی تعیین کیفری برای عاملان جنایتهای خطایی و شبه عمد بوده یا خیر؟

(جواب): بسمه تعالی از بالا معلوم شد که دیه علاوه بر جنبه‌ی کیفری جنبه‌ی جبران خسارت هم دارد در انواع خطا اگر در مقدمات کار هیچ‌گونه قصوری نباشد، فقط جنبه‌ی خسارت مدّ نظر است.

۳) اگر دیه ماهیت و جنبه کیفری دارد و جبران خسارت آسیب دیدگان از جنایت در آن مد نظر نبوده است پس شارع چه راهی برای جبران خسارت کسی که در اثر جنایت خواه خطایی و خواه شبه عمد صدمه دیده پیش بینی نموده است؟ آیا آن را مهمل گذاشته و پیش بینی ضمان در مورد خسارتهای بدنی- چنانکه در خسارتهای مالی است نشده است؟

(جواب): بسمه تعالی دلیل حرمت اضرار به غیر، دلیل مستقلی است و باید حتماً خسارت هم ادا شود.

٤) تفاوت بین قانون دیات و قانون مسئولیت مدنی (مصوب ۱۳۳۹) در مورد دیه و خسارات را چگونه می توان حل کرد؟

(جواب): بسمه تعالی از نظر شرعی همانست که گفته شد.

قسامه در جنایت بر عضو

سؤال ۹۳۰: در جنایت بر عضو بفرمائید؛

الف) برای اثبات جنایت عمد و غیر عمد بر عضو از راه قسامه، چند قَسَم لازم است؟

ب) آیا با تکرار قسم، دیه جنایت بر عضو ثابت می‌شود یا خیر؟

(جواب): بسمه تعالی شش قسم در دیه کامل، و در آن‌جا که دیه کامله نیست به همان نسبت مثلاً در یك دست سه قسم.

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــــــ

(چنان که از اطلاق عبارات مشهور فقها، خطایی بودن قتل مزبور استفاده می‌شود).

(جواب): بسمه تعالی گرچه می توان گفت نظر به اتحاد حکم انسان‌های محقون الدم تخلف از یك انسان که مقصود در رمی بوده، و خوردن به انسان دیگر، قتل عمد است. لیکن به هر حال اگر بپرسند: می‌خواستی این شخص را بکشی، می‌گوید: خیر.

و لااقل شبهه حکمیه داریم که در این موارد قصاص باشد یا نه، باید در دماء احتیاط نمود همان‌طور که در حدّ هم یدرء بالشبهة. و بنابراین دیه دارد. شاید قبلاً نظر ما بر قصاص بود، لیکن احتیاط مقتضی دیه فقط می‌باشد.

کشتن استرحامی

سؤال ۹۳۵: اگر انسان به بیماری صعب العلاجی دچار شود و از پزشك درخواست مرگ نماید، و پزشك هم او را بکشد، با توجه به این که بیمار رضایت داشته است چه حکمی دارد؟

(جواب): بسمه تعالی قتل نفس است و حرام می‌باشد.

دیه در مورد شبهه‌ی خطا

سؤال ۹۳٦: در فرض این که قتل، خطایی باشد؛ آیا با توجه به روایات دسته دوم و احتمالی که از آن به ذهن خطور می‌کند و نیز به دلیل این که برخی از فقها، خطای در تیراندازی و قتل محقون الدم دیگر را مصداق قتل غیر خطا دانسته‌اند، می توان در مسئولیت عاقله- حتی در فرض اثبات قتل با بینه- تردید نموده و با توجه به خلاف اصل بودن مسئولیت عاقله، دیه را از خود قاتل مطالبه نمود؟

(جواب): بسمه تعالی گرچه از باب شبهه قصاص ندارد و به حکم عمد نیست،

---

(۱)- مضمون ماده ۷- ۳۱۱ لایحه قانون مجازات اسلامی که از سوی قوه قضاییه به مجلس ارسال شده است وکلیات آن نیز به تصویب رسیده است.

لیکن اثبات دیه بر عاقله هم چون خلاف اصل است. دلیل روشن می‌طلبد و این‌جا به عهده‌ی خود قاتل است.

سؤال ۹۳۷: با توجه به اطلاق روایات دسته اول، آیا می توان اشتباه در هویت را نیز مصداق قتل خطا دانست، لیکن دیه را از خود جانی مطالبه کرد؟ (اشتباه در هویت در اصطلاح حقوقی آن است که قاتل از دور شخصی را می‌بیند به تصور این که زید است به او شلیك می‌کند بعد معلوم می‌شود، شخص مورد هدف بکر بوده است).

(جواب): بسمه تعالی عین جواب از سؤال قبلی.

احکام دیات

سؤال ۹۳۸: آیا دیه جزء ما ترك و اموال متوفی محسوب می‌گردد یا حقی است برای وراث که بعد از فوت میت به وجود آمده است و جبران خسارتی است بر اساس شرع اسلام برای اولیای دم و باید بر اساس سهم هر یك از وراث تقسیم گردد؟

(جواب): بسمه تعالی ۱- دیه‌ی جنایت بر جسد میت باید در وجوه خیر برای میت صرف شود. ۲- دیه‌ی قتل جزء ترکه است و پس از اداء دین میت، تقسیم بر ورثه می‌شود.

سؤال ۹۳۹: درصورتی‌که جانی و مجنی علیه (یا ولی او در صورت موت مجنی علیه) در بازگشت و عدم بازگشت

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــــــ

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۳۴۸

یا چند سبب، آیا تمامی اسباب ضامنند و یا یکی از آن‌ها؟ در صورتی که تمامی اسبابی که حادثه به آن‌ها مستند است، ضامن باشند، آیا بالسویه ضامنند و یا هر یك به میزان تأثیر خود؟ به عنوان مثال: هرگاه مسؤول خرید قطعات یك شرکت خودرو سازی، در هنگام خرید مسامحه و سهل‌انگاری کرده و قطعات غیر استاندارد تهیه نماید، و مسؤول بازرسی خدمات نیز بی‌دقتی کرده و به غیر استاندارد بودن قطعات توجهی نکند، و مسؤول قرار دادن قطعات نیز علی رغم وظیفه‌ای که در چك کردن قطعات دارد آن‌ها را بدون دقت، جاسازی نماید و سرانجام به دلیل نقص قطعه مزبور، اتومبیل واژگون شده و راننده و سرنشینان فوت نمایند، چه کسی ضامن است؟

(جواب): بسمه تعالی میزان استناد قتل است عرفاً، که ظاهراً قول مشهور همین است و احتمالاً قول دوم نیز همین را نظر دارد. و اگر به همه‌ی اسباب اسناد داده شود تقسیط دیه می‌شود. در مثال قطعات این‌طور می‌باشد.

سؤال ۹۴۳: الف) هرگاه یك مسلمان ایرانی، در خارج از مرزهای ایران (مثلاً عراق، عربستان یا آمریکا)، به قتل رسیده و قاتل هم ناشناس باشد؛ آیا بر دولت ایران لازم است، دیه مقتول را از بیت المال بپردازد؟ ب) هرگاه یك مسلمان تبعه‌ی کشورهای دیگر، در ایران به قتل رسیده باشد و قاتل نیز ناشناس باشد، آیا دولت ایران موظف به پرداخت دیه مقتول است؟ ج) هرگاه کافر مستامن یا معاهدی که به عنوان تاجر یا جهانگرد به ایران آمده است، به قتل برسد، می‌توان دیه او را از بیت المال پرداخت نمود؟ در صورتی که کشورهای متبوع آن‌ها نسبت به اتباع ایرانی چنین امتیازی قائل شده باشند، چه‌طور؟

(جواب): بسمه تعالی الف) طبق روابط بین الملل، دولتی که ویزا صادر می‌کند مسؤول جان افراد می‌باشد و باید ضامن باشد. کشورهای اسلامی هم معتقد به «لا یبطل دم مسلم»، هستند و لذا کشته شدن در زحام را موجب پرداخت دیه از بیت المال می‌دانند، ولی اگر فرض کنیم که کشورهای خارجی پرداخت نکنند قاعدتاً دلیل «لا یبطل دم ...» محکّم می‌باشد. چنان که در کشور خودمان اگر قاتل فرار کند و دیگر دسترسی به آن ممکن نباشد، از بیت المال پرداخت می‌شود. ب) از بالا معلوم می‌شود. ج) مستامن و معاهد در پناه دولت اسلام هستند و دولت باید ضامن باشد.

ظاهراً دولت‌های دیگر هم همین حکم را در قانون خود دارند.

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۳۴۹

سؤال ۹۴۴: الف) شکستگی مهره‌های گردن که منجر به کج شدن گردن نشده و در بلع غذا نیز مشکلی بوجود نیاورد، دیه دارد یا ارش؟ ب) شکستگی استخوان بعصوص در صورتی که موجب از بین رفتن قدرت ضبط ادرار، مدفوع و باد نگردد، دیه دارد یا ارش؟ ج) در فرض فوق، در صورتی که شکستگی بعصوص موجب عدم ضبط باد گردد آیا به استناد روایت سلیمان بن خالد که در آن عبارت «فلم یملك إسته» آمده است می‌توان قائل به دیه شد؟ د) شکستگی مهره‌های ستون فقرات، در صورتی که موجب خمیدگی پشت، از بین رفتن قدرت مشی و جلوس نشده و عارضه‌ی جدی دیگری در پی نداشته باشد، موجب دیه است یا ارش؟

(جواب): بسمه تعالی ۱- ارش دارد. ۲- ارش دارد. ۳- روایت، مربوط به عدم ضبط مطلق است نه خصوص باد.

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــــــ

سؤال ۹۴۸: بررسی فقهی موضوع تخییر جانی در پرداخت مقادیر دیه چگونه است و آیا این تخییر صحیح است یا نه؟ با توجه به تفاوت زیادی که بین ارزش مالی این شش گونه وجود دارد حکم فقهی چیست؟ و آیا موضوعیت دیه حق را به مجنی علیه (مقتول) می‌دهد یا رضایت صاحبان دم را ملاك قرار می‌دهد؟

(جواب): بسمه تعالی اصل جعل دیات در این شش امر نشان می‌دهد که این‌ها در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله قیمت‌هایی نزدیك هم داشته‌اند و چون طلا و نقره مالیت محضه

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۳۵۱

هستند و اموال دیگر مالیت محضه نیستند در محاسبه قیمت با طلا و نقره حساب می‌شوند. پس عقلائیاً مبنای محاسبه همان طلا و نقره است که وزن معلوم و قیمت معینی دارند اما رضایت طرفین می تواند بر اساس گذشت و تسامح موجب حلّ نزاع شود و این غیر از مبنای فقهی مسأله است. از نظر فقهی ملاك، ارزش مادّی دیه است و محور امور ششگانه هم طلا و نقره می‌باشد که مالیت محصنه می‌باشند. و ظاهراً این یك فهم و سیره‌ی عقلائی است که در جمع بین مالیت محضه و کالاها، مبنی و اساس همان مالیت محضه است و کالاها با آن سنجیده می‌شوند، بنابراین میزان همان طلا و نقره است.

سؤال ۹۴۹: مبداء تاریخی جعل شتر به عنوان دیه و بررسی این موضوع که چه زمینه‌های اجتماعی و تاریخی باعث شده است که شتر مبنای اخذ دیه قرار گیرد؟

(جواب): بسمه تعالی از زمان پیامبر صلی الله علیه و آله شتر هم یکی از آن امور ششگانه قرار داده شده است؛ لیکن مبنای محاسبه همان طلا و نقره است و چیزهای دیگر در مقایسه‌ی با طلا و نقره حساب می‌شوند.

مسئولیت عاقله در پرداخت دیه

سؤال ۹۵۰: بر اساس ماده ۳۰۵ قانون مجازات اسلامی: «در قتل خطای محض در صورتی که قتل با بینه یا قسامه و یا علم قاضی ثابت شود پرداخت دیه بر عهده عاقله اوست». آیا در شرایط فعلی کشور این موضوع که بستگان و نزدیکان جانی (عاقله) موظف به پرداخت دیه جنایتی شده‌اند که خود هیچ دخالتی در آن نداشته‌اند- چگونه قابل توجیه است؟ و به لحاظ اجرایی چگونه قابل اجرا است. ۱) چاره مشکل چیست؟

(جواب): بسمه تعالی در ضمان عاقله، بحث دخالت در قتل مطرح نیست و هیچ دخالتی در حکم ندارد. ملاك حکم شرعی در عاقله در دلیل فقهی ذکر نشده است و ما تابع دلیل شرعی هستیم نه تابع علت و ملاك‌های تخیلی خودمان، لیکن به نظر می‌رسد حکمت شرعی در عاقله این باشد که در ایام عمر انسان، خطا زیاد واقع می‌شود و اگر کسانی کمك نکنند زندگی خطاکار به‌کلی فلج می‌شود پس باید کمکش کرد و بهترین و نزدیکترین افراد برای کمك، عاقله فرد می‌باشد. حتی اگر بستگانش در جاهای دیگر و حتی دور دست باشند. عواطف انسانی در مواقع خطر، راه دور و نزدیك نمی‌شناسد.

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۳۵۲

۲) آیا می توان از حکم ضمان عاقله چشم پوشی کرد؟

(جواب): بسمه تعالی نخیر.

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــــــ

آیا این حکم تغلیظ را باید نسبت به انواع قتل‌ها اعم از عمدی و غیر عمدی (شبه عمد) تسری داد؟

(جواب): بسمه تعالی مردم باید احکام شرع را یاد بگیرند نه این‌که شارع به خاطر جهل مردم از احکام خود دست بردارد. تغلیظ در حرم مکه هم جریان دارد ممکن است خیلی‌ها حدود حرم را ندانند، خوب باید بدانند.

۵) آیا شخصی که بدون هیچ سوء نیت قلبی در یکی از ماه‌های حرام- در اثر غفلت و بی‌احتیاطی در یك تصادف رانندگی (و یا درمان پزشکی) موجب فوت یا نقص عضو کسی بشود. باید یك سوم دیه‌ای که از او دریافت می‌شود افزود؟ یا این‌که خیر- نباید این حکم را به همه قتل‌ها تسری داد؟

(جواب): بسمه تعالی در انواع قتل‌ها جریان داد، درمان پزشکی گرچه مورد احسان است ولی باید برائت بگیرد. اما تغلیظ در غیر قتل- عضو- جریان ندارد.

سؤال ۹۵٤: در سال ۱۳٦۰ آقای «الف» با قایق موتوری در فاصله ۲۰ متر به ساحل و در منطقه ممنوعه شنا با خواهرزاده ۱۱ ساله‌اش که در حال شنا بود از سمت موتور قایق (پروانه) برخورد نموده که ایشان از نواحی دست و شکم مجروح می‌گردد. آقای

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۳۵۴

الف به همراه خواهرش (مادر کودك) وی را جهت درمان به بیمارستان انتقال داده و هزینه درمان و بیمارستان را نیز به اقرار مادر کودك مجروح، متقبل می‌گردد. والدین کودك از طرح شکایت کیفری و حقوقی و مطالبه دیه و خسارت امتناع می‌نمایند و اظهار می‌دارند «برادر و خواهری که این حرف‌ها را ندارد» پس از گذشت ۲۳ سال در سال ۱۳۸٦ شخص صدمه دیده که حدوداً ۳٤ سال داشت اقدام به طرح دعوی حقوقی نموده و ادعا می‌کند «به دلیل بی‌احتیاطی شخص الف (دایی‌ام)، قایق وی با من برخورد نموده و حالیه خسارت و دیه صدمات وارده را می‌خواهم». سؤال:

۱- در فرض مسأله با توجه به ممنوع بودن شنا در منطقه حادثه و عدم مواظبت طفل توسط والدین و قبل از اثبات بی‌احتیاطی شخص الف توسط مراجع ذیصلاح، آیا دیه و خسارتی باید پرداخت گردد؟ آیا علت تامه حادثه و نیز مقصرین باید توسط دادگاه و مراجع ذیصلاح معین گردد؟

۲- پرداخت هزینه درمان و بیمارستان و عدم طرح شکایت کیفری و حقوقی و عدم مطالبه خسارت و دیه تا سال ۱۳۸۳ و سایر قرائن موجود در فرض سؤال، آیا مصدوم حق درخواست مطالبه دیه و خسارت را دارد؟ آیا اوضاع و احوال حکایت از رضایت و گذشت از حق مصدوم و والدین ایشان ندارد؟

۳- در صورتی که مصدوم حق مطالبه دیه و خسارت را داشته باشد با توجه به این که در طی ۲۳ سال با اختیار خویش مطالبه ننموده، دیه و خسارت در صورت اثبات به چه نحوی و به چه میزان و بر اساس کدام نرخ باید تعیین گردد؟ خسارت و ارش چه‌طور؟

(جواب): بسمه تعالی ۱- گرچه منطقه ممنوعه بوده، لیکن آیا قایقران، طفل را می‌دیده یا خیر؟ اگر می‌دیده است، ضامن می‌باشد. اگر نمی‌دیده و مطمئن بوده که کسی در آن منطقه نیست، ضامن نمی‌باشد.

۲- اگر فرض کنیم که ضامن باشد، اگر دیه کم‌تر از هزینه درمان و بیمارستان باشد، اداء دین کرده است.

۳- سکوت سالیان دراز علامت گذشت از دیه می‌باشد- اگر فرض ضمان شود-.

٤- اگر فرض ضمان شود و عفو هم نکرده باشد، و مخارج را هم نداده باشد میزان قیمت یوم الاداء می‌باشد، در هر

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــــــ

به مجنی علیه و بیش از چهل دینار محکوم به برائت است.

۳- در «ج» و «د» طبق هر دو حدیث عمل می‌کنیم یعنی ابهام را با سایر انگشتان فرق می‌گذاریم.

٤- شکستگی کف دست همه‌ی استخوان‌های کف دست می‌باشد و قصبه فقط استخوان بندها.

٥- ارش گرفته می‌شود که تعیین آن با حکومت و قضا می‌باشد.

٦- قاعدتاً هر کدام دیه خاص خود را دارند.

سؤال ۹۵٦: مستدعی است بفرمایید الف) مجازات یا مسئولیت قاتلِ شخص مرتد در موارد ذیل چیست؟ ۱- مسلمانی، عمداً مرتدی را به قتل برساند. ۲- مرتدی، مرتد دیگر را عمداً به قتل برساند. ۳- کافر ذمی، مرتدی را به قتل برساند.

٤- در موارد فوق چنان‌چه قتل غیر عمد باشد، قاتل چه مسئولیتی دارد؟ آیا دیه‌ای برای مرتد ثابت است؟ در فرض ثبوت، مقدار آن را بیان فرمایید.

٥- آیا در صور فوق فرقی بین اقسام مرتد و زن یا مرد بودن مرتد می‌باشد یا خیر؟

(جواب): بسمه تعالی ۱- تعزیر می‌شود. ۲- قصاص می‌شود. ۳- قصاص می‌شود.

٤- اگر ارتداد به ورود در یکی از ادیان دیگر است طبق برخی نظرات مطابق قانون آن دین در دیه عمل می‌شود؛ لیکن ظاهرا این‌طور نیست و دیه ندارد. (رعایت قوانین ادیان دیگر در کفر بالاصل است نه ارتداد).

٥- زن کافره مرتده قیمت ندارد، و فاضل دیه هم پرداخت نمی‌شود.

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۳۵۷

سؤال ۹۵۷: با عنایت به این که مخارجی را که مجنی علیه برای درمان آثار و عوارض جنایت، هزینه می‌کند، گاه فراتر از دیه مقدّر است، بفرمایید:

۱- آیا به حکم قاعده لا ضرر، تسبیب و ... می‌توان هزینه‌های درمانی مازاد بر دیه مقدّر را از جانی گرفت؟

(جواب): بسمه تعالی به نظر اینجانب به موجب ادله اضرار می‌توان گرفت.

۲- در صورت مثبت بودن پاسخ، جانی چه مقدار فرصت زمانی برای پرداخت هزینه‌های زاید بر دیه دارد؟

(جواب): بسمه تعالی اگر دارد همان اول و اگر ندارد مهلتی تا امکان یابد، تقسیط در دیه است نه در زائد. زائد بر دیه مثل سایر دیون است که «فنظرة الی میسرة».

۳- در صورت مشروعیت دریافت هزینه‌های زاید بر دیه، آیا مجنی علیه به جهت زمانی که از کار محروم شده و وقتی که صرف درمان خود کرده است نیز می‌تواند مطالبه خسارت کند؟ (با توجه به این توجیه که مبلغ پرداختی به عنوان دیه مقدر و نیز هزینه‌های زاید بر درمان که جانی به مجنی علیه پرداخته تنها وضعیت را به حال پیش از جنایت برگردانده، اما درد و مشکلاتی را که مجنی علیه متحمل شده و زمان‌هایی را که از دست داده است هنوز جبران ننموده است که باید جبران شود).

(جواب): بسمه تعالی اگر شخصی است که در آن مقدار از زمان کسب و کار داشته و ضرر کرده می‌تواند بگیرد.

٤- بر فرض عدم مشروعیت دریافت خسارت‌های زاید بر دیه، آیا قاضی در مواردی که ارش متعیّن است، می‌تواند علاوه بر ملاحظه شدت صدمه و آسیب وارده، هزینه‌های درمانی و زمان‌های تلف شده از مجنی علیه را نیز، در

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــــــ

ارش دندان شیری ثابت است یا تنها دیه دندان دائمی، یا علاوه بر دیه دندان دائمی، دیه یا ارش دندان شیری هم از جانی گرفته می‌شود؟

(جواب): بسمه تعالی دیه دندان شیری در صورت مزبور که موجب عدم رویش دندان دائمی گردیده همانند دیه دندان دائمی است و همان یك دیه ثابت است.

سؤال ۹۶۳: هرگاه در اثر جنایتی دندان شیری کنده شود و در اثر آن جنایت مزبور با این که دندان دائمی زیر دندان شیری در لثه وجود داشته دیگر نروید، آیا علاوه بر دیه یا ارش دندان شیری، دیه دندان دائمی نیز که عدم رویش آن مستند به جنایت است باید پرداخت شود یا خیر؟ به عبارت دیگر آیا موضوع سؤال دو جنایت است (جنایت اول که مباشرتاً دندان شیری را ساقط کرده و جنایت دیگر که سبب عدم رویش دندان دائمی شده) که دو دیه دارد، یا یك جنایت است؟

(جواب): بسمه تعالی کنده شدن دندان شیری یك شتر دیه دارد، و اما عدم رویش دندان اصلی، ظاهر روایات وارده (از ظریف و غیره) مربوط به کندن است نه تسبیب در عدم رویش، ولی بیش‌تر فهمیده می‌شود که فرقی نمی‌کند، به هر حال اگر بین دیه دندان و ارش مصالحه شود بهتر است و الاّ اکثر الامرین من الدیة و الارش پرداخت شود. (اگر دیه و ارش را مباین بدانیم وگرنه اقلّ الامرین کافی است.)

سؤال ۹۶۴: با عنایت به این که در حال حاضر تفاوت شدیدی بین گونه‌های دیه (اصناف دیه) مانند قیمت هزار گوسفند با قیمت ده هزار درهم وجود دارد، آیا بازهم جانی مخیر است هر یك از گونه‌های ششگانه (صد شتر، دویست گاو و ...) را انتخاب نماید یا آن که تخییر میان گونه‌ها، انصراف به حالتی دارد که تعادل نسبی بین قیمت‌ها وجود داشته باشد؟ به عبارت دیگر آیا در پرداخت دیه، خود گونه‌ها، موضوعیت دارند ولوآن‌که‌ارزش‌آن‌ها کاملاً تنزل پیدا کرده باشد، یا ارزش مالی گونه‌ها موضوعیت دارد؟

(جواب): بسمه تعالی به نظر اینجانب این گونه‌ها مالیت یکسان تقریبی داشته‌اند. و در زمان ما که شاید تفاوت زیاد باشد، میزان اولیه، مالیت محضه یعنی

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۳۶۰

درهم و دینار است، و فعلاً که به طور مسکوك (درهم و دینار) نیست همان مقدار طلا یا نقره میزان است.

سؤال ۹۶۵: زید به بکر حمله می‌کند و بکر از خود دفاع می‌کند، عمرو که بی‌اطلاع، از واقع امر است، از روی خیرخواهی و به قصد وساطت و جدا کردن آن‌ها از یك‌دیگر، به میان آن‌ها می‌رود و در این هنگام ضربه مشتی به صورت عمرو خورده و کبود می‌شود، حکم دیه ضربه وارده را در دو صورت ذیل بیان فرمایید:

الف: زننده ضربه بکر باشد که در حال دفاع بوده است.

ب: زننده ضربه نامشخص است. (علم اجمالی وجود دارد که ضارب یا زید است یا بکر).

(جواب): بسمه تعالی الف) اگر راه دیگری برای دفاع از خود در برابر زید نبوده، ضامن نیست.

ب) قاعده عدل و انصاف حکم به تنصیف می‌کند.

سؤال ۹۶۶: ۱- حکم سقط جنین قبل از ولوج روح در موارد ذیل چگونه است؟ الف) بقای جنین موجب مرگ مادر و جنین خواهد شد. ب) بقای جنین موجب مرگ مادر خواهد شد. ج) بقای جنین خوف مرگ مادر را در پی داشته

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــــــ

خود دفاع می‌کند.

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۳۶۲

سؤال ۹۶۹: سقط جنین ناشی از زنا در صورتی که برای حفظ آبرو باشد چه حکمی دارد؟

(جواب): بسمه تعالی تا روح ندارد اشکال ندارد، فقط دیه بدهد. به رساله ما در سایت مراجعه کنید مقدار دیه مشخص شده است.

آزار و اذیت کودکان

سؤال ۹۷۰: کودکان به علت کوچك بودن و کامل نشدن اندامها و قوای روانی، از نظر جسمی و روحی و روانی بسیار آسیب پذیر هستند، و در موارد بسیار دیده شده که والدین و سرپرستان این کودکان، آنان را از نظر روحی و جسمی مورد آزار و اذیت قرار می‌دهند. به عنوان نمونه با ضرب و جرح، پرخاشگری، فحش و دشنام، علاوه بر ایجاد مشکلات جسمی و روحی برای آنان، باعث می‌شوند این کودکان آزار دیده، و در آینده و دوران بزرگسالی عقده‌های دوران کودکی خود را بر سر خانواده و جامعه تخلیه کنند.

با توجه به توضیحات فوق الذکر، نظر حضرتعالی در مورد این‌گونه رفتارهای والدین چیست؟ آیا از نظر شرعی والدین می‌توانند به صرف پدر یا مادر بودن به خود اجازه دهند که کودکان معصوم را مورد آزار روحی و جسمی قرار دهند؟

(جواب): بسمه تعالی شك نیست که این‌گونه آزارها حرام است، تنبیه فرزندان در صورتی که کار خلافی انجام داده باشند، فقط در حدود چند ضربه (کم‌تر از ده) می‌باشد، و آن در صورتی است که سخنان ارشادی مؤثر نباشد.

سوگند در باب قسامه

سؤال ۹۷۱: الف) در قسامه اعضاء، در صورتی که مدعی زن باشد، آیا می‌تواند جزء قسم خورندگان باشد؟ ب) در صورت مثبت بودن پاسخ سؤال فوق، بفرمائید: چنان‌چه به تعداد لازم سوگند خورنده نباشد، آیا مدعی زن می‌تواند خودش قسمها را تکرار کند؟

(جواب): بسمه تعالی الف) می‌تواند. ب) می‌تواند.

سرقت از کفار حربی

سؤال ۹۷۲: ۱- سرقت کردن از حساب بانکی اینترنتی صهیونیست‌ها، کفار اهل کتاب و کفار غیر اهل کتاب چه حکمی دارد؟

(جواب): بسمه تعالی از کفار حربی، مانند صهیونیست‌ها جایز است، به شرط رعایت همه جهات مربوط به حیثیت خودتان و مکتب.

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۳۶۳

۲- در صورت جواز در سؤال بالا، آیا پول به دست آمده حتماً باید در راه اسلام خرج شود یا به مصرف شخصی هم می‌توان رساند؟

(جواب): بسمه تعالی در جهات شخصی هم می‌توان مصرف کرد.

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــــــ

کافی است. ۲- اگر پول در راه مضاربه از بین رفته، و مضاربه ثابت شود، و شرط جبران ضرر بر شما نشده باشد، ضرر به پای مالك پول می‌باشد. ۳- اگر مضاربه ثابت نشود باید اصل پول را که حکم قرض داشته بپردازید مگر این که شرط پرداخت خسارت شده باشد و واقعاً خسارت در تأخیر پیدا شده باشد و دقت شود که خسارت باشد نه عدم نفع.

سؤال ۹۷۷: حسب قرارداد، توافقی تنظیم گردیده که در آن اعلام شده که این قرارداد کاری است و در عین حال سرمایه‌ای در اختیار شخص قرار داده شده که مبلغی ماهیانه

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۳۶۵

و بر مبنای سه و نیم درصد سود علی الحساب و هر شش ماه سود قطعی به سرمایه‌گذار پرداخت گردد. در حال حاضر مالك پس از گذشت مدتی ضمن محاسبه سه و نیم درصد بر مبنای اصل سرمایه مدعی مبلغی شده که حالت علی الحساب را نداشته و در واقع مالك سود را به صورت قطعی محاسبه و مطالبه نموده است. الف) این قرارداد تحت چه عنوان از عناوین عقود اسلامی قرار دارد؟ ب) اگر این قرارداد مضاربه است آیا مطالبه سود قطعی و تعیین و درخواست آن صحیح است؟ ج) با این نحوه‌ی مطالبه‌ی مالكِ سرمایه به نظر می‌رسد که وی از ابتدا ذهنیت و قصد اخذ سودی معادل سه و نیم در صد بر مبنای اصل سرمایه و با تعیین مبلغ دقیق داشته است. در چنین حالتی آیا عقد صحیح است؟ اگر عقد صحیح نیست آیا مبلغ باید به شخصی که سود را پرداخت کرده عودت داده شود یا خیر؟

(جواب): بسمه تعالی الف: قرارداد مزبور مضاربه است.

ب: سود قطعی پس از پایان مدت مضاربه و محاسبه همه معاملات انجام می‌شود.

سود در مضاربه قطعیت ابتدائی ندارد هر چه که در ابتدا داده شود علی الحساب است تا در پایان مدت حساب شود. اگر سودی نداشته باشد عامل بدهکار نیست و اگر سود باشد طبق قرار باید تقسیم شود.

ج: اگر مضاربه به خاطر عدم رعایت شرایط، باطل باشد همه‌ی سود مال صاحب پول می‌شود و عامل حق اجرة المثل کار خود را دارد به شرط این که بیش از سهم قراردادی نباشد.

د: اگر ثابت شود که مالك قصد مضاربه نداشته است، اصل پول را طلب دارد و مستحق سود اساساً نمی‌باشد.

ه می توانند از همان اول قرار صلح بگذارند که مقدار سود حاصله در تجارت را مصالحه قطعی کنند به سه و نیم درصد (یا هر مقدار دیگر که بخواهند). به نظر ما با این‌عقدصلح پس از قرار مضاربه، سود قطعی اشکال ندارد، البته با فرض حصول سود.

سؤال ۹۷۸: هرگاه مالك در اثناء مضاربه سفیه یا مجنون شود، آیا ولی او می تواند استمرار مضاربه را اجازه دهد یا به مجرد سفه و مجنون مالك، مضاربه منفسخ می گردد؟

(جواب): بسمه تعالی ظاهراً حکم به انفساخ می‌شود، در همه‌ی عقود اذنیه این‌طوراست. لیکن‌ولیّ اودر صورت مصلحت می تواند عقد جدید مضاربه برقرار کند.

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۳۶۶

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــــــ

سؤال ۹۸۲: آیا مضاربه برای انجام کار تولیدی صحیح است یا نه؟ مثل این‌که مالك به عامل سرمایه بدهد تا با آن یك کارخانه یا گاوداری راه اندازی کند و در منافع آن شریك باشند. و در فرض عدم صحت، آیا این قرارداد در قالب عقد جعاله صحیح است یا نه؟

(جواب): بسمه تعالی اگر مضاربه را مخصوص به تجارت بدانیم مضاربه نیست، لیکن می توان گفت: عقدی است مستقل عقلائی که جهالت درآمد آن مثل جهالت در سود مضاربه است و نافذ می‌باشد. جعاله آن هم صحیح است اگر چه برخی از بزرگان جعاله در اجرت مجهول را ردّ کرده‌اند.

تخلف از قرار مضاربه

سؤال ۹۸۳: هرگاه برای تجارت، عقد مضاربه صورت گیرد ولی عامل با آن سرمایه کار تولیدی انجام دهد، آیا سود حاصله بر اساس قرارداد مضاربه تقسیم می‌شود یا نه، حکم آن چیست؟

(جواب): بسمه تعالی عمل بر خلاف قرارداد جایز نیست و حق اجرة المثل هم ندارد، و سود همه‌اش مال حساب پول است.

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۳۶۸

مضاربه در محرّمات؟

سؤال ۹۸٤: هرگاه سرمایه را به عامل بدهد تا با آن تجارت نامشروع انجام دهد مثل خرید و فروش مواد مخدر یا آلات غنا، آیا مضاربه صحیح است یا فاسد و یا شرط فاسد است؟

(جواب): بسمه تعالی مضاربه بر تجارتهای حرام باطل است.

مضاربه با اوراق بهادار؟

سؤال ۹۸۵: با توجه به این که سرمایه در مضاربه باید پول نقد باشد بفرمایید؛ آیا دلار و چك و اوراق بهادار می تواند به عنوان سرمایه در مضاربه حساب شود؟

(جواب): بسمه تعالی چك و سفته و ... اشکالی ندارد اما باعتبار پشتوانه، خود این اوراق، مال نیستند؛ اما دلار که خودش پول نقد است.

حبس سرمایه در مضاربه

سؤال ۹۸٦: هرگاه عامل سرمایه را حبس کند و با آن تجارت نکند، آیا مالك حقی بر گردن عامل دارد یا نه؟

(جواب): بسمه تعالی به نظر اینجانب این‌ها اضرار حساب می‌شوند و عامل ضامن است به قدر سود متعارف، و اگر مصالحه شود بهتر است. بعضی از فقها این‌گونه موارد را صرفاً معصیت می‌دانند بدون ضمان.

فسخ مضاربه نزدیك ربح

سؤال ۹۸۷: با توجه به این که مضاربه عقد جایز است بفرمایید؛ هرگاه حصول ربح نزدیك باشد ولی مالك به قصد اضرار به عامل، مضاربه را فسخ کند و در نتیجه ربحی حاصل نشود، آیا مالك چنین حقی دارد؟ و در صورت فسخ آیا به جهت اضرار به عامل باید اجرت المثل عمل عامل را بپردازد؟

(جواب): بسمه تعالی گر چه عقد جایز است لیکن شرط مبنی علیه العقد هست که در این‌گونه موارد فسخ نشود و بنابر این حق فسخ ندارد لیکن اگر معصیت کرده فسخ کرد فسخ می‌شود و قاعدتاً ضامن اجرة المثل عمل عامل

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــــــ

اگر نظر خاص درباره‌ی نهی از سفر، دارد و جداً با آن مخالف است روی قواعد، عامل ضامن اصل و ربح است و حق اجرة المثل هم ندارد زیرا عمل به دستور مالك نبوده است، عمل به طور مطلق محترم نیست. لیکن به موجب روایات معتبره باب اول مضاربه، ربح تقسیم می‌شود بر اساس قرار، و بنابراین در مسأله‌ی فوق ضامن سرمایه و نصف ربح می‌باشد. ما در جلد چهارم معلقات عروه سعی کرده‌ایم روایات را طبق قاعده بگیریم لیکن مشکل است.

تعیین مقدار و مبلغ معین در مضاربه

سؤال ۹۹۱: آیا بیمه و تضمین اصل سرمایه و سود آن تا مقدار مثلاً ده درصد توسط عامل یا شرکت بیمه یا بانك صحیح است؟

(جواب): بسمه تعالی اگر تضمین مقدار معین به وسیله عقد صلح پس از عقد مضاربه انجام شود اشکال ندارد، می‌گوید منفعت حاصله بعدی را از هم اکنون مصالحه می‌کنیم به مقدار مبلغ معینی.

مزارعه

سؤال ۹۹۲: قرارداد مزارعه دو ساله بین مالك و زارع منعقد می‌گردد و در سال دوم، مالك با تلقی آن که زارع تلاشی برای کشت نمی‌نماید ملك را با انعقاد مزارعه دیگری به ثالث واگذار می‌کند. با توجه به ماهیت عقد مزارعه، آیا رفتار مالك جرم است؟ آیا عنوان انتقال مال غیر بر رفتار مالك قابل انتساب است؟

(جواب): بسمه تعالی قاعده این است که زارع ضامن است (که کار نکرده است) و عقد مزارعه اول صحیح، و دومی در صورتی باطل و در صورتی فضولی است، لیکن به نظر می‌رسد که به موقع کار کردن زارع، به منزله‌ی شرط مبنی علیه العقد از طرف مالك است. و در صورت کار به موقع نکردن، حق فسخ دارد و همین عقد مزارعه، با شخص ثالث به منزله‌ی فسخ مزارعه اول می‌باشد.

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۳۷۱

سؤال ۹۹۳: هرگاه در عقد مزارعه اجرت عامل یا صاحب زمین به صورت قطعی، نه مشاع از حاصل زمین یا از غیر آن مشخص شود، آیا عقد صحیح است و مزارعه محسوب می‌شود یا عقد باطل است؟

(جواب): بسمه تعالی در مزارعه شرکت است نه اجرت، حق الشرکه هم بطور مشاع از همان محصول است، مقدار معین هم نیست الاّ مشاعاً. لیکن ممکن است با عقد صلح جداگانه پس از قرار مزارعه سهم الشرکه را به مقدار معینی از مال صلح نمایند.

سؤال ۹۹٤: در اثناء عقد مزارعه عامل بیمار شده است و نتوانسته برای ادامه عمل اجیر بگیرد و در نتیجه به مالك خبر داده و مالك نیز نتوانسته کاری انجام دهد و در نتیجه زراعت تلف شده است حکم فروض زیر را بفرمایید؛

الف: بذر از مالك بوده اعم از این‌که ثمره ظاهر شده باشد یا نه، آیا در این فرض عامل ضامن است یا نه و در فرض ضمان، ضامن اجرت المثل زمین است و یا ضامن بذر یا هر دو؟

(جواب): بسمه تعالی چون به تفریط عامل نبوده ضامن هیچ‌کدام- اجرت و بذر- نمی‌باشد و هر چه بدست آمده باید تقسیم شود، مگر این که شرط شده باشد که هرگونه خسارت هرچند غیر اختیاری باید به وسیله عامل جبران شود.

ب: بذر از عامل بوده و ثمره ظاهر شده است، آیا در این فرض عامل، ضامن اجرت المثل است یا ضامن سهم مالك

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــ

مشترکات

سؤال ۹۹۵: با توجه به این که آب‌ها جزو اصلی ترین عناصر محیط زیست به شمار می‌روند، بیان فرمایید: آیا در این رابطه در منابع اسلامی مستند صریح و قابل انطباق با وضعیت موجود برای جلوگیری از آلودگی آب‌ها در جریان مخاصمات مسلحانه وجود دارد؟ (در عین حال در خصوص اهمیت و ارزش آب آیات و روایات متعددی وارد شده است).

(جواب): بسمه تعالی در روایات وارد شده که پیامبر صلی الله علیه و آله از آلوده کردن آب، حتی برای از بین بردن دشمن، نهی فرمودند. در روایات جهاد وسائل و سایر منابع ذکر شده است.

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۳۷۲

حقّابه

سؤال ۹۹۶: ملکی حدود ۳۰۰ سال سابقه احیاء و آبادی دارد و اجدادمان جهت آبیاری مزارع و درختان و نخیلات از آب رودخانه استفاده می‌کردند، این ملك از طرف پدرمان به ما ارث رسیده است و در طول ۷۰ سال به قدر نیاز و متعارف از آب رودخانه استفاده می‌کردیم و هیچ مشکلی از طرف ما و دیگر مالکین و کشاورزان پایین دست وجود نداشت تا این‌که در سال‌های اخیر به دلیل خشکسالی تعدادی از خرده مالکین پایین دست اقدام به تخریب ممر آب ملك اینجانبان نمودند که موجب خشك شدن بخش عمده‌ای از نخیلات ۵۰ ساله و مرکبات ما شدند و خسارت غیر قابل جبرانی را به ما وارد کردند. حال با توجه به مراتب فوق: ۱. آیا مالکین پایین دست شرعاً حق دارند به دلیل خشکسالی و ضیق آب اقدام به تخریب ممر آب درختان مزارع ملکی را در قسمت بالای رودخانه قرار گرفته است کنند و موجب خشك شدن درختان ۵۰ ساله آن شوند؟

(جواب): بسمه تعالی چنین حقی ندارند مگر این‌که آن‌ها پیش از شما تشکیل درختکاری داده و در حق استفاده، از آب اسبق از شما باشند.

ممانعت از استفاده‌ی آب

سؤال ۹۹۷: روستای ما با چهارصد خانوار از چهار طایفه‌ی بزرگ و چند طایفه‌ی کوچك تشکیل شده است، و از نظر آب آشامیدنی به شدت در تنگنا هستیم. اما در شش کیلومتر بالاتر از روستای ما، چشمه آبی بزرگ و پر آب وجود دارد که چنان‌چه آب را به اهالی محل مذکور بدهند به خوبی آب آشامیدنی روستای مذکور تأمین گشته و این مشکل حیاتی حل می‌گردد. لکن یکی از طایفه‌های بزرگ محل، که حدوداً یك چهارم جمعیت روستا را تشکیل می‌دهند، ادعای مالکیت چشمه مذکور را دارند و سند ارائه می‌کنند که چشمه مذکور را اجدادشان، در روزگار قدیم خریداری نموده و حالا به آنان ارث رسیده است و هیچ کس از طایفه‌های دیگر محل، به جز همین طایفه، حق استفاده از آب مذکور را ندارند و فعلاً مقداری از آب فراوان این چشمه‌ی بزرگ را همین طایفه که ادّعای مالکیت چشمه مذکور را دارند، استفاده می‌کنند و بقیه آب چشمه به

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۳۷۳

صورت سر ریز و اضافه به بیابان‌ها ریخته می‌شود و در نهایت به دریا می‌رود. حال الف) با توجه به این که حدودا سه چهارم جمعیت محل مذکور از بی‌آبی رنج می‌برند و به شدت در تنگا هستند، آیا طایفه‌ی مذکور می‌تواند به صرف مالك بودن آن چشمه، دیگران را از استفاده کردن آب مذکور منع نماید و آب اضافه چشمه را به جای استفاده برادران هم محلی، به بیابان‌ها و دریا بریزد؟ ب) آیا چشمه را که یك سرمایه ملی و حیاتی است، می‌شود عده‌ی خاصی مالك شوند و استفاده کنند و بقیه را به بیابان‌ها بریزند و دیگران محروم باشند؟

(جواب): بسمه تعالی الف) مقدار اضافی که به طرف دریا و بیابان می‌فرستند، حکم اعراض از ملك دارد و تصرف دیگران جایز است.

ب) اگر چشمه طبیعی بوده و با احیاء کسی درست نشده است، ملك کسی نیست و حکم مباحات اولیه را دارد و استفاده برای عموم آزاد است و اگر کسی احیاء نموده ملك او و ورثه اوست، لیکن جایز نیست دیگران را محروم کنند. و به هر حال باید در دادگاه روشن شود که این طائفه احیا کرده یا چشمه از اول همین‌طور بوده است و نیز در ملك شخصی آن‌ها بوده یا در اراضی عمومی است؟

نذر

سؤال ۹۹۸: اینجانب نذر کرده بودم در صورت برآورده شدن حاجتم به مبلغ معینی قربانی انجام دهم و گوشت آن را به زائرین امام هشتم تقدیم نمایم. حال با توجه به این که انجام شرط مشکل شده است آیا می‌توانم آن مبلغ را جهت تهیه‌ی قربانی به استان قدس تقدیم کنم، تا به روش موجود، در آشپزخانه انجا طبخ شود و در اختیار زائرین قرار گیرد؟

(جواب): بسمه تعالی اشکال ندارد و سفارش کنید که حتماً پول شما صرف قربانی شود.

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۳۷۴

مساقات

سؤال ۹۹۹: فقهاء (رضوان الله علیهم) فرموده‌اند در موارد فساد مساقات به عامل اجرت المثل پرداخت می‌شود. بفرمایید هرگاه اشجار ثمره‌ای ندهد، آیا باز هم به عامل اجرت المثل پرداخت می‌گردد و در صورتی که محصول کم شود و اجرت المثل بیش‌تر از حصه او از محصول باشد، باز هم به عامل به اندازه‌ی اجرت المثل پرداخت می‌گردد؟

(جواب): بسمه تعالی می‌توان گفت خودش با قرار مساقات، اقدام به سهم کمتر از اجرة المثل کرده است و بیش از سهم محصول طلب ندارد لیکن اگر بگوییم آن اقدام مقید به صحت معامله بوده و اینك کشف فساد شده آن گاه اجرة المثل طلب دارد لیکن نوعاً این تقید در انشاء لحاظ نشده است.

احکام وقف

سؤال ۱۰۰۰: ملکی وقفی سال‌ها در تصرف پدرم به عنوان متولی بوده و حدود بیست سال است که در اجاره من و خواهرانم می‌باشد، خواهرانم مقداری از آن را احیا نموده‌اند- که قبلاً مورد استفاده نبوده است. آیا اجاره‌ی مزبور صحیح است؟ و آیا انجام اعمال و عبادات شرعیه در این ملك صحیح است؟ آیا متولی فعلی می‌تواند اجاره را به هم

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــ

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۳۷۵

موقوفه مذکور منع کرد و آیا حاکمی می تواند حکم به عزل متولی نماید؟

(جواب): بسمه تعالی مادام که فساد و افسادی از متولی شرعی موقوفه، ثابت نشده عزل او جایز نمی‌باشد.

سؤال ۱۰۰۲: زمین موقوفه‌ای که منافع آن وقف حضرت سیدالشهداء علیه السلام بوده است و دارای متولی خاص نبوده، فعلا بخشی از آن توسط مردم محل تبدیل به قبرستان گردیده و بخش دیگر آن فعلا بلا استفاده می‌باشد، و سؤال این است: الف» حکم اموا تی که در آن بخش دفن شدند، چیست؟ ب» آیا می‌شود زمین دیگری را به جای این زمین وقف حضرت سیدالشهداء علیه السلام کرد و تمام زمین موقوفه قبلی را تبدیل به قبرستان نمود؟

ج» آیا می‌شود از وراث کسانی که در آن زمین دفن شدند وجهی به عنوان اجاره دریافت کرد و برای حضرت سیدالشهداء علیه السلام خرج کرد؟ د» در صورتی که دریافت اجاره صحیح باشد، آیا فرقی بین سادات و شهداء با دیگر اموات در مقدار وجه اجاره وجود دارد یا خیر؟

(جواب): بسمه تعالی الف» اگر منافع زمین وقف حضرت است، باید حتما هرگونه منافعی که می تواند داشته باشد، صرف روضه خوانی حضرت شود، و احیاناً در مورد زوار آن حضرت که درمانده‌اند، اگر روضه ممکن نشد. ضمناً اموات از این جهت مشکلی ندارند. ب» اجاره دفن اموات باید گرفته شده و خرج روضه شود.

ج» اگر تبدیل به قبرستان شود و اجاره قبرستان صرف روضه شود اشکالی ندارد.

د» از ترکه میت، وجه اجاره اخذ و در روضه اداء می‌شود. ه» فرقی نیست. افراد در این جهت یکسان هستند.

سؤال ۱۰۰۳: خانمی شیعه غیر ایرانی که نمی توانسته است بر طبق قانون ایران، مالك اموال غیر منقول گردد، با هزینه خود، شخصی ایرانی را واسطه و مباشر می‌نماید تا در ایران زمینی را خریداری نموده، و برای امور خیریه، مسجد، کتابخانه و ... بسازد.

شخص ایرانی با هزینه کامل بانوی مذکور اقدام به خرید زمین و احداث بنا می‌نماید و از آنجا که سند املاك به نام شخص واسطه و نماینده بوده است، وقف نامه‌ای رسمی تنظیم می‌نماید و خود را به عنوان واقف و چهار نفر را به عنوان متولی تعیین می‌نماید، و در وقف نامه می‌نویسد که بوسیله هزینه خانم خریده است. خانم مذکور به محض اطلاع،

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۳۷۶

نارضایتی خود را از وقف نامه یاد شده و جعل تولیت اعلام می‌نماید و تقاضای ابطال وقف نامه را می‌نماید. الف) با عنایت به این که ملك و هزینه واقعاً و به اذعان شخص نماینده متعلق به بانوی مذکور بوده است، آیا وقف نامه صحیح است یا خیر؟ و آیا اصل وقفیت محقق شده است یا خیر؟ ب) آیا متولیان تعیین شده در این وقف نامه که بدون رضایت مالك واقعی و اطلاع ایشان منصوب شده‌اند، می توانند ادعای تولیت یا مداخله در امور وقف بنمایند؟ ج) پس از ابطال وقف نامه توسط نماینده و قبول موضوع توسط وی به صورت توافقی، وکیل خانم (که وکالت رسمی در وقف و تعیین تولیت داشته است) با اطلاع کامل خانم با شخص نماینده توافق می‌کند که اصل وقفیت املاك مذکور به قوت خود باقی باشد و املاك به نام وکیل خانم وقف شود و وکیل و شخص نماینده هر دو متولی وقف باشند. بر این اساس، وقف نامه دیگری با رضایت و زیر نظر واقفه تنظیم و با خواندن صیغه وقف، متولیان وقف از سال ٧٦ تا کنون عمل به وقف کرده‌اند. اکنون یکی از متولیان وقف نامه اول مدعی ابطال وقف نامه اخیر و صحت وقف نامه اول و تولیت خود شده است. آیا وقف دوم صحیح است یا باطل؟ و آیا متولیان وقف اول که غیر مأذون و غیر منصوب از مالك واقعی (واقفه) بوده و توسط همان نماینده و مباشر بدون اختیار نصب شده بوده‌اند و تاکنون نیز هیچ اقدامی در قبول و عمل و تعرفه و غیره نکرده‌اند؛ می توانند ادعایی داشته باشند یا خیر؟

(جواب): بسمه تعالی الف) چون وقف باید در ملك واقف باشد و بحسب قوانین ایران خانم مزبور مالك نبوده چاره‌ای جز این نبوده که واقف، شخص واسطه یا یك ایرانی دیگری که سند به نام او شده باشد، باشد. لیکن در متن واقع، واقف، خانم مزبور است. و وقف به حسب واقع صحیح است، اگر واسطه در متن واقع از طرف خانم، انجام داده باشد. ب) اگر واسطه مزبور مأمور و مجاز برای تعیین متولی نبوده، متولیان مزبور تولیت ندارند. ج) اگر وقف اولی باطل بوده است، وقف جدید لازم است و حتماً وقف باید از طرف واقف باشد، هرچند از نظر رعایت قوانین بنام وکیل وقف شود؛ لیکن در متن واقع باید مالك واقعی زمین (خانم مزبور) وقف کند و او متولی را تعیین می‌کند. خلاصه واقف باید مالك باشد و اگر برای حفظ ظاهر قوانین به نام دیگری ملکیت آن ثبت شده، لیکن واقف حقیقی مالك واقعی می‌باشد. و تعیین متولی هم از طرف مالك واقعی می‌باشد.

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۳۷۷

سؤال ١٠٠٤: احتراماً به استحضار می‌رساند واقفی در سنه ١١٧٤ هجری قمری رقباتی که شامل چهار قریه بوده را شش دانگ و به صورت صحیح و شرعی وقف مؤبد و حبس مخلد ملّی نمود بر جناب سید الشهدا علیه السلام و امور عام المنفعه، قراء موصوف دارای اراضی زیر کشت، بایر، چراگاه و مرتع می‌باشد که چون اراضی بایر، چراگاه و مرتع دارای بوته‌های گیاهان بیابانی است، از زمان جاری شدن صیغه وقف تا حال به صورت طبیعی مورد تعلیف و بهره‌دهی همگان قرار می‌گیرد و از قدیم الایام تا کنون نیز عمل به وقف می‌شود، ضمناً اراضی بایر، چراگاه و مرتع به صورت قطعه، قطعه در وسط مزارع کشاورزان و چهار قریه وقف شده و بعضاً کنار آنها قرار دارد، یعنی قریه‌ها و مزارع کشاورزان به نحوی اراضی یاد شده را احاطه نموده‌اند که عرفاً اراضی بایر، چراگاه و مرتع حریم مزارع و روستاها محسوب می‌شود و در سنه ١٣١٢ هجری شمسی قریه‌های وقف شده فوق الذکر اعم از قراء، اراضی زیر کشت، مراتع و چراگاه تحدید حدود، نقشه برداری و به ثبت رسیده و هم‌اکنون دارای سند

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــــــ

صحیح است. ٤- اگر ثابت هستند- که ظاهراً این‌طور است- صحیح است.

سؤال ۱۰۰۷: قریب به چهل و پنج سال پیش، فرد خیّری، زمینی را جهت احداث حمام در روستایی وقف نموده است. عین موقوفه هیچ‌گونه شناسنامه‌ای در اداره اوقاف آن شهرستان ندارد، و تولیت آن نیز با فرزند ارشد واقف می‌باشد. سه سال است که عین موقوفه از حیّز انتفاع خارج گردیده و معطل و متروك مانده است و اهالی آن روستا نیز

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۳۷۹

هرگز قصد تجدید بنا را ندارند. اما در محل، کارهای ناتمام زیادی مانده است، نظیر مسجد جدید الاحداث که نیاز به تعمیرات فراوان دارد؛ از همه مهم‌تر حسینیه محل است که به جهت کمی مساحت امکان حضور همه مهمانان حضرت سیدالشهداء علیه السلام در آن‌جا وجود ندارد و خانم های روستا به جهت کمی مساحت حسینیه مطلقا امکان حضور ندارند. فلذا با توجه به موارد ذکر شده و نیت واقف که خیراندیشی بوده، آیا شارع مقدس این اجازه را به نوه واقف می‌دهد تا با خرید عین موقوفه (زمین) در جهت ساخت و احداث و یا اضافه نمودن موارد صدرالذکر اقدام گردد، تا روح واقف نیز از این امر خوشنود، خرسند گردد.

(جواب): بسمه تعالی در شرایط خاص مزبور که امکان استفاده از حمام نیست، و با توجه به این‌که طبق تحقیقات معموله، نظر واقف در وقف حمام رفع نیاز محل در آن موقع بوده و نیاز محل، اصل بوده، نه عنوان حمام ولو در غیر محل. فروش زمین مزبور و صرف در حسینیه یا مسجد مورد نیاز محل، اشکالی ندارد.

سؤال ۱۰۰۸: در روستای ما از سابق یك مکانی به نام خیرات است که سابقاً برای استراحت مسافرین استفاده می‌شده است. لیکن اکنون به مخروبه و زباله دان تبدیل شده است. آیا می‌شود مکان مذکور را بفروشیم یا اجاره دهیم و مبلغ به دست آمده را در امور خیریه خرج نماییم؟

(جواب): بسمه تعالی اگر به هیچ وجه امکان استفاده در مورد وقف نباشد و حتی افراد خیری نباشند که بنایی در آن مکان برای استفاده مسافران بسازند، آن مکان را اجاره دهید و وجه اجاره را برای مسافران خرج کنید. اگر بتوانید به عنوان منزل عالم- عالم مسافر مثل طرح هجرت- استفاده کنید، خوب است. همه این‌ها در فرض وقف است که ظاهرا این‌طور می‌باشد.

سؤال ۱۰۰۹: شخصی چیزی به مسجد داده در آن مسجد آن چیز لازم نشده؛ آیا می توانند آن چیز را بفروشند قیمتش را به همان مسجد مصرف نمایند یا نه؟

(جواب): بسمه تعالی اگر حتماً منظورش خصوص آن مسجد بوده، اشکال ندارد؛ لیکن اگر نظر به خصوص آن مسجد نبوده، عین آن چیز را به مسجد دیگری که نیاز هست بدهید و اگر نبود، آن وقت بفروشید و قیمتش را به مسجد بدهید.

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۳۸۰

سؤال ۱۰۱۰: اراضی اطراف امامزاده سید اسحاق علیه السلام در ساوه حدوداً بیش از یکصد سال قبل در ید و تصرف پدران ما بوده و با حفر چاه‌های عمیق در آن به کشاورزی و باغداری اشتغال داشته‌اند و بعد از درگذشت

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــــــ

(جواب): بسمه تعالی اگر زمین و درخت‌های آن وقف بر روضه‌خوانی است، به هیچ وجه نمی‌توان تصرف دیگری نمود، حتی برای زیارت یا تعمیر زیارتگاه. هیچ کس حتی اداره‌ی اوقاف نمی‌تواند تصرفی دیگر در آن انجام دهد. اداره‌ی اوقاف برای تعیین‌متولی هم بهتر است با روحانیون محلی یا مجتهدان اطراف مشورت نماید.

سؤال ۱۰۱۳: وجدانم ناراحت است ... عذاب وجدان دارم و از زندگی سیر شده‌ام ...

سنم بیست و هفت سال است.

(جواب): بسمه تعالی توکل بر خدا کنید، و مصائب اولیاء خدا و ائمه را زیاد یاد کنید.

سؤال ۱۰۱٤: احتراماً به استحضار می‌رساند شخصی رقباتی را وقف بر تعزیه‌داری خامس آل عبا حضرت امام حسین علیه السلام نموده است، و تولیت موقوفه مذکور را در نصّ صریح وقف‌نامه بدین صورت تعیین نموده است: «تولیت اعیان موقوفه مذکور را اولاً مفوّض و مبذول داشت به ولد صلبی خود، ما تعاقبوا و تناسلوا، نسلاً بعد نسل، و بطناً بعد

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۳۸۲

بطن، به شرط تقدّم بطن اعلی بر بطن اسفل، و بعد از انقراض ایشان تولیت اعیان موقوفه را مفوّض نمود به اولاد مذکور از بطن اولاد اناث از ذکور آقا محمّد هادی وهکذا ما تعاقبوا نسلاً بعد نسل و بطناً بعد بطن، به شرط تقدّم بطن اعلی بر بطن اسفل» و با عنایت به این که واقف وظایف متولّی را در هر طبقه از طبقات به نحو مفصل تعیین نموده است.

حال سؤال این است: آیا اینجانب که اولاد ذکور از بطن اولاد اناث از ذکور آقا محمّد هادی و هم اکنون متولی شرعی و قانونی موقوفه مذکور می‌باشم و بر طبق واقف تعیین گردیده‌ام، متولی منصوص هستم یا خیر؟ (ضمناً متولی منصوص به چه متولیانی گفته می‌شود؟)

(جواب): بسمه تعالی ۱- شما متولی منصوص هستید.

۲- منصوص کسی است که در متن عبارت واقف، به طور خصوص یا مصداق عموم ذکر شده باشد.

۳- لیکن آیا شخص دیگری، مصداق آن عموم نیست؟

٤- اگر کس دیگری هم، از اولاد ذکور از بطن اناث، از بطن ذکور .. محمّد هادی وجود دارد و شرایط متولی را دارا می‌باشد، در آن صورت آن‌ها هم منصوص هستند.

و تعیین شما یا یکی از آن‌ها نیاز به دادگاه و حکم قضایی دارد که یکی از شماها را معین کنند.

۵- اگر کس دیگری جز شما نیست یا حاضر نیست عمل به وظائف تولیت کنند منحصر در شماست.

سؤال ۱۰۱۵: اینجانب حدود ۳ سال، متأسفانه نسبت به نماز و خمس اموالم بی‌اعتنا بودم. تا این که پس از جستجوی بسیار موفق به ازدواج شدم ولی مدت کوتاهی پس از عقد- در حالی که من بعلت افشا شدن برخی مطالب در مورد خانواده مقابل، شدیداً متحیر بودم، به اصرار خانواده مقابل و پس از کشمکشهای فراوان طلاق جاری شد.

گرچه خود را تبرئه نمی‌کنم و ممکن است در این ازدواج ظلم یا خلافی هم از جانب من سر زده باشد، ولی پس از آن بحمد الله متنبه شدم، و ضمن سعی در اقامه مرتب نمازهایم به محاسبه خمس اموالم از ابتدا تا کنون پرداختم.

ولی علیرغم مطالب بالا و نیاز به ازدواج هرچه تلاش و دعا می‌کنم امکان آن فراهم نمی‌شود و کارد به استخوان رسیده

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۳۸۳

است. برخی می‌گویند مشکل ناشی از نفرین خانواده مقابل در ازدواج قبلی بوده در صورتی که من دیگر رابطه‌ای با ایشان ندارم و کاری از دستم ساخته نیست. حال به نظر حضرتعالی گره این کار کجاست و چه باید بکنم تا دعایم مستجاب گردد و امکان ازدواج برایم فراهم گردد؟

(جواب): بسمه تعالی جز مداومت بر نماز شب دعا و توسل به ائمه اطهار علیهم السلام و زیارت عاشورا راهی به نظرم نمی‌رسد.

سؤال ۱۰۱۶: همان‌طور که در سایت شما نقل شده و در روایات زیادی نیز آمده، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در ظاهر با عموم مردم زمان خود یکسان بوده، به طوری که هر کس ایشان را نمی‌شناخت، قادر به تشخیص نبود؛ پس چرا قشر روحانیت در زمان ما که مبلغ شریعت ایشان است و خود را الگوی رفتار و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله می‌داند، باید در لباس بخصوص و جدا از عموم مردم زندگی کند، به نحوی که هر کس وارد شد فوراً از روی لباس و جایگاه آن‌ها در مسجد شناسایی شوند؟ خواهش می‌کنم منطقی جواب دهید با تشکر.

(جواب): بسمه تعالی ارتش آن حضرت هم لباس مخصوص نداشت پس نیروی انتظامی و نظامی هم لباس مخصوص نداشته باشند!! شرایط زمان نیاز مردم به شناخت افراد برای رجوع در مسائل، این مطلب را الزام می‌کند.

سؤال ۱۰۱۷: هرگاه بر مردد وقف کند آیا وقف صحیح است و با قرعه می‌توان موقوف علیهم را مشخص نمود یا وقف باطل است. مثلاً وقف مردد است که برای اولاد ذکور انشاء شده است یا برای اولاد غیر ذکور؟

(جواب): بسمه تعالی وقف بر مردد واقعی اعتبار ندارد ولی اگر واقع عند الانشاء معلوم بوده سپس مبهم و مشتبه شده با قرعه تعیین می‌شود.

سؤال ۱۰۱۸: زمین موقوفه‌ای از قابلیت کشاورزی خارج شده است. آیا می‌توانند آن را به خانه یا مغازه تبدیل کنند و عوائد آن را در جهت وقف مصرف کنند یا باید آن را فروخته و به مثل یا اقرب به نظر واقف تبدیل کنند و آیا بین وقف منفعت و وقف انتفاع تفاوت وجود دارد؟

(جواب): بسمه تعالی تبدیل به زمین کشاورزی دیگری شود و آن زمین وقف شود. اگر آن هم جواب نمی‌دهد آنگاه به هر چیزی که درآمد بیش‌تر است تبدیل کنید.

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۳۸۴

سؤال ۱۰۱۹: هرگاه فرد جدیدی به افراد موقوف علیهم افزوده شود مثلاً بر علمای شهر وقف نموده و عالم جدیدی موجود شود، در صورتی که موقوفه را اجاره داده باشند، آیا اجاره نسبت به حصه فرد جدید فضولی بوده و متوقف بر اجازه او است یا نه؟

(جواب): بسمه تعالی توقف بر اجازه‌ی فرد جدید ندارد.

سؤال ۱۰۲۰: هرگاه مالی را بر صغیر وقف کنند و لکن ولیّ طفل به قصد خود و برای خود قبض کند، آیا قبض او

کالعدم است و بنابر این وقف تمام نشده و واقف حق رجوع دارد یا قبض صورت گرفته و قصد ولیّ که به قصد خود قبض نموده است کالعدم می‌باشد و در نتیجه قبض صورت گرفته و وقف تمام شده است؟

(جواب): بسمه تعالی قبض مزبور برای صغیر انجام شده و قصد خودش با فرض وقف بر صغیر، هیچ اعتباری ندارد.

سؤال ۱۰۲۱: هرگاه واقف پس از عقد و قبل از قبض در خصوصیات موقوف علیهم قیودی را ذکر کند یا برخی افراد را در موقوف علیهم داخل کند، آیا نیاز به صیغه جدیدی برای وقف است (وقف سابق باطل شده است) یا همان صیغه سابق کافی است؟

(جواب): بسمه تعالی به نظر اینجانب پس از تمامیت وقف امکان اخراج و ادخال وجود ندارد هر چند قبل از قبض باشد مگر با ابطال وقف و انشاء عقد جدید. مگر این‌که در متن عقد اول اشاره به این اختیار شده باشد مثلاً: وقف بر این‌ها و گروهی که بعداً با این وصف، زیاد یا متولد شوند.

بیع موقوفه

سؤال ۱۰۲۲: در مورد جواز بیع موقوفه بفرمایید؛ الف) آیا باید با پول موقوفه مثل آن خریداری شود، یا اقرب به غرضِ واقف خریداری شود یا هر چه مصلحت است خریداری شود، هر چند مماثل یا اقرب نباشد؟

(جواب): بسمه تعالی به نظر می‌رسد اقرب به غرض واقف ملاك است و اگر نوعاً امثل را گفته‌اند برای این است که نوعاً امثل به غرض نزدیکتر است.

ب) هرگاه بیع موقوفه به جهت اختلاف شدید بین موقوف علیهم باشد، آیا باید با پول آن چیزی خریداری گردد که اختلاف مرتفع، یا اقرب به غرضِ واقف یا مماثل خریداری گردد؟

(جواب): بسمه تعالی اقرب به غرض.

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۳۸۵

ج) در مواردی که واقف شرط کرده که اگر احتیاج شدید برای موقوف علیهم یا واقف حاصل شد مال موقوفه را بفروشند، آیا باید تمام ثمن به آن‌ها داده شود یا به مقداری که احتیاج شدید برطرف می‌شود بدهند و با بقیه مماثل یا اقرب به غرضِ واقف خریداری گردد؟

(جواب): بسمه تعالی احتیاج حیثیت تعلیلی است نه تقییدی. ولی احتیاط خوب، بلکه لازم است. به این‌که مازاد از نیاز در مسیر وقف اقرب به غرض، قرار گیرد.

سؤال ۱۰۲۳: هرگاه مالی را وقف کنند و قبل از تحقق قبض توسط دیگری تلف شود و بدل آن پرداخت گردد آیا بدل آن نیاز به انشاء جدیدی برای وقفیت دارد یا همان انشاء سابق کافی است؟

(جواب): بسمه تعالی چون وقف منجز نشده بود و عین تلف شده، باید انشاء وقف جدید شود و صرف بدلیت کافی نیست.

وقف در غیر ملك

سؤال ۱۰۲٤: ملکی متعلّق به همه وارثین است که یکی از ورّاث بدون اذن و اجازه‌ی دیگر وارثین، ملك مذکور را «وقف» کرده است. آیا این «وقف» شرعاً صحیح است؟

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــــــ

سلامت واقف تا زمان قبض

سؤال ۱۰۳۰: اگر واقف عینی را وقف کند اما قبل از این که به قبض موقوف علیهم دهد، واقف محجور گردد، یا بی‌هوش و یا مجنون شود، آیا وقف باطل می‌شود؟

(جواب): بسمه تعالی جنون موجب بطلان است، اگر قبض را لازم بدانیم (که می‌دانیم) لیکن اغماء موجب بطلان نیست مگر طویل المدة باشد، حجر موجب بطلان است.

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۳۸۷

شرط وجود موقوف علیه

سؤال ۱۰۳۱: با توجه با این‌که وجود موقوف علیه در صحت وقف شرط است و وقف بر معدوم به تبع موجود صحیح است بفرمایید، آیا مراد از وجود موقوف علیه وجود آن‌ها در هنگام انشاء وقف است یا وجود آن‌ها در حین قبض می‌باشد یا در هر دو. مثلاً اگر در زمان انشاء وقف موجود بودند و بر موجود و نیز معدوم به تبع موجود وقف شد و سپس موقوف علیه موجود، معدوم شد، آیا وقف صحیح است یا نه؟

(جواب): بسمه تعالی منظور وجود عند الانشاء می‌باشد. ضمناً به نظر اینجانب اگر مقتضی وجود، محقق باشد کافی است مثل وقف بر فرزندان اولاد خود که هنوز متولد نشده‌اند لیکن اولاد ازدواج می‌کنند و طبق عادت خویشان، معلوم است که بچه‌دار می‌شوند.

خرید مکان برای مؤسسه خیریه

سؤال ۱۰۳۲: مدتی است که با همت جمعی از خیرین و معتمدین، مؤسسه‌ی خیریه ایتام غدیر با مجوز رسمی از وزارت کشور و سازمان بهزیستی و شماره ثبت در حال فعالیت می‌باشد. درآمد مؤسسه‌ی خیریه از جذب کمک‌های مردمی از طریق عضویت‌های ثابت و توزیع صندوق صدقات بین علاقه‌مندان، تأمین می‌شود. لذا چون مؤسسه مکان ثابتی ندارد و تعدادی هم پس‌انداز نموده‌اند جهت مسکن مورد نیاز مؤسسه، بفرمایید از محل صندوقات می‌توان مکانی به نام خود مؤسسه جهت اداره آن خریداری نمود یا خیر؟

(جواب): بسمه تعالی وجوه دهندگان باید به این جهت راضی باشند. می‌توانید به آن‌ها بگویید که برای مؤسسه خرج می‌شود، اعم از ایتام یا تشکیلات مربوطه.

جعاله

سؤال ۱۰۳۳: بنده طی یك قرارداد جعاله حمل اموال خود، بابت حق الزحمة عامل، یك فقره چك به ایشان داده‌ام. اما عامل نه تنها کار را به اتمام نرسانده، بلکه اموال امانی در ید خویش را مفقود نموده، و چك را به شخص ثالث منتقل کرده است. بنده نیز

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۳۸۸

شکایت خیانت در امانت علیه ایشان مطرح نموده‌ام که در دادسرا تحت رسیدگی است و شهود نیز خیانت در امانت را گواهی کرده‌اند. آیا با این وصف که بنده اموال خود را نیز از دست داده‌ام، مشروع است که پیش از تعیین تکلیف موضوع خیانت در امانت در محکمه کیفری، حق الزحمة حمل اموالی را که توسط عامل مفقود شده است، با

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــ
\ ٢٧٧
پرداخت وجه چك به شخص ثالث پرداخت نمايم. آيا شرعاً ملزم به پرداخت وجه چك هستم؟
(جواب): بسمه تعالى با فرض خيانت به هيچ وجه شما نبايد چيزى پرداخت كنيد. ولى بايد اين مطلب اثبات شود، و اگر نتوانيد اثبات كنيد كه چك مزبور مربوط به اين عمل ناتمام است، بايد پرداخت كنيد.
سؤال ١٠٣٤: آيا در جعاله حتماً بايد جعل بر انجام فعل قرار داده شود يا جعاله بر ترك نيز صحيح است؟ مثلاً اگر بگويد هر كسى كه قرارداد را فسخ نكند من به او اين مقدار مى‌دهم يا بگويد هر كس در مزايده شركت نكند و مزاحم خريد من نگردد به او اين مقدار اجرت مى‌دهم، آيا اين جعاله صحيح است؟
(جواب): بسمه تعالى جعل بر ترك هم صحيح است.

متفرقات

قناعت

سؤال ١٠٣٥: تعريف شما از قناعت چيست و آيا تلاش روزمره فردى كه براى خريدن لوازم بهتر زندگى است، فردى زياده خواه است يا ساعى؟
(جواب): بسمه تعالى اگر با وسايل قبلى، زندگى مى‌گذرد و حرج و مشكلى نيست، مازاد بر آن خلاف قناعت است، ليكن قناعت هم واجب نيست.

عكس پيامبر صلى الله عليه و آله

سؤال ١٠٣٦: آيا حضرتعالى عكسى را كه به عنوان تمثال حضرت محمّد صلى الله عليه و آله در بازار موجود است و حضرت را به صورت جوان كم سن و سالى نشان مى‌دهد، تأييد مى‌فرماييد؟
(جواب): بسمه تعالى نخير.

استفتائات(مجموعه‌اى از استفتائات)، ج٣، ص ٣٨٩

حديث قدسى «من عشقنى عشقته»

سؤال ١٠٣٧: بعضى مى‌گويند: خداوند متعال در حديث قدسى فرموده است: «من عشقنى عشقته ...». آيا به نظر حضرتعالى چنين انتسابى به خداوند متعال واقعيت دارد؟
(جواب): بسمه تعالى گرچه سند معتبرى ندارد؛ ليكن مطلب صحيح است، عشق غير از شوق است و اشكالى ندارد.

بوسيدن دست پيشوايان

سؤال ١٠٣٨: آيا حديث معتبرى داريم كه اصحاب و ياران رسول خدا صلى الله عليه و آله و امام على عليه السلام دست آن بزرگواران را مكرر بوسيده باشند؟
(جواب): بسمه تعالى طبق روايات ما هر دستى كه براى خدا بوسيده شود بوسيدن آن ثواب و اجر دارد. پيامبر و ائمه شايد به خاطر جلب عواطف انسانى از بسيارى امتيازات گذشت كرده‌اند؛ گرچه امام صادق عليه السلام به ابى حنيفه- طبق روايت- فرمود: دست مرا ببوس كه گوشت و پوست پيامبر را دارد.
سؤال ١٠٣٩: ١- آيا بوسيدن دست حضرت فاطمه عليها السلام توسط پيامبر اكرم صلى الله عليه و آله سنديت دارد، و آيا اسناد آن صحيح مى‌باشند؟ ٢- در صورت صحت آيا اين كار خلاف شان حضرت رسول صلى الله عليه و آله و ناقض افضليت ايشان بر حضرت صديقه كبرى عليها السلام نمى‌باشد؟

(جواب): بسمه تعالی اینجانب در مظان مدرك این مسأله تتبع کردم، نیافتم بوسیدن جلوی سر، بین سینه، گلو، لب و صورت ذکر شده است دست را نیافتم، البته اگر باشد عیب نیست. دست بوسی همه جا علامت کوچك بودن نیست گاهی برای صرف اظهار عشق و محبت است حتی دست بچه‌ی شیری را احیاناً می‌بوسند و برلب نگه می‌دارند. (کتاب‌های صحاح شش گانه‌ی اهل سنت، ج ٤، ص ١٢، فیض‌القدیرمناوی، ذخائر العقبی، بحار مرحوم مجلسی، جامع الصغیر سیوطی را تتبع کرده، نیافتیم).

استجابت دعا

سؤال ١٠٤٠: من در زندگیم بعد از فارغ التحصیلیم در دانشگاه با مشکلات زیادی روبه‌رو شدم. دست به هر چیزی- هر کاری می‌زنم خوب درنمی‌آید. واقعاً دارم دیوانه می‌شوم. از خدا هر حاجتی را می‌خواهم به من نمی‌دهد. با خودم فکر می‌کنم واقعاً

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج٣، ص ٣٩٠

خداوند این‌قدر از من بدش می‌آید که حرفهای من را گوش نمی‌دهد. بعضی وقت‌ها حتی به ائمه هم توسل کردم، نماز شب هم خواندم که شاید یك دری برام باز بشود، ولی ... نمی‌دانم چرا؟ برایم دعا کنید.

(جواب): بسمه تعالی دعا می‌کنم، لیکن نماز اول وقت، و نماز شب پیش از اذان صبح، و توسل از طریق زیارت عاشورا، به طور مداوم، مؤثر است. مطمئن باشید هرگز دعا بی‌اثر نیست، هرچند آن مطلب خاص را ندهند. مأیوس نباشید و مداومت کنید.

سؤال ١٠٤١: من چهار سال است کاری را شروع کرده‌ام تا قسمتی پیش می‌رود اما انجام نمی‌شود نذر کردم صدقه دادم، استخاره با قرآن گرفتم گفت خوب است اما نمی‌دانم چرا انجام نمی‌شود. مرا راهنمایی کنید.

(جواب): بسمه تعالی برای رفع مشاکل از نماز شب و زیارت عاشورا و دعاء توسل به طور مداوم غفلت نکنید.

تشخیص لیلة القدر؟

سؤال ١٠٤٢: احتراماً در خصوص زمان لیلة القدر ظاهراً سه نظریه وجود دارد: اول آن که اتحاد افق شرط ثبوت هلال است که بنابراین شب قدر در همه مناطق یکسان نخواهد بود. دوم آن که شب قدر عبارت است از یك دوره کامل شب در همه‌ی کره زمین پس فرقی نیست که آغاز ماه‌های قمری در همه مناطق یکی باشد یا مختلف. سوم به اعتبار آن که پیدایش هلال نسبتی میان ماه و خورشید است نه میان ماه و زمین پس با رؤیت هلال در هر یك از مناطقی که محل دیدن آن‌ها در شب است (نیم کره شرقی و یا غربی زمین)، حکم اول ماه رمضان است؛ لذا شب قدر در مناطق یاد شده یکسان است. سؤال:

با توجه به این که نزول قرآن کریم در یك شب خاص اتفاق افتاده، ولی اکنون در نقاط گوناگون شب قدر یکی نمی‌باشد؛ موضوع این اختلاف را چگونه می توان تبیین نمود؟

مستدعی است نظر عالی را در این مورد بیان فرمائید فرج حضرت بقیة الله الاعظم علیه السلام و طول عمر حضر تعالی و عزت مسلمین را مسئلت دارم.

(جواب): بسمه تعالی اصل لیلة القدر در عالم تجرد یکی است و در عالم طبیعت مثل همه‌ی امور متکثره که منشاء واحد دارند، در این عالم طبق افق‌های متعدد، متعدد می‌شود. بنابراین در عالم طبیعت به حسب افق‌های مختلف

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــــــ

سؤال ۱۰٤٦: اگر در کاری با تحقیق و پرس و جو، به نتیجه‌ای نرسیم و کلیه شواهد مخالف یك‌دیگر باشند برای پی‌بردن به حقیقت چه کار می توانیم انجام دهیم؟ (من در شرایط مختلف در این کار استخاره گرفتم که نتایج مختلفی به‌دست آمد. یك بار خوب، و بار دیگر بد) آیا حتماً استخاره بهترین راه است؟ اگر استخاره بگیریم و خلاف آن عمل کنیم گناه است؟ اگر استخاره بگیریم و به آن عمل کنیم به نتیجه مطلوب می‌رسیم؟

به غیر از استخاره، دعا یا راه حل دیگری برای پی بردن به حقایق پنهان هست؟

(جواب): بسمه تعالی عمل به استخاره واجب نیست، لیکن تجربه شده که شاید ۹۰ درصد طبق واقع است، میزان هم همان استخاره دفعه اول است، تکرار وجهی ندارد و اعتبار ندارد.

سؤال ۱۰٤۷: چگونه می توان به علم استخاره دست یافت و راهنمایی فرمائید انواع استخاره را بیان کنید؟

(جواب): بسمه تعالی به کتاب مفاتیح الجنان رجوع کنید انواع استخاره را بیان کرده است، اگر تخصص علمی فقهی و حدیثی دارید، به کتابهای وسائل الشیعه و مستدرك الوسائل و بحار رجوع کنید.

مشورت با قرآن

سؤال ۱۰٤۸: چگونه می توان با قرآن مجید مشورت کرد؟ منظورم استخاره نیست، زیرا استخاره برای انجام دادن کار بوده، بلکه منظورم این است که چگونه می توان در سختی‌ها و پیچ و خم های زندگی از قرآن مشورت گرفت و قرآن را که باز کردی به تو

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۳۹۳

بگوید: الان وقت ... است. آیا این کار مخصوص علما است؟ آیا در این زمینه کتابی هم هست؟

(جواب): بسمه تعالی چنین چیزی سراغ نداریم که به طور خاص به شما بگوید.

خداوند عقل داده، به عقلتان رجوع کنید، اگر نفهمیدید، با مشورت از عقل دیگران استفاده کنید.

شغل دعانویسی

سؤال ۱۰٤۹: چنان‌چه آقای «الف» که شخصی رمال (دعا نویس) است جدولی مشتمل بر اعداد ریاضی به عنوان دعای صد صلوات به شخص «ب» که فردی است که به خاطر بچه‌دار نشدن به وی مراجعه نموده، بدهد و «الف» بگوید آن را بسوزاند و توسط «ب» نیز سوزانیده شود بدون این که علم و آگاهی نسبت به اعداد و ارقام و جدول داشته باشد؛ آیا ارتکاب چنین کاری توسط شخص «ب» از مصادیق توهین به مقدسات اسلام تلقی می‌شود یا خیر؟

(جواب): بسمه تعالی اگر به عنوان صلوات بر پیامبر و ائمه یا اولیاء خدا باشد و سوزاندن این‌ها در نظر عرف اهانت حساب شود حرام است.

سؤال ۱۰۵۰: اینجانب به علت این‌که سادات هستم دارای شجره که منسوب می‌شود از پدر به امام حسن علیه السلام و اولاد ایشان جناب حسن مثنی، و از مادر جناب فاطمه بنت الحسین علیه السلام و مردم ما را به نام سید اجاق می‌شناسند و به علت مشکلاتی که دارند از ما درخواست می‌کنند قطعه نوشته‌ای به عنوان دعا برای حفاظت و سلامت و شفای مریض در اختیار آنان بگذاریم. وجهی هم به عنوان هدیه می‌دهند که ما آن را به عنوان خمس آل محمّد صلی الله علیه و آله از آنان دریافت می‌کنیم. از آن مقام محترم خواهشمندم دستورات لازم را مبذول فرمایید تا

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــــــ

و آیا چنین چیزی واقعاً محقق شده است یا نه؟

(جواب): بسمه تعالی سندی ندارد.

کتاب سلیم بن قیس

سؤال ۱۰۵۷: آیا کتاب سلیم بن قیس هلالی که به نام اسرار آل محمّد علیهم السلام چاپ شده، کتاب صحیح و متقن و معتبری است؟

(جواب): بسمه تعالی بیش تر مطالب کتاب سلیم بن قیس، با اخبار و روایات دیگر ما مطابقت دارد. مرحوم مجلسی در جلد اول بحار صفحه ۳۲ می‌فرماید: «کتاب سلیم بن قیس در کمال اشتهار می‌باشد. عده‌ای بر آن اشکال کرده‌اند، ولی حق آن است که از اصول معتبره می‌باشد». در جلد ۱ بحار هم صفحه ۷۶ توضیح بیش تری دارد، و در جلد ۲۸ صفحه ۹۵ بسیاری از مطالب آن را مطابق گزارش ابن ابی‌الحدید هم می‌داند.

انواع کتاب‌ها

سؤال ۱۰۵۸: ۱. نظر حضرتعالی در رابطه با جناب ابن المشهدی (که مرحوم علامه مجلسی از قول او این زیارت را آورده‌اند) و کتاب شریف او یعنی المزار الکبیر چیست؟

(جواب): بسمه تعالی علامه مجلسی کاملاً به او اعتقاد دارد و نیز سید رضی‌الدین و همین‌طور سید عبدالکریم ابن طاوس.

۲. آیا در مواردی که بر فرض، سند این‌گونه زیارات به عینه در دسترس نباشد می توان از قاعده‌ی تسامح در ادله سنن استفاده کرد؟

(جواب): بسمه تعالی اشکال ندارد.

۳. این که بعضی می‌گویند این زیارت از ساخته‌های سید مرتضی رحمه الله است بر چه مبنا است؟ و آیا عالم بزرگواری در شأن مرحوم سید، قائل به جعل در زیارات است؟

(جواب): بسمه تعالی منظور تنظیم از طرف خود است نه نسبت به امام. جعل در نسبت دادن به امام است.

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۳۹۶

خطبة البیان و حدیث نورانیت

سؤال ۱۰۵۹: ما هو رأیکم حول خطبة البیان وحدیث النورانیّة؟

(جواب): بسمه تعالی لم یثبت لدینا بطریق معتبر، لکن متن بعض الأحادیث کخطبة البیان یابی صدوره عن غیرالمعصوم. وکذلك حدیث النورانیّة وصرف التشابه لبعض اصطلاحات العرفاء والصوفیّة لا یدلّ علی الجعل والوضع.

پیرامون حافظ رجب البرسی

سؤال ۱۰۶۰: ما هو رایکم حول حافظ رجب البرسی صاحب کتاب مشارق انوار الیقین، القائل بانّه خمسماة آیة نزلت في امیرالمؤمنین. هل هو غال ام لا؟ هل هو صوفی أم لا؟ ما هو حکم اعتبار کتبه عندکم؟

(جواب): بسمه تعالی المهم انّ الآیات الواردة فی شان علی علیه السلام کثیرة وامّا شخص البرسی وکتابه ففیه وکتابه کلام.

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــــــ

(جواب): بسمه تعالی صریح آیة الإسراء کونه جسمانیا إلی الاقصی. وظاهر سورة النجم انه جسمانی إلی سدرة المنتهی. وظاهر بل صریح روایات المعراج انه جسمانی.

وقال المجلسي رحمه الله: «من انکر جسمانیة المعراج فهو ملحد متفلسف» لکن لیس اعتقاد هذا الأمر من أصول اعتقاد الإسلام بحیث یکون منکره کافرا الا مع العلم بالحقیقه وانکار کلام الرسول صلی الله علیه و آله. ولیس من أصول اعتقاد الشیعة بحیث یکون صرف هذا الانکار یدخل الشخص في زمرة أهل السنة. فیجب علی کل أحد اتقاء الله تبارك و تعالی في أمر الفرقة و تفرقة الامة.

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۳۹۸

درباره‌ی فلسفه

سؤال ۱۰۶۷: ما هو رأیکم حول تعلم الفلسفة والحکمة المصطلحه؟ هل هذا التعلم واجب ولازم علی کل طلبة أم لا؟

(جواب): بسمه تعالی اظن ان مقدارا منها لازم علی کل طالب سیما في زماننا. وان کان في بعض کلماتهم اشکالات، لکن الاشکالات في کتب سائر العلوم ایضاً کثیرة ولیس هذا أول قارورة کسرت في الإسلام.

ظهور امام زمان

(عج)

سؤال ۱۰۶۸: در روایتی از حضرت امام صادق علیه السلام نقل شده که ایشان فرموده‌اند:

همین که قائم علیه السلام بپا خیزد، امری جدید می‌آورد همان گونه که پیامبر صلی الله علیه و آله در آغاز ظهور اسلام، امری جدید آورد، با توجه به این که ما مجتهدین را به عنوان کسانی که در هر دوره‌ی زمانی دین را از تحریف حفظ می‌کنند، می‌شناسیم. و برای دست یابی به احکام درست و صحیح به آن‌ها مراجعه می‌کنیم، تفسیر صحیح این حدیث را بیان کنید؟

(جواب): بسمه تعالی معلوم نیست که دین جدید، یعنی از نظر عموم مردم که بیش تر سنّی هستند، یا حتی شیعه؟! از طرفی ممکن است مردم در عمل به برخی فتاوا کوتاهی می‌کنند و از فتاوا دوری می‌نمایند، و تدریجاً فراموش می‌شوند، یك احتمال هم هست که برخی از ظنون اجتهادی خلاف واقع باشند، گرچه مردم موظفند اطاعت کنند، چنان که ممکن است برخی خبرها و روایت‌ها خلاف واقع باشند، لیکن به هر حال باید به خبر واحد در فقه عمل کرد.

سؤال ۱۰۶۹: روایاتی دلالت دارند بر این که اسم مبارك قائم آل محمّد صلی الله علیه و آله را بر زبان نیاوریم، آیا این روایات شامل زمان ما نیز می‌شوند یا خیر؟ و اگر نه آیا اسم آقا را بردن بهتر است یا تخاطب ایشان با القاب خاصه‌ی ایشان؟

(جواب): بسمه تعالی به نظر من، شامل زمان ما هم می‌شود، و شاید ملاك آن هم احترام آن حضرت باشد. پس در خطاب و غیاب باید با القاب باشد نه اسم صریح.

فلسفه‌ی علم فلسفه

سؤال ۱۰۷۰: آیا حضرتعالی لازم می‌بینید که اساتید بارز معقول، حکمت و فلسفه، بحثی را به نام چیستی و چرایی فلسفه مطرح، تشریح و تدریس نمایند؟

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــ

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۳۹۹

مطلب معلوم می‌شود، تفصیل بیش تر لزومی ندارد. استاد می تواند نظرات جدید را همان جا مطرح کند.

هوش و حافظه

سؤال ۱۰۷۱: عقل، هوش و حافظه با هم تفاوت زیادی دارند. مثلاً افراد زیادی وجود دارند که عاقل هستند ولی باهوش نیستند، و هم‌چنین قدرت حافظه نیز در افراد مختلف است، در کتب در دسترس اینجانب مطالب زیادی در مورد روش‌های افزایش عقل و تقویت حافظه ذکر شده است. برای مثال در حدیثی منسوب به حضرت علی علیه السلام نقل شده است که فرموده‌اند «خوردن سرکه باعث افزایش عقل می‌شود» یا در کتاب مفاتیح الجنان آمده است که مداومت بر تعقیبات مشترکه نماز خصوصا دعای «سبحان من لا یعتدی علی أهل مملکته»، باعث تقویت حافظه می‌گردد. ولی در مورد تقویت قدرت هوش حدیث یا روایتی در منابع مذهبی مورد دسترس اینجانب نیست و دانشمندان علوم زیست شناسی و پزشکی اظهار می‌دارند که قدرت هوش در انسان ارثی و ژنتیکی بوده و از اجداد یا پدر و مادر به ارث می‌رسد. به عبارت دیگر خدادادی بوده و قابلیت ارتقاء و تقویت ندارد. با توجه به مطالب فوق از حضرتعالی استدعا می‌شود تا در مورد روش‌های تقویت هوش از نظر اسلامی و روایات اینجانب را راهنمایی فرمایید.

(جواب): بسمه تعالی تعدادی از مفاهیم، مربوط به هوش هستند؛ از جمله ذکاء، فطنة. در غررالحکم، صفحه ۳۲۲، حدیث ۷٤۷۵، آفت ذکاوت را مکر و حیله دانسته.

در وسائل الشیعه، جلد ۸، صفحه‌ی ۱۱۹: (۳۰ جلدی)، نماز خاصی را برای حفظ ذکر کرده، لیکن در متن عنوان فصل، عنوان «استحباب نماز ذکاوت»، ذکر شده است.

در مستدرك، جلد ٤، صفحه ۳۱۲ دستوری برای حفظ و سرعت فهم که همان هوش می‌باشد، دو روایت ذکر کرده است و در جلد ١٦ مستدرك در روایت آورده که هوش و شکم پر (پر خوری)، با هم جمع نمی‌شوند. اگر خودتان از طریق کامپیوتر، از راه مفاهیم ذکر شده، در کتاب‌های حدیثی، چون بحار الانوار جستجو کنید، شاید چیزهای خوبی پیدا کنید.

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۴۰۰

نشانه‌های آخر الزمان

سؤال ۱۰۷۲: به نظر جنابعالی آیا عصر حاضر بسیاری از نشانه‌های آخر الزمان موعود را ندارد، و آیا بعضی از نشانه‌های عامّه ظهور اتفاق نیفتاده است؟

(جواب): بسمه تعالی هنوز برخی نشانه‌ها محقق نشده است، از جمله این‌که این‌قدر طول می‌کشد که حتی مؤمنان به آن حضرت می‌گویند اگر راست بود تا به حال آمده بود! و تعین وقت، خلاف روایات می‌باشد و نباید قبول کرد.

محی الدین عربی

سؤال ۱۰۷۳: لطفاً نظر مبارك خود را در مورد كتب محی الدين عربی بيان فرماييد.

همان‌طور كه مستحضر هستيد كتب ايشان مشتمل بر وحدت وجود اطلاقی و تأويل آيات قرآنی می‌باشد از قبيل مؤاخذه حضرت هارون توسط برادرش حضرت موسی عليهما السلام (ممد الهمم ص ٥١٤) و اين كه حضرت نوح عليه السلام اهل تنزيه بود و عارف كامل اهل تنزيه و تشبيه است و اين كه نصاری كافر شدند چون خدا را منحصر در مسيح دانستند و غير ذلك و همين‌طور كافر دانستن حضرت ابوطالب (ممد الهمم ص ٣٢٥) و گفتار او در فتوحات كه عمر بن خطاب را معصوم می‌داند و هم‌چنين می‌گويد: «و لهذا ما نصّ رسول الله صلی الله عليه و آله بخلافه احد و لا عينه (ممد الهمم ص ٤٠٩) و اين كه فرعون طاهراً مطهراً اخذ شد (ممد الهمم ص ٥٤٦) و اهل نار در آتش، معذب نيستند بلكه عذاب برای آن‌ها عذب می‌شود و مخلد در آتش نيستند (ممد الهمم ص ٤٣٠) و اين كه در مبشره‌ای كتاب فصوص را از پيامبر صلی الله عليه و آله اخذ كرده است (ممد الهمم ص ٨) و هم‌چنين در فتوحات مكيه‌اش مرتبه علی عليه السلام را از مرتبه خلفاء ثلاثه پايين‌تر می‌داند و اين كه هر فتنه‌ای از شيعه است و رجبيون شيعه را به صورت خنازير ديدند و ...

با توجه به مطالب فوق لطفاً نظر مبارك خود را در موارد ذيل بيان فرماييد: الف) آيا ترويج اين افكار به اسم متون عرفانی صحيح است؟ ب) خريد و فروش اين كتب چه حكمی دارد؟ ج) آيا اين تأويلات تفسير به رأی نيست؟ د) در مقابل اين نوع افكار و عقايد، حوزه‌های علميه و فرهيختگان دينی چه وظيفه‌ای دارند؟

(جواب): بسمه تعالی به نظر من ايشان يك فرد سنی متعصب می‌باشد. سال‌ها پيش در جلسه‌ای برای جمعی از فضلاء حوزه علميه قم توضيح داده‌ام كه به‌طور خيلی

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۴۰۱

فشرده در يكی از شماره‌های مجله كيهان انديشه سال ٧٦ منتشر شده است. چندين شماره ديگر آن مجله در همان سال مباحثی درباره‌ی حركت جوهری و نتائج فلسفی و اخلاقی آن بحث و نيز بحثی در رابطه با بلوغ دختران از دروس اينجانب كه به وسيله برخی فضلاء حوزه پياده و نوشته شده چاپ شده است. می‌گويند كتاب‌های ايشان تحريف شده است؛ ليكن ما با اين كتاب‌ها سر و كار داريم، خود ايشان كه قرن‌هاست از دنيا رفته و حسابش با خداست.

تولی و تبری

سؤال ١٠٧٤: الف) جايگاه بحث تولی و تبری كجاست و اساساً اين موضوع جزء فروع دين است يا از مباحث اعتقادی می‌باشد و اگر از فروع دين می‌باشد چرا در فقه از آن بحثی به ميان نيامده و حدود و ثغور آن بيان نشده است؟ ب) تولی و تبری در دين و مذهب به چه معنايی می‌باشد و مراد از «دشمن» در اين بحث چه كسی می‌باشد؟ شرايط وجوب اين موضوع فراموش شده چيست؟ ج) اگر حكم شرعی منجر به قتل و يا خسارت به فرد يا گروهی گرديد، همانند تبری، آيا متبريان و كسانی كه مقدمات آن كار را فراهم كرده‌اند در آن خسارت شريك هستند؟ د) با توجه به فراز «فيسبوا الله» در آيه شريفه **ولا تسبوا الذين يدعون من دون الله فيسبوا الله عدوا بغير علم كذلك زيّنا لكل امة عملهم** اگر تبری منجر به زيان مالی يا جانی و يا بد نام شدن فرد يا افراد يك مذهب- در حال يا آينده- شد، آيا باز با وجود اين كه تبرای قلبی كفايت می‌كند، تبرای ظاهری در اين صورت

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــــــ

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۴۰۳

عظیم الشأن اسلام صلی الله علیه و آله بوده است. متدینین علاوه بر ساخت بارگاه، مسجدی نیز در کنار آن ساخته‌اند. آیا استفاده از وجوه شرعی مانند خمس، زکات، نذورات و وقفیات را برای کمك به ساخت آن بارگاه و مسجد مقدس جایز می‌دانید؟

(جواب): بسمه تعالی به صرف نوشته مزبور روی قبر چیزی جز این که مربوط به یك سیدی است ثابت نمی‌شود. صرف خواب هم دلیل نیست. حاجت گرفتن هم دلیل بر این قبر نیست. اگر یکی از فضلا به تحقیق خود اطمینان دارد، خود مسؤول می‌باشد و همین‌طور مراجعی که دستور اکرام داده‌اند، و اما صرف وجوه؛ هر مکان مقدسی که مورد مراجعه مردم و تعلیم و تعلم احکام اسلامی است از زکات می‌توان کمك نمود و اما خمس باید به اجازه مرجع باشد و اینجانب برای این‌گونه امور که هم قاطعیت ندارد و هم به خاطر اهمیت حفظ حوزه‌های علمیه، اجازه نمی‌دهم حفظ اساس و احکام اسلام به وسیله حوزه‌های علمیه می‌باشد. و اما نذورات برای آن مکان اشکال ندارد و صرف بشود.

عاشورا

سؤال ۱۰۷۶: بعض الأشخاص یقولون: «انّ یوم عاشورا یوم فرح وسرور، لأنّ الامام الحسین علیه السلام فنی في ذات الله تعالی وانتقل من عالم الکثرات الی عالم الوحدة.» ونحن حال کوننا عارفین بالله وسالکین له نفرح ونبکی بکاء الشوق والفرح لا بکاء الحزن.

العوام والذین هم لیسوا منّا (أی من العرفاء) هم یبکون ویندبون ویقیمون مجالس العزاء للحسین علیه السلام ولکنّا لا نفعل عملهم لانّا نری قضیة الحسین علیه السلام ذا جهتین الجهة الاولی المصائب والجهة الثانیة الفرح للامام علیه السلام لانه قد استخلص من سجن البدن والدنیا، ومستدرك قولنا مزاح بریر مع زهیر فی‌لیلة عاشوراء وشوق لقاء ربّه تعالی والسرور والاحمرار فی وجه سیدالشهداء علیه السلام. علی ایّ حال، لنا مستدرك آخر وهو شعر من المولوی فی مثنویه، هو یقول: شاعر أتی مدینة حلب ورای اقامة العزاء. الشاعر یخطئهم ویقول لهم: ابکوا علی حالکم واقیموا العزاء لانفسکم لا للحسین علیه السلام لانه استخلص من سجن البدن والدنیا.

(جواب): بسمه تعالی الف) لاریب فی أنّهم علیهم السلام مظلومون وکلّ انسان یتاثّر عاطفیا قبال الظلم علی بنی نوعه والشارع المقدس امضی هذه العاطفة کما بکی رسول الله صلی الله علیه و آله علی فوت ابراهیم ابنه، وبکی جمیع الانبیاء والمرسلین والائمة علیهم السلام

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۴۰۴

علی الحسین علیه السلام.

ب) کل مظلوم یغلب علی الظالم فی الدنیا او الآخرة ولو بنی علی النظر الی هذه الجهة لزم الشکر من الظالم لأنّه کان السبب لهذه الغلبة والموقعیة! الظلم امر قبیح شنیع لابدّ ان یقابل بالدفع والرفع ومن اسباب ذلك تحریك العواطف ومن اهمّ اسباب ذلك، البکاء. نعم من یبکی علی ذلك لیس تحت تأثیر هذه الجهة ای لا یبکی لتحریك الاغیار بل من جهة العواطف الانسانیة الکامنة فی نفسه.

ج) نحن مأمورون بالبکاء والتباکی واقامة مجالس العزاء لمصائبهم علیه السلام ولا ریب أنّ اطاعة شرع توجب الثواب.

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــــــ

متد غربی لباس

سؤال ۱۰۸۱: حکم استفاده از کراوات چیست؟ استفاده از مدال‌هایی که به شکل صلیب هستند چه حکمی دارد؟

(جواب): بسمه تعالی در زمان ما، دیگر عنوان «شکل صلیب» مطرح نیست و فروشنده و خریدار عنایت و توجه به آن ندارند و اشکال ندارد. لیکن اگر به عنوان صلیب‌مطرح شود و ترویج مسیحیت، مسلماً حرام می‌باشد و معامله با آن باطل است.

سؤال ۱۰۸۲: نقل شده هنگامی که هلاکوخان در سال ٦٥٦ هـ ق بغداد را فتح کرد امر

استفتائات(مجموعه‌ای از استفتائات)، ج۳، ص ۴۰۶

کرد از علماء سؤال شود کدام یك افضل است: «سلطان کافرِ عادل یا سلطان مسلم جائر؟» وقتی که علماء در مستنصریه جمع شدند و هر کدام نظری دادند سپس سید بن طاووس که در مجلس حاضر بود کاغذی درخواست کرد و در آن به خط خود نوشت:

«الکافر العادل أفضل من المسلم الجائر» خواهشمند است نظر شریف را مرقوم بفرمایید.

(جواب): بسمه تعالی مطلب درستی است باین معنی که حکومت باظلم باقی نمی‌ماند پس برای بقاء حکومت و دوری از هرج و مرج و حفظ اجتماع، کافر عادل مقدم است.

سؤال ۱۰۸۳: مدت‌ها است که می‌خواهم استخاره‌ای بگیرم از طریق تلفن امکان‌پذیر نیست. جوانی هستم ۲۵ ساله، قصد شروع کاری را دارم، مشکلات مادی فراوانی دارم خانه و شغل مناسب ندارم و با کارگری به امورات زندگی ام می‌رسم که همیشه در مضیقه و سختی هستم امسال خداوند دختری به من عنایت کرد با این اوضاع مانده‌ام چگونه زندگی را اداره کنم. از شما تقاضای ذکری و دستوری می‌نمایم در نامه‌ای که به آیت الله بهجت نوشتم ایشان دستور خواندن نماز جعفر طیار و دعای اللهم اغننی بحلالك عن حرامك ... را داده‌اند ولی افاقه نکرد. از شما تقاضای دستور و ذکری جهت رفع کلیه مشکلات می‌نمایم.

(جواب): بسمه تعالی به نظر ما چیزی مهم‌تر از مداومت- حتماً مداومت- بر نماز شب، و رعایت اول وقت در همه‌ی نمازها، و مداومت بر زیارت عاشورا نیست. البته همه‌اش برای خدا نه به قصد حاجت معین، حاجت را ضمناً بخواهید.

در ارتباط با جن

سؤال ۱۰۸٤: ۱- حکم شرعی کسی که منکر وجود موجوداتی به اسم جن می‌باشد چیست؟ ۲- آیا تسخیر جن ممکن است یا خیر و حکم شرعی آن چیست؟ ۳- آیا در میان اجنه مذاهب مختلف چون شیعه و سنی و جبرگرا و ... وجود دارد یا خیر؟ ٤- آیا احکام فقهی متعارف از قبیل طهارت و نجاست و احکام معاملات و نکاح ... شامل جنیان نیز می‌شود؟ ٥- ازدواج با جن ممکن است یا خیر و حکم شرعی آن چیست؟

(جواب): بسمه تعالی ۱- مادام که به انکار قرآن- با توجه به این که قرآن کلام خداست- برنگردد اشکالی ندارد. ۲- ممکن است، ولی از این جهت که ایجاد سلطه بر دیگری، بدون رضایت اوست، و ایجاد محدودیت و سلب آزادی اوست، جایز نیست.

مجموعه آثار آیت الله العظمی گرامی ـــــــ